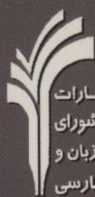
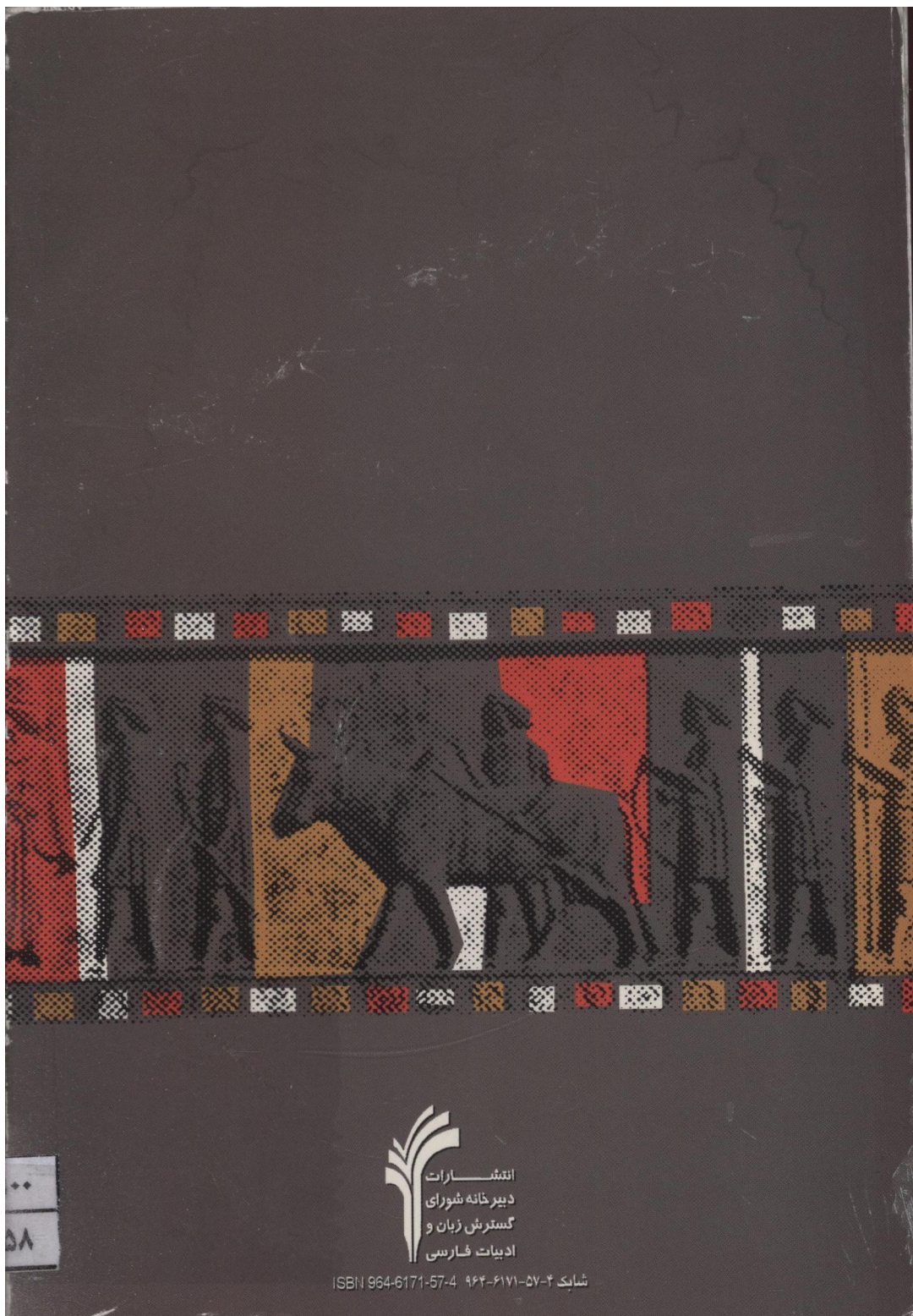


ایران شناسی و ایران شناسان در قلمرو یوگسلاوی پیشین

دکتر یاشار رجب آگیچ





انتشارات
دبیرخانه شورای
گسترش زبان و
ادبیات فارسی

شابک ۳-۵۷-۶۱۷۱-۹۶۴-۴ ۹۶۴-۶۱۷۱-۵۷-۴ ISBN 964-6171-57-4

۵۸

ایران اسلامی و ایران مدرن و دوقلمی و یوگسلاوی

THE
JOURNAL
OF
THE
ROYAL
ANTHROPOLOGICAL
INSTITUTE

اسکن شد

۷۸۰۸۵



ایران شناسی و ایران شناسان

در قلمرو یوگسلاوی پیشین

دکتر یاشار رجب آگیچ

دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی

پاییز ۱۳۷۹

رجب آگیچ، یاشار، ۱۹۴۰ -

ایران‌شناسی و ایران‌شناسان در قلمرو یوگسلاوی پیشین / یاشار رجب آگیچ؛ ترجمه جمشید معظمی گودرزی. - تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، دبیرخانه، ۱۳۷۹.

ISBN 964-6171-57-4

ص. ۲۴۸

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. ۲۰۷ - ۲۲۷.

۱. ایران‌شناسی -- یوگسلاوی. ۲. یاران شناسان.

الف. معظمی گودرزی، جمشید، ۱۳۳۴ - ب. شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی. دبیرخانه.

ج. عنوان.

۹۵۵/۰۰۷۲

الف ۳/ ۶۴/ DSR

۱۳۷۹

۱۳۴۲۳-۷۹م

کتابخانه ملی ایران



نام کتاب: ایران‌شناسی و ایران‌شناسان در یوگسلاوی (پیشین)

طرح تحقیق: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - بلغراد

مجری طرح: دکتر یاشار رجب آگیچ

ترجمه: جمشید معظمی گودرزی

حروفچینی: شیوا رثوف پناه

تاریخ و نوبت انتشار: پاییز ۱۳۷۹ - چاپ اول

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

ISBN: 964-6171-57-4

شابک: ۹۶۴-۶۱۷۱-۵۷-۴

نشانی: تهران، میدان بهارستان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، طبقه سوم

دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، تلفن و دورنویس: ۳۱۱۲۵۴۰

فهرست مطالب

یادداشت نخست	۳
مقدمه	۷
مفهوم ایران‌شناسی، توسعه آن در جهان، به ویژه در اروپا	
و در بالکان	۱۳
سهم علمی و تأثیر فرهنگی ایران‌شناسان	
در قلمرو یوگسلاوی پیشین	۵۳
زبان و ادبیات فارسی در کتب	
و نشریات درسی کنونی یوگسلاوی	۱۰۸
برجسته‌ترین ایران‌شناسان و فارسی‌دانان در یوگسلاوی	۱۱۷
محمد بیگ کاپتانوویچ لیوبوشاک	۱۱۸
یوگرافی محمد بیگ کاپتانوویچ	۱۱۹
بررسی و تحلیل آثار کاپتانوویچ	۱۲۰
نتیجه‌گیری:	۱۲۷
صفوت بیگ باشاگیچ	۱۳۱
ارزش و خدمات علمی آثار ایران‌شناسی	
فهمیم با یراکتاروویچ	۱۷۱
خلاصه:	۱۹۷
نتیجه‌گیری:	۱۹۸
فهرست منابع:	۲۰۷
فهرست اعلام	۲۲۹

یادداشت نخست

موضوع "تحقیقات ایران‌شناسی و بارزترین ایران‌شناسان در قلمرو یوگسلاوی پیشین" که عنوان این تحقیق جامع و کتاب حاضر قرار گرفته است مسئله‌ای است که از نظر تئوری تاکنون آن‌گونه که شایسته و بایسته بوده است بدان پرداخته نشده و بسیار کم مورد بررسی قرار گرفته است و از این رو می‌توان گفت این موضوع و ابعاد مختلف آن تا حدودی ناشناخته باقی مانده است.

مروری بر تاریخ بالکان بویژه در ابعاد فرهنگی حاکی از آن است که در طول قرن‌ها در بسیاری از بخش‌های یوگسلاوی پیشین و بخصوص در کشورها و مناطقی که مدت زیادتری تحت حکومت ترک‌ها باقی ماندند، بسیاری از میراث‌های زبانی، ادبی، فلسفی، تعلیم و تربیتی، دینی و کلاً فرهنگی و علمی شرقی و بویژه اسلامی (هر چند با آمیزه‌های فرهنگ عثمانی و بعضاً

جلوه‌هایی غیر واقعی از فرهنگ اسلامی) متمرکز شده و بخشهایی از آن باقی مانده است. وجود این میراث بر دو واقعیت اساسی دلالت دارد: اولاً، تماسها و ارتباط بالکان و فرهنگ ایرانی به ویژه ادب فارسی، هر از چند گاه و با تناوب صورت می‌گرفته است، ولی بدون شک این ارتباطات از جنبه‌های زیادی بسیار مهم و قابل توجه بوده است. دومین واقعیت که اساس تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد، تأثیر ویژه، همه‌جانبه و عمیقاً قابل لمس فرهنگ فارسی، افکار اسلامی - فلسفی و علمی و سنت ایرانی، تاریخ و بسیاری از ویژگیهای آن بر مردم این منطقه که از اقوام مختلفی تشکیل شده‌اند، می‌باشد.

این امری تصادفی و یا گذرا نبوده که در گستره یوگسلاوی پیشین بسیاری از افرادی که با ادبیات کلاسیک فارسی آشنا بودند، با آثار خیام یا سعدی به طور گسترده‌ای مأنوس شده و یا اینکه به ترجمه و تفسیر اشعار حافظ، سعدی و فردوسی اشتغال داشتند.

گرچه پیش از این نیز این رایزنی برای دستیابی به پیشینه زبان و ادبیات فارسی در عرصه یوگسلاوی پیشین و مدون کردن آن، کار تحقیقی دیگری را تحت عنوان "پیشینه زبان و ادب فارسی در یوگسلاوی پیشین" به سامان رسانده است، اما انتظار می‌رود تحقیق حاضر که در گامی فراتر، موضوع تاریخ ایران‌شناسی و ایران‌شناسان و تبعاً زبان فارسی در یوگسلاوی پیشین را به طور وسیعتر و جامعتر مورد بررسی قرار داده است، بیش از پیش مورد استفاده پژوهشگران این رشته قرار گرفته و گام مؤثری باشد در جهت حفظ آثار فرهنگ درخشان ایران و زبان و ادب فارسی که در این منطقه از بالکان توسط فرهیختگان فارسی دوست به یادگار مانده است.

شایان گفتن است، از آنجا که در نظر است اصل کتاب حاضر به زبان صربی - بوسنایی به عنوان سندی ماندگار از میراث فرهنگی ایران در بالکان

با همکاری دانشکده ادبیات دانشگاه بلغراد منتشر و در اختیار مراکز علمی، پژوهشی، کتابخانه‌ها و سایر علاقمندان به فرهنگ و ادب ایران زمین قرار گیرد، بدون تردید، پرداختی اجمالی به مقوله‌های ایران‌شناسی، فرهنگ ایران و زبان و ادبیات فارسی و نام آوران عرصه فرهنگ و ادب فارسی، امری اجتناب‌ناپذیر می‌نمود، از این رو فصل اول کتاب حاضر به بررسی کوتاه و فشرده موضوعات فوق که بیشتر به کار مخاطبین خود در بالکان می‌آید، اختصاص داده شده است.

حمید محمدی

رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - بلغراد

فروردین ۱۳۷۹

مقدمه

”همه جوشم و سر در وفای تو دارم“ (رومی)

فقدان تحقیق گسترده در خصوص موضوع ”ایران‌شناسی و بارزترین ایران‌شناسان در قلمرو یوگسلاوی پیشین“ سبب گشته تا این دیدگاه تداعی شود که در گذشته در این منطقه در رابطه با علم، فرهنگ، آموزش و پرورش، زبان، الهیات و مسائل روزمره هیچ تغییری رخ نداده و در این رابطه هیچگونه تأثیر و ارتباط متقابل احساس نمی‌شود. این در حالی است که تحقیق حاضر نشان می‌دهد میراث معنوی ناشی از حضور فرهنگ ایرانی - اسلامی در این منطقه از قرن ۱۴ و ۱۵ میلادی وجود داشته و تقریباً تا زمان حاضر با محتویات جدید تکمیل شده و با شرایط ویژه و خاص منطقه‌ای تطبیق یافته است. این میراث همچنین در زمینه‌های مختلف کار و عملکرد و روابط اجتماعی خود را نمایان کرده و زندگی انسانی را پیش برده است.

برخی از مؤلفین آثار مکتوب (و ادبی) زبان فارسی و همچنین زبان محاوره‌ای و لهجه‌های مختلف زبانهای ایرانی را مورد مطالعه قرار داده و آنها را ترویج کرده‌اند. آنها همچنین مهمترین ادوار پیشرفت و رشد ادبیات پارسی را بررسی و تشریح کرده و یا اینکه به تحلیل آثار مشخص ادبی - هنری پرداخته‌اند. همچنین نویسندگانی هستند که در مورد ایده‌های دینی - اخلاقی و دیدگاههای تعلیم و تربیتی مندرج در متون نویسندگان پارسی - ایرانی از قبیل عطار، و همچنین سایر افراد کمتر مشهور، مطلب نوشته‌اند.

با گذشت زمان در این منطقه از بالکان یک سری نویسندگان برجسته و در درجه اول شاعران خلاق، متفکران فیلسوف، معلمین، متخصصین علوم نظری و تاریخ ادبیات فارسی، مؤلفین آثار در زمینه علوم الهیات و یا برخی از رشته‌های الهیات و همچنین محققین که مجذوب و شیفته میراث و دستاوردهای معنوی ایرانی بودند، ظهور کردند. این افراد بطور پیوسته به این ارزشها پرداخته و سهم بسزایی در ایران‌شناسی و تحقیقات ایران‌شناسی ایفا نمودند.

با در نظر گرفتن این واقعیت که در این کار تحقیقی امکان بررسی و تحقیق درباره تمامی این محققین، عملکرد و اهمیت آثار آنها در ایران‌شناسی وجود ندارد، این تحقیق دربردارنده بخش و فصول زیر خواهد بود:

- بخش مقدماتی

۱ - مفهوم ایران‌شناسی، توسعه آن در جهان، بخصوص در اروپا و بالکان

۲ - سهم و نقش علمی و تأثیر فرهنگی ایران‌شناسان در قلمرو یوگسلاوی سابق

۳ - محمد بیگ کاپتانویچ لیوبوشاک، دکتر صافت بیگ باشاگیچ، دکتر فهیم بایراکتارویچ - کارهای علمی و نقش و سهم آنها در ایران‌شناسی

۴ - نتیجه گیری

۵ - فهرست منابع

کاملاً واضح است که بدون آشنایی حداقل جزئی با برجسته‌ترین شخصیتها و آثار نمایندگان علم، عقاید فلسفی و کلام هنری پارسی - ایرانی، امکان تحلیل و تفسیر دقیق ایده‌های اساسی و اولیه و همچنین میزان تأثیر آثار متخصصین علوم نظری و همچنین آنهایی که از پیروان علم و فرهنگ پارسی - ایرانی در این منطقه بودند، وجود ندارد. این ارتباط و تأثیر دو جانبه نشان خواهد داد که در این منطقه تعداد قابل توجهی از دانشمندان و خلاقان هنری وجود داشته که با دقت فراوان تحقیقات ایران‌شناسی و مکاتب و جنبشهای مختلف معنوی را مطالعه کرده و سعی داشته که ایده‌ها، افکار و جدیدترین نتایج کار این جنبشها و شخصیتهای برجسته گذشته دور و نزدیک ملت ایران و میراث فرهنگی آنها را هر چه کامل‌تر و بهتر نشان دهند و حتی برخی از آنها سعی داشته که این دستاوردها را بطور علمی و متقصدانه تفسیر نمایند.

در هیچ مرحله‌ای از توسعه فکر انسانی امکان انحصار کامل و منزوی بودن مطلق هیچ فرهنگ و تمدنی وجود ندارد. برعکس، تاریخ همه تمدنها و بخصوص بزرگترین و برجسته‌ترین آنها، نشان دهنده این بوده که این تمدنها بر یکدیگر تأثیر گذاشته و دارای پیوند متقابل بوده‌اند.

شایسته است که درباره همه آنهایی که از بین ترکها، بوشنیاکی‌های مسلمان، آلبانی‌تباران، صربها، کرواتها، اسلونها، مقدونیه‌ها و سایر ملل و اقوام یوگسلاوی سابق، به امر ایران‌شناسی پرداخته‌اند، بطور ویژه تحقیق و مطالعه انجام گیرد و در این راه در درجه اول باید از روشهای تاریخی و تطبیقی و همچنین متد تحلیل تئوری استفاده شود.

تحقیقات نشان می‌دهند که دانشگاههای با قدمت زیاد از قبیل دانشگاه بلغراد و همچنین دانشگاههای زاگرب و لیوبلیانا و همچنین در بین دانشگاههای با قدمت کمتر، دانشگاه سارایوو و مدارس ترکی - اسلامی در

اسکوپیه، بیتولی، ساریوو، پریزن و موستار برای زبان و ادبیات فارسی و همچنین سایر رشته‌های ایران‌شناسی علاقه زیادی از خود نشان داده‌اند. در مؤسسات آموزش عالی نسلهای زیادی از محققین در زمینه فرهنگ، زبان و میراث علمی ایرانی تربیت شده‌اند. این نوع مطالعات تحقیقاتی طبیعتاً دارای آمار زیادی بوده و دربردارنده یک سری حقایق، ایده‌ها، گزارشها و سایر اطلاعات می‌باشد. در اجرای این تحقیق اصول و شرایط مهم تحقیقی زیر در نظر گرفته شده است:

۱ - عرضه و معرف واقعی و حقیقی^(۱) سنتها، آداب و رسوم، تاریخ، زبان، فرهنگ، آموزش و پرورش، دین، توسعه علم و فلسفه و همچنین ویژگیهای قومی پارسیان و سایر ملل ایرانی؛

۲ - اصل معرفی کامل وقایع و شخصیتها، کارهای آنها، ایده‌ها و سهم کلی آنها؛

۳ - تحقیقات انجام شده بر اساس نمونه‌هایی از مناطق زیادی و در بین ملل و اقوام مختلف جامعه و کشور یوگسلاوی سابق؛

۴ - در نظر گرفتن این دیدگاه که انگیزه‌های علمی و فلسفی و دلایل ادبی نویسندگان، فلاسفه و سایر متفکران را صرف نظر از دوری جغرافیای (ایران در جنوب غربی آسیا و در خاورمیانه قرار داشته در صورتی که یوگسلاوی سابق عمدتاً در شبه جزیره بالکان و در جنوب شرقی اروپا قرار دارد)، ویژگیهای متعدد و تفاوت‌های بین ایرانیان و سکنه محلی این منطقه، با هم مرتبط کرده است.

۵ - لزوم بکارگیری و بررسی بسیاری از متون دست‌نویس شرقی و

۱ - اعتبار واقعیت - که امری که به عنوان یک واقعیت در زمان مشخص ثابت شده است - را این عبارت لاتینی بخوبی توصیف می‌نماید: "حقیقت فرزند زمان خود می‌باشد."

سایر منابع منتشر شده در مراکز پیشرفته شهری (سارایوو، زاگرب، بلگراد، پریشینا، پریرزن، استانبول، پاریس، تیرانا و سایر مراکز) و در برخی از مؤسسات (از قبیل کتابخانه‌های دانشگاهی، کتابخانه‌های مدارس علمی مشهور، تکیه‌ها و سایر کتابخانه‌ها).

این رساله تحقیقی بطور خلاصه حاصل بررسی منابع زیادی و همچنین نتیجه مشاهدات و تفکر همه‌جانبه مؤلف می‌باشد. این کار شاید در درجه اول برای آنهایی مفید باشد که خیلی کم و یا بطور سطحی با مسئله فرهنگ ایرانی در این منطقه و همچنین با سهم ایران‌شناسان یوگسلاو آشنا هستند. همچنین این اثر می‌تواند به عنوان مشوق و عامل محرکی برای تحقیقات گروهی بلند مدت در رابطه با موضوعات ذکر شده و آن هم با بکارگیری روشهای مختلف فنی و علمی - متدولوژیکی باشد.

انتظار می‌رود که این تحقیق بخصوص حضور قابل توجه زبان فارسی در این منطقه را نشان دهد. البته نباید این واقعیت را فراموش نمود که امروز نیز بیش از یکصد میلیون نفر در دنیا در کشورهای ایران، تاجیکستان، افغانستان، در برخی از مناطق هند، پاکستان و بنگلادش به زبان فارسی تکلم می‌کنند، در صورتی که قبلاً بطور خیلی وسیع‌تری مورد استفاده بود.

فارسی در گذشته زبان علما و افراد تحصیلکرده، و قبل از همه هنرمندان سخن و آن هم در قلمرو بسیاری از کشورهای متمدن: از سواحل اقیانوس اطلس تا اقیانوس آرام، از سنگاپور تا اسپانیا، از بغداد تا بیزانس و همچنین در کشورهای اروپای شرقی، برای مثال در آلبانی، یوگسلاوی، بوسنی و هرزگوین، مقدونیه، یونان، بلغارستان، کرواسی و مجارستان، بوده است. حتی تأثیر زبان فارسی در زبان محلی همه این کشورها قابل احساس بود.

امید است این تحقیق برای قشر وسیع علمی، فرهنگی و تعلیم و تربیتی مفید و سودمند واقع شود.

مفهوم ایران‌شناسی، توسعه آن در جهان، به ویژه در اروپا و در بالکان

امروزه چند رشته علمی خاص وجود دارد که به بررسی و مطالعه جوامع خاص فرهنگی می‌پردازد، از قبیل هندشناسی، مصرشناسی، سینولوژی و یا چین‌شناسی^(۱)، بالکان‌شناسی، آلبانی‌شناسی و غیره و همچنین ایران‌شناسی.

نزدیکترین واژه‌ها به ایران‌شناسی و تحقیقات ایران‌شناسی عبارتند از: عرب‌شناسی، آسیاشناسی، مصرشناسی، هندشناسی، شرق‌شناسی، اسلام‌شناسی و ترک‌شناسی. به طور خلاصه مفهوم واژه‌های زیر را توضیح خواهیم داد:

۱- عرب‌شناسی رشته‌ای علمی تئوری بوده که به مطالعه در مورد زبان و ادبیات و هنر عرب می‌پردازد. این رشته طی قرون وسطی به وجود آمده، و با تحقیق در مورد منابع و کتب دینی، فلسفی و پزشکی عربی توسعه یافت. با مطالعه در مورد ویژگیهای زبان عربی اولین گروه‌ها و کرسیهای زبان عربی

۱ - سینولوژی به مطالعه زبان چینی، تاریخ، فرهنگ، ادبیات و هنر چین می‌پردازد.

خیلی زود در اروپا تأسیس گشت و یکی از اولین کرسیهای زبان عربی در دانشگاه پاریس در سال ۱۲۵۰ بنیاد گذاشته شد. چنین کرسیهایی همراه با بخشهای شرق‌شناسی در کنار پاریس در رم، آکسفورد، بولونی و سایر مراکز علمی اروپا وجود داشت.^(۱)

۲- آسیا شناسی علمی است که به مطالعه زبان، تاریخ و فرهنگ ملل آسیایی می‌پردازد.^(۲)

۳- مصر شناسی شاخه‌ای از شرق‌شناسی است که به بررسی زبان، تاریخ، فرهنگ و دین مصر باستان و کشورهای که تحت نفوذ آن بودند می‌پردازد. مصر شناسی در اروپا در اوایل قرن نوزدهم و در روسیه در اواخر همین قرن بنیاد گذاشته شد.

۴- هند شناسی مجموعه علوم بوده که به مطالعه در مورد زبانها، ادبیات، تاریخ، فلسفه، آداب و رسوم و سایر جنبه‌های فرهنگی هند می‌پردازد. در وهله اول دانشمندان انگلیسی به هند شناسی و آن هم پس از فتح این کشور در قرن هیجدهم (برای مثال H. H. Wilson, W. Jones و دیگران) پرداختند. ایران‌شناسی با هندشناسی مرتبط بوده و این امر را به خوبی گروه زبان هند و ایرانی که خود شاخه‌ای از زبان هند و اروپایی می‌باشد نشان می‌دهد. مردم کشورهای ایران، هند و افغانستان و غیره با این زبان صحبت می‌کردند. این دو گروه زبان دارای اشتراکات زیادی در طریقه ادای کلمات، شکل کلمات و ساختمان آنها هستند.

۵- ایران‌شناسی علمی است که به مطالعه و بررسی در مورد زبانها،

۱ - ریچارد سیمئون Richard Simeon، فرهنگ واژه‌های زبان‌شناسی A-O زاگرب، ۱۹۶۹، ص. ۹۹.

۲ - در مورد زبانهای آسیایی می‌توان به منبع فوق در صفحه ۱۳۸-۱۳۷ مراجعه نمود.

تاریخ، فرهنگ، ملل ایرانی و ادبیات و هنر آنها می‌پردازد.

سرآغاز این علم با اولین ترجمه کتاب اوستا به زبان فرانسوی در سال ۱۷۷۱ و مطالعه زبان اوستایی و پهلوی مرتبط می‌باشد.^(۱) درباره ایران‌شناسی می‌توان گفت که علمی خاص و نسبتاً مستقل بوده و در عین حال نیز شاخه‌ای از شرق‌شناسی است.

۶- شرق‌شناسی مجموعه‌ای از رشته‌های علمی بوده که به مطالعه در زمینه زندگی، آداب و رسوم، زبان، ادبیات، تاریخ، هنر، دین و سایر ابعاد زندگی مردم مشرق زمین (ملل آسیایی و آفریقای شمالی و شرقی) می‌پردازد، اگرچه در این رابطه تعاریف متعددی وجود داشته و حتی عده‌ای بر این عقیده هستند که واژه شرق‌شناسی نامناسب است. بطور کلی این رشته در برگیرنده ایران‌شناسی، عرب‌شناسی، ترک‌شناسی، هندشناسی، آسیا‌شناسی، مصرشناسی و سایر رشته‌ها و شاخه‌های علمی می‌باشد. از این جهت واژه‌هایی از قبیل: زبانهای شرقی^(۲)، فرهنگ شرقی، شرق‌شناس^(۳)،

۱- در مورد زبانهای ایرانی به منبع فوق (صفحات ۵۶۰-۵۵۹) مراجعه شود. همچنین بخصوص می‌توان به کتاب زبانهای ایرانی اثر م. ی. اورانسی چاپ مسکو در سال ۱۹۶۳ نیز مراجعه نمود.

۲- زبانهای شرقی که موضوع مطالعات شرق‌شناسان بوده را زبانهای ملل آسیایی، آفریقای شمالی و شرقی تشکیل می‌دهند. این زبانها در درجه اول عبارتند از: عربی، اتیوپی، عبری، ژاپنی، چینی، فارسی، سانسکریت، سوریه‌ای، زبان مصری باستان، ترکی و دیگر زبانها. در کشور ما زبانهای عربی، ترکی و فارسی دارای تأثیر و نفوذ خاص بوده‌اند.

۳- به طور خلاصه شرق‌شناس کسی است که متخصص در زمینه زبانها و فرهنگ ملل شرق باشد.

ادبیات شرقی^(۱) و غیره وجود دارد.

۷- اسلام‌شناسی به عنوان یک شاخه که در چهار چوب شرق‌شناسی توسعه یافته به مطالعه در زمینه زبانهای عربی، ترکی و فارسی از جنبه زبان‌شناسی پرداخته و آن را با تاریخ و ادبیات خاورمیانه و تعالیم دینی اسلام مرتبط می‌سازد.

۸- ترک‌شناسی به مطالعه و بررسی زبان، تاریخ، ادبیات، فرهنگ، آداب و رسوم و طریقه زندگی ترکها می‌پردازد. زبان ترکی به عنوان زبان رسمی در امپراطوری ترکیه در فاصله زمانی بین قرون ۱۶ و ۱۹ توسعه یافته و تحت تأثیر شدید زبانهای عربی و فارسی، بخصوص در زمینه واژه‌ها، قرار داشت.

در رابطه با ترک‌شناسی و تأثیر زبان ادبی ترکی واژه‌ای تحت عنوان ترکیزم (Turcizam) در یوگسلاوی سابق به وجود آمده است، برای ذکر نمونه کاربرد این واژه می‌توان به کتاب عبدالله اشکالیچ تحت عنوان "ترکیزم در زبان صربوکرواتی" و همچنین کتاب ای.اسیخ تحت عنوان "ترکیزم - فرهنگ واژه‌های ترکی، عربی و فارسی در زبان ادبی و محاوره‌ای کرواسی" مراجعه کرد. با کاربرد این واژه سعی بر ثابت کردن این مسئله است که تعداد کثیری از واژه‌های شرقی، بخصوص واژه‌های عربی و فارسی از زبان ترکی و یا از طریق زبان ترکی به عاریه گرفته شده است. بنابراین "ترکیزم واژه‌های به عاریه گرفته شده از زبان ترکی و یا از طریق زبان ترکی می‌باشد"^(۲) که در

۱ - واژه‌های تخصصی‌تر این رشته عبارتند از: ادبیات شرقی ملل دوران عثمانی، و یا عبارت تخصصی‌تر از آن: ادبیات شرقی ما (یوگسلاوی) در دوران عثمانی.

۲ - عبدالله اشکالیچ (Abdullah Skaljic)، ترکیزم در زبان صربوکرواتی، ساریوو،

زبانهای دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. با ورود ترکها به بالکان و تماس آنها با ملل بالکان ترکیزم شروع به گسترش در بالکان و در بین ملل اسلاو نمود.^(۱)

با بررسی واژه‌های زیر می‌توان به نتایج اصولی زیر دست یافت:

اولاً: تحقیقات ایران‌شناسی اغلب در چهارچوب شرق‌شناسی بوده و یا اینکه با ترک‌شناسی، عرب‌شناسی و با علوم و یا شاخه‌ای از علوم دیگر مرتبط بوده است.

دوم: دیدگاه عمومی این بوده که از نظر اصول و اسلوب، وقتی که در مورد آثار برخی از شخصیتها سخن می‌رود، تمایز قایل شدن بسیار سخت است. اینجا برای مثال صحبت از نویسندگان و مؤلفینی از یوگسلاوی سابق است که به چند زبان شرقی مطلب نوشته‌اند (برای مثال: صافت - بیگ باشاگیچ، فهیم بایراکتارویچ و دیگران) و در زمینه عرب‌شناسی، ایران‌شناسی و ترک‌شناسی سهم بسزایی داشته‌اند. در هر حال در آثار عرب‌شناسان و ترک‌شناسان همیشه مطالب مفید، مهم و قابل استفاده برای ایران‌شناسی وجود دارد. بهترین مثال برای این واقعیت واژه‌نامه‌ها و فرهنگهای لغت می‌باشد. در اینجا اسامی چند فرهنگ لغت را ذکر می‌کنیم: "ترکیزم - واژه‌نامه کلمات ترکی، عربی و فارسی در زبان کروات ادبی و عامی"، دکتر ایوان اسیخ (زاگرب، ۱۹۴۲)؛ واژه‌نامه ترکی، عربی و فارسی، دکتر جولوس تئودور زنکر (لایپسیگ، ۱۸۶۶-۱۸۷۶)؛ "فرهنگ واژه‌های ترکی، عربی و فارسی که توسط مردم بوسنی هرزگوین مورد استفاده قرار می‌گیرد"، (ساریوو، ۱۸۹۵).

در یک منبع به توضیح عمومی واژه‌های عرب‌شناسی، ترک‌شناسی و ایران‌شناسی بر می‌خوریم که "دربردارنده رسالاتی به زبانهای عربی، ترکی و

فارسی، واژه‌نگاری، ادبیات و تاریخ ادبیات و ترجمه این آثار ادبی صرف نظر از اینکه از چه زبانی ترجمه شده‌اند، بوده است.^(۱) ایران‌شناسی یک مفهوم بسیار وسیع بوده که نیازمند بررسی کامل است. پس از توضیح واژه اکنون سعی خواهیم کرد که به صورت سرفصل وار توسعه ایران‌شناسی در دنیا و بخصوص در اروپا و بالکان را توضیح دهیم.

ایران‌شناسی در برگیرنده تمامی بخشهای علمی است که به مطالعه موضوعات زیر می‌پردازد: گذشته فرهنگ، اقتصاد، سیاست و قدرت نظامی پارسی‌ها و همه ملل امروزی ایران^(۲)؛ آداب و رسوم، سنت، آموزش و

۱ - کتاب‌شناسی شرق‌شناسی یوگسلاوی از ۱۹۱۸ تا ۱۹۴۵، بیسرا نورودینویچ

(Bisera Nurudinovic)، ساریوو، ۱۹۶۶، ص. ۱۱

۲ - باید این مسئله را یادآوری کنم که در منطقه ایران در دوران باستان چندین تمدن بزرگ و کشور قدرتمند حضور داشت (ایلام، ماد و پارس). در اواسط قرن هفتم ایران تبدیل به بخشی از کشور بزرگ عرب شده، و برخی از بخشهای این کشور دارای استقلال گشته و در آنها حکومتهای تقریباً مستقل وجود داشت (طاهریان ۸۲۱-۸۷۳، صفاریان ۸۷۱-۹۰۱، آل بویه ۹۴۵-۱۰۵۵). پس از آن در قرن ۱۱ سلجوقیان در ایران به حکومت رسیده و در قرن ۱۳ مغولان بر این کشور حاکم شدند. سپس سلسله صفوی (۱۵۰۱-۱۷۳۶) طی حکومت خود یک دولت قوی را بوجود آورد. آن‌گاه سلسله قاجار از ۱۷۹۴ تا ۱۹۲۵ در ایران بر سر قدرت بوده که توسط رضا شاه پهلوی سرنگون شد. این شاه تا سال ۱۹۴۱ بر ایران حکومت داشته و در این زمان پسرش محمدرضا شاه پهلوی بر سر قدرت آمد که حکومت او نیز تا آغاز وقایع انقلاب اسلامی در ایران (۱۹۷۸) و ورود امام خمینی به ایران (اول فوریه ۱۹۷۹) و پیروزی نهایی انقلاب اسلامی (۱۱ فوریه

پرورش و دین ملل ایرانی و پارسی‌های باستان؛ فلسفه، روان‌شناسی و ویژگیهای اخلاقی پارسیان و به عبارتی ملت ایران؛ باستان‌شناسی، ابعاد مختلف هنر، خلاقیت ملی و سایر فرآورده‌های عقلی؛ همچنین توسعه، ویژگیها، غنی، فراگیری و زیبایی زبان و ادبیات فارسی. ایران‌شناسی این موضوعات و سایر موضوعاتی که در رابطه با ملل پارس - ایرانی و مکان اقامت آنها می‌باشد را بطور مداوم و متمرکز مورد مطالعه قرار می‌دهد و سعی آن بر این است که نسبت به هیچ موضوعی بی‌تفاوت نماند، و همچنین بر تأثیر موضوعی و یا بخشی از آن بیش از حد تأکید نداشته باشد (برای مثال تأثیر زبان و منابع ادبی).

ایران‌شناسی بخصوص درباره آن موضوعاتی به تحقیق می‌پردازد که در ایران دارای ویژگی خاص و مخصوص به خود می‌باشد از قبیل: عناصر یکسان و مشترک در زبان، ادبیات پارسی - ایرانی، فولکلور، پیشرفت و توسعه تاریخی و اجتماعی ملت پارس (ایرانی). بنابراین بطور خلاصه ایران‌شناسی را می‌توان به عنوان علمی در مورد زندگی معنوی و فرهنگ این ملت تعریف کرده که به خصوص به زبان و ادبیات ایرانی می‌پردازد. بر خلاف تحقیقات ایران‌شناسی، زبان‌شناسی ایرانی بطور دقیق و انحصاراً به مسائل زبان فارسی و ادبیات ایرانی (پارسی) می‌پردازد، یعنی اینکه این شاخه علمی به رشته خاصی پرداخته و آن را بطور دقیق‌تر و همه‌جانبه‌تر بر اساس تاریخ و نتایج عمومی ایران‌شناسی مورد بررسی قرار می‌دهد و به این منظور از روشهای خاص برای مطالعات در مورد زبان و ادبیات فارسی استفاده می‌کند.

در زبان‌شناسی ایرانی زبانهای ایرانی دارای مکان ویژه‌ای بوده که در

ادامه از صفحه قبل ۱۹۷۹) ادامه داشت. از این زمان در ایران تغییرات عظیم و بنیادی در همه زمینه‌ها آغاز شد.

بین آنها زبان فارسی زبان اصلی زبانهای ایرانی می باشد که متعلق به گروه زبانهای هند و اروپایی است. زبان فارسی به عنوان زبان ادبی از قرن دهم شروع به رشد سریع نموده و بر زبانهای ترکی و عربی و همچنین با واژه‌های خود، بر زبان بسیاری از ملل بالکان تأثیر زیادی گذاشت.^(۱) زبان‌شناسی ایرانی به مطالعه در زمینه زبانهای ایرانی قدیمی‌ترین دوران از قبیل زبانهای مادی، اوستایی، پارسی باستان می‌پردازد. همچنین زبانهای دوران میانه، یعنی زبانهای پهلوی، پازند، پارسی، سوگدیایی و غیره را مورد مطالعه قرار می‌دهد. زبانهای دوران جدید زبان فارسی (از قرن نهم) و همچنین زبانهای معاصر از قبیل افغانی، بلوچی، فارسی معاصر، کردی نیز موضوع مطالعه زبان‌شناسی ایرانی می‌باشد.^(۲)

زبان‌شناسی ایرانی در زمینه ادبیات به ظهور این ادبیات (فارسی) و بخصوص به "رئسانس فارسی"، یعنی زمانی که زبان مردمی و شاعران

۱ - در مورد کلمات و اصطلاحات فارسی متداول در زبان و گفتار ملل مسلمان در یوگسلاوی و همچنین در نزد غیر مسلمانان این منطقه به اثر اینجانب مراجعه شود: "فرهنگ اسلامی - پارسی و تأثیر زبان فارسی در یوگسلاوی، بلگراد، ۱۹۹۶، ص. ۵۳-۵۵. همچنین به بخش هفتم همین کتاب تحت عنوان زیر مراجعه شود: "واژه‌های با ریشه فارسی که در زبان ادبی آلبانیایی و همچنین در زبان گفتاری مورد استفاده در زبان عامی، ص. ۱۰۸-۱۰۱. بسیار مفید خواهد بود اگر که در زمینه واژه‌هایی فارسی‌الاصلی که امروزه در زبان سایر ملل بالکان مورد استفاده است نیز تحقیقی تطبیقی سازمان داده شود. این تحقیق بدون شک داری سهمی بسزا در زبان‌شناسی ایرانی و همچنین در بالکان‌شناسی خواهد داشت.

۲ - برای اطلاعات بیشتر در مورد این زبانها مراجعه شود به:

دائرة المعارف عمومی، جلد سوم، زاگرب، ۱۹۷۷، ص. ۶۷۲-۶۷۳.

برجسته آن غلبه یافت. برجسته‌ترین این شاعران عبارتند از: رودکی و دقیقی (قرن ۱۰)، فردوسی بزرگترین شاعر حماسی و همچنین منوچهری، عنصری و ناصر خسرو (قرن ۱۱)، خیام شاعر برجسته رباعیات، انوری و نظامی (قرن ۱۲)، سعدی، ابن‌یمین، ذاکانی و حافظ که بزرگترین استاد غزل است (قرن ۱۳)، جامی و دیگران (قرن ۱۵) و همچنین سایر مؤلفین نثر و نظم فارسی در طول قرون ذکر شده و پس از آن. زبان فارسی بیشتر از همه زبانهای ایرانی گسترده‌گی داشته و امروزه به عنوان زبان رسمی ایران معاصر محسوب می‌شود.^(۱)

در قرن دهم هنرمندان کلام مشهوری ظهور نمودند که در بین آنها بزرگترین شاعر و یا به عبارتی یکی از بزرگترین شاعران جهان به طور کل، یعنی ابوالقاسم منصور فردوسی (متولد بین ۹۳۰ و ۹۴۰، متوفی ۱۰۲۰) بوده که مؤلف حماسه ملی یعنی "شاهنامه" می‌باشد که در خلق آن ۳۵ سال کار کرد. شاعران آن زمان و بعد از آن و همچنین سایر ادیبان که مایل به نوشتن به زبان فارسی بودند، از زبان دری که زبانی کامل‌تر بود استفاده کرده و این زبان تبدیل به زبان رسمی شد. این زبان (دری) سریعاً در بین اقشار مختلف ایران گسترده شد و شاهنامه فردوسی، که خود به این زبان نوشته شده بود، در گسترش آن دارای بیشترین نقش بود. شاهنامه تنها تاریخ منظوم ایرانیان نبوده، بلکه اثری است که در نزد آنان عمیق‌ترین احساسات معنوی و احترام و ستایش نسبت به زبان فارسی را ایجاد نمود.^(۲) خود فردوسی با این کلام اثر

۱ - در مورد اهمیت زبان فارسی و نقش گسترده فرهنگی آن به کتاب "نگاهی کوتاه به جمهوری اسلامی ایران"، بلگراد، ۱۹۸۷، ص. ۱۱۳ مراجعه شود.

۲ - این اثر حماسی ملی ایرانیان به ۵۰ بخش تقسیم شده است. شاهنامه درباره تاریخ پارس از دوران بزرگترین شخصیت‌های حاکم می‌باشد. خود مؤلف این کتاب را به عنوان

خود را توصیف می‌کند:

بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی^(۱)
 زبان‌شناسی ایرانی بیش از همه به این مسئله می‌پردازد ولی
 ایران‌شناسی نیز به مراحل مختلف رشد توسعه زبان و ادبیات فارسی و
 همچنین معرفی نمایندگان هر دوره و مکتب ادبی نیز می‌پردازد. از کشور ما و
 منطقه بالکان شرق‌شناسان و افراد مختلف آشنا با علوم ایران به مطالعه
 درباره شاعران ذکر شده و سایر شخصیت‌های ایرانی پرداختند.

به غیر از دانشمندان و متخصصان امور فرهنگی ایرانی، دانشمندان،
 محققان و متخصصان زیادی در دنیا و بخصوص از کشورهای آسیای شرقی و
 اروپای غربی به تحقیقات ایران‌شناسی پرداخته و می‌پردازند. ایران‌شناسی
 بر علوم انسان‌شناسی، جغرافیای انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی،
 واژه‌شناسی و علم ادبیات‌شناسی و همچنین تاریخ، قوم‌شناسی و
 فولکلورشناسی تکیه دارد و وابسته می‌باشد. محققین کشورهای مختلف و
 بخصوص کشورهای اروپایی در مورد منشأ ملل ایرانی، توسعه تاریخی آنان،
 فرهنگ، توسعه زبان و دیر مشخصات این ملل تحقیق کرده و آن هم با این
 هدف که اساس مشترکات این ملل را تعیین نمایند.

ادامه از صفحه قبل کتاب درباره شاهان تعریف کرده است. در شاهنامه طی شصت هزار بیت
 تاریخ ایران از قدیمی‌ترین دوران افسانه‌های تا زمان فتوحات اعراب در قرن هفتم سخن
 می‌رود و در آن پهلوانی‌های قهرمانانه ایرانیان، صحنه‌های افسانه‌ای و تاریخی، شرح
 طبیعت و بسیاری از صحنه‌های عاشقانه توصیف شده است.

۱ - ترجمه شعر ذکر شده به زبان صربی از کتاب آقای بشیر جاکا تحت عنوان "حماسه
 ملی ما و شاهنامه فردوسی"، چاپ سارایوو در سال ۱۹۷۶ در صفحه ۳۱ اقتباس شده
 است.

بر اساس تاریخ علوم در ایران ثابت شده است که ایرانیان دارای علم طب خاص خود بوده^(۱) و همچنین از علم داروسازی پیشرفته برخوردار بودند. در زمینه نجوم، ریاضیات و طالع‌شناسی در ایران حتی قبل از اسلام تلاشها، ایده‌ها و نتایج قابل توجهی حاصل شده بود. زبان عربی در دوران اسلامی در قلمرو ایران امروز اهمیت عمومی به خود گرفته و تبدیل به زبان علم و آموزش و فرهنگ شد. در این دوران معماری و ادبیات کلاسیک ایرانی شکوفا بود.

در ایران علوم دیگری نیز توسعه یافتند. این کشور تا حد بسیار زیادی طرز تفکر علمی را در کشورهای دیگر و بخصوص در کشورهای اسلامی پیش برد. همچنین دانشمندان ایرانی افکار فلسفی و اندوخته‌های علمی یونان باستان و نیز تألیفات علمی، فلسفی و ادبی خود را به ملل دیگر در شرق و غرب جهان منتقل نمودند.

نویسندگان ایرانی در کنار پیشبرد برخی از علوم و افکار فلسفی چندین فرم ادبی را نیز گسترش دادند. در این رابطه می‌توان به ادبیات کلاسیک

۱ - کافی است که به اثر اصلی ابو علی سینا (ابن سینا، ۹۸۰-۱۰۳۷) تحت عنوان "قانون طب" اشاره شود که قرن‌ها (تا قرن نوزدهم) مورد استفاده پزشکان شرق و غرب بود (دانکو گریچ، فرهنگ فلاسفه، زاگرب، ۱۹۶۸، ص. ۵۰) افکار فلسفی ابن سینا ریشه‌های عمیقی در اروپا از خود بجای گذاشت. آثا این دانشمند ایرانی بالغ بر یکصد کتاب می‌شود. او بزرگترین نماینده فرهنگی شرقی - عربی بود. همچنین به جابرین حیان، یکی از بنیان علم پزشکی و پیشرو علم شیمی (کیمیا) نیز اشاره می‌شود. آثار او را اعراب در اروپا ترجمه کردند. همچنین در اینجا می‌توان به خیام دانشمند، فیلسوف و شاعر مشهور ایرانی که دارای شهرت جهانی بوده، نیز اشاره نمود.

فارسی و قصاید^(۱) آن اشاره نمود که از اشعار باستانی اعراب اقتباس شده و از نظر سبک بیان مخصوص به خود می‌باشد. ایرانیان با این اشعار خود حتی بر شاعران مسلمان منطقه ما نیز تأثیر گذاشتند. همچنین می‌توان به مثنوی - اشعاری طویل که در رأس شاعران این سبک ادبی رومی قرار دارد و رباعیات که توسط بنام شاعر نابغه ایرانی رایج شده است و جزو سبکهای ادبی می‌باشد اشاره کرد. غزل نیز یکی دیگر از سبکهای شعرهای بزمی بسیار مهم می‌باشد. این سبک معمولاً دارای محتوای آسان بوده و از ۱۰ تا ۳۰ بیت شعر تشکیل می‌شود و بخصوص در نزد ایرانیان، ترکها و هندیها رایج بوده و بزرگترین شاعر این سبک ادبی حافظ شاعر مشهور ایرانی است. این سبک بیان ادبی را ادیبان آلمانی وارد ادبیات اروپا نمودند.

زبان فارسی به ویژه بر ارتباطات فرهنگی، تبادلات فرهنگی - علمی و ارتباط متقابل با زبان سایر ملل و فرهنگ آنها تأثیر گذاشته است. به این منظور از واژه‌نامه‌ها و فرهنگهای لغت فارسی و یا دو زبانه فارسی - عربی، فارسی - ترکی، فارسی - صربو کرواتی^(۲) و غیره استفاده می‌شود.

پیشرفت و تأثیر ایران‌شناسی را می‌توان با مثال توسعه طرز تفکر فلسفی قبل از اسلام ایران و همچنین محتوای فلسفی - دینی متون مزدایی^(۳)، و

۱ - قصیده واژه‌ای عربی بوده و به مفهوم "آنچه به سوی مقصد می‌برد" می‌باشد. این نوع

شعر طولانی بوده و حداقل دارای ۳۰ بیت می‌باشد و تعداد ابیات آن تا ۱۰۰ نیز می‌رسد.

۲ - مراجعه شود به: "فرهنگ لغت صربی - فارسی"، سفارت جمهوری اسلامی ایران، بلگراد، ۱۹۹۰، این فرهنگ لغت دارای ۵۹۲ صفحه است.

۳ - این اولین کتاب مقدس پارسیان باستان اوستا نام دارد. این در حقیقت یک مجموعه متون مزدایی است که به زبان باستانی اوستایی نوشته شده است. اولین نسخه اوستا در سال ۱۷۵۸ به اروپا رسید.

بخصوص ظهور شخصیت مصلح دینی - زرتشت - (قرن ششم و هفتم قبل از میلاد) که بانی آیین مزدایی است، نشان داد. طرز تفکر فلسفی و دینی ایران قبل از اسلام بسیار مورد توجه بوده و عاملی مشوق برای بسیاری از مطالعات به زبانهای فرانسه، آلمانی، انگلیسی و سایر زبانها بود. همچنین سهروردی متفکر ایرانی نیمه دوم قرن دوازدهم، بدون شک تحت تأثیر افکار فلسفی قبل از اسلام ایران بود.^(۱) این مؤلف و دانشمند که آثار متعددی در زمینه بحثهای فلسفی و عقیدتی به تألیف درآورده است^(۲)، بر کشورهای شرقی و همچنین از طریق همفکران خود بر دنیای غرب تأثیر گذاشته است. جالب است که بدانیم چگونه سهروردی بطور سمبلیک شرق و غرب را توصیف کرده است: همانطور که شرق برای او دنیای فرشته مقرب است، غرب دنیای مادی است و به عبارتی "زندانی که روح انسان بدان راه یافته است."^(۳)

دنیای غرب با فلسفه و علوم ایرانی، و همچنین با گذشته ملت ایران و زبان او از طریق اسپانیا و دانشمندانش آشنا شد که به صورتی خلاقانه و اصیل ایده‌ها و دستاوردهای علمی دنیای شرق - اسلامی و بخصوص ایرانیان، را منتقل نمودند. نمونه‌های زیادی دال بر این هستند که دنیای اسلام، در دورانی که اروپای غربی کاملاً بدور از توسعه علمی و فرهنگی بود، تعداد کثیری شخصیت‌های برجسته و در درجه اول متفکران فیلسوف و دانشمندان مشهور به جامعه بشری ارائه نمود. در بین این دانشمندان می‌توان به ابوعلی سینا و آثار او اشاره نمود که ما بین قرن دهم و یازدهم هجری زندگی و فعالیت داشت

۱ - بر بسیاری دیگر از متفکران ایرانی نیز علوم و طرز تفکر در ایران قبل از اسلام تأثیر گذاشته است.

۲ - در رابطه با تألیفات سهروردی مراجعه شود به کتاب م. م. شریف تحت عنوان "تاریخ فلسفه اسلامی"، جلد ۱، زاگرب، ۱۹۹۰، ص. ۳۸۴

۳ - م. م. شریف، همان منبع، ص. ۳۸۹

و جزو بزرگترین دانشمندان دنیای اسلام بود. او با آثار خود در زمینه طب، تأثیر عمیقی بر آموزش و علوم پزشکی در اروپا گذاشت.^(۱)

یکی دیگر از چنین شخصیت‌های برجسته *فخرالدین رازی* و یا به عبارتی *امام فخری* می‌باشد. او در شمال ایران در سال ۵۴۳ هجری (۱۱۴۹) در خانواده‌ای عالم به دنیا آمد. او در ابتدا به تحصیل فلسفه و سپس الهیات پرداخته و بر تمام علوم دوران خود و بخصوص ریاضیات، پزشکی و علوم طبیعی غالب شد. او بخصوص بطور اساسی با طرز تفکر علمی یونانی آشنا شد. او همچنین به عنوان معلم نیز شهرت داشت و برای مثال در هرات مدرسه ویژه‌ای را تأسیس کرده که در آن دانش آموزان و دانشجویانی از سراسر دنیای اسلام به کسب علم مشغول بودند. او در سال ۶۰۶ هجری (۱۲۰۹) فوت کرد. او مؤلف نزدیک به یکصد اثر بوده که با آنها تأثیر زیادی بر فیلسوفان، فقها و متخصصان علوم طبیعی و ریاضیات معاصر و متأخر خود گذاشت. کتب او در در رابطه با موضوعات دیگر نیز می‌باشد: علوم پزشکی، تاریخ، نجوم، کشاورزی، سیاست، هندسه، علوم ظاهری، فقه (حقوق اسلامی)، علم بیان و شعر. نقش این دانشمند در زندگی علمی دنیای اسلام بلاشک است.^(۲)

۱ - در مورد ابن سینا در کنار سایر منابع می‌توان به اثر اینجانب تحت عنوان "فرهنگ اسلامی - پارسی و تأثیر زبان فارسی در کشور ما، چاپ بلغراد، ۱۹۹۶، در صفحات ۱۹، ۳۰، ۳۱، ۱۲۳، ۱۳۰. تأثیر عمیق ابن سینا را نیز این واقعیت تأیید می‌کند که کتاب وی تحت عنوان "القانون فی الطب" به زبان لاتینی ترجمه شده و طی قرن ۱۵ و ۱۶ مرتبه تجدید چاپ شده است. همچنین طی قرن ۱۶ این کتاب بیش از بیست بار به چاپ رسیده است.

۲ - م. م. شریف، "تاریخ فلسفه اسلامی"، جلد دوم، زاگرب، ۱۹۹۰، ص. ۶۸. امام فخری بسیاری از فلاسفه و من جمله ابن سینا و کتاب قانون او را مورد انتقاد قرار داد.

اینجا می‌توان حداقل به یک شخصیت دیگر اشاره نمود و آن ابوحمید الغزالی (۱۰۵۸-۱۱۱۱)، فیلسوف و فقیه عرب اهل خراسان بوده که تأثیر عمیقی بر طرز تفکر فلسفی اروپا گذاشت. غزالی به نفوذ بعضی از فرمهای دیالکتیک (منطق استدلالی) یونانی به علوم اسلامی یاری نمود. غزالی معتقد بود که آموزش دین باید خارج و بالاتر از چهار چوب اصول عقلانی باشد. او در فلسفه و عرفان با انتقاد از سیستمهای مختلف فلسفی از شکاکیت جانبداری کرده و تلاش داشت که معیارهای قرآن را با معیارهای ایده وحدت وجود فلسفه نوافلاطونی تلفیق نماید. امام غزالی بطور خاص بر رنه دکارت فیلسوف، ریاضیدان و فیزیکدان فرانسوی تأثیر گذاشته است.

در بین دانشمندان ایرانی همچنین می‌توان به خواجه نصیرالدین طوسی از قرن سیزدهم^(۱) (متولد ۱۲۰۱، متوفی به سال ۱۲۷۴) اشاره نمود که دارای سهم بسزایی در مثلثات بوده، و همچنین به نجوم، اخلاق و سیاست نیز اشتغال داشت. کتاب او تحت عنوان اشکال مختلف قطاع دایره، که به زبانهای انگلیسی و فرانسه ترجمه شده است، چند قرن در اروپا مورد استفاده بود. در این کتاب با مفاهیمی از قبیل کره، زاویه، مثلث، جرم شش ضلعی و غیره بر می‌خوریم^(۲). او در نزد ایرانیان به عنوان استاد البشر شهرت دارد. او استاد بسیار عالی و برجسته، جامعه‌العلوم و معتبرترین مفسر ابن سینا در ایران بود. او آثاری در زمینه منطق، فلسفه استدلالی، اخلاق (بخصوص اخلاق صوفی)، ماوراءالطبیعه به تحریر درآورده است. از آثار او می‌توان بخصوص به اثرش در مورد اخلاق، و به عبارتی فلسفه اخلاق، تحت عنوان اخلاق ناصری و همچنین اثر فلسفی - الهیاتی او با نام

۱ - در رابطه با طوسی مراجعه شود به: تاریخ فلسفه، آکساندار و دیگران، جلد اول،

بلغراد، ۱۹۴۸، ص. ۴۵۹

۲ - تأثیر اسلام بر علم و فرهنگ غرب، مجله نور، بلغراد، شماره ۱۸، ۱۹۹۸، ص. ۲۹

فصول (ماوراءالطبیعه)، منتشر شده در تهران به سال ۱۹۵۶، و آثار دیگر اشاره نمود^(۱). طوسی از قرار معلوم ادامه دهنده و پیرو وفادار افکار و ایده‌های فلسفی ابن‌سینا بزرگترین متفکر فیلسوف مسلمان بوده، صرف نظر از اینکه غزالی، فخرالدین رازی و دیگران شدیداً از او انتقاد کرده‌اند.

از عالمان مسلمان که در نیمه اول قرن یازدهم فعالیت داشت می‌توان به ابوریحان بیرونی (۹۷۳-۱۰۴۸) متولد خوارزم اشاره نمود. این دانشمند جامع‌العلوم مؤلف اثر معروف و بزرگ تاریخ ملل باستان بوده و براساس این کتاب بسیار واضح است که او در زمینه ریاضیات، جغرافی، نجوم، طالع‌شناسی و هواشناسی تلاش زیادی صرف کرده بود. او جزو اولین کسانی است که با کتاب خود تحت عنوان "توصیف هند" این کشور آسیای جنوبی را معرفی کرده است. ابن‌سینا، فردوسی و سایر دانشمندان ایرانی برای او احترام خاصی قائل بودند. او آثار خود را به زبانهای فارسی و عربی می‌نوشت و به فلسفه، تاریخ، پزشکی، سیاست، داروشناسی، و بخصوص ریاضیات، نجوم و جغرافیا علاقه علمی خاصی نشان می‌داد. با نگاهی به عناوین کتب این دانشمند ایرانی می‌توان از اهمیت و ارزش او آگاه شد. بعضی از آثار او عبارتند از: "رساله درباره مواد معدنی"، "کتاب داروشناسی"، "فلسفه تاریخ"، "درباره جغرافی"، "نگاهی کوتاه به زمین‌شناسی، حساب، نجوم و طالع‌شناسی" و دیگر آثار. برخی از آثار او امروزه باقی نمانده است. در مجله نور مثالی در مورد اهمیتی که بیرونی برای زبان هرملتی قائل بود آورده شده است زیرا که بیرونی معتقد بود که "تقسیم کردن زبانها به بد و خوب برای افراد عامی گناه و برای عالمان عملی شرم آور

۱ - در مورد آثار طوسی مراجعه شود به: م.م. شریف، "تاریخ فلسفه اسلامی"، جلد

اول، زاگرب، ۱۹۹۰، ص. ۵۶۱ و ۵۶۲

و غیر قابل بخشش است." (۱)

بیرونی به عنوان یکی از بزرگترین نوابغ قرون وسطی تلقی می‌شود. او در کنار سایر فعالیتها "تقویم را اصلاح نموده، طول و عرض جغرافیایی را مشخص ساخته و اولین قدمها را در زمینه فیزیک تجربی برداشته است." (۲) در مورد نقش بسیار بارز ایرانیان در پیشبرد علوم عینی نیز بسیاری از دانشمندان و مؤلفین مطلب نوشته‌اند که در بین آنها می‌توان به مقالات آقای دکتر محمد کاتارجیچ اشاره نمود. (۳) در طول قرن گذشته و همچنین از آغاز قرن بیستم مقالات و مطالعات کثیری در مورد ملت پارس - ایرانی و خلاقیات معنوی آن انجام شده است. در این دوران در غرب آثار علمی - فلسفی، ادبی و سایر دستاوردهای مؤلفین ایرانی ترجمه شده و یا در رابطه با آنها تفاسیری نوشته می‌شد و از این طریق قطعاً کمک زیادی به توسعه ایران‌شناسی شده است.

با تأسیس مراکز فرهنگی و تحقیقاتی، کتابخانه‌ها، مدارس، دانشگاهها، بخصوص در ایران، برای مثال انستیتوی ترجمه و نشر در تهران (۱۹۵۵)، ترجمه عمومی آثار با ارزش آغاز شد. در آن زمان صدها کتاب اروپایی

۱ - "با دانشمندان ایرانی آشنا شویم - ابوریحان بیرونی"، مجله نور، شماره ۱۸، ۱۹۹۸، ص. ۲۷

۲ - دکتر برنارد لویس و سایرین، "دنیای اسلام (دین، ملل، فرهنگ)، بلغراد، ۱۹۷۹، ص. ۲۵۵

۳ - محمد کاتارجیچ، "علوم عینی در نزد ملل مسلمان"، مجله غیرت، ساریوو، شماره ۸ (۱۹۲۴/۵/۱۶)، ص. ۱۱۷-۱۱۹؛ شماره ۹ (۱۹۲۴/۶/۱)، ص. ۱۳۳-۱۳۵. در مورد علوم در نزد پارسیها و ترکها در قسمت دوم متن سخن گفته شده و بخش اول به علوم در نزد اعراب اشاره دارد.

(بیشتر از همه از زبان فرانسوی) به زبان فارسی ترجمه شد. واضح است که ایرانیان تا نیمه دوم قرن جاری "وابسته به تحقیقات غرب بودند ولی خوشبختانه این وضع تغییر کرده و تعداد قابل توجهی از دانشمندان ایرانی سهم خود را در پیشبرد علم در این کشور ایفا نمودند."^(۱)

با تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۹۳۴ و سایر مراکز دانشگاهی، جنبش علمی در ایران هر چه بیشتر گسترش یافته و تعداد دانشمندان ایرانی رشته‌های مختلف علوم افزایش یافت. در تهران همچنین مرکزی برای مطالعات ایران و بین‌المللی وجود دارد. این مرکز به پیگیری و تشویق علوم سنتی (حدیث، تفسیر، صرف و نحو، فقه، ادبیات) و همچنین علوم منطقی (فلسفه، منطق، شیمی، پزشکی و سایر علوم) می‌پردازد. این بهترین گواه بر این مطلب می‌باشد که ایرانیان بر توسعه علوم مختلف تأثیر بسیار بسزایی داشته و تعداد کثیری دانشمند برجسته در رشته‌های مختلف را به جامعه ارائه نمودند.

دانشمندان و ادیبان ایرانی در زمینه ادبیات و سایر علوم در این کشور با هدف پیشبرد علم، فرهنگ، ابعاد مختلف هنرهای زیبا، و به عبارتی تمامیت ملی و معنوی کشور خود، رشد و نمو یافته و به فعالیت می‌پردازند.

بطور خلاصه، در قلمرو ایران لازم است که از یک سو آن خلایقان و متفکران دوران گذشته در نظر گرفته شوند که آثار فلسفی، اسلامی - عقیدتی، ادبی، هنری و غیره آنها به عنوان منبع و سرچشمه مشوق نسلهای بسیاری از محققین و علاقمندان کلام مکتوب و فرآورده‌های معنوی ایرانی بوده و از سوی دیگر باید به محققین امروزی توجه داشت که ادامه دهندگان آن گنجینه سنتی و بسیار غنی پارسی - ایرانی هستند. نباید فراموش کنیم که بسیاری از ادیبان و شاعران کشورهای مختلف جهان به زبان فارسی شعر گفته

و مطلب می‌نوشتند که در اینجا می‌توان به برخی از آنان اشاره نمود: نظامی در گنجه، سنائی در غزنه، امیر خسرو و بیدل در دهلی، جامی در هرات و غیره.^(۱)

در بین شرق‌شناسان سایر کشورهای جهان نیز به آن افرادی بر می‌خوریم که دارای سهمی ویژه در علم و فرهنگ ایران و یا بخشی از جنبه‌های آن، از قبیل هنر، بوده‌اند. در اینجا می‌توان از چند تن از مشهورترین ایران‌شناسان نام برد از قبیل: هانری ماسه (Hanri Masse) دانشمند الجزایری دهه بیست این قرن که سالهای سال در پاریس به عنوان استاد دانشگاه به تدریس اشتغال داشت و یکی از مشهورترین ایران‌شناسان به شمار می‌رود و پروفیسور بایراکتارویچ برای او احترام خاصی قائل بود، فریدل اشتروکات (Fridel Strukat) مترجم برجسته، پروفیسور آن‌ماری شیمیل^(۲) دانشمند شرق‌شناس آلمانی و مؤلف آثار زیادی در زمینه ایران‌شناسی، متفکر فیلسوف فرانسوی روزه‌گارودی که معتقد است که فرهنگ عربی - اسلامی از همه بیشتر از ایران ریشه گرفته و سعی دارد که این فرضیه را ثابت کند که فیلسوفان ایرانی و هندی در درجه اول بر فیلسوفان یونانی تأثیر گذاشتند. همچنین می‌توان به ویلیام جونز شرق‌شناس انگلیسی و باریاعی د‌مینار شرق‌شناس فرانسوی نیز اشاره نمود.

در اینجا می‌توان به چند دانشمند برجسته دیگر نیز اشاره کرد: و.

۱ - اولین گردهمایی دوستداران فرهنگ و ادبیات فارسی، مجله نور، شماره ۱۳، ۱۹۹۷، صفحه ۱۶

۲ - پروفیسور آن‌ماری شیمیل در چندین دانشگاه تدریس کرده است: برلن، آنکارا، بن، هاروارد. از سال ۱۹۹۲ به آلمان بازگشته است. ایشان با زبانهای اروپایی و لاتینی و همچنین عربی، ترکی، فارسی، اردو، پشتو، سندی و تا حدی زبان بنگالی آشنا است.

ژوکووسکی ایران‌شناس روسی، محمد شیبیل نومانلی از هند، دکتر حسن ی. حسن مورخ مصری. در بین دانشمندان ایران‌شناس اروپایی می‌توان از افراد زیر نیز نام برد: آ. گیلان (A. Guillam)، ی. گولدزیهر (I. Goldziher)، آ. ر. نیکلسون (A.R. Nikolson) و همچنین توماس و آرنولد (Thomas W. Arnold) نویسنده، استاد فلسفه و شرق‌شناس برجسته انگلیسی. اثر با ارزش علمی این دانشمند تحت عنوان تاریخ اسلام به زبانهای فارسی، ترکی، عربی و همچنین صربی ترجمه شده است.^(۱)

پروفسور فهیم بایراکتارویچ شرق‌شناس یوگسلاو و متخصص تاریخ ادبیات فارسی و همچنین مترجم آثار کلاسیک زبان فارسی در سال ۱۹۳۶ بر ارزش علمی تحقیقات پروفسور آرنولد تأکید نمود. بایراکتارویچ همچنین یادآوری کرده است که پروفسور آرنولد در فاصله بین دو جنگ جهانی در بوسنی اقامت داشته و در آنجا مطالبی را در رابطه با فرهنگ اسلامی جمع‌آوری کرده که منتشر نشده است.^(۲) آرنولد نیز با زبان فارسی آشنایی داشت.

البته شخصیت‌های دیگری نیز بر اهمیت افکار علمی و فرهنگی اسلامی - پارسی و تأثیر آن بر پیشرفت تمدن جهانی و بخصوص بر فرهنگ و علم اروپا تأکید داشته و درباره آن مطلب نوشته‌اند: ولتر (۱۶۹۴-۱۷۷۸)،

۱ - این اثر را درویش کورکوت و نیاز شوکریچ به زبان صربی ترجمه کرده‌اند، به چاپ دوم این کتاب مراجعه شود (سارایوو، ۱۹۹۰)

۲ - آرنولد از سال ۱۸۶۴ تا ۱۹۳۰ زندگی می‌کرد. پروفسور بایراکتارویچ در مورد این محقق در مقاله‌ای تحت عنوان "میراث اسلام در اروپا چیست؟" مطلب نوشته است که این مقاله در صفحات ۳۸۰ تا ۳۸۲ شماره ۵ نشریه "صدای ادبی صربستان"، چاپ بلگراد در سال ۱۹۳۶ منتشر شده است.

فیلسوف، مورخ و نویسنده فرانسوی، برتراند راسل (۱۸۷۲-۱۹۷۰) فیلسوف و ریاضیدان انگلیسی، همچنین جرج سارتن، ویل دورانت^(۱) و دیگران.

برخی از شرق‌شناسان و بخصوص ایران‌شناسان بر نیاز مطالعه تطبیقی ادبیات عربی، ترکی، فارسی و اردو تأکید داشته و بر این نظر هستند که بدین طریق ویژگیهای مشترک و همچنین برخی از اختلافات این زبانها را می‌توان کشف نمود. در اینجا صحبت از خلاقیت ادبی و تغییرات ادبی در این زبانها در دوران جدید است. برای مثال در این رابطه می‌توان اشعار نیمایوشیچ در ایران را با شعر نزاک الملائک در کشورهای عربی مقایسه نمود.^(۲)

با نگاهی به بسیاری از آثار مؤلفین غربی به زبانهای خارجی، بخصوص به زبان فرانسوی، می‌توان به اهمیت زیاد علوم و تمدن معاصر ایران پی برد. در این رابطه به بعضی از آثار هانری کوربن اشاره می‌کنیم:

- *L'Homme de lumizre dans le soufisme iranien* (Paris, 1971)

- *Philosophie iranienne et philosophie comparee* (Paris, 1978)

- *En Islam iranien, I-IV* (Paris, 1971)

در رابطه با میراث غنی علما و متفکران اسلامی در مقاله‌ای تحت عنوان "فرهنگ و ارتباطات فرهنگی" بطور واضح اشاره شده است: "قطعاً برای همه نقش غالب و مقام متفکران و علمای ایرانی در بکارگیری عامل ارتباطات فرهنگی به منظور گسترش و پیشبرد تمدن و فرهنگی اسلامی - ایرانی واضح است..."

۱ - دکتر حسین رزمجو، تأثیر فرهنگ اسلامی در شکوفایی تمدن غرب، مجله نور، بلگراد، شماره ۱۷-۱۶، ۱۹۹۸، ص. ۳۵

۲ - نزاک الملائک شاعر عرب اکنون ۷۴ ساله است و در مصر زندگی می‌کند. او مؤلف شعر مشهور "درخت مهتاب" است.

امروزه در بسیاری از کشورها می‌توان نمونه‌ها و شواهد نقش پر نفوذ و حضور متفکران و عارفان ایرانی را مشاهده نمود. در بین این کشورها می‌توان به هندوستان، پاکستان، تایلند، اندونزی، مالزی و همچنین تعداد کثیری از کشورهای آفریقایی و اروپایی اشاره نمود.^(۱)

تأثیر فرهنگ پارسی - اسلامی و بخصوص زبان را می‌توان با مثال شبه قاره هند به تصویر کشید. در این منطقه به زبان اردو سخن گفته می‌شود که در حقیقت ترکیبی از زبانهای عربی، فارسی، سانسکریت، ترکی، انگلیسی و سایر زبانها است. زبان فارسی در این منطقه بطور بسیار فراگیری مورد استفاده بوده است. آموزش زبان فارسی در بخش عظیمی از آسیا رایج بوده و این زبان مدت مدیدی به عنوان "زبان رسمی علمی و حتی درباری در قلمرو شبه قاره هند و امپراطوری عثمانی مورد استفاده بوده است."^(۲) تأثیر زبان فارسی در هند و پاکستان در کنار اردو (زبان رسمی هند که ۴۰ درصد واژه‌های آن فارسی و عربی است)، در زبانهای بنگالی و گجراتی نیز بسیار قابل مشاهده است.

در این رابطه نرکز اسماعیل آگیچ (Nerkez Smailagic) می‌نویسد: "هیچ بخشی از دنیا به اندازه شبه قاره هند و پاکستان زبان و ادبیات فارسی را مدیون خود نکرده است. در این بخش از دنیا صدها کتاب در مورد موضوعات مفید و مختلفی از قبیل تاریخ، فرهنگ‌نویسی، دستور زبان،

۱ - به مقدمه مجله نور شماره ۱۷-۱۶، ۱۹۹۸، در صفحه ۴ مراجعه شود.

۲ - در این رابطه دکتر امین ریحانی در کتاب "زبان و ادبیات فارسی در قلمرو امپراطوری عثمانی" (۱۹۹۰) بطور مفصل توضیح داده است. همچنین بخصوص مراجعه شود به: کریم تال، "تأثیر متقابل زبانها"، مجله نور، بلگراد، شماره ۱۰، ۱۹۹۶ ص. ۵۰-۵۲.

عرفان، شرح زندگی شعرا و تفسیر برخی از متون فارسی نوشته شده است، نه تنها اینکه متخصصین در بسیاری از کشورها، و حتی در خود ایران، کتابهای زیادی را برای نسلهای آینده حفظ کردند، بلکه همیشه توجه خاصی را به نشر آثار ادبی به زبان فارسی معطوف داشتند. مشکل است شهر بزرگی را در شبه قاره هند و پاکستان یافت که در آن کتابی به زبان فارسی منتشر نشده باشد. تعداد این کتب به حدود ۲۰۰ نسخه می‌رسد.^(۱)

در کشور ترکیه زبان و ادبیات فارسی از زمانهای گذشته، بخصوص در دوران سلطان سلیم دوم و بایزید، مورد توجه بوده است. امروزه نیز در ترکیه از برخی از واژه‌هایی استفاده می‌شود که دارای معنی کاملاً یکسان در زبان فارسی می‌باشد.^(۲)

استدلالتها و انگیزه‌های متفاوتی در توجیه علت مطالعه و تحقیق میراث معنوی ایران از سوی غرب وجود دارد. دلایل زیادی در این رابطه وجود داشته که دو دلیل عمده آن عبارت است از: عمق فلسفه، زبان، علم و شعر ایرانی و همچنین تأثیر تعالیم اسلامی و بخصوص قرآن.

در بسیاری از مراکز اسلامی در شهرهای مختلف آمریکا، در کالجهای اسلامی و سایر مدارس مسلمانان آمریکایی آموزش پایه اسلامی - پارسی وجود دارد. مسلمانان آمریکایی با فعالیت این مراکز و با همکاری اتحادیه دانشجویان مسلمان آمریکا (MSA) و همچنین گروه زبان فارسی (MSA) (PSG)، در کنار آموزش مذهبی به آموزش اولیه در زمینه ایران‌شناس و فرهنگ شرقی - عربی دست می‌یابند. همچنین تکیه‌های برخی از فرقه‌های

۱ - نرکز اسماعیل آگیچ (Nerkez Smailagic)، فرهنگ کلاسیک اسلام، جلد دوم،

زاگرب، ۱۹۷۶، ص. ۳۹۴

۲ - کریم تال، "تأثیر متقابل زبانها"، مجله نور، بلغراد، شماره ۱۰، ۱۹۹۶، ص. ۵۰-۵۲.

درویشی و قبل از همه نقش‌بندی، رفاعیه و فرقه ایرانی نعمت‌اللهی و دیگر فرقه‌ها نیز روز به روز فعال‌تر می‌شوند.^(۱)

در بریتانیای کبیر تعداد کثیری از مؤسسات اسلامی و شبه ایرانی فعالیت دارند که به امور سیاسی و دینی اشتغال دارند. برخی از این مراکز به کارهای علمی تحقیقی نیز می‌پردازند. مرکز نیروهای روشنفکرانه مسلمانان در لندن متمرکز است.^(۲)

در سوئیس، در شهر زوریخ، در سال ۱۹۶۳ مرکز فرهنگ اسلامی تشکیل شده است.

مرکز اسلامی در اسپانیا نیز وجود دارد که بخشهای مادرید، بارسلون و کورینا را در برمی‌گیرد. همچنین مراکز تحقیقات اسلامی در رم و بوئنوس آیرس نیز مشهور هستند. در سورینام (کلنی سابق هلند) برای مسلمانان مدارس خاصی وجود دارد که در آنها اصول پایه اسلام، زبان عربی و اردو تدریس می‌شود.

ایران‌شناسی در هلند، بلژیک، دانمارک، سوئد، مجارستان و رومانی در گذشته و در زمان حال با توجه به روابط فرهنگی - سیاسی و حتی اقتصادی و در چهارچوب برخی شرایط تاریخی، بطور تدریجی رشد یافته است، اگرچه که باید اذعان داشت که این توسعه ایران‌شناسی صرف نظر از سرعت بطور مداوم نبوده و همانند پیشرفت آن در سایر کشورهای اروپایی نمی‌باشد.

۱ - دکتر محمد لاگن‌هاوزن Muhammed Legenhausen، اسلام در آمریکا، مجله نور شماره ۴، ۱۹۹۳، ص. ۳۵-۳۸

۲ - بسیاری از مسلمانان بریتانیایی را مهاجران آسیایی تشکیل می‌دهند که اکثریت آنها پاکستانی هستند. همچنین تعداد مسلمان مهاجر اروپایی، بخصوص از بوسنی هرزگوین و کوزوو، نیز روز بروز افزایش می‌یابد.

بسیاری از کشورهای اروپایی و بخصوص بالکان (از نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم) دارای سهم مؤثری در زبان‌شناسی ایرانی و تحقیقات ایران‌شناسی در اروپا داشتند. بهترین مثال کشورهای آلمانی‌زبان اروپا می‌باشد. ایران‌شناسی در بخشهای مختلف اروپا، در شمال، مرکز و بخصوص شرق و جنوب اروپا توسعه یافت. در اینجا به مثال لهستان اشاره می‌کنیم. در این کشور اروپایی علاقه نسبت به علوم، زبان و فرهنگ ایرانی از قرن شانزدهم با تأسیس دانشکده شرق‌شناسی در کراکوف و همچنین تأسیس انستیتوی زبان و ادبیات فارسی در این دانشکده از سال ۱۸۲۰ پیدا شد. در این دانشکده و انستیتو زبان فارسی مورد مطالعه و تطبیق با زبانهای اروپایی قرار گرفته است. شرق‌شناسان و ایران‌شناسان لهستانی از همان آغاز به امر پرداخت و ترجمه آثار دانشمندان ایرانی و بخصوص ابن‌سینا پرداخته و از قرن ۱۷ ترجمه آثار کلاسیک ادبیات ایران از قبیل گلستان سعدی، دیوان حافظ، شاهنامه فردوسی و سایر آثار شروع شد.

گائورونسکی (Gaoronski) و کوالسکی (Kualski) دو ایران‌شناس لهستانی دارای سهم بسزایی در آشنایی مردم این کشور با فلسفه، زبان و فرهنگ ایرانی بودند. این دو بانیان کرسی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاههای ورشو و کراکوف بودند. همچنین آدام میتسکیویچ (1798-1855)، (Adam Mickijevic)، نویسنده لهستانی که دارای آشنایی خوبی با زبان فارسی بود، نیز یکی دیگر از شخصیهایی است که در شهرت دادن زبان و ادبیات فارسی در این کشور نقش داشته است. او مؤلف اثر مشهور "اهریمن و اهورامزدا" است.

برخی از دانشمندان لهستانی در مطالعه تاریخ باستان ایران و تاریخ روابط بین لهستان و ایران نقش اساسی داشته‌اند. در بین این دانشمندان می‌توان به شخصیهایی زیر اشاره نمود: اسکلاواتاس (Sklavatac)، هانوزینسکی (Hanozinski)، و در دوران جدید کاپوسینسکی

(Kapusinski).^(۱) همچنین می‌توان در این زمینه به ایران‌شناسان آلمانی نیز اشاره نمود. در این کشور مکاتب خاص ایران‌شناسی فعال بود. یکی از شخصیت‌های برجسته فریتس ولف (Fritz Wolf) بود که یکی از آثار بزرگش نشر فهرست اسامی بزرگ شاهنامه در سال ۱۹۳۴ بود. این اثر تحت عنوان "واژه‌نامه شاهنامه" در سال ۱۹۳۵ در سالگرد فردوسی در ایران معرفی شد. واژه‌نامه شاهنامه دربردارنده تمامی اسامی و واژه‌هایی است که در شاهنامه بکاررفته است. این شرق‌شناس همچنین چند بخش از حماسه فردوسی و نیز اوستا را به زبان آلمانی ترجمه کرده است.

فرانس بابینگر (Franc Babinger, 1891-1967) شرق‌شناس و مورخ آلمانی نیز دارای نقش برجسته‌ای در معرفی فرهنگ و زبان فارسی است. او در دوران نازی‌ها در رومانی و پس از جنگ جهانی دوم در مونیخ استاد تاریخ و فرهنگ خاورمیانه بود. او دارای آشنایی زیادی با زبانهای شرقی و در درجه اول زبان ترکی داشت.^(۲)

تقریباً در همه کشورهای اروپایی، و هر چه بیشتر در بالکان، ایران‌شناسی نشو و نمو یافته و بخصوص در دانشکده‌های ادبیات بسیاری از دانشگاه‌ها و همچنین انستیتوهای تحقیقات شرق‌شناسی و ایران‌شناسی مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌گرفت. امروزه در تعداد قابل توجهی از کشورهای اروپایی زبان و ادبیات فارسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، و از بین آنها می‌توان به کشورهای زیر اشاره نمود: آلمان، فرانسه، انگلستان، اتریش، اسپانیا، ایتالیا، بلغارستان، ترکیه، بوسنی هرزگوین و تا چند سال پیش در یوگسلاوی. همچنین علاقه برای زبان فارسی در آلبانی و سایر کشورهای

۱ - در رابطه با این متفکرین لهستانی مراجعه شود به مجله نور، شماره ۱۳، ۱۹۹۷، ص.

۲ - دائرةالمعارف جدید، جلد اول، بلگراد، ۱۹۷۷، ص. ۱۳۷

بالکان نیز به وجود آمده است.

دومین منبع مهم پیشرفت و تأثیر زبان و ادبیات فارسی سفرنامه‌ها و آثار منتشر شده محققین و ایران‌شناسان اروپایی و غیر ایرانی می‌باشد. گواه این مطلب کتابخانه‌های بسیار غنی در این کشورها می‌باشد. برای مثال اسپانیا در قرن ۱۲ دارای ۱۷ کتابخانه عمومی بود، که در بین آنها می‌توان به کتابخانه خلیفه‌الحاکم دوم در قرطبه اشاره نمود که براساس منابع عرب دارای ۶۰۰ هزار دفتر بوده است.^(۱) در این رابطه باید گفت که ترجمه بسیاری از آثار بزرگ فارسی و بخصوص حماسه‌ها و دیوانهای شعرای کلاسیک فارسی از قبیل فردوسی، سعدی، حافظ، رومی، خیام، عطار، نظامی، جامی و دیگران به زبانهای فرانسوی، آلمانی و سایر زبانهای اروپایی انجام شده است.

ایران جزو اولین کشورهای آسیایی بوده که در دوران رنسانس با غرب تماس برقرار کرده است و گواه این مطلب گزارشهای اولین مسیونرهای مسیحی بوده که با "گنجینه غنی علوم پیشرفته متمرکز در ایران که هنوز برای غرب ناشناس بوده، آشنا شدند." این مسیونرها زبان عربی و فارسی را فرا گرفته تا اینکه بتوانند افکار غنی فلسفی و زیبایی و لطافت ادبیات پارسی را درک نمایند. "آثار کلاسیک پارسی در درجه اول به زبان لاتینی و بلافاصله پس از آن به سایر زبانهای اروپایی از قبیل انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و ایتالیایی ترجمه شد."^(۲) همچنین مسئله طریقه نفوذ زبان‌شناسی ایرانی و

۱ - "گفتگو بین علمای اسلامی و اروپایی" (ترجمه به زبان صربی توسط دکتر احمد اسماعیلویچ)، ساریوو، ۱۹۷۹، ص ۸۱. در دوران سلطان حاکم (۹۶۱-۹۷۰) قرطبه دارای دانشگاه بوده که در آن کتابخانه‌ای با بیش از ۴۰۰ هزار اثر علمی وجود داشت.

۲ - نرکز اسماعیل آگیچ (Nerkze Smailagic)، فرهنگ کلاسیک اسلام، جلد دوم، زاگرب، ۱۹۷۶، ص. ۳۹۵.

زبان فارسی به برخی کشورها و سایر زبانها مطرح می‌باشد،^(۱) که در این رابطه تا به حال تا حد زیادی تحقیق انجام شده است.

به غیر از لهستان، انگلستان و سایر کشورهای ذکر شده، ایران‌شناسی در فرانسه و اسپانیا نیز برای خود جای گشود،^(۲) که در این رابطه مهم‌ترین توضیحات را ارائه خواهیم داد. بر اساس اطلاعات موجود در فرانسه علاقه به فرهنگ ایرانی و بخصوص زبان و ادبیات فارسی، فلسفه و سایر موضوعات معنوی در طول قرون گذشته نیز وجود داشته است، و این امر پس از سال ۱۹۳۲ خیلی بیشتر ترقی نمود. در این سال در دانشگاه سوربن کرسی اسلام‌شناسی تأسیس گشته و در کنار آن نیز شاخه‌ای برای مطالعات زبان‌شناسی ایرانی به وجود آمد. امروزه در این دانشگاه انستیتوی مطالعات ایران‌شناسی وجود دارد که تنها مرکز از این نوع می‌باشد. در این مؤسسه دوره‌های آموزش زبان فارسی و فرهنگ اسلامی ایران سازمان داده می‌شود. همچنین در فرانسه جامعه مطالعات زبان‌شناسی ایرانی نیز وجود داشته که

۱ - کریم تال در مقاله خود تحت عنوان "تأثیر متقابل زبانها" (مجله نور، شماره ۱۰، ۱۹۹۶، صفحه ۵۰-۴۹) از ۸ طریق نفوذ نام می‌برد که عبارتند از: فتوحات و اشغال جنگی، دعوت و تبلیغ دینی، تجارت و تبادل کالا، کتاب و وسایل آموزشی، ورود صنایع ماشینی و مکانیکی، از طریق واژه‌های علمی و فنی، ترجمه از زبانهای خارجی، غنای واژه‌های آن زبان.

۲ - در رابطه با ایران‌شناسی در این دو کشور تا حدی در نشریه "مروارید"، شماره‌های ۱ از سال ۱۹۹۶ و ۲-۳ از سال ۱۹۹۷ در صفحات ۷۲-۷۶ توضیحاتی داده شده است. مجله "مروارید" چاپ تیرانا بوده و به ارتباطات فرهنگی بین آلبانی و ایران می‌پردازد. این مجله از سال ۱۹۹۶ شروع به انتشار نموده و ناشر آن بنیاد فرهنگی "سعدی شیرازی" در تیرانا می‌باشد. مدیر مجله آقای دکتر علی اکبر ضیایی است.

در چهارچوب فعالیت‌های خود یک نشریه به زبان فرانسوی منتشر کرده و همچنین به تاریخ، ادبیات و جامعه‌شناسی ایران می‌پردازد.

در ایتالیا مطالعات ایران‌شناسی برای اولین بار در قرن شانزدهم و با ظهور شرق‌شناس بزرگ جووانی باتیسته رایموند (۱۵۳۴-۱۶۱۴) آغاز شده و برجسته‌ترین ایران‌شناس ایتالیایی دوران خود ورتورینو ایتالوپچی (Vertorino Italopici, 1849-1920) می‌باشد.^(۱)

از محققین ادبیات فارسی در ایتالیا آleksandar بائوزانی (Aleksandar Bauzani) بالحق دارای بیشترین سهم بوده است. شهرت این محقق به خصوص در رابطه با کتابی است که وی در رابطه با تاریخ ادبیات در دوران اسلامی (۱۹۶۰) نوشته است. او همچنین مترجم آثار فارسی و عربی به زبان ایتالیایی است. این مترجم ایتالیایی اشعار خیام و نظامی و همچنین آثار ابن سینا و سایر دانشمندان ایرانی را به زبان ایتالیایی ترجمه کرده است.^(۲)

از سال ۱۹۸۰ در شهر ناپل در قالب انستیتوی شرق‌شناسی کرسی زبان و ادبیات فارسی نیز سازمان داده شده است. این انستیتو دوره‌های آماده‌سازی جوانانی که به ایران‌شناسی علاقمند هستند را سازمان می‌دهد.^(۳)

همچنین جالب است اگر بدانیم که در تیرانا در کشور آلبانی نیز در سال ۱۹۸۷ اولین کنگره مطالعات زبان‌شناسی ایرانی برگزار شد.^(۴)

۱ - و. ایتالوپچی ایران‌شناس معروف ایتالیایی در کنار سایر آثار خود، همچنین شاهنامه فردوسی را در هشت جلد به زبان ایتالیایی ترجمه کرد.

۲ - مجله مروارید، شماره ۲-۳، ۱۹۹۷، ص. ۷۵

۳ - مجله مروارید، تیرانا، شماره ۲-۳، ۱۹۹۷، ص. ۷۶

۴ - در این کنگره چند استاد فرانسوی نیز شرکت داشتند.

در اینجا باید توجه ویژه خود را معطوف پیشرفت و توسعه و نتایج مطالعات زبان‌شناسی ایرانی در کشورهای آلمان، اتریش و سوئیس، یا به عبارتی در کشورهایی بنماییم که از زبان آلمانی استفاده می‌کنند. با مطالعات ایران‌شناسی و زبان‌شناسی ایرانی در کشورهای ذکر شده درخواهیم یافت که این مطالعات در چه حدی در این کشورها سازمان یافته و در آنها نفوذ داشته است.

اولین نکته مهم این است که در این کشورها و بخصوص در آلمان مطالعات زبان‌شناسی ایرانی محدود به برخی از دانشگاهها و گروههای مطالعاتی زبان و ادبیات ایرانی نشده است. دلیل این امر این بوده که تفکرات ایران‌شناسی در خارج از چهارچوب مراکز دانشگاهی و گروههای مطالعاتی آنها نیز گسترش می‌یافت. تحقیق در مورد میراث نظری ایران نیز همچنین تا حدی در برخی از انستیتوها از قبیل شرق‌شناسی، در مراکز اسلامی و مدارس خاص مسلمانان سازمان داده شده بود. به طور خلاصه باید گفت که تحقیقات ایران‌شناسی در دانشگاهها و مراکز تحقیقی و آموزشی مختلف آغاز شده و توسعه یافت، برای مثال می‌توان به کشورهای آلمانی‌زبان (آلمان، اتریش، سوئیس) اشاره نمود. برت فرانگر (Bert Franger) در مورد تحقیقات ایران‌شناسی در این کشورها یک تحقیق جامع تحت عنوان "ایران‌شناسی در کشورهای آلمانی‌زبان" انجام داده است.^(۱) از این مقاله می‌توان به نتایج علمی زیر دست یافت:

۱ - علاقه نسبت به تحقیقات ایران‌شناسی در این کشورها و بخصوص آلمان در نیمه اول قرن گذشته به وجود آمده است^(۲) و در طول دهه بیست و

۱ - این مقاله تحقیقی تحت همین عنوان در مجله نور (بلغراد، شماره ۲، ۱۹۹۲، ص.

۵۷-۶۴).

۲ - تحقیقات ایران‌شناسی در آلمان برای اولین بار از آغاز قرن نوزدهم و قبل از همه در

پنجاه قرن بیستم توسعه قابل توجهی یافت.

۲ - ایران‌شناسی در برخی از دانشگاهها توسعه یافت. مشهورترین این مراکز دانشگاهی در شهرهای برلن، گوتینگن، وین، تیبینگن، هامبورگ، بن و ماربورگ قرار دارند.

۳ - اسلام‌شناسان و ترک‌شناسان نیز تا حدی به تحقیقات در زمینه‌های مختلف ایران‌شناسی اشتغال داشتند.

۴ - ایران‌شناسان این کشورهای اروپایی در مورد نقاط و عناصر مشترک زبانهای هند و اروپایی با زبان آلمانی به تحقیق و مطالعه پرداخته‌اند. برخی از این محققین، از قبیل جورج فردریک گروتفند (۱۷۷۵ - ۱۸۵۳) استاد دانشگاه گوتینگن، توجه اصلی خود را متمرکز بر زبان‌شناسی ایرانی نمودند چرا که به بررسی ارتباط این زبان با زبانهای هند و اروپایی و همچنین زبان‌شناسی تطبیقی اشتغال داشتند.^(۱) مانفرد مورنس (Manfred Morents) و سایر ایران‌شناسان دانشگاه هامبولت (Humbolt) در برلن شرقی تحت نفوذ و تأثیر پروفیسور یونکرد (Junkerd) به مسئله زبان‌شناسی ایرانی در آلمان پرداختند. همچنین به بزرگ علوی^(۲) نویسنده معروف ایرانی نیز اشاره می‌شود که سالهای زیادی با این گروه همکاری داشت.

۵ - برخی ایران‌شناسان آلمان شرقی بیشتر به مسئله واژه‌نگاری، واژه‌شناسی و زبان معاصر ایرانی پرداختند، برای مثال می‌توان به "واژه‌نامه فارسی - آلمانی" که توسط علوی و یونکرد تدوین شده است و همچنین آثاری در رابطه با توسعه ادبیات ایرانی (از قبیل "تاریخ و توسعه ادبیات

ادامه از صفحه قبل دانشگاه گوتینگن (Gotingen) آغاز شده است.

۱ - برت فرانگر، مقاله ذکر شده، صفحه ۵۸

۲ - همان منبع، ص. ۵۹.

معاصر ایران" نوشته بزرگ علوی در سال ۱۹۶۴) اشاره کرد.

۶ - در آلمان غربی، بخصوص در گوتینگن و برلن، برخی از ایران‌شناسان آلمانی به مطالعه زبانهای دوران باستان، متوسط و معاصر پرداختند، از قبیل رونالد امریک (Ronald Emrik)، هاینریش شیدر (Hajnrich Schider) و والتر هینتس (Walter Hints)^(۱).

۷ - زبان‌شناسی اسلامی مسائل مربوط به هر زبان شرقی را در رابطه با تعالیم اسلامی و همچنین با توجه به تاریخ شرق و توسعه ادبیات زبانهای مذکور تفسیر می‌نمود. با این حال، واقعیت این است که زبان‌شناسی اسلامی در آلمان تحقیقات خود را بر اساس اسناد عربی انجام داده ولی در اتریش این تحقیقات بر پایه منابع ترکی زبان بوده است.^(۲)

۸ - واقعیت این است که در آلمان و سایر کشورها در چهار چوب زبان‌شناسی اسلامی بیشتر زبانهای عربی و ترکی مورد مطالعه بوده و زبان فارسی دارای اهمیت کمتری بوده است. با این حال در نیمه اول قرن بیستم در آلمان بطور ناگهانی علاقه نسبت به زبان، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران اسلامی افزایش یافت.^(۳) برای مثال ولفگانگ لیتنس زبان‌شناسی ایرانی را همراه با بررسی تاریخ فرهنگ و وقایع اجتماعی (جامعه‌شناسی) ایران مورد مطالعه قرار داد. سایر محققین تاریخ ایران دوران گذشته را مورد مطالعه قرار دادند. برای مثال والتر هینتس اثری تحت عنوان "تاریخ ایران قبل از ظهور صفوی" منتشر کرد و رابرت رومر ایران‌شناس آلمانی کتابی تحت عنوان "تاریخ ایران از قرن ۱۴ تا ۱۸". در سال ۱۹۸۶ کتاب "رستم‌التواریخ" به زبان

۱ - منبع قبلی

۲ - همان منبع

۳ - همان منبع، ص ۶۰

آلمانی ترجمه شد.

۹ - ایران‌شناسان آلمانی همراه با محققین ایرانی و روسی در ظرف ۴۰ سال گذشته دارای بیشترین سهم در تحقیق و مطالعه اسناد در رابطه با ایران بودند.^(۱)

۱۰ - برخی از ایران‌شناسان آلمانی به شعر، تصوف، نثر و ادبیات ملی ایرانی پرداختند. برای مثال ریچارد کرامبلیش با مطالعه در زمینه تصوف کتابی در سه جلد تحت عنوان "طریقت درویشان شیعه در ایران" در سال ۱۹۶۵ منتشر نمود که این کتاب تا به حال دو بار در سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۸۱ تجدید چاپ شده است.

۱۱ - در بین اساتید و محققین ایران‌شناس آلمانی، ایران‌شناسان ایرانی نیز وجود داشت از قبیل: فرهاد سبجانی استاد دانشگاه برلن^(۲)، احمد مهرداد تاریخ‌شناس ایرانی متخصص علوم سیاسی در آلمان که براساس اسناد موجود در آرشیو آلمان به مطالعه ایران پس از جنگ جهانی اول پرداخته است^(۳)، آخرنجاتی ایران‌شناس ایرانی که در آلمان زندگی کرده و بخصوص به مطالعه زبان ترکی آذری پرداخته است.

۱۲ - تحقیقات جغرافیایی ایران در آلمان و اتریش جزو پیشرفته‌ترین تحقیقات در این زمینه بود. برای مثال هانس بوبک جغرافی‌دان اتریشی که در وین فعالیت داشت، حتی قبل از جنگ جهانی دوم توجه خاصی را معطوف مطالعات جغرافیای ایران نموده بود. همچنین یکی از مشهورترین متخصصین جغرافی‌شناسی ایران آکارت آرلاس بوده که در دانشگاههای

۱ - همان منبع، ص. ۶۲

۲ - همان منبع، ص. ۶۵

۳ - همان منبع، ص. ۶۷

ماربورگ و بن به امر تحقیق اشتغال داشت.^(۱) او در سال ۱۹۸۰ در کتابی تحت عنوان "اهمیت ایران از نظر موقعیت جغرافیایی آن" به بررسی جغرافیای ایران پرداخته است.

۱۳ - به عنوان نتیجه‌گیری می‌توان اظهار داشت که در کنار نتایج بدست آمده از تحقیقات ایران‌شناسی در برخی رشته‌ها از قبیل باستان‌شناسی، موسیقی و غیره، با این حال می‌توان گفت که در آلمان و سایر کشورهای اروپایی هنوز یک کار تیمی همه‌جانبه در رابطه با مطالعه فرهنگ، زبان، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و سایر زمینه‌های مربوط به ایران انجام نشده است. واقعیت این است که در این کشورها مطالعات مستقل و انفرادی ایران‌شناسی غلبه داشته و به ندرت اتفاق افتاده است که تحقیقات به صورت تیمی انجام شود.

بر خلاف بسیاری از کشورهای اروپایی که در رابطه با فرهنگ اسلامی - ایرانی بیشتر در زمینه شعر و فولکلور علاقه نشان می‌دادند؛ برخی ملل و کشورهای بالکان، که در بین آنها مقدونیه، کوزوو و سنجاک تا سال ۱۹۱۲ تحت سلطه امپراطوری عثمانی قرار داشتند، دارای ارتباطات لاینفک با شرق بودند.

در رابطه با مطالعات ایران‌شناسی در بالکان در اینجا به مثال آلبانی، این کشور کوچک شبه جزیره بالکان^(۲) اشاره می‌کنیم که از ایران بسیار دور

۱ - همان منبع، ص. ۶۸

۲ - در حالی که مساحت آلبانی معادل ۲۸۷۴۸ کیلومتر مربع می‌باشد، ایران دارای مساحتی بالغ بر ۱۶۴۸۰۰۰ کیلومتر مربع است و این بدان معنی است که ایران نزدیک به ۵۷ برابر آلبانی مساحت دارد. یوگسلاوی امروز دارای مساحتی بالغ بر ۱۰۲۳۷۵ کیلومتر مربع است.

بوده ولی در عین حال همراه با بوسنی چه در گذشته و چه در حال به احتمال زیاد بیشتر از سایر کشورها با صدها رشته با ایران این کشور آسیای جنوب غربی مرتبط بوده است. چگونه می‌توان این ارتباط جدانشدنی و چند قرنی یک کشور کوچک بالکان را با کشور پر جمعیت ایران توضیح داد. قطعاً دلایل زیادی برای این ارتباط وجود داشته ولی ما در اینجا به عمومی‌ترین و مهم‌ترین دلایل اشاره می‌کنیم. عمومی‌ترین و مهم‌ترین دلیل این بوده که آلبانی پس از فتوحات ترکیه همانند بسیاری از کشورهای اسلامی شده فرهنگ و ادبیات اسلامی به زبانهای شرقی را پذیرفت. بطور همزمان آلبانی در رشد این فرهنگها و بخصوص توسعه و مطالعه و تحقیق درباره زبان فارسی نقش مؤثر داشت. در همان آغاز سلطه عثمانی روشنفکران و روحانیون باسواد آلبانیایی به اهمیت زیاد آشنایی با میراث معنوی پارسی - ایرانی و همچنین سهمی که این کشور در علوم، فلسفه (تصوف)، ادبیات، هنر و سایر زمینه‌های عقلانی و فکری داشته، پی بردند.

دلیل عمومی و به عبارتی خاص دوم تأثیر زبان فارسی به عنوان یک زبان بسیار غنی و پر از روشهای بیان مختلف بخصوص برای شعر بوده که روز به روز نفوذ خود را به زبان آلبانیایی افزایش داده و تأثیر آن در زبان ادبی و روزمره آلبانی تباران هر روزه بیشتر احساس می‌شد.^(۱) طبیعی است که این زبان موضوع تحقیقات و مطالعات خاص آلبانی‌شناسان این کشور و قبل از همه متخصصان زبان آلبانی شود. برخی از این شخصیتها عبارتند از:

۱ - در این رابطه برای اطلاعات بیشتر به مقاله تحقیقی اینجانب تحت عنوان "واژه‌های پارسی‌الاصل در زبان ادبی و عامه آلبانی" در کتاب "فرهنگ اسلامی - ایرانی و تأثیر زبان فارسی در یوگسلاوی"، چاپ بلگراد در سال ۱۹۹۶ و در صفحات ۱۰۱-۱۰۸، مراجعه شود.

یورگو بولو (Jorgo Bullo)، اکرم چابی (Ekrem Cabej)، یوپ کاستراتی (Jup Kastrati)، شعبان دمیرای (Shaban Demiraj)، حسن تحسینی (Hasan Tahsini)، نعیم فراشری (Naim Frasheri)، سامی فراشری (Frasheri)، فایق کونیتسا (Faik Konica)، عثمان میدریزی (Osman Myderrizi)، طاهر دیزداری (Tahir Dizdari)، فان نولی (Fan Noli)، دالان شاپلو (Dalan Shaplllo)، دیمیترو شوتریقی (Dhimiter Shuteriqi) و دیگران. این دانشمندان ثابت کردند که زبان آلبانی‌زبانان مستقل و بسیار قدیمی بوده و متعلق به گروه زبانهای هند و اروپایی است. اکرم چابی، دیمیترو شوتریقی، دالان شاپلو، فان نولی (او مترجم هم می‌باشد)، و بخصوص عثمان میدریزی و طاهر دیزداری در بین محققین آلبانیایی و بویژه زبان‌شناسان این کشور دارای سهمی ویژه. خاص در مطالعه و بررسی ریشه مشترک دو زبان فارسی و آلبانیایی و همچنین واژه‌های فارسی عاریه گرفته شده در زبان آلبانی می‌باشند. ویژگی خاص زبانهای ایرانی این بوده که به شاخه شرقی زبانهای هند و اروپایی متعلق است. زبان فارسی نیز یکی از زبانهای گروه شرقی زبانهای هند و اروپایی است.^(۱) در رابطه با زبان آلبانی باید گفت که از نظر علمی ثابت شده است که زبان آلبانی در اصل زبانی از گروه زبانهای هند و اروپایی است که توانسته است دستور زبان هند و اروپایی و همچنین بخش اعظمی از ساختار ریشه‌ای خود را حفظ کند، ولی باگذشت زمان تعداد قابل توجهی از واژه‌های با ریشه هند و اروپایی خود را از دست داده است و دلیل عمده این مسئله تأثیر و نفوذ زبانهای همسایه و به عبارتی زبانهای یونانی، رومانی و زبانهای اسلاو می‌باشد.^(۲)

۱ - زبان فارسی به عنوان شاخه‌ای از زبانهای ایرانی از همه بیشتر در ایران مورد استفاده است. در برخی از بخشهای افغانستان و پاکستان نیز به این زبان صحبت می‌شود.

2 - Stuart E. Mann, Shqipja si gjuhe indoevropiane, "Konferenca e

از عوامل خاصی که علاقه نسبت به فلسفه، علم، فرهنگ، زبان و ادبیات، هنر و سایر خلاقیت‌های معنوی ایرانی را در آلبانی افزایش داده است می‌توان به ویژگی‌های نزدیک قومی - اخلاقی و روانی دو ملت ایران و آلبانی اشاره نمود. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از: حقیقت‌دوستی، یک سری آداب و رسوم مشترک، احترام خاص به مقام خانواده، شجاعت، مناعت طبع، ترویج اشعار ملی و غیره. در کشور آلبانی از قدیم الایام تأثیر فرقه‌های درویشی و بخصوص فرقه‌های بکتاشی و تکایای آنها احساس می‌شد. این فرقه‌ها، و بخصوص بکتاشی، مولویه، و تا حدی سعدیه و خلوتیه، عقاید و افکار صوفی‌گرایانه و فلسفه عرفانی و شعر و از این طریق ایده‌ها و طرح‌های ایران‌شناسی را ترویج می‌دادند. چند تن از شیوخ این فرقه‌ها بطور اساسی به مطالعات ایران‌شناسی پرداختند. در اینجا کافی است که به تکیه فرقه بکتاشی در فراشری اشاره کنیم که در آن برادران فراشری (نعیم و سامی) و همچنین سایر روشنفکران آلبانیایی آگاهیه‌های اولیه را در مورد شرق‌شناسی و بخصوص زبان و ادبیات فارسی کسب کردند.

قطعاً عوامل دیگری نیز بر توسعه ایران‌شناسی در آلبانی تأثیر گذاشته‌اند. یکی از مهم‌ترین این عوامل این بوده که ایران‌شناسانی از قبیل حسن تحسینی، سامی و نعیم فراشری، دالیپ فراشری (مؤلف حدیکایا (Hadikaja)^(۱) و سایر ادیبان و دانشمندی که به جنبش احیای فرهنگی ملی

pare e studimeve albanologjike, Tirana, 1965, page 134.

۱ - دالیپ نویسنده و شاعر قرن نوزدهم آلبانی است. او به جمع بیت‌گویان تعلق داشت. اثر اصلی او حدیکایا (Hadikaja) می‌باشد که دیوانی متشکل از ۶۵۰۰ بیت بوده که در

ادامه در صفحه بعد

آلبانیان تعلق داشتند، در برخی از شاخه‌های ایران‌شناسی دارای تأثیری خاص بوده و در عین حال بر نسل‌های آینده نیروهای روشنفکرانه و قشرهای مختلف جامعه آلبانی تأثیر گذاشته تا به مطالعه تاریخ، فرهنگ، زبان و زندگی معنوی ایران بپردازند.

سامی و نعیم فراشری دارای نقش و سهم خاصی در ایران‌شناسی هستند. از سایر دانشمندان و شخصیت‌هایی که در آلبانی تا امروزه به ایران‌شناسی پرداخته‌اند، و حتی برخی از آنان در طول تحصیلات خود زبان فارسی را آموخته‌اند، می‌توان به ایران‌شناسان زیر اشاره نمود: شیخ محرم میترویتسا (۱۹۰۰-۱۹۷۵)، وجهی بخارایی (۱۹۲۰-۱۹۸۷) که قطعاً بزرگترین ایران‌شناس آلبانیایی است و آثار عمده او ترجمه گلستان و بوستان سعدی (۱۹۶۰)، بخشهایی از شاهنامه فردوسی و بهارستان جامی می‌باشد، حافظ علی کورچا (۱۸۷۴-۱۹۵۷) که او نیز یکی از ایران‌شناسان برجسته آلبانی بوده و در درجه اول به عنوان مترجم آثار گلستان سعدی (۱۹۱۷) و رباعیات خیام (۱۹۴۲) به زبان آلبانیایی شهرت دارد.

همچنین فان نولی (۱۸۸۲-۱۹۶۵) نیز به عنوان مترجم آثار زبان فارسی شهرت دارد و طی سالهای ۱۹۲۶ و ۱۹۲۷ رباعیات خیام را تحت عنوان "رباعیات" به زبان آلبانی ترجمه کرد.

این شخصیتها و سایر ایران‌شناسان آلبانیایی به امر ترجمه و تحقیق در زمینه‌های زیر اشتغال داشتند: ۱ - الهیات نظری ایرانی؛ ۲ - دانشمندان و فلاسفه ایرانی؛ ۳ - شعرای کلاسیک ایرانی (خیام، سعدی، رودکی،

ادامه از صفحه قبل مورد وقایع گذشته اسلام سروده شده است. اثر وی به تقلید از فضولی شاعر قرن پانزدهم و شانزدهم ایران سروده شده و دارای عنوانی یکسان با کتاب شعر فضولی است.

فردوسی، سنایی، عطار، رومی، حافظ و جامی)؛ ۴ - تأثیر زبان فارسی (واژه‌های فارسی) بر زبان آلبانی بسیار با ارزش مفید خواهد بود اگر که این میراث غنی ایرانی در این منطقه، که هنوز به طور کامل و علمی مورد بررسی قرار نگرفته است، به صورت منظم با توجه به سیر تاریخی آن از قرن پانزدهم میلادی به بعد مورد بررسی علمی و تحقیقی قرار گیرد. عمیقاً بر این باور هستیم که این تحقیق و نتایج آن برای مطالعات علمی بسیار مفید بوده و در عین حال این نظریه را تأیید خواهد کرد که بین ملل آلبانی و ایران قرن‌ها ارتباط، همکاری و پیوند بخصوص در زمینه فرهنگ، آموزش، علوم، هنر و سایر زمینه‌های زندگی معنوی برقرار بوده است.

سهم علمی و تأثیر فرهنگی ایران‌شناسان در قلمرو یوگسلاوی پیشین

زبان و ادبیات فارسی، نتایج حاصل شده در برخی از علوم، فرهنگ و افکار فلسفی در کشورهای یوگسلاوی سابق و از همه بیشتر در بوسنی، مقدونیه، کوزوو، سنجاک، جنوب شرقی و سایر قسمت‌های صربستان در حال رشد، و برخی اوقات نیز بنا به دلایل مختلف در توقف و جمود بوده، ولی همیشه مورد احترام بوده و تا حدی نیز توسط ایران‌شناسان یوگسلاو مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. زبان و ادبیات فارسی در برخی از مؤسسات، و قبل از همه در مدارس علمیه از قبیل مدرسه مرحمت-پاشا در پریزرن و همچنین در روژای، و همچنین به ویژه در نزد امامان با سواد و مؤسسين و شیوخ برخی از فرقه‌های درویشی بسیار مورد احترام بوده و حتی در مدارس ذکر شده جزو دروس اجباری تحصیلی محسوب می‌شد.

آموزش فارسی طی قرن‌ها و به مرور به این مناطق نفوذ کرده و بخش اصلی آموزش عمومی و فرهنگ حرفه‌ای مسلمانان روشنفکر شد. در برخی از دانشگاه‌ها از قبیل دانشگاه‌های قدیمی بلگراد، زاگرب و لیوبلیانا، زبان فارسی در چهارچوب بخش‌ها و کرسی‌های خاصی تدریس می‌شد و در برخی جاها به عنوان درس اجباری رشته و کرسی شرق‌شناسی^(۱) و یا گروه

۱ - در دانشگاه بلگراد این رشته از سال ۱۹۲۵ نزدیک به پنجاه سال تدریس می‌شد. در

زبان‌شناسی کلاسیک به شمار می‌آمد.

بر اساس یک منبع^(۱)، در قلمرو یوگسلاوی سابق در طول دهه شصت، زبان فارسی در گروه‌های تحصیلی زیر تدریس می‌شد:

الف) دانشکده ادبیات دانشگاه بلغراد در بخش شرق‌شناسی، در این بخش در کنار زبانهای عربی، ترکی و عبری، زبان فارسی نیز زبان اجباری بود؛

ب) دانشکده فلسفه دانشگاه لیوبلیانا در گروه زبانها پایه و شرق‌شناسی

ج) در سایر دانشکده‌های فلسفه در کشور (زاگرب^(۲) و اسکوپیة). در گروه زبان‌شناسی کلاسیک نیز قطعاً زبان فارسی مورد مطالعه قرار می‌گرفت.

د) در دانشکده فلسفه دانشگاه سارایوو گروه مطالعاتی زبانهای عربی، ترکی و فارسی وجود داشت.

آقای مونیر شاهینوویچ در سال ۱۹۳۵ بر نیاز تأسیس کرسی زبانهای شرقی در دانشگاه زاگرب تأکید و اصرار داشت.^(۳) با انتصاب آلکساندار اولسنیتسکی (Aleksandar Olesnicki) به عنوان پروفیسور زبان ترکی در سال

ادامه از صفحه قبل حال حاضر بخش شرق‌شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه بلغراد در حال برنامه‌ریزی برای تدریس مجدد اجباری زبان فارسی در این دانشکده می‌باشد.

۱ - یانکو دوگوویچ و سایرین، آموزش و پرورش در جمهوری فدرال خلقی یوگسلاوی، زاگرب، ۱۹۶۱، ص. ۱۸۹

۲ - در دانشگاه زاگرب بخش شرق‌شناسی مدت زیادی فعالیت داشت.

۳ - به مقاله آقای مونیر شاهینوویچ مراجعه شود: "موافق با کرسی شرق‌شناسی در دانشگاه زاگرب"، نشریه آبزور (Obzor)، سال ۷۶، شماره ۹۶ (۱۹۳۵/۴/۲۴) و ۹۷ (۱۹۳۵/۴/۲۵)

۱۹۳۷ گروه مطالعاتی شرق‌شناسی در دانشگاه زاگرب تأسیس شد.^(۱)

پروفسور دکتر دیان بوگدانوویچ (Dejan Bogdanovic) ایران‌شناس معاصر یوگسلاو که سالهای زیادی در دانشگاه تهران به مطالعه زبان و ادبیات فارسی پرداخته است، در رابطه با نفوذ و تأثیر زبان و فرهنگ فارسی در بوسنی، مقدونیه و صربستان از ۱۶ نفر شاعر و نویسنده مشهور نام برده است که دارای آثاری با ارزش به زبان فارسی هستند.^(۲) در اینجا باید اضافه کرد که در این منطقه میراث ایران‌شناسی معنوی بسیار غنی و کاملی در همه زمینه‌های عملکرد خلاقان ادبی، علمی، تعلیم و تربیتی و هنری به وجود آمده که تعداد آنها بسیار زیاد بوده بخصوص آنهایی که از اواخر قرن پانزدهم تا امروز به این موضوعات پرداخته و بطور کلی آنها را می‌توان به چند گروه بزرگ تقسیم کرد.

اولین گروه آن نویسندگان، محققین و مؤلفین دیگری هستند که از مناطق مسلمان‌نشین و یا با سکنه مخلوط بوده که انحصاراً و یا بطور عمده به زبان‌شناسی ایرانی پرداخته و برخی از آنان نیز در زمینه‌های دیگر ایران‌شناسی نیز حضور فعال و کامل داشته‌اند (برای مثال سودی (Sudi) بدون شک یکی از بهترین متخصصان زبان و ادبیات فارسی بوده است؛ درویش - پاشا و پسرش احمد - بیگ درویش‌پاشیچ؛ شیخ فوزی موستاراتس از قرن ۱۸ که از همه بیشتر به زبان فارسی مطلب می‌نوشت؛ همچنین کاپتانوویچ؛ پاچاریزی؛ باشاگیچ؛ بایراکتارویچ و دیگران).

۱ - مونیر شاهینوویچ، "شرق‌شناسی در دانشگاه زاگرب"، نشریه اُبزور (Obzor)

شماره ۱۴ (۱۹۳۷/۱/۱۹)، ص. ۱، اولسینتسکی (۱۸۸۸-۱۹۴۳) آموزشیار زبان ترکی بود.

۲ - مجله نور، بلغراد، شماره ۱۳، ۱۹۹۷، ص. ۱۷.

دومین گروه آن نویسندگان و شاعرانی بوده که تقریباً بطور یکسان به هر سه زبان شرقی و یا به دوزبان، اکثراً به زبان فارسی و ترکی مطلب می‌نوشتند (برای مثال شیخ احمد کادیچ - بی‌یلوپولیاک از نیمه دوم قرن ۱۸ که اشعار دیوانش به زبانهای عربی، فارسی و ترکی می‌باشد). واقعیت این است که کمترین تعداد مؤلفین به زبان عربی و بیشترین تعداد به زبان ترکی مطلب می‌نوشتند چرا که این میراث فرهنگی - ادبی در زمان امپراطوری و سلطه عثمانی بر این منطقه به وجود آمده است.

سومین گروه آن مؤلفانی هستند که بسیار عالی زبان فارسی را می‌دانستند ولی بسیار کم آثار خود را به زبان فارسی می‌نوشتند و یا اینکه اصلاً به این زبان نمی‌نوشتند. از این گروه می‌توان به افراد زیر اشاره کرد: محمد - ارشی منارزاده اهل نووی بازار (قرن ۱۶) که در علم و شعر شهرت داشت، همچنین شیخ‌یویو اهل موستار (نیمه دوم قرن ۱۷) تاریخ‌شناس که با زبان فارسی به خوبی آشنا بود، زکی اهل بوسنی (اواخر قرن ۱۷)، محمد بوشنیاک رشید اهل ساریوو (متولد اواسط قرن ۱۷) و دیگران.

چهارمین گروه دربرگیرنده مفسرین آثار مؤلفین ایرانی - پارسی و یا مترجمین و کاتبان و محررین آثار کلاسیک فارسی می‌باشد. در مناطقی از قبیل ساریوو، موستار، پریرزن چندین مفسر و مترجم چنین آثاری وجود داشت. حتی برخی از تکایا از قبیل تکیه خلوتیه در اوراهواتس، که دارای قدمت بیش از سیصد سال است، مدارس تحریر و رونویسی آثار فارسی بودند.

پنجمین گروه را تعداد کثیری از شیوخ و دراویشی تشکیل داده که به شعر و نظم پرداخته و جزو فرقه‌های مختلف و قبل از همه پیروان بکتاشیه، مولویه، ملامیه و طریقه‌های دیگر بودند. تعداد زیادی از چنین مؤلفانی در بوسنی، کوزوو، مقدونیه و سنجاک وجود داشتند.

اعضای ششمین گروه را شعرا، علما و ایران‌شناسانی تشکیل داده که به اقوام صرب، آلبانی‌تبار، کروات و سایر ملل در قلمرو یوگسلاوی سابق تعلق داشتند. در بین صربها تا حدی می‌توان به یووان یووانوویچ ازمای، پروفیسور دیان بوگدانوویچ و تا حدی دکتر دارکو تاناسکوویچ و دیگران اشاره نمود. برای مثال می‌توان به ترجمه عالی ازمای تحت عنوان مروارید شرق (۱۸۶۰) اشاره نمود.

هفتمین گروه را مؤلفین فرهنگهای لغت از قبیل فارسی - ترکی و یا عربی - فارسی - ترکی تشکیل می‌دهند. چنین افرادی در گذشته وجود داشته و در زمانهای اخیر نیز چند نفری به این امر اشتغال داشتند. یکی از چنین مؤلفینی حسین حسنی افندی حاجی حسینوویچ (درگذشته ۱۸۹۹) بوده که به امر تألیف واژه‌نامه بوسنیایی - ترکی - فارسی - عربی مشغول بوده، ولی این اثر به انجام نرسید. بسیاری از اسناد و مدارک دال بر این بوده تحقیقات ایران‌شناسی در قلمرو یوگسلاوی سابق بسیار مورد توجه بوده است. چنین اسنادی در برخی مراکز فرهنگ اسلامی - پارسی و مؤسسات علمی و فرهنگی، بخصوص در انستیتوی شرق‌شناسی در سارایوو، کتابخانه قاضی خسروبیگ در سارایوو، کتابخانه مدرسه محمد پاشا در پریزرن، کتابخانه مدرسه علاءالدین در پریشتینا، در مجموعه‌های اسلامی فرهنگستان علوم و هنر کرواسی و سایر جاها حفظ شده‌اند. در انستیتوی شرق‌شناسی که تا زمان جنگ در بوسنی (بین ۱۹۹۲-۱۹۹۶) دارای غنی‌ترین مجموعه‌ها در بالکان بود^(۱)، تعداد قابل توجهی از نسخ دست‌نویس به زبان

۱ - انستیتو تا آن زمان دارای مجموعه‌ای بیش از ۷۰۰۰ اثر بوده که آن را در درجه اول نسخ دست‌نویس به زبانهای شرقی تشکیل می‌دادند. بخشی از این میراث با ارزش در طول سالهای جنگ از بین رفته است.

فارسی حفظ می‌شد.^(۱)

در اینجا حداقل به چند نسخه دست‌نویس اشاره می‌شود که امید است در طول جنگ نابود نشده باشند. این نسخ بر واقعیتهای زیر حکایت دارد: این کتب دست‌نویس از مناطق مختلف یوگسلاوی سابق منشأ گرفته است؛ در گذشته دور علاقه نسبت به کتاب در قلمرو یوگسلاوی سابق زیاد بوده است؛ در این مناطق از منابع مختلف دست‌نویس و چاپی فارسی، تفاسیر بعضی از آثار، نسخ اصل و یا رونویسی شده آثار کلاسیک فارسی، واژه‌نامه‌های فارسی، مطالعات فلسفی - عرفانی، یادداشتهای قابل توجه و سایر منابع استفاده شده است. همه اینها نشان‌دهنده حضور چند قرنه تحقیقات علمی ایران‌شناسی به صورت مستقل و همچنین در چهار چوب رشته‌های وابسته به شرق‌شناسی در یوگسلاوی سابق می‌باشد. در یک سری از کتب تاریخ، و معمولاً در پایان اثر، به پیام محرر و کاتب و مثلاً: زندگی‌گذرا است ولی اثر جاودانی بوده و در خدمت خلق خواهد بود، برمی‌خوریم. کاتبین آثاری از قبیل فرهنگهای لغت، کتب تفسیر و غیره از اهالی مناطق مختلف یوگسلاوی و بخصوص شهرهای زیر بوده‌اند: سارایوو، موستار، فوینیتسه، پریرزن، پودگوریتسا، پریشینا، تربینه، روگاتیتسا، بانیا لوکا، تراونیک. در اینجا می‌توان به اینگونه آثار چاپی و دست‌نویس فارسی اشاره نمود که در مناطق مختلف یوگسلاوی پیدا شده و مورد کاربرد بوده‌اند. بر اساس اسناد موجود، بسیاری از آثار دست‌نویس در واقع ترجمه کتب عربی و ترکی به زبان فارسی و اکثراً مترجمین آن ناشناس بوده‌اند. بطور کلی کتب دست‌نویس موجود در رابطه با موضوعات مختلف ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی می‌باشد، برای

۱ - عصمت بوشاتلیچ، گنجینه در آتش، مجله نور، شماره ۲، ۱۹۹۲، ص. ۵۵. این نویسنده مدعی است که در این انستیتو تا آغاز دهه نود ۴۶۴ نسخه دست‌نویس به زبان فارسی وجود داشت.

مثال:

- جنبه‌های مختلف اخلاق اسلامی،
- فلسفه عرفانی - تصوفی،
- آثار کلاسیک ادبی فارسی،
- آثار نشر فارسی
- نسخ دست‌نویس شعر،
- تفاسیر برخی از آثار،
- در رابطه با قرآن،
- کتب حدیث و تفسیر،
- کتب سنت اسلامی، قرائت و تجوید،
- تعلیمات دینی،
- اصول عقاید،
- تعالیم فرقه‌های مختلف دراویش،
- جغرافی،
- پزشکی،
- زمین‌شناسی و نجوم،
- ترجمه‌های فارسی کتب یونانی،
- تاریخ،
- تاریخ تحولات لغوی و ریخت‌شناسی زبان فارسی،
- دستور زبان فارسی،

- علم سجع و سلیس‌نگاری،

- واژه‌نامه‌نویسی - برای مثال فرهنگ عربی - فارسی، فارسی - ترکی و غیره.

بطور خلاصه می‌توان گفت که تعداد نویسندگان، محققین، مترجمان، مفسرین و کاتبان آثار فارسی در یوگسلاوی سابق کم نبوده و این خود عاملی بسیار مهم برای مطالعات ایران‌شناسی و زبان‌شناسی ایرانی می‌باشد. برای مثال در انستیتوی شرق‌شناسی ۴۳ نسخه پندنامه عطار، ۲۶ نسخه تفسیر پندنامه، ۳۸ نسخه گلستان سعدی و ۷۹ نسخه قرآن نگاهداری می‌شود. در بین مؤلفین آثار موجود در این انستیتو می‌توان به رومی، نظامی، حافظ، انوری، عطار، سعدی، نخبجوانی، علی‌اصفهانی، جامی و دیگران اشاره نمود. این آثار دست‌نویس حفظ شده در کنار ارزش محتوایی خود، دارای قدمت بسیار زیاد (برخی از آنها به قرنهای ۱۰، ۱۱ و ۱۲ میلادی متعلق هستند) و همچنین ارزش فراوان علمی، هنری نیز هستند. برای دسترسی و آشنایی با این آثار مختلف کاتالوگها و سایر فهرستهای آثار موجود به زبان فارسی و سایر زبانهای شرقی دارای اهمیت ویژه می‌باشند، که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱ - نسخ دست‌نویس فارسی، ترکی و عربی موزه‌های کرواتس در ساریوو، فهیم‌سپاهو، ساریوو، ۱۹۴۲

۲ - کاتالوگ نسخ دست‌نویس عربی، ترکی و فارسی^(۱)، کاسیم

۱ - به کتاب کاسیم دوبراچا در دفتر اول مراجعه شود: قرآن (ص. ۴۸-۴۹)؛ تفسیر قرآن، یکی از قدیمی‌ترین کتب کتابخانه قاضی خسرو بیگ در ساریوو (ص. ۲۲۹-۲۳۰) و ادعیه (۵۴۷-۵۵۳). این مجموعه ادعیه در حقیقت دربردارنده دعاها، تسبیحات و ذکریات همراه با ترجمه و تفسیر به زبان فارسی می‌باشد.

دوبراچا، ساریوو، دفتر اول ۱۹۶۳ و دفتر دوم ۱۹۷۹)

۳- کاتالوگ نسخ دست‌نویس فارسی انستیتوی شرق‌شناسی ساریوو،
صالح تراکو، ساریوو، ۱۹۸۶

در کتاب صالح تراکو فهرست بیشترین تعداد نسخ دست‌نویس فارسی قید
شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد:

- بحثیات فی الحساب، اثری به زبان فارسی درباره نجوم و جغرافی از
مؤلفی ناشناس.^(۱)

- رساله بنای آیاصوفی، کتاب درباره ساخت مسجد آیاصوفی در
استانبول بوده و توسط درویش شمس-فقیر در سال ۱۴۹۱ از زبان یونانی به
فارسی ترجمه شده است.^(۲)

- مفاتیح الذرّیان فی اثبات القوانین الذّاریّه، ترکیب‌شناسی زبان
فارسی، این اثر را مصطفی ابوبکرالسیواسی به زبان عربی نوشته شده
است.^(۳)

- فصل فی التّحقی، استخراجی از یک دستور زبان فارسی اثر مؤلفی
ناشناس.^(۴)

- نشاب الشّیبیان، زبان فارسی - عربی به صورت شعر (۲۰۰ بیت) برای
کودکان، تألیف جعفرالفراهی (در حدود سال ۱۲۲۰ زندگی می‌کرده

۱ - کاتالوگ نسخ دست‌نویس فارسی انستیتوی شرق‌شناسی ساریوو، صالح تراکو،

ساریوو، ۱۹۸۶، ص. ۳۸، سند ۴۵

۲ - همان منبع، ص. ۴۵، سند ۵۵.

۳ - همان منبع، ص. ۴۸، سند ۶۰.

۴ - همان منبع، ص. ۴۹، سند ۶۳.

است).^(۱)

- وسیلة المقاصد الا احسان المرآشد - لغت رستم مولوی، بخشی از
واژه‌نامه فارسی - ترکی که توسط رستم مولوی درویش فرقه مولوی (۱۴۹۸)
ثبت و جمع‌آوری شده است.^(۲)

- حلّه منظومه - شرح تحفه شهیدی، تفسیر فرهنگ فارسی - ترکی اثر
ابراهیم شهیدی. این تفسیر توسط مصطفی یوسف موستاری معروف به شیخ
یویو (متوفی به سال ۱۱۱۹ هجری / ۱۷۰۹ میلادی) نوشته شده است. تاریخ
تألیف اثر ۱۱۱۰ هجری / ۱۶۹۸ میلادی) است. بنا به ادعای مفسر، فرهنگ
لغت شهیدی "در منطقه ما و سایر مناطق مشهور است".^(۳)

- شرح تحفه شهیدی، تفسیر فرهنگ لغت فارسی - ترکی مشهور
ابراهیم شهید مولوی. این تفسیر را احمد افندی آکوالی فرزند عثمان
آکوالی بانی کتابخانه عمومی ساریوو، در سال ۱۱۴۳ هجری (۱۷۳۰
میلادی) به زبان ترکی نوشته است.^(۴)

معلمی به نام محمدافندی نیز تفسیری در رابطه با همین واژه‌نامه نوشته
است. این تفسیر را در سال ۱۷۴۳ احمد تشچیزاده اهل پریشینا که در
ساریوو اقامت داشته، رونویسی کرده است.^(۵)

- لغات لامی، واژه‌نامه کوچک فارسی - ترکی منظوم برای کودکان که

۱ - همان منبع، ص. ۶۱، سند ۸۶.

۲ - همان منبع، ص. ۷۲، سند ۱۰۸.

۳ - همان منبع، ص. ۱۰۰، سند ۱۷۹.

۴ - همان منبع، ص. ۱۰۴، سند ۱۸۵.

۵ - همان منبع، ص. ۱۰۵، سند ۱۸۷.

آن ران‌لامی (متوفی با سال ۹۳۸ هجری، ۱۵۳۱-۳۲ میلادی).^(۱)

لغات نعمت‌الله، واژه‌نامه فارسی - ترکی اثر نعمت‌الله‌احمد مبارک رومی (متولد صوفیه، متوفی در استانبول به سال ۹۶۹ هجری، ۱۵۶۱-۶۲ میلادی).^(۲)

- صباح شیبان، واژه‌نامه کوچک فارسی - ترکی مخصوص کودکان، این فرهنگ لغات به صورت شعر و همانند فرهنگ لغت ابن‌فرشته نوشته شده است. این اثر را احمد فوینیچانین در سال ۱۱۴۲ هجری رونویسی کرده است.^(۳)

- لغات گلستان، بخشی از واژه‌نامه فارسی - ترکی اثر مؤلفی ناشناس. در این اثر توضیحاتی در مورد برخی از لغات عربی موجود در گلستان سعدی شیرازی داده شده است. کتاب ناقص بوده و هیچ اطلاعی در مورد نسخه رونویس آن وجود ندارد. می‌توان حدس زد که در سال ۱۰۲۹ هجری (۱۶۲۰ میلادی) رونویسی شده است.^(۴)

- لغات و اصطلاحات تصوف، واژه‌نامه واژه‌های تصوف (مجموعاً ۲۸۵ واژه). نام اثر، مؤلف، کاتب و همچنین تاریخ رونویسی مشخص نشده است.^(۵)

- خسرووشیرین، اشعار حماسی - عاشقانه در رابطه با عشق خسرو

۱ - همان منبع، ص. ۱۱۰، سند ۱۹۶. نام محرر اثر مشخص نیست.

۲ - همان منبع، ص. ۱۱۱، سند ۱۹۸.

۳ - همان منبع، ص. ۱۱۹، سند ۲۱۴.

۴ - همان منبع، ص. ۱۲۷، سند ۲۳۶.

۵ - همان منبع، ص. ۱۳۲، سند ۲۴۸.

پرویز شاهزاده ایرانی نسبت به شیرین زیبارو. مؤلف اثر نظامی گنجوی که به احتمال زیاد در سال ۵۴۵ هجری در گنجه متولد شده است. اثر دارای ۷۲ قصیده بوده و یکی از ۵ منظومه نظامی گنجوی است.^(۱)

- منطق عطار، اثری شاعرانه که دارای ۴۳ قصیده بوده و در رابطه با عرفان است. مؤلف آن محمد ابراهیم نیشابوری مشهور به فریدالدین عطار می‌باشد.^(۲)

این اثر از سوی تعداد کثیری از کاتبان رونویسی شده است، که در بین آنها می‌توان به بوساناتس درویش فرقه‌نقشبندیه عبد شاکر اهل فوینیتسه اشاره نمود.^(۳)

- پندنامه، اثر شاعرانه با محتوای عرفانی - اخلاقی که مؤلف آن محمد ابراهیم نیشابوری (عطار) است. این مجموعه شعر را محمد صالح اهل پدرنه در سال ۱۰۲۵ هجری (۱۶۱۶ میلادی) رونویسی کرد.^(۴)

- سعادت‌نامه - شرح پند نامه، ترجمه پند نامه عطار به زبان ترکی. تفسیر پند نامه در این کتاب را مولانا مصطفی شامی (متوفی بعد از سال ۱۰۰۹ هجری ۱۶۰۰-۰۱) نوشته است.^(۵)

۱ - همان منبع، ص. ۱۳۸.

۲ - همان منبع، ص. ۱۴۰، سند ۲۵۸.

۳ - همان منبع، ص. ۱۴۱، سند ۲۶۲.

۴ - همان منبع، ص. ۱۴۲، سند ۲۶۴. یک نسخه رونویسی شده پندنامه (از سال ۱۰۹۲ هجری) در مالکیت ابراهیم آقا اهل پودگوریتسا می‌باشد. (همان منبع، ص. ۱۱۴، سند ۳۰۸).

۵ - همان منبع، ص. ۱۵۸، سند ۳۰۸.

محرر یک نسخه از این اثر حسین کاتب پریزرنی (اهل پریزرن) بوده که رونویسی اثر را در سال ۱۰۴۶ (۱۶۳۶-۳۷ میلادی) انجام داده است.^(۱)

- مثنوی، تفسیر اشعار سخت مثنوی جلال‌الدین رومی. تفسیر توسط اسماعیل-دیده‌آنکروی، عضو فرقه درویشی مولویه به تحریر درآمده است. او که شیخ فرقه خود در گالات بود، در آنکارا بدنیا آمده و در سال ۱۰۴۱ هجری (۱۶۳۱ میلادی) فوت کرده است.^(۲)

- بوستان، مجموعه اشعار عرفانی که توسط شیخ عبدالله سعدی شیرازی (۵۸۹-۶۹۱ هجری) سروده شده است. بوستان توسط خیرالدین طاهر حسن رونویسی شده است.^(۳)

- گلستان، کتاب نثر همراه با اشعار عرفانی - تربیتی که توسط مصلح‌الدین سعدی شیرازی (۵۸۹-۶۹۱ هجری) در سال ۶۵۶ هجری به تحریر درآمده است. نام محرر مشخص نیست.^(۴)

- شرح گلستان، تفسیر گلستان سعدی به زبان عربی اثر یعقوب سیدعلی (متوفی به سال ۹۳۱ هجری).^(۵)

- شرح گلستان، تفسیر گلستان سعدی به زبان ترکی توسط مولانا سودی

۱ - همان منبع، ص. ۱۶۰، سند ۳۱۱.

۲ - همان منبع، ص. ۱۷۸، سند ۳۴۷.

۳ - همان منبع، ص. ۱۷۹-۱۷۸، سند ۳۴۸.

۴ - همان منبع، ص. ۱۸۴-۱۸۵، سند ۳۶۰. به نسخه رونویس گلستان سعدی که توسط یوسف حسین موستاراتس در سال ۱۰۳۱ هجری رونویسی شده است می‌توان مراجعه نمود (همان منبع، ص. ۲۰۱، سند ۴۰۱).

۵ - همان منبع، ص. ۲۰۲، سند ۴۰۲.

بوسنایی (متولد بوسنی، متوفی به سال ۱۰۰۶ هجری). سودی در کتاب خود به کرات ادعاهای مفسران دیگر گلستان (سروری، لامی، شامی، کافی، ابن سید علی) را رد کرده است.^(۱)

در یک نسخه رونویسی شده گلستان نام مالک آن نسخه یعنی ابو باقر سعدی زاده پریشینایی (بدون قید تاریخ) نیز ذکر شده است.^(۲)

- شرح گلستان، تفسیر گلستان سعدی به زبان ترکی که مفسر آن مولانا مصطفی شمس‌الله مؤلف اثر شامی اهل پریرزن است. محرر شرح گلستان عالم حسین کاتب اهل پریرزن بوده که آن را در سال ۱۰۴۷ رونویسی کرده است.^(۳)

- دیوان حافظ، مجموعه اشعار شمس‌الدین محمد حافظ که در شیراز به دنیا آمده و در همین شهر نیز در سال ۹۲۳ هجری دنیا را وداع گفت. رونویسی این اثر که توسط کاتبی ناشناس انجام شده، در سال ۹۲۳ هجری به اتمام رسیده است.^(۴)

در یک نسخه دست‌نویس دیگر دیوان حافظ، محرر اشعار شعرای دیگر ترک و فارس را نیز ثبت کرده است. این شعرا عبارتند از: عرفی، نظیری، سلانیک، دارونی، شوکت، باقی، مونیف، ثابت، ندیم، کاتب، رامی - پاشا، حاسب، علی، امری، سلیم، اسماعیل، لطفی، شائب، حسین، بایکوی، فائض، فائودی، نظمی، عرب‌زاده، شمسی پاشا، عزمی‌زاده، یحیی، علوی،

۱ - همان منبع، ص. ۲۰۳، سند ۴۰۳.

۲ - همان منبع، ص. ۲۰۷، سند ۴۱۰.

۳ - همان منبع، ص. ۲۰۹، سند ۴۱۳.

۴ - همان منبع، ص. ۲۱۶، سند ۴۲۶.

نفی، و سایرین.^(۱)

- شرح دیوان حافظ، تفسیر دیوان حافظ شیرازی که توسط مصلح‌الدین مصطفی ملقب به سروری (متوفی به سال ۹۶۹ هجری) به زبان ترکی نوشته شده است.^(۲)

یک نسخه تفسیر سروری را نیز بشیر بوسنایی رونویسی کرده و در سال ۹۸۸ هجری قمری به اتمام رسانده است.^(۳) نسخ متعدد رونویسی شده این اثر نیز وجود دارد.

- شرح دیوان حافظ، تفسیر دیوان حافظ شیرازی که توسط مولانا سودی بوسنایی در سال ۱۰۰۲ به زبان ترکی نوشته شده است. سودی در برخی موارد در تفسیر خود ادعاهای سروری و شامی را در تفسیر دیوان رد کرده است.^(۴)

- شرح سبهای‌الابرار، تفسیر اشعار دینی "سبهای‌الابرار به زبان ترکی که توسط مولانا مصطفی شامی نوشته شده است.^(۵)

- چازرمفردات، منتخبی از اشعار شعرای کلاسیک ایرانی. این اثر ناقص بوده و مشخصات گردآورنده و محرر آن ناشناخته است.^(۶)

۱ - همان منبع، ص. ۲۱۷، سند ۴۲۸.

۲ - همان منبع، ص. ۲۱۹، سند ۴۳۲. همچنین مراجعه شود به نسخه تفسیری که توسط سروری نوشته شده است. (همان منبع، ص. ۲۲۱، سند ۴۳۴).

۳ - همان منبع، سند ۴۳۲.

۴ - همان منبع، ص. ۲۲۳، سند ۴۳۷.

۵ - همان منبع، ص. ۲۳۵، سند ۴۵۵.

۶ - همان منبع، ص. ۲۳۹-۲۴۰، سند ۴۶۱.

- سرنامه، اشعار عاشقانه شاعر گمنام. در این اثر از جامی نام برده می‌شود و بنابراین احتمال می‌رود که این نام مؤلف باشد.^(۱)

آثار ذکر شده فوق نشان‌دهنده ارج و منزلت میراث معنوی ایران در یوگسلاوی سابق است. در محافل علمی و آموزشی به این امر توجه بیشتری نشان داده شده و این خود عاملی مشوق برای خلاقیت‌های هنری و علمی بسیاری از مؤلفین اهل مناطق مختلف یوگسلاوی سابق بود.

دومین نتیجه قابل توجه این بوده که با قاطعیت می‌توان گفت که قلمرو یوگسلاوی دارای غنی‌ترین مجموعه نسخ دست‌نویس اسلامی، و در درجه اول نسخ عربی و ترکی، در اروپا می‌باشد. نسخ دست‌نویس در کتابخانه‌ها، آرشیوها و انستیتوهای مختلف ثبت و نگاهداری می‌شوند، که در بین آنها می‌توان به مؤسسات زیر اشاره نمود: کتابخانه قاضی خسروبیگ در سارایوو، انستیتوی شرق‌شناسی در سارایوو، مجموعه شرق‌شناسی فرهنگستان علوم و هنر کرواسی در زاگرب، آرشیو دولتی مقدونیه در اسکوپیه، آرشیو فرهنگستان علوم و هنر صربستان در بلگراد، آرشیو شهر و صومعه موستار، کتابخانه موقوفه و کتابخانه مدرسه محمد - پاشا در پریرزن، کتابخانه دبیرستان دینی علاءالدین در پریشتینا و غیره. برای مثال در پریرزن حدود ۲۰۰ نسخه دست‌نویس به زبانهای شرقی، و فارسی، نگاهداری می‌شود. در اینجا همچنین یک نسخه نادر تفسیر قرآن به زبان فارسی، "قانون" ابوعلی سینا فیلسوف و پزشک ایرانی و همچنین تفسیر گلستان سعدی و غیره وجود دارد. کتابخانه مدرسه علاءالدین در پریشتینا نیز چندین نسخه کتب خطی بسیار با ارزش را در اختیار دارد.

در کتابخانه تکیه قدیمی خلوتیه در اوراهوواتس در کنار سایر کتب به ۲۵

۱ - همان منبع، ص. ۲۴۱، سند ۴۶۳.

نسخه کتاب خطی و چاپی با ارزش برمی‌خوریم. یکی از این کتب که برای علم سندی بسیار با ارزش است، طومار می‌باشد. این کتاب به خط عربی و زبانهای ترکی و عربی یا فارسی نوشته شده است. برخی کتب این کتابخانه قدیمی نیز به زبان صربی هستند.^(۱) برخی از آثار نوشته شده به زبان فارسی در طی جنگهای مختلف از بین رفته ولی امروزه هنوز می‌توانیم چنین آثاری را در کتابخانه‌های خصوصی و همچنین در کتابخانه‌های شهری و ملی پیدا کنیم.

در رابطه با بررسی و مطالعه فرهنگ ایرانی باید گفت که با حضور امپراطوری عثمانی و تثبیت قدرت آن در یوگسلاوی و سایر کشورهای بالکان، در کنار زبان و فرهنگ عربی و ترکی، به طور همزمان علم و فرهنگی ایرانی نیز به این مناطق رخنه کرده که این مقاله تحقیقی گواهی بر این مدعی است.^(۲)

با توجه به علاقه بسیار زیاد نسبت به ادبیات، فلسفه و افکار علمی ایرانی، افراد بسیار برجسته طرفدار فرهنگ ایرانی و همچنین آشنایان با زبان فارسی نه تنها در شهرهای بزرگ (از قبیل سارایوو، اسکوپیه، بلگراد، اوژیتسه، موستار، پریرزن، توزلا)، بلکه از تمامی مناطق یوگسلاوی سابق به فعالیت و تحقیق در این زمینه اشتغال داشتند. برای مثال در کوزوو چنین

۱ - اداره حفظ آثار باستانی و میراث فرهنگی کوزوو در پریشینا براساس حکم شماره ۴۰ - ۰۲ به تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۷۰ تکیه خلوتیه را به عنوان یک اثر باستانی تحت حمایت خود قرار داد. در رابطه با کتب ذکر شده به فهرست کتب و عناوین آن در حکم این اداره مراجعه شود.

۲ - به کتاب اینجانب تحت عنوان "فرهنگ اسلامی - ایرانی و تأثیر زبان فارسی در یوگسلاوی" چاپ بلگراد، ۱۹۹۶، فصل سوم، ص. ۵۵-۴۲ مراجعه شود.

شخصیتهای برجسته‌ای نه تنها در شهرهای پریشینا، پریرزن، پیچ، و کوسووسکامیتروویتسا، بلکه در سایر مناطق از قبیل ووچیترن، اوراهوواتس، سوودوله و سایر شهرها نیز وجود داشتند. با اطمینان می‌توان گفت که در یوگسلاوی سابق دهها هزار نسخه خطی و کتاب چاپی به زبانهای مختلف شرقی وجود داشته که در بین آنها چیزی نزدیک به هزار نسخه به زبان فارسی می‌باشد و باید اذعان داشت که این تعداد قابل توجه و ذکر است.

مؤلف این رساله قبلاً به تحقیق و تعیین عوامل اصلی تأثیر و گسترش زبان و کلام پارسی در قلمرو یوگسلاوی سابق پرداخته و نتایج بدست آمده را در کتاب خود تحت عنوان "فرهنگ‌اسلامی-ایرانی و تأثیر زبان فارسی در یوگسلاوی" منتشر کرده است. با توجه به اینکه این عوامل بطور همزمان در ترغیب ایران‌شناسی در این منطقه از بالکان نیز تأثیر داشته است، لذا بجاست که به صورت فهرست وار به این عوامل که در کتاب مذکور درج شده‌اند اشاره نمائیم:

- ۱ - ظهور و عملکرد مدارس علمیه در دنیا و بخصوص مشهورترین آنها.
- ۲ - آموزش زبان فارسی در مدارس علمی با توجه به سطح سواد مدرس
- ۳ - آموزش زبان فارسی در کنار زبانهای عربی و ترکی در مدارس متوسطه علمیه شبه دبیرستانی (روژدیه)
- ۴ - حضور "گلستان"، "پندنامه" و "تعلیم فارسی" به عنوان کتب درسی در مدارس علمیه ابتدایی و متوسطه
- ۵ - ظهور مدارس ابتدایی، دبیرستانها و مدارس متوسطه تعلیم معلم دولتی، که اکثراً غیر دینی بوده، در مناطق پیشرفته شهری و آموزش زبان و ادبیات فارسی در این مدارس متوسطه
- ۶ - نسخ خطی حفظ شده و مورد استفاده قرار گرفته فارسی و نقش کتابخانه‌های اولیه

۷ - نقش آموزگاران، دانشمندان، شعرا و سایر ادیبان خلاق که با زبان فارسی آشنا بوده و برخی از آنان آثار بسیار با ارزشی را نیز به این زبان تألیف نموده‌اند.

۸ - تعداد قابل توجهی از شعرا و نویسندگان قدیمی در یوگسلاوی سابق با زبان و متون فارسی آشنا بوده و برخی از آنان تحت تأثیر آثار کلاسیک فارسی بودند و به این سبک مطلب نوشته و یا حتی به زبان فارسی شعر می‌سرودند.

۹ - در مناطق مختلف یوگسلاوی سابق افراد متعددی بوده که به تفسیر آثار کلاسیک فارسی، تاریخ، و گردآوری میراث ملل مشرق زمین پرداخته بودند. همچنین در بین این افراد نیز پیشگامان شرق‌شناسی و ایران‌شناسی علمی وجود داشتند.

همچنین کتیبه‌های اسلامی در یوگسلاوی سابق نیز منبع مهمی برای مطالعه بوده اگر چه که تعداد کتیبه‌های فارسی از همه کمتر است.

۱۰ - اهمیت فرهنگی - تاریخی و سهم تکایا در پرورش زبان فارسی و عرفان اسلامی

۱۱ - وجود واژه‌های فارسی در زبان محاوره‌ای مسلمانان و تا حدی غیر مسلمانان یوگسلاوی.^(۱)

واقف بودن به نقش آموزگاران، ادیبان و دانشمندان، شعرا، مترجمین و نویسندگان تفسیر برخی از متون فارسی در پیشبرد فرهنگ ایرانی، زبان فارسی و سایر زمینه‌های ایران‌شناسی، برای زبان‌شناسی ایرانی و سایر

۱ - یاشار رجب‌آگیچ، فرهنگ اسلامی - ایرانی و تأثیر زبان فارسی در یوگسلاوی، بلغراد، ۱۹۹۶، ص. ۴۲-۵۴.

مطالعات ایران‌شناسی دارای اهمیت بسزا می‌باشد.^(۱) یکی از بارزترین این شخصیتها شاعر و معلم بزرگ "سوزی"^(۲) از اهالی پریزن بوده و در فاصله بین قرن ۱۵ و ۱۶ میلادی (متوفی به سال ۱۵۲۴) زندگی می‌کرده است. او بسیار عالی به زبان فارسی و سایر زبانهای شرقی تسلط داشت. همچنین حاجی عمر لطفی پاچاریزی (۱۸۶۹-۱۹۲۸) از اهالی پریزن و شیخ‌مالیا (۱۸۶۵-۱۹۲۸) اهل اوراهوواتس به خوبی زبان فارسی را می‌دانستند و از این زبان آثار ادبی و فلسفی را ترجمه می‌کردند.

برای آشنایی آثار عمر لطفی پاچاریزی^(۳) نیاز به مطالعه و دانش زیاد و بخصوص آشنایی خوب با عرفان بوده چرا که بیشتر آثار او با عقاید عرفانی تلفیق شده است.^(۴) از جمله آثار او می‌توان به ترجمه ۴۵ غزل حافظ شیرازی به زبان ترکی اشاره نمود.^(۵)

عمر پاچاریزی در کتاب خود تحت عنوان "تشکراعضای جسمانی و تفرقوای انسانی" ۲۴ شعر به زبان فارسی را درج کرده است.^(۶)

۱ - به شماره‌های ۷، ۸ و ۹ در فوق مراجعه شود.

۲ - عنوان سوزی واژه‌ای فارسی بوده و به معنای آتشین می‌باشد.

۳ - نام این شاعر عمر، نام خانوادگی او پاچاریزی و نام مستعار او لطفی می‌باشد.

۴ - حسن کالشی، "پریزن به عنوان یک مرکز فرهنگی در دوران عثمانی"، نشریه Gjurmime albanologjike، پریشتینا، ۱۹۶۲، شماره ۱، ص. ۱۱۳

۵ - براساس مقاله تحقیقی دکتر نعمت‌الله حافظ تحت عنوان: "در مورد زندگی و آثار حاجی عمر لطفی پاچاریزی"، نشریه سالانه آرشیو کوزوو، سال هشتم و نهم، پریشتینا، ۱۹۷۵، ص. ۱۰۰

۶ - همان منبع، ص. ۹۹

همچنین می‌توان به سلیم سامی (۱۸۸۴-۱۹۵۱) نویسنده و مدرس اهل ووچیترن اشاره نمود که با زبان فارسی و عربی آشنایی داشته ولی به زبان ترکی مطلب می‌نوشت.

محمد ارشی منارزاده اهل نووی بازار دانشمند و شاعری مشهور بوده که به زبان فارسی نیز شعر می‌سروده است،^(۱) چرا که زبان فارسی و عربی را عالی می‌دانست. جالب اینجاست که طی قرن شانزدهم تعداد قابل توجهی از مؤلفین در قلمرو یوگسلاوی سابق با زبان فارسی بطور کامل و بنیادی آشنا بودند. یکی از این افراد یحیی - بیگ دوکاجینی (۱۴۹۶-۱۵۸۲) از اهالی شهر پلاو و بنا به گفته خودش آلبانی‌الاصل است. او ادیبی بسیار باسواد و خیلی خوب با زبان و ادبیات فارسی آشنا بود. این ادیب خود تأکید می‌کند: "زبان من ترجمه عادی نیست"، چرا که سبک زبان و شعر این ادیب بسیار اصیل و منحصر به فرد است.

احمد سودی - افندی (متوفی به سال ۱۵۹۳) اهل سارایوو بهترین مفسر آثار کلاسیک ادبیات فارسی بوده و بهترین تفسیر مثنوی مولوی، گلستان سعدی و دیوان حافظ را ارائه داده است و در این زمینه بی‌رقیب است. تا به امروز نه در شرق و نه در غرب حتی یک اثر نیز وجود نداشته که به مطالعه زندگی و عملکرد این عالم و متخصص زبان فارسی که نامش احمد و لقب شاعری او سودی است، پرداخته باشد. او آموزش اولیه را در وطن خود و آموزش متوسطه را در استانبول و دیاربکر بدست آورد. در دیاربکر او برای آموختن زبان فارسی به نزد بهترین متخصص زبان و ادبیات کلاسیک فارسی یعنی استاد مشهور مصلح‌الدین لاری (متوفی به سال ۱۵۶۹) رفت و در نزد او کسب علم نمود. مدتی را نیز در دمشق به تحصیل پرداخته و اوقاتی را نیز

۱ - "کوزوو" (کتاب مصور در مورد کوزوو)، بلگراد، ۱۹۷۳، ص. ۳۸۶.

به سفرهای علمی گذراند. برای مثال به بغداد سفر کرده و در آن شهر متوجه شد که اهالی بغداد به زبان خالص عربی و فارسی تکلم می‌کنند.

سودی در آتمندان سرای، که در آن جوانان برای مشاغل عالی دولتی تربیت می‌شدند، به عنوان استاد به تدریس اشتغال داشت. در بین دانشجویان او تعداد قابل توجهی نیز از جوانان بوشنیایی حضور داشته که از میان آنها می‌توان از درویش - پاشا بایزید/گیچ شاعر بزرگ اهل موستار نام برد. بعدها سودی از پست خود خلع شده و تا پایان عمر خود به کارهای علمی پرداخت.

سودی به دلیل تفاسیر بسیار عالی خود، که بطور اساسی با سایر تفاسیر آثار کلاسیک فارسی فرق داشت، از احترام خاصی در نزد ایران‌شناسان اروپایی برخوردار بود.^(۱) در بین این تفاسیر به ویژه می‌توان از تفسیر دیوان حافظ شیرازی که بزرگترین غزلسرای قرن ۱۴ بوده، نام برد. سودی برخلاف سایر مفسرین که اشعار حافظ را به صورت عرفانی و به مفهوم عشق به خدا تفسیر کرده‌اند، نسبت به شعر حافظ به صورت واقع‌بینانه برخورد کرده و مفهوم واقعی این اشعار را ارائه داده است.^(۲) او همچنین تمامی تفسیرهای بوستان سعدی را رد کرد. البته سودی نیز در قضاوت‌های خود زیاده‌روی می‌کرد و بنا به قول م. ناجی علت زیاده‌روی این بوده که او تصور می‌کرد که در بین بوشنیایی‌ها از همه بهتر فارسی می‌داند.^(۳)

درویش پاشا بایزید/گیچ (اواخر قرن ۱۶) اهل موستار از شاگردان سودی و شاعر بسیار متبحر بوده که بسیار با دقت به مطالعه درباره زبان فارسی و

۱ - حازم شعبانویچ، ادبیات مسلمانان بوسنی هرزگوین به زبانهای شرقی، سارایوو، ۱۹۷۳، ص. ۹۱.

۲ - همان منبع، ص. ۹۱.

۳ - بر اساس همان منبع، ص. ۹۲.

عربی پرداخته بود. او در شعر خود به زبان بوسنیایی در وصف زادگاه خود تحت عنوان "غزلی درباره موستار" این مصرع را نیز با بکار بردن کلمه و عبارت فارسی "شهر موستار" گنجانده است: "شهر موستار زینت جهان است."^(۱) او شاعری بسیار عالی و از نظر دانش "همتای علمای بزرگ" بود.^(۲)

درویش - پاشا یک دیوان نیز به زبان فارسی نوشته است. او چندین نسخه خطی را به کتابخانه شهر موستار هدیه نمود: مثنوی معنوی، دیوان حافظ، گلستان سعدی، تفسیر گلستان سعدی و غیره.

اطلاعات قابل توجه در مورد درویش - پاشا را در وقف‌نامه او می‌توان یافت و در مورد شعر او می‌توان به "بلبلستان" اثر فوزی بلاگایییتسا شاعر موستاری مراجعه نمود. این مؤلف مدعی است که درویش - پاشا در کنار دیوان خود به زبان ترکی "یک دیوان کامل نیز به زبان فارسی به تحریر درآورده است."^(۳) درویش - پاشا در استانبول به تحصیل پرداخته و با تلاش بسیار به دانش همه‌جانبه‌ای دست یافت. او بخصوص به مطالعه شعر فارسی پرداخته، و استاد او در این زمینه احمد سودی مفسر بزرگ آثار کلاسیک فارسی بود. درویش - پاشا "شاعری بود که به خوبی با زبان فارسی آشنایی داشت."^(۴) درویش - پاشا همچنین در زادگاه خود موستار بنیادی را برای مطالعه و تدریس مثنوی معنوی تأسیس نمود و براساس ادعای بلاگایاتس به

۱ - در کتاب "مرواریدهای کلام" منتخبی از ادبیات مسلمانان (تدوین کننده: علی

عیساکوویچ، زاگرب، ۱۹۷۲، ص. ۲۱۹

۲ - همان منبع، ص. ۲۲۱.

۳ - حازم شعبانوویچ، ادبیات مسلمانان بوسنی هرزگوین به زبانهای شرقی، ساریوو،

۱۹۷۳، ص. ۱۱۷.

۴ - همان منبع، ص. ۱۱۹.

فرقه مولویه وابسته بود..

درویش - پاشا همچنین مؤلف "مرادنامه"، که در اصل ترجمه منظوم کتاب "سخانامه" اثر بنایی شاعر ایرانی بوده، می‌باشد. درویش - پاشا بنا به خواست سلطان مورا سوم این اثر خود را به زبان ترکی برای وی خواند. بطور خلاصه باید گفت که درویش - پاشا اشعار زیادی را به زبان ترکی و فارسی سروده است.^(۱) او در سال ۱۶۰۳ در نزدیکی بوداپست کشته شد. در اینجا یکی از غزل‌های او را قید می‌کنیم. پروفیسور صافت - بیگ باشاگیچ در رابطه با این غزل می‌پرسد: "آیا هیچ شاعر ترک قرن ۱۶ توانسته است که با توجه به زبان مادری خود غزلی تا این حد زیبا و جدی بسراید؟"^(۲)

ای منجم، چرا خود را عذاب داده و بیهوده به آسمان نگاه می‌کنی

زیبا و بی خطاست همه آنچه که هنرمند نقاش ترسیم می‌کند.

کمال هنر چیزی است که او ترسیم کرده و می‌آفریند،

اگر می‌خواهی که سعادت یابی، تسلیم خالق خود شو،

ای درویش، خوب به خاطر سپار که حضرت پیر چنین گفت.^(۳)

برخی از مؤلفین به عنوان نویسندگان شرح وقایع شهرت دارند، از قبیل نسوح متراکچی از اهالی بوسنی که از سال ۱۵۳۳ تا ۱۵۳۵ در ایران و عراق اقامت داشت. او یک نقشه توپوگرافی تحت عنوان "مجمع المنازل" ترسیم

۱ - پروفیسور س. استویانوویچ، دائرةالمعارف ملی زبان صربی - کروات و اسلونی، جلد اول، زاگرب، ۱۹۲۵/۲۶، ص. ۱۰۴.

۲ - صافت - بیگ باشاگیچ، آثار منتخب، جلد دوم، ساریوو، ۱۹۷۱، ص. ۱۳۶.

۳ - حضرت پیر مولانا جلال‌الدین رومی، بانی فرقه مولویه بوده که درویش - پاشا نیز عضو آن بود.

نموده که در آن نقشه شهرها، رودها، کاروانسراها و تپه‌ها را از استانبول تا ایران درج کرده است.

در طی قرن هفدهم نیز چند شخصیت علمی از مناطق مختلف یوگسلاوی سابق به گسترش فرهنگ پارسی در شهرها اشتغال داشتند. در بین آنها افرادی وجود داشته که شعر آنها به زبان فارسی از نظر هنری بسیار باکیفیت‌تر و بهتر از اشعار به زبان ترکی بود. از این قبیل شعرا می‌توان به اشعار محمد نرکیسی مدرس و قاضی اهل ساریوو (در سال ۱۶۳۴ کشته شد) اشاره نمود که اشعارش به زبان ترکی بسیار خشک و خیلی کمتر از اشعار فارسی قابل درک است.^(۱) محمد نرکیسی (در زبان فارسی نام خانوادگی او به معنی گل نرگس است) در شهرهای موستار، نووی‌پازار، بانیالوکا، بیتولی و سایر جاها به عنوان مدرس و قاضی کار می‌کرد و در همه جا به عنوان فردی دانا، عادل و انسان‌دوست از احترام خاصی برخوردار بود.^(۲) بنا به قول باشاگیچ، نرکیسی "شاعری مادرزاد است" و بخصوص غزل‌های کوتاه او "پراز احساسات و خیال‌پردازی" است، از قبیل غزل زیر:^(۳)

چه فکر و کلامی در دل من پراکنده است؟

اگر که همانند کتاب بسته دائم خاموشم

در بین شعرای قرن هفدهم همچنین از احمد بوسنایی نیز نام برده می‌شود که نام شاعری او طالب است. تاریخ تولد او مشخص نیست. بر اساس اطلاعات موجود او در بوسنی و استانبول تحصیل کرده و در سال ۱۶۷۴ از

۱ - دکتر محسن رضویچ، ادبیات بوسنایی - اسلامی در دوران احیا (۱۸۸۷-۱۹۱۸)،

ساریوو، ۱۹۹۰، ص. ۲۹۴.

۲ - دکتر صافت - بیگ باشاگیچ، آثار منتخب، کتاب دوم، ساریوو، ۱۹۷۱، ص. ۱۴۵.

۳ - همان منبع، ص. ۱۵۲.

دنیا رفته است. احمد بوسنایی "تعداد قابل توجهی شعر به زبانهای فارسی و ترکی سروده است." (۱)

از اواسط قرن هفدهم تا آغاز قرن هیجدهم شاعری به نام رشید بوسنیایی در سارایوو زندگی می‌کرد. نام اصلی او محمد است. خانه و تمام اموال این شاعر در آتش سوخت و اواخر عمر خود را در فقر گذراند. او هر سه زبان شرقی را بسیار خوب می‌دانست و در استانبول تحصیلات خود را کامل نمود. دیوان اشعار او گواهی بر تأثیر بلاشک زبان فارسی بر اشعار او می‌باشد. (۲)

در مورد محمد بیگ رشید بوسنیایی اطلاعات کمی موجود است، بجز اینکه در استانبول به تحصیل پرداخته، زبان فارسی را بسیار عالی می‌دانست، و شخصاً در رابطه با خود گفته است: "گاهی از زبان فارسی و بعضی وقتها نیز از زبان ترکی عثمانی استفاده می‌کنم." (۳)

در اینجا می‌توان به سلیمان عجیزه - بابا (قرن ۱۷ و ۱۸) نیز اشاره نمود که مؤسس تکیه بزرگ در جاکویتسا و تکیه "عجیزه بابا" در پریزن است.

عجیزه بابا بنیانگذار شاخه فرقه درویشی سعدیه - عجیزه است. او در منطقه حاشیه‌ای دریاچه اسکادر در منطقه مرزی بین یوگسلاوی و آلبانی به دنیا آمده و اکثر فعالیت خود را در شهر پریزن متمرکز کرده بود و در این شهر نیز از دنیا رفت. او خلیفه‌نامه خود را از شیخ ابراهیم در دمشق دریافت نمود.

۱ - در کتاب "مرواریدهای کلام" منتخبی از ادبیات مسلمانان (تدوین کننده: علی عیساکوویچ، زاگرب، ۱۹۷۲، ص. ۱۴۵)

۲ - همان منبع، ص. ۲۳۳.

۳ - حازم شعبانوویچ، ادبیات مسلمانان بوسنی هرزگوین به زبانهای شرقی، سارایوو، ۱۹۷۳، ص. ۴۲۹.

سلیمان افندی شاعر برجسته صوفی بوده و مؤلف دیوانی است که دربردارنده اشعار زیادی به زبان ترکی^(۱) و تعداد کمتری به زبانهای فارسی و عربی می‌باشد. وی همچنین دارای دیوان اشعار عرفانی و درویشی به زبان فارسی می‌باشد و این خود گواهی بر تسلط وی بر زبان فارسی است. براساس یک سند تاریخی، سلیمان افندی یک "درویش کامل" و از نظر سواد بی‌رقیب بود.^(۲) او همچنین مؤلف کتاب "عارفانه" بوده که در رابطه با تصوف است. سلیمان افندی به عنوان یکی از برجسته‌ترین شعرای صوفی تلقی می‌شود.

از دیگر ادیبان قرن هیجدهم بوسنی می‌توان به شیخ فوزی بلاگایاتس، شاعر فارسی‌سرای اهل موستار اشاره نمود که در سال ۱۷۴۷ رحلت کرده است. دکتر میلیوی میرزا مالیچ در سال ۱۹۳۵ در پاریس کتابی در مورد او تحت عنوان زیر منتشر کرده است:

"Bulbulistan du Shaich Fewzi de Mostar, poete herzegovinien
de langue persane"

شیخ فوزی مؤلف اثر "بلبلستان" به زبان فارسی بوده که به تقلید از گلستان و بوستان سعدی نوشته شده است. مونیر شاهینوویچ در مورد این شاعر موستاری مقاله‌ای تحت عنوان "شیخ فوزی بلاگایاتس، شاعر پارسی‌سرای موستاری"، نوشته است که در حقیقت نگاهی کوتاه به کتاب

۱ - کتابخانه دانشگاهی و ملی پریشتینا بخشی از دیوان این شاعر به زبان ترکی را در اختیار دارد.

۲ - مراجعه شود به: Dy dokumente gjenealogjike te rendesishme که در نشریه "Ditura islame" چاپ پریشتینا، شماره ۵۹/۱۹۹۴، صفحه ۱۴ منتشر شده است.

بلبلستان می‌باشد.^(۱)

شیخ فوزی بلاگیا تس (یا فوزی موستاری) به زبان فارسی شعر و تفسیر نوشته است و معروف‌ترین اثر او "بلبلستان" به زبان فارسی می‌باشد. بلبلستان در حقیقت منتخب ادبی آثار نشر و نظم بوده که در آن بجز اشعار خود تفاسیر کوتاهی نیز در مورد برخی شعرای دیگر از قبیل بایزید، گنج و پسرش احمد - بیگ درویش پاشا گنج صبحی نوشته است.

دکتر فهیم بایراکتارویچ نیز نقدی بر کتاب میلیوی مالیچ درباره بلبلستان شیخ فوزی موستاری نوشته است که در نشریه "مقالاتی برای ادبیات زبان، تاریخ و فولکلور" منتشر شده است. (بلغراد، ۱۹۳۶). بایراکتارویچ یادآوری کرده است که میلیوی مالیچ دکترای خود را در سال ۱۹۳۴ از دانشگاه پاریس گرفته و موضوع تز او درباره "بلبلستان فوزی موستاری" بود و این تز مجموعاً دارای ۱۸۹ صفحه است.^(۲)

در مجله "ماک" (MAK) (شماره ۱۷، ۱۹۹۷) در پیشگفتار کتاب "گلچین ادبی تألیفات بوشنیاکی در قرن بیستم" مطالبی درباره فوزی موستاری قید شده است.^(۳)

همچنین حازم شعبانویچ شرق‌شناس بوسنایی مطالبی در مورد محتوای تز دکترای میلیوی مالیچ در رابطه با بلبلستان شیخ فوزی قید کرده

۱ - همان منبع

۲ - فهیم بایراکتارویچ، Milivoj Malic, docteur de l'universite de Paris... نشریه "مقالاتی برای ادبیات، زبان، تاریخ و فولکلور، بلغراد، کتاب ۱۶، دفتر دوم، (۱۹۳۶)، ص. ۳۷۵-۳۷۹.

۳ - علی عیساکوویچ، "پیشگفتاری برای کتاب گلچین ادبی تألیفات بوشنیاکی در قرن بیستم"، مجله ماک، نووی بازار، شماره ۱۷، ۱۹۹۷، ص. ۶.

است.^(۱) او مدعی است که فوزی بلاگیا تاس "تنها نویسنده ما بوده که آثار ادبی مستقل به زبان فارسی نوشته است."^(۲) فوزی موستاری پس از کسب آموزش ابتدایی در بلاگای و یا موستار مدت زیادی را در استانبول بسر برده و در تکیه مولویه در گالات به آموزش عالی دست یافت و بطور کامل به تصوف و فرقه مولویه پرداخت. پس از بازگشت به موستار به تدریس زبان فارسی مشغول شد، و بطور همزمان شیخ فرقه مولویه در این شهر بود. براساس اطلاعات موجود درویش - پاشا بایزید/گیچ در اواخر قرن شانزدهم یک کرسی ویژه برای مطالعه مثنوی معنوی تأسیس کرده بود. شیخ فوزی قطعاً پس از بازگشت از استانبول (۱۷۰۷) رئیس و مدرس این کرسی بود.^(۳)

در اینجا بطور خلاصه به بررسی بلبستان اثر شیخ فوزی موستاری که در سال ۱۷۳۹ به تحریر درآمده است می‌پردازیم. این اثری عرفانی - تربیتی به زبان فارسی بوده که به سبک آثار کلاسیک ادبی فارسی از قبیل گلستان و بوستان سعدی و همچنین با تقلید از جامی شاعر عارف ایرانی نوشته شده است. بلبستان همچنین تا حدی نیز تحت تأثیر ادبیات عثمانی از قبیل نگارستان اثر ابن‌کمال نویسنده ترک و سنبلستان نوشته شیخ سجده بود.^(۴)

نویسندگان و شعرای دیگری نیز در یوگسلاوی سابق (به‌خصوص در بوسنی) وجود داشته که به زبان فارسی مطلب نوشته و یا اینکه در آثار خود از واژه‌های فارسی استفاده می‌کردند. برخی از آنها تحت تأثیر شعرای ایرانی

۱ - حازم شعبانویچ، ادبیات مسلمانان بوسنی هرزگوین به زبانهای شرقی، ساریوو، ۱۹۷۳، ص. ۲۴.

۲ - همان منبع، ص. ۴۴۹.

۳ - همان منبع، ص. ۴۵۰.

۴ - همان منبع، ص. ۴۵۱.

سبکهای خاص بیان شعر را بکار می‌بستند، از قبیل: فاضل - پاشا شریفوویچ شاعر سارایووی قرن نوزدهم (متوفی به سال ۱۸۸۲) که مؤسس مدرسه امپراطور در سارایوو (۱۸۰۲/۱۸۰۳) بود. دیوان او دارای ۵۹ رباعی است و این سبک شعر برای اولین بار در ادبیات کلاسیک ایران به وجود آمده است.

فاضل - پاشا همچنین مؤلف کتاب "اورادمولویتی" است که در آن درباره انسان کامل، دانشهای مفید و اعمال خیر، علم و دانش، روح و بخصوص در مورد سلسله مراتب در فرقه مولویه (تقریباً در صد صفحه) از محمد گرفته تا فاضل - پاشا شریفوویچ، بحث می‌کند. در این کتاب همچنین اطلاعاتی درباره طریقت مولویه و توسعه آن در یوگسلاوی و بخصوص تکایای این فرقه ارائه شده است.

شریفوویچ در این کتاب از ۵۰ تکیه مولویه نام برده که از این تعداد سه تکیه در قلمرو یوگسلاوی سابق و در شهرهای اسکوپیه، سارایوو و پیچ قرار دارد.^(۱) شریفوویچ، به عنوان یک عضو وفادار فرقه مولویه، وقتی در دیوان خود در مورد مولانا جمال‌الدین رومی سخن می‌گوید، مراتب احترام خاص و کوچکی خود را نسبت به او ابراز می‌دارد.

"من فاضل کوچک‌ترین خادم ارباب معنوی هستم و

بوی کتاب مثنوی را استنشاق کردم."^(۲)

شریفوویچ در دیوان خود در کنار سایر مطالب دارای دو تاریخ شرح وقایع نیز بوده که به مناسبت مرگ شیخ حاجی احمد نوشته شده است و یکی

۱ - فاضل - پاشا شریفوویچ، "دیوان"، سارایوو، ۱۹۸۱، به شرح بیوگرافی فهیم نامتاک، ص. ۲۳ سراجعه شود.

۲ - همان منبع، ص. ۳۹.

از آن دو به شرح زیر است:

"مولوی روزی ظاهر شده و از تاریخ مرگ سخن گفت

شیخ احمد "هو" بر زبان آورده و در پناهگاه خانه جست."^(۱)

طی قرن هیجدهم شاعرانی وجود داشته که به زبان فارسی شعر می‌نوشتند. برای مثال در دیوان احمد حاتم بی‌یلوپولیاک (متوفی به سال ۱۷۵۴)، که در علوم و عرفان شهرت داشت، اشعاری نیز به زبان فارسی وجود دارد.^(۲)

محمد شاکر مُعیدوویچ، نویسنده نیمه اول قرن گذشته، به خوبی با زبان فارسی آشنا بوده و یک شعر به زبان فارسی سروده است. همچنین حاجی مصطفی بوشنیاک که نام ادبی او مخلصی است، در اواخر قرن ۱۷ در شهر گورنیه واکوف به دنیا آمده و در نیمه اول قرن ۱۸ زندگی می‌کرد. او همانند اکثر جوانان آن دوره بوسنی تحصیلات عالیه خود را در استانبول کسب کرده و به عنوان فردی که به خوبی با زبانهای شرقی آشنا است، اشعار زیادی به زبانهای ترکی، عربی و فارسی نوشت.^(۳) یک شعر حاجی مصطفی درباره مصطفی - پاشا تکلّیه به چهار زبان (ترکی، عربی، فارسی و صربی) نوشته شده و نسخه دست‌نویس این شعر در انستیتوی شرق‌شناسی سارایوو قرار دارد. در شعر دیگر این شاعر اولین بیت به زبان عربی، دومی به فارسی و سومی به زبان ترکی سروده شده که این خود دلیلی بر استعداد این شاعر و

۱ - همان منبع، ص. ۱۸۹.

۲ - در بخش فارسی دیوان احمد حاتم یک قصیده، ۳۲ غزل، یک شرح واقعه و یک بیت وجود دارد.

۳ - حازم شعبانویچ، ادبیات مسلمانان بوسنی هرزگوین به زبانهای شرقی، سارایوو، ۱۹۷۳، ص. ۴۵۷.

میزان آشنایی وی با این زبانها است. در اینجا می‌توان به شعرای دیگری نیز اشاره نمود، از قبیل:

- محمد مولاگورانی (میلی)، که شاعری بسیار باسواد بوده و در قرن هیجدهم زندگی می‌کرد. او از شاعران کلاسیک پارسی الهام می‌گرفت؛

- حافظ محمد افندی (متوفی به سال ۱۸۸۴) معلم مدرسه روزدیه در نووی‌پازار، سارایوو و توزلا، او بطور کامل با هر سه زبان شرقی آشنا بود؛

- احمد دانیلی افندی (متوفی با سال ۱۸۹۹)، دانشمند برجسته نجوم که بسیار خوب به زبانهای عربی و فارسی تسلط داشت.

برخی از شعرا از قبیل جواد سلیمان پاشیچ شخصاً کتابی با نام "اشعاری از دیوان حافظ" (سارایوو، ۱۹۲۸) منتشر نموده و بدین طریق حافظ این غزلسرای ایرانی قرن ۱۴ را بطور گسترده‌تری به مردم معرفی نمود.

یکی از شخصیت‌های برجسته و با استعداد ادبی، علمی و هنری بوسنی و یوگسلاوی سابق تا قبل از جنگ جهانی اول موسی چازیم چاتیچ (متولد ۱۸۷۸، متوفی به سال ۱۹۱۵) بوده که در دوران تحصیل در مدرسه تثنایی زبانهای عربی، ترکی و فارسی را فراگرفت. در مورد وی گفته می‌شود که "بااستعدادترین فرد در بین مسلمانان یوگسلاوی سابق تا زمان جنگ جهانی اول است". او ظرف یک سال و نیم ۱۲ کتاب را تألیف و ترجمه نمود. این نویسنده بزرگ در شماره ۵ (۱۹۱۲-۱۹۱۳) نشریه "بیسر" (مروارید) مقاله‌ای تحقیقی تحت عنوان "عرفان و تأثیر ایرانیان بر شعر ترکها" منتشر نمود که خود گواهی بر آشنایی بنیادی وی با فلسفه عرفانی و شعر و شاعری می‌باشد.

محمد - بیگ کاپتانوویچ (۱۸۳۹-۱۹۰۲) ادیبی بوده که به جمع‌آوری گنجینه ملی شرق پرداخته و به خوبی با زبان فارسی آشنا بود. گواه این مدعی ترجمه ضرب‌المثل‌های فارسی در کتابی تحت عنوان "گنجینه ملی" (سارایوو، ۱۸۸۸) است. او همچنین در کتاب دیگری با نام "گنجینه شرق" (جلد اول،

سارایوو، ۱۸۹۶) ضرب‌المثلها، سخنان قصار و حکمت‌های جدیدتر فارسی، عربی و ترکی را ترجمه و جمع‌آوری کرده است. براساس کتب تألیف شده وی می‌توان نتیجه گرفت که او از منابع فارسی، عربی و ترکی استفاده کرده است.

دکتر صافت - بیگ باشاگیچ (۱۸۷۰-۱۹۳۴) از اهالی نوسینیا نقش قابل توجهی را در رابطه با ایران‌شناسی در اوایل قرن بیستم ایفا کرده است. او دارای تألیفاتی در مورد شرح زندگی و آثار فردوسی، حافظ، غزالی، سعدی و دیگران بوده و به غیر از شعر به فلسفه شرق و کتب نوشته شده به سایر زبانهای شرقی نیز علاقمند بود. دکتر باشاگیچ در سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۲۸ رباعیات خیام را ترجمه کرد. در اینجا به یکی از نمونه‌های رباعیات میرزا صافت (صافت باشاگیچ) اشاره می‌کنیم:

ای تو که عرب جدی را نمی‌شناسی،

ای تو که پارس عاشق را نمی‌شناسی،

ای تو که ترک میخواره را نمی‌شناسی،

برای تو شعر عجیب من ناخوشایند است.

در اینجا باید یادای از دکتر فهیم بایراکتارویچ (۱۸۸۹-۱۹۷۰) پیشاهنگ شرق‌شناسی علمی نماییم که بخصوص به تحقیق در زمینه ادبیات فارسی پرداخته و در زمینه شعر، ادبیات و فرهنگ فارسی، عرب‌شناسی، ترک‌شناسی و غیره مقالات، کتب و آثار برجسته فراوانی تألیف نموده و همچنین در زمینه ترجمه، فعالیت قابل توجه داشته است. این استاد دانشگاه بلغراد مؤسس بخش شرق‌شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه بلغراد نیز می‌باشد. او رباعیات خیام را به زبان صربی ترجمه کرده و دارای دو مقاله تحقیقی در مورد خیام است.^(۱)

۱ - در مورد کاپتانویچ، دکتر باشاگیچ و دکتر بایراکتارویچ به بخش سوم مراجعه شود.

از مطالب ارائه شده می‌توان نتیجه گرفت که طی دوران عثمانی در این مناطق بالکان دانشمندان و ادیبانی وجود داشته که با سه زبان اصلی شرقی آشنایی داشتند: عربی به عنوان زبان علم، الهیات و حقوق؛ ترکی زبان رسمی اداری و فارسی به عنوان زبان ادبیات زیبا. در اینجا می‌توان گفت که در مناطقی که به جای ترکی زبان مادری سکنه بوشنیایی، کرواتی، صربی، آلبانیایی و دیگر زبانها بود، نفوذ فراگیر زبان و فرهنگ فارسی و شرقی، سوادآموزی باسوادی به این دلیل به مشکل برمی‌خورد. با این حال از قرن ۱۵ و ۱۶ بوسنی، کوزوو و سایر مناطق یوگسلاوی سابق دارای نقش بسزا و بنیادی در علوم اسلامی و زبان‌شناسی ایرانی بودند.

دکتر حازم شعبانویچ به حق مدعی است که "ادبیات عثمانی - ترکی را تنها ترکها بوجود نیاورده بلکه تمام مللی که در چهار چوب این امپراطوری بودند در ایجاد و رشد آن سهم داشته‌اند و لهذا معتقدیم که آن بخش از ادبیات مذکور که در کشور ما و توسط مردم ما بوجود آمده، به گنجینه فرهنگی ما تعلق دارد."^(۱)

البته مؤلفین دیگری نیز وجود داشته که با زبان فارسی خوب آشنا بودند. همچنین تعداد قابل توجهی از نویسندگان کم‌فارسی می‌دانستند و یا اینکه اصلاً با آن آشنایی نداشتند. بهترین مثال برای نشان دادن حضور فرهنگ و هنر فارسی در یوگسلاوی سابق تعداد کثیر مؤلفینی است که مثنوی معنوی را خوانده، تفسیر کرده، رونویسی نموده و در مورد مؤلف آن یعنی رومی مطلب نوشته‌اند. در این باره می‌توان تحقیق مستقل و کاملی انجام داد. همچنین سایر آثار فارسی از قبیل گلستان و بوستان سعدی، دیوان حافظ و رباعیات خیام مورد بررسی و مطالعه تعداد کثیری از محققین و مؤلفین در

۱ - حازم شعبانویچ، ادبیات مسلمانان بوسنی هرزگوین به زبانهای شرقی، ساریوو، ۱۹۷۳، ص. ۱۶.

قلمرو یوگسلاوی سابق قرار گرفته است. در این رابطه به کتابخانه‌ها و آثار چاپی و خطی موجود در آنها نیز می‌توان اشاره کرد که خود نشان دهنده علاقه قابل توجه مردم نسبت به زبان فارسی و حضور آثار مکتوب این زبان در یوگسلاوی سابق است. برای مثال طی دوران ۴۰۰ ساله حضور امپراطوری عثمانی در شهر موستار (تا سال ۱۸۷۸) بیش از ۱۴۰۰ نسخه کتاب دست‌نویس به زبانهای ترکی، عربی و فارسی در این شهر وجود داشت که بخش قابل توجه این کتب توسط اهالی موستار نوشته شده بود.^(۱) طی این دوران در موستار بیش از ۳۰۰ کتابخانه عمومی و خصوصی ایجاد شده بود که هر کدام دارای چندین نسخه کتاب به زبانهای شرقی بود^(۲)، و این خود گواهی بر مقام و منزلت علم در نزد سکنه آن زمان این شهر است.

شهرهای کوچکتر از موستار نیز دارای تعداد زیادی کتابخانه بودند. برای مثال طی قرن نوزدهم در شهر استولاتس (Stolac) چندین کتابخانه خصوصی وجود داشته که دارای کتب به زبانهای شرقی بودند که در بین آنها می‌توان از افراد زیر نام برد: علی - پاشا رضوان بگوویچ، حاجی محمد افندی استرانیاک، صالح عزت افندی هرومیچ، محمد افندی شاریچ، علی پوزیچ، مصطفی مؤذنوویچ، مصطفی بن حسین صالح - صدقی هرومیچ و صالح افندی چلیچ (براساس کتاب "میراث اسلامی در شرق هرزگوین" نوشته حیوضیا حسن ددیچ، ساریوو، ۱۹۹۰، ص. ۶۲). کتب دست‌نویس این افراد اکنون در کتابخانه قاضی خسرو-بیگ در ساریوو قرار دارد.

۱ - بخش زیادی از این کتب به کتابخانه قاضی خسرو - بیگ در ساریوو انتقال داده شده است.

۲ - حیوضیا حسن ددیچ، کتابخانه‌های اسلامی در موستار، سالنامه کتابخانه قاضی خسرو - بیگ، کتاب اول، ساریوو، ۱۹۷۲، ص. ۱۱۱.

در منطقه کوزوو می‌توان به کتابخانه شرقی عصمت امامی اهل شهر پیچ اشاره نمود که دارای بیش از ۱۴۰۰ کتاب و نسخه دست‌نویس بود. این کتابخانه (همانطور که در روزنامه پولیتیکا به تاریخ ۲۴ ژانویه ۱۹۵۴ ذکر شده است) دارای ارزش تاریخی بسیار زیادی می‌باشد.

در اینجا به کتابخانه درویش - پاشا بایزید اگیچ و فهرست کتبی که او در سال ۱۵۹۳ وقف کرده است اشاره می‌کنم. در بین این کتب (مجموعاً ۴۶ نسخه) بخصوص می‌توان به تفسیر مثنوی معنوی اثر سروری در شش دفتر و همچنین سه اثر دیگر به زبان فارسی اشاره نمود: بهارستان، گلستان و دیوان خیام^(۱). آنچه که در فوق ارائه شد دربردارنده همه آن دانشمندان، ادیبان و ایران‌شناسان اهل مناطق مختلف یوگسلاوی سابق نبوده که چه در گذشته و چه در دوران جدید به زبان و فرهنگ فارسی پرداخته‌اند.

حتی برخی افراد از شهرهای کوچک با ادبیات فارسی آشنا بودند، از قبیل عارف - بیگ رضوان بگوویچ اهل استولاتس (متولد ۱۸۳۹، متوفی به سال ۱۹۰۳ در استانبول) که پس از مهاجرت به استانبول خود را وقف علم کرده و با منابع و کتب فارسی نیز بسیار آشنا بود. این آخرین ادیب کلاسیک ترک دارای یک اثر ادبی بزرگ می‌باشد و در منابع ترکی از او با نام هرسکلی عارف حکمت نام برده می‌شود.^(۲)

در تربینه نیز امام و مدرسی به نام صالح افندی پرواننویچ (متوفی به سال ۱۸۶۵-۶۶) زندگی می‌کرد که به زبانهای ترکی و فارسی شعر

۱ - همان منبع، ص. ۱۵۷.

۲ - صافت - بیگ باشاگیچ، بوسنی هرزگوینی‌ها در ادبیات اسلامی، ساریوو، ۱۹۱۲، ص. ۱۵۷.

می‌سرود.^(۱) همچنین از یوسف افندی فتاح‌اگیچ نیز نام برده می‌شود که "فردی بسیار باسواد بود و به هر سه زبان فارسی، ترکی و عربی صحبت می‌کرد. این ادیب کتابخانه بزرگی متشکل از کتب شرقی از خود بر جای گذاشت."^(۲) در اینجا می‌توان به حاجی احمد افندی ریسیچ ملقب به شیرازی، یکی دیگر از ادیبان اهل تربینیه، نیز اشاره نمود. وی با تصوف آشنایی داشته و طی دهه ۶۰ قرن گذشته مدرس روزدیه (دیرستان) در زادگاه خود بوده و پس از آن در مدرسه علمیه دینی در سارایوو تدریس می‌کرد.^(۳)

در بین روشنفکران آلبانی تبار دوران جدید نمی‌توان به شیخ محرم میتروویتسا را از یاد برد که بسیار عالی با متون فارسی و الهیات اسلامی بسیار آشنا بود. شیخ محرم میتروویتسا، در سال ۱۹۰۰ در حوالی کوسووسکامیتروویتسا به دنیا آمد. پس از گذراندن دوران ابتدایی و متوسطه در زادگاه خود، در استانبول به تحصیل در رشته الهیات اسلامی پرداخت و خیلی زود به عنوان متخصص زبان فارسی مورد توجه قرار گرفت و بطور همزمان با چند زبان خارجی دیگر نیز آشنایی داشت. او خلافت‌نامه (دیپلم شیخ بودن فرقه درویشی سعدیه) را در نزد شیخ چامیل شهو دریافت نمود. این شیخ تا سال ۱۹۲۱ رئیس تکیه این فرقه در ماراش (پریزن) بوده و از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۸ در تکیه بزرگ شهر جاکوویتسا فعالیت داشت. م. میتروویتسا به عنوان نویسنده و بخصوص مترجم متون فارسی به زبان آلبانی شهرت داشت. او از همه بیشتر در مجله Njeriu (انسان)، که از سال ۱۹۴۲-۱۹۴۴ در تیرانا منتشر می‌شد، مطلب می‌نوشت. شیخ میتروویتسا چند سالی در آلبانی

۱ - حیوضیا حسن ددیچ، میراث اسلامی در هرزگوین شرقی، سارایوو، ۱۹۹۰، ص.

۲۳۵، صالح افندی دارای چندین قصیده به زبان فارسی است.

۲ - همان منبع، ص. ۲۴۰.

۳ - همان منبع، ص. ۲۴۱.

فعالیت داشت و در سال ۱۹۷۵ در تیرانا دنیا را وداع گفت. او فردی بسیار باسواد و دارای فرهنگ والا و نیز در گسترش فرقه سعدیه در آلبانی و کوزوو نقش زیادی داشت.^(۱)

م. میتروویتسا کتب و مقالات تحقیقاتی زیادی را بخصوص در رابطه با پارس و برخی از آثار کلاسیک فارسی همراه با بخشهایی از آنها را ترجمه کرده است. این ایران‌شناس آلبانیایی با فرهنگ و فلسفه اسلامی و بخصوص تصوف بسیار خوب آشنا بوده و در این زمینه آثار متعددی تألیف کرده است که مشهورترین آنها عبارتند از:

- ۱ - حکیم سنایی، مجله Njeriu، تیرانا، ۱۹۴۳، شماره ۱۲، ص. ۸-۹؛
- ۲ - Nga^(۲) . jeteshkrimi i njerezve te medhenj te Orientit . مجله Njeriu، تیرانا، شماره ۱ (۲۵)، ص. ۹-۱۵؛

۱ - درباره م. میتروویتسا به کتب زیر مراجعه شود:

- شیخ اسماعیل آقا، Tarikatet islamike shqiptare، تروپویا (Tropoja)، ۱۹۹۵، ص. ۳۲-۳۳؛
- شیخ محمد شهو، Shejh Shefqeti dhe Teqja e madhe، جاکوویتسا، ۱۹۹۸، ص. ۱۲۷-۱۲۸؛
- شیخ اسماعیل خلیل آقا، Tarikati islamik Saadi، تیرانا، ۱۹۹۶، ص. ۱۰۴-۱۰۴.
- ۲ - ترجمه این عنوان عبارت است از: "شرح زندگی بزرگان شرق، فردوسی و شاهنامه". واضح است که وجهی بخارایی ایران‌شناس آلبانیایی بیشتر به فردوسی و شاهنامه او پرداخته و هزاران بیت از شعرهای شاهنامه را ترجمه کرده ولی با این حال ترجمه‌های او منتشر نشده است.

۳ - شیخ فریدالدین عطار،^(۱) مجله Njeriu، ۱۹۴۳، شماره ۱، ص. ۱۲-۹.

وی اشعار حافظ و جامی را ترجمه کرده است. از ویژگیهای کارهای تألیفی شیخ میتروویتسا این است که در آثار خود همراه با متن ترجمه، بخشهایی از اصل کتاب و همچنین تفسیر افکار، فهرست آثار و اهمیت شاعر مربوطه را نیز آورده است.

بر اساس گفته علی حیدر شهو استاد و شیخ تکیه فرقه سعدیه در گنیلانه، در این تکیه فردی به نام درویش سلیمان آشکی اهل پرشو و فعالیت داشت. او در فاصله بین دو جنگ جهانی مدتی در شهر اسکوپیه (مقدونیه) و به احتمال زیاد در مدرسه قاضی عیسی-بیگ این شهر، به تدریس زبان فارسی اشتغال داشت، و همچنین در زمینه روزنامه‌نگاری نیز فعال بود. پروفیسور علی حیدر درباره او مدعی است که هم‌رمز کمال آتاتورک بوده و بسیار خوب به زبان فارسی تسلط داشت. از این استاد یک رمان به صورت دست‌نویس باقی مانده است. درویش سلیمان در سال ۱۹۴۵ در گنیلانه اعدام شد.

به جمع ایران‌شناسان برجسته می‌توان دکتر حازم شعبانویچ (۱۹۱۶-۱۹۷۱) مورخ و شرق‌شناس برجسته را نیز اضافه نمود. این دانشمند دارای آثار برجسته‌ای است، از قبیل: "ادبیات مسلمانان بوسنی هرزگوین به زبانهای شرقی" (۱۹۷۳)، مقاله تحقیقی در مورد سعدی شاعر و فیلسوف ایرانی، مقاله درباره رومی^(۲)، شرق‌شناسی در نزد کرواتها و اهمیت مطالعه

۱ - در این مقاله میتروویتسا مدعی است که عطار حدود ۱۰۰ هزار بند شعر سروده است.

۲ - حازم شعبانویچ، شیخ سعدی شاعر و فیلسوف بزرگ ایرانی، نشریه Gajret، ادامه در صفحه بعد

زبانهای شرقی، مقاله در مورد صافت - بیگ باشاگیچ، مقاله در مورد فهمیم بایراکتارویچ^(۱).

در زمینه ایران‌شناسی دکتر شاکر سیکیریچ دارای نقشی ویژه است. او مؤلف آثار زیر می‌باشد: دستور زبان فارسی (۱۹۵۱)، کتاب درس فارسی "لاله‌زار فارسی" (۱۹۵۵)، مقاله "سودی مفسر گلستان سعدی" (منتشر شده در نشریه "مقالاتی برای زبان‌شناسی شرقی"، شماره ۱، ۱۹۵۰، ص. ۵۱-۶۷)، مقاله بسیار با ارزش "یک نسخه خطی دیوان جامی" (نشریه "مقالاتی برای زبان‌شناسی و تاریخ‌شناسی شرق"، سارایوو، شماره ۵، ۱۹۵۴-۵۵). پروفیسور سیکیریچ در مقاله اول خود در رابطه با سودی نوشته که او از نظر اصالت، فراگیر بودن و عمق افکار و طرز تفکر بی‌نظیر بوده است؛ و در مقاله دوم خود در مورد جامی اشاره نموده که او از اعضای فرقه نقشبندیه بوده و در یک اثر مستقل به زبان فارسی تحت عنوان "نفس دوست" زندگینامه بیش از ۶۰۰ نفر از برجسته‌ترین شخصیت‌های عارف را مورد بررسی قرار داده است. به نظر او جامی "یکی از بزرگترین نوابغ و آخرین شاعر کلاسیک فارسی" است.^(۲) سیکیریچ بطور خلاصه محتوای دیوان جامی (نسخه خطی)^(۳) را ارائه داده که دارای ۳۵۸ برگ، مقدمه نثر، مدح خداوند،

ادامه از صفحه قبل شماره ۶، ژوئن ۱۹۳۸، ص. ۱۰۳-۱۰۵؛ حازم شعبانویچ، جلال‌الدین رومی، دائرةالمعارف کرواسی، جلد پنجم، زاگرب، ۱۹۴۵، ص. ۵۱۸.

۱ - در کتاب "دائرةالمعارف یوگسلاوی"، جلد اول، زاگرب، ۱۹۵۵، ص. ۲۸۶-۲۸۷، در بخش تحت عنوان فهمیم بایراکتارویچ.

۲ - دکتر شاکر سیکیریچ، یک نسخه دست‌نویس دیوان جامی، نشریه "مقالاتی برای شرق‌شناسی و تاریخ‌شناسی شرق"، شماره ۵، سارایوو، ۵، ص. ۱۹۴۵-۵۵، ص. ۳۲۱.

۳ - سیکیریچ یادآوری می‌کند که این نسخه خطی را دکتر صافت - بیگ باشاگیچ به او

۴۹ بیت شعر و آنگاه اشعار بلند (قصاید) است. این بخش اول دیوان بوده و بخش دوم آن شامل غزل، قطعه و رباعی می‌باشد.^(۱)

دکتر سیکیریچ همچنین مقالات متعددی نوشته است که معروفترین آن "تکیه‌اوگلاوکا"^(۲) است. او در این مقاله در مورد تکیه نقشبندیه در محل اوگلاوکا توضیح داده است.

دکتر شاکر سیکیریچ استاد تمام وقت بخش زبان‌شناسی شرقی دانشگاه ساریوو بود. شهرت او طی دهه ۵۰ این قرن به اوج خود رسید (متوفی به سال ۱۹۶۷). پروفیسور عمر موشیچ در مورد وی مطلب نوشته است که در بین آنها می‌توان به مقاله "مرحوم شاکر سیکیریچ ایران‌شناس یوگسلاو"^(۳) اشاره کرد که در مجله "وحید" چاپ تهران (سال پنجم، شماره ۵۵، ۱۹۶۸، ص. ۶۶۵-۶۶۸) منتشر شده است. پروفیسور عمر موشیچ نیز محققى است که در زمینه ایران‌شناسی خدمت کرده است. او در سال ۱۹۰۳ در ساریوو متولد شده و در همین شهر مدرسه علمیه ابتدایی و دبیرستان شریعت و حقوق اسلامی را به پایان رساند. او از سال ۱۹۲۶ در دبیرستان شریعت در ساریوو به عنوان مدرس کار می‌کرد و به کار خود تا سال ۱۹۴۵، زمانی که این دبیرستان تعطیل شد، ادامه داد. او در مدرسه قاضی خسرو - بیگ به تدریس درس دینی و زبانهای شرقی و بخصوص غربی اشتغال داشت. موشیچ پس از تأسیس بخش شرق‌شناسی در دانشکده فلسفه دانشگاه ساریوو به تحصیل

ادامه از صفحه قبل داده است (همان منبع، ص. ۳۲۲).

۱ - همان منبع، ص. ۳۲۴.

۲ - Tekija na Oglavku، سالنامه کتابخانه قاضی خسرو - بیگ، کتاب ۲-۳،

ساریوو، ۱۹۷۴، ص. ۱۱۰.

۳ - متن این مقاله را بشیر جاکا به زبان فارسی ترجمه کرده است.

در گروه زبانهای عربی - ترکی و فارسی در این دانشکده پرداخته و اولین فارغ‌التحصیل بخش شرق‌شناسی است.^(۱)

موشیچ از سال ۱۹۵۱ تا زمان بازنشستگی (۱۹۶۵) به کارهای تحقیقاتی در انستیتوی شرق‌شناسی سارایوو، بخصوص در زمینه دستاوردهای ادبی و فرهنگی مسلمانان بوسنی که به زبانهای ترکی، عربی و فارسی مطلب می‌نوشتند، پرداخت. او توجه خاص خود را معطوف جمع‌آوری و پرداخت و بررسی نسخ خطی نموده بود. براساس اطلاعات موجود، او طی ۱۵ سال در انستیتوی شرق‌شناسی ۲۹۵۰ نسخه خطی را مورد بررسی و تحلیل قرار داد و این خود نشانه فعالیت خستگی‌ناپذیر این استاد است.

او از سال تحصیلی ۱۹۵۷/۵۸ تا زمان مرگ (۱۹۷۲) بطور نیمه وقت به تدریس زبانهای عربی و فارسی در دانشکده فلسفه دانشگاه سارایوو اشتغال داشت.^(۲)

در اینجا سرفصل‌وار به بررسی دو اثر دکتر سیکیریچ، "دستور زبان فارسی" و "کتاب درس فارسی" می‌پردازیم.

سیکیریچ با در نظر گرفتن تأثیر زیاد زبانهای فارسی و عربی بر زبان ترکی (به نظر او زبان ترکی از نظر دستور زبان و واژه‌ها بیشتر عربی و فارسی بوده تا اینکه ترکی باشد^(۳)) و همچنین اهمیت علمی، ادبی و فرهنگی این

۱ - فهیم نامتاک، نقش عمر موشیچ در مطالعه و بررسی میراث فرهنگ ما، سالنامه

کتابخانه قاضی خسرو - بیگ، کتاب ۴، سارایوو، ۱۹۷۶، ص. ۱۰۳

۲ - م. ترالیچ، "پروفسور عمر موشیچ"، سالنامه کتابخانه قاضی خسرو - بیگ، کتاب

۳-۲، سارایوو، ۱۹۷۴، ص. ۲۶۲.

۳ - دکتر شاکر سیکیریچ، دستور زبان فارسی، سارایوو، ۱۹۵۱، پیش‌گفتار، ص. ۸.

زبانها، معتقد بود که نیاز به تألیف کتاب دستور زبان فارسی، که در ۲۰۷ صفحه منتشر شده است، وجود داشته و این اثر منبعی مهم برای مطالعه زبان فارسی می‌باشد که بنا به قول او "یکی از زیباترین زبانهای هند و اروپایی" است. این کتاب برای دانشجویان زبان‌شناسی شرقی دانشکده‌های ادبیات سارایوو و بلگراد و همچنین آنهایی که تمایل به فراگیری صحیح زبان فارسی دارند، در نظر گرفته شده است. اثر مذکور در درجه اول براساس کتاب دستور زبان فارسی نوشته هانس یِنسِن نوشته شده است (Hans Jensen, Neupersische Grammatik, Haidelberg, 1931). در کنار آن از کتاب "Persische Grammatik" تألیف C. Salemann و V. Shukovski (برلن، چاپ دوم، ۱۹۲۵) نیز استفاده شده است.

سیکیریچ در تألیف کتاب خود از گلستان و بوستان سعدی نیز بسیار استفاده کرده است. در بخش اول کتاب (صفحات ۷-۱۳۸) مسائل دستور زبان فارسی (القبا و تلفظ صداها، اسم، صفت، ضمیر، اعداد، فعل و دیگر موارد و انواع کلمات) مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش دوم کتاب (۱۴۱-۲۰۷) در مورد ساختار زبان فارسی توضیح داده شده است. این کتاب درسی در درجه اول به عنوان منبعی مهم برای فراگیری زبان و ادبیات فارسی برای دانشجویان در نظر گرفته شده است. کتاب فوق همچنین به منظور برآوردن نیازهای (آموزشی و غیره) انستیتوی شرق‌شناسی سارایوو و همچنین علاقمندان به زبان و ادبیات فارسی تألیف شده بود.

در کتاب دوم سیکیریچ (کتاب درس زبان فارسی) به غیر از بکار بردن متون درج شده در منبع آلمانی از آثار مؤلفان ایرانی یعنی رباعیات خیام، پندنامه عطار، مثنوی مولوی، دیوان حافظ، بهارستان جامی و همچنین چند فرهنگ لغت استفاده شده است.^(۱) دکتر سیکیریچ بجز متون فارسی (بخش

۱ - منظور فرهنگ‌های فارسی "فرهنگ شوری" و "برهان قاطع" و غیره است.

اول) به مسئله "اساس آهنگ و وزن (سجع) زبان فارسی" نیز پرداخته است.^(۱) او در پایان کتاب یک فهرست لغات درج کرده و در آن واژه‌ها و عبارات را به زبان فارسی و صربی درج کرده است.^(۲)

یکی دیگر از آثار قابل توجه دکتر سیکیریچ کتاب "قصه‌های خاور" می‌باشد که در سال ۱۹۶۲ در زاگرب منتشر شده است. مترجمین این کتاب عبارتند از: علی بیتیچ (داستانهای ترکی و عربی)، دکتر شاکر سیکیریچ (قصه‌های فارسی) و نجات سلیمان‌پاشیچ (داستانهای چینی و هندی). سیکیریچ و مؤلفین ذکر شده با این قصه‌ها نشان دادند که دلایل اصلی علاقه گسترده مردم یوگسلاوی سابق نسبت به ادبیات عربی، فارسی و سایر کشورهای شرقی در درجه اول علاقه عمومی فرهنگی نسبت به این ادبیات و همچنین نیاز علم برای اثبات "چگونگی و میزان تأثیر شرق طی قرون گذشته بر ادبیات ملل اسلاو جنوبی و بخصوص ملل یوگسلاوی سابق می‌باشد."^(۳) از محتوای این داستانها می‌توان نتیجه گرفت که "بسیاری از قصه‌های شرقی وارد ادبیات این منطقه و بر آن تأثیر بسیار واضح گذاشته است."^(۴) جالب اینجاست که مهد این داستانها سرزمینهای بسیار دور دست می‌باشد ولی آنها چه در کشور ما و چه در سایر نقاط جهان جای خود را باز کرده و علت اصلی این امر زیبایی، محتوای پندآموزانه و معنای عمیق فلسفی آنها می‌باشد (برای مثال داستانهای کوتاه فارسی). نباید فراموش کرد که ملت پارس

۱ - در این رابطه به صفحات ۱۶۵-۱۷۵ کتاب مذکور مراجعه شود.

۲ - به فهرست لغات کتاب مذکور در صفحات ۱۷۹-۲۹۰ مراجعه شود.

۳ - داستانهای شرق، ترجمه و یادداشتها از علی بیتیچ، دکتر شاکر سیکیریچ، نجات سلیمان‌پاشیچ، زاگرب، ۱۹۶۲، ص. ۷.

۴ - همان منبع، ص. ۸.

مردمی "قوی و با روح سالم" هستند. زمانی که هند و چین دارای سطح بالای فرهنگی بودند، پارسیان ارتباطات فرهنگی و اقتصادی خود را با این همسایگان شرقی و جنوبی حفظ کردند. با گذشت زمان، بخصوص پس از قرن ششم، و به ویژه پس از ورود اعراب به ایران میراث ادبی و فرهنگی ایران از بین نرفته و بر عکس از قرن نهم آثار جدیدی به زبان جدید فارسی بوجود آمده که در بین آنها می‌توان به آثار سعدی (متوفی به سال ۱۲۹۱) یعنی گلستان و بوستان اشاره نمود که این چنین در شرق و غرب مورد توجه هستند. در گلستان به داستانهای پندآموز کوتاه نثری برمی‌خوریم که همراه با قطعه شعرهایی می‌باشد. بیشتر این داستانها برگرفته شده از ادبیات مردمی (شفاهی) بوده، و در بین آنها قصه‌های باستانی ایرانی نیز وجود دارد که سینه به سینه نقل و جزئی از قصه‌های ملی و مردمی شده است.^(۱) در کتاب "قصه‌های شرق" مجموعاً ۴۹ حکایت از گلستان سعدی وجود دارد و ۱۷ داستان دیگر از منابع دیگر ادبیات کلاسیک فارسی گرفته شده است.^(۲) این قصه‌ها و حکایات دارای پند فلسفی آمیخته با تفکر در مورد مشکلات و بی‌ارزشی زندگی انسانی، ترک لذایذ و ثروت دنیوی (تحت تأثیر تصوف و عرفان) بوده که این عقاید بخصوص با عملکرد فرقه‌های درویشی انتقال یافته است. در بسیاری داستانها خشونت، بی‌عدالتی، دروغ، اسراف، دزدی، خست، تنگ‌نظری، بدخواهی، خودخواهی، کله‌شقی و سختگیری بیش از حد حکام مورد نکوهش قرار گرفته و طرد شده و از طرف دیگر به اصول اخلاقی از قبیل راستگویی، شجاعت، عدالت، عاقل بودن و فکر کردن، پند

۱ - به پیش‌گفتار کتاب "قصه‌های شرق" در صفحه ۱۵ مراجعه شود.

۲ - کتاب "قصه‌های شرق" مجموعاً دارای ۶۶ داستان ایرانی بوده که در صفحات ۱۴۹ تا ۱۹۷ درج شده است.

درویشان (بخشش)^(۱)، ایمان به دوستان و غیره بسیار ارج گذاشته شده است. بسیاری از این قصه‌ها بسیار کوتاه بوده ولی از نظر معنوی و تربیتی بسیار غنی هستند. در قصه "نمونه" ذکر شده است که از لقمان حکیم پرسیدند: ادب را از که آموختی؟ گفت: از بی‌ادبان. هر چه از ایشان در نظرم ناپسند آمد از آن پرهیز کردم.^(۲) در بسیاری از داستانها از فقر، نیکی، زرنگی و خصایصی از این قبیل تمجید شده است.^(۳)

در اینجا باید حداقل اشاره کنیم که طی سالهای اخیر هر چه بیشتر از پروفیسور بشیرجاکا، پروفیسور زبان فارسی و متخصص ادبیات فارسی-ایرانی و همچنین استاد دانشگاه سارایوو نام برده می‌شود، که بخصوص به خاطر تألیفات خود "عمر خیام" (سارایوو، ۱۹۹۱)^(۴)، "ادبیات

۱ - داستان "بخشش" در صفحه ۱۵۲. در داستان دیگری "درویش بیابانی" (ص. ۱۶۱ و ۱۶۲) این درویش به حاکم نصیحت می‌کند: "تا زمانی که حکومت در دست داری، فکری به حال روح خود کن، چرا که حکومت دوام نداشته و مرتب از دست به دست می‌گذرد."
۲ - قصه‌های شرق، زاگرب، ۱۹۶۲، ص. ۱۶۳.

۳ - در اینجا به حکایتی از سعدی اشاره می‌کنیم که در صفحه ۱۷۰ کتاب "قصه‌های شرق" تحت عنوان "طلا و کلوچه گندم" آمده که فردی توانمند، صرف نظر از طلا و نقره زیادی که داشت، در بیابان از بی‌غذایی تلف شد و به این ابیات از سعدی در این رابطه اشاره شده است:

مرد بی‌توشه بر ندارد گام	گر همه زر جعفری دارد
شلفم پخته به که نقره	در بیابان فقیر سوخته را

خام

۴ - این مقاله در مجله "Islamska misao"، چاپ سارایوو، سال ۱۳، شماره ۱۵۴،

مسلمانان بوسنی هرزگوین به زبان فارسی " (سارایوو، ۱۹۷۸)^(۱) و "اشعار حماسی ما و شاهنامه فردوسی" (سارایوو، ۱۹۷۶)^(۲) مشهور است. بشیر جاکا در کنار سایر آثار خود همچنین ترجمه‌ای از اشعار ایرانی تحت عنوان "شعر معاصر ایران" (کروشواتس، ۱۹۷۹) منتشر کرده است.^(۳)

از دیگر بخشهای یوگسلاوی سابق می‌توان به میلیوی مالیچ ایران‌شناس اهل سوشاک اشاره کرد که در سال ۱۹۳۵ از تز دکترای خود در دانشگاه سوربن پاریس تحت عنوان "بلبلستان شیخ فوزی موستاری، شاعر هرزگوینی فارسی‌سرا" دفاع کرد. این اولین رساله کامل از این نوع بوده که دارای بخشهای زیر است: پیشگفتار؛ فهرست منابع؛ بخش اول که در آن دوران زندگی و تحصیلات شیخ فوزی ذکر شده و مؤلف تز (مالیچ) منابع فارسی موجود در یوگسلاوی را قید کرده^(۴) و از مشهورترین نمایندگان آن از سودی و درویش - پاشا تا صافت - بیگ باشاگیچ نام برده است؛ در بخش

ادامه از صفحه قبل اکتبر ۱۹۹۱ و در صفحات ۵۲-۵۸ درج شده است.

۱ - این مقاله دکتر جاکا در نشریه "رادیو سارایوو - برنامه سوم"، سال هفتم، ۱۹۷۸ و در صفحات ۵۲۶-۶۰۰ درج شده است.

۲ - این کتاب دارای ۲۶۰ صفحه بوده و ناشر آن مؤسسه "Svijetlost" سارایوو می‌باشد.

۳ - کتاب "شعر معاصر ایران" را مؤسسه انتشاراتی "Bagdala" از شهر کروشواتس در سال ۱۹۷۹ منتشر کرده است.

۴ - تز دکترای میلیوی مالیچ تحت عنوان:

Bulbulistan du shaikh Fewzi de Mostar poete herzegovinien de
langue persane، پاریس، ۱۹۳۵، ص. ۴۹-۶۲.

دوم ترجمه بلبلستان به زبان فرانسوی درج شده است.

دکتر مالیچ براساس تحلیل بلبلستان نتیجه گرفته است که این کتاب نشان‌دهنده اخلاق مسلمانان بوسنی است، که از این نظر بسیار شبیه گلستان سعدی بوده که اخلاق پارسی‌ها را توصیف می‌کند.^(۱)

میلیوی مالیچ، یا به عبارتی میلیوی میرزا عبدالرحمن مالیچ قصه‌های فارسی را نیز ترجمه کرده است، برای مثال در سال ۱۹۷۲ در مجله "Gajret" ترجمه دو قصه ایرانی از عبدالرحمان جامی را منتشر نمود: "مهمان‌نوازی امری مقدس است" و "چه کسی بزرگوارتر است؟"^(۲)

جزئیات زندگی و کار مالیچ بسیار جالب و قابل توجه است. در کتابخانه قاضی خسرو - بیگ در سارایوو مجموعه آثار او نگهداری می‌شود که بر اساس آن می‌توان نتیجه گرفت که او یکی از برجسته‌ترین ایران‌شناسان یوگسلاوی و حتی جهان است. در این کتابخانه تحت شماره ۱۵۷ نسخه رونویس بلبلستان به زبان فارسی که توسط مالیچ انجام شده و تحت شماره ۱۵۶ ترجمه این اثر به زبان فرانسه ثبت شده است. ترجمه بلبلستان در سال ۱۹۳۵ انجام گرفته، یعنی سالی که مالیچ در دانشگاه سوربن پاریس از تز دکترای خود دفاع کرده است.^(۳)

۱ - براساس کتاب دکتر محمد حاجیاهیچ، اسلام و مسلمانان در بوسنی هرزگوین، سارایوو، ۱۹۷۷، ص. ۷۵.

۲ - این دو داستان در مجله "Gajret" چاپ سارایوو، سال ۱۱، شماره ۲۴ (۱۶ دسامبر ۱۹۲۷) در صفحه ۳۷۷ منتشر شده است.

۳ - مالیچ در شرایط بسیار سخت بیماری از تز خود دفاع کرد. در آن زمان او فلج بوده و با برانکارد او را به دانشگاه آوردند. جالب اینجاست که او بسیار عالی از تز خود دفاع نمود.

همچنین در مجموعه کتابخانه قاضی خسرو - بیگ نامه‌های مالیچ نیز حفظ شده است که در بین آنها ۱۰ نامه در رابطه با مکاتبات او با هانری ماسه (Henry Masse) ایران‌شناس اروپایی می‌باشد. براساس نامه‌های مالیچ می‌توان نتیجه گرفت که بخصوص در طول اقامت خود در پاریس با مشکلات زیادی از قبیل بی‌پولی، دسیسه‌ها و خصومت‌های دیگران مواجه بوده است و آن هم پس از اینکه به عنوان یک کروات در سال ۱۹۲۲ به دین اسلام گروید.

مالیچ در سال ۱۸۹۷ در شهر ایموتسکو بدنیا آمد و در شهر سوشاک آکادمی بازرگانی را به پایان رساند (۱۹۱۵). پس از آن به کار در مؤسسات و بانک‌های مختلف پرداخت، ولی همانطور که در نامه‌ای به استپان رادیچ وزیر وقت آموزش و پرورش یوگسلاوی (۱۹۲۵) نوشته بود، در اوقات فراغت همیشه به شرق‌شناسی می‌پرداخت. در طول تحصیلات خود آثار مختلف در زمینه فلسفه، زبان‌شناسی و الهیات را مطالعه نموده و بخصوص علاقمند به شرق بود. او در سال ۱۹۲۲ دین اسلام را پذیرفت. پس از آن به اسپانیا "بافرهنگ‌ترین کشور اروپا" رفته و در آنجا زبان کاستیلی را بطور کامل فرا گرفت. از سال ۱۹۲۴ به عنوان بورسیه وزارت آموزش و پرورش فرانسه برای تحصیل دانشگاهی به پاریس رفت. از آن زمان شک و تردیدها و آزار شخصیت او، بخصوص همانطور که خود ذکر می‌کند، از سوی کوسته پتروویچ رئیس بخش آموزشی نمایندگی دولت یوگسلاوی در پاریس، آغاز شد.

مالیچ اظهار داشت که کم و بیش با زبانهای فرانسوی، اسپانیایی، روسی، ایتالیایی، انگلیسی، عربی و چند زبان دیگر آشنا بوده و به این خاطر شروع به فراگیری زبان فارسی کرده است. بطور خلاصه باید گفت که او بسیار خوب با زبانهای اروپایی و شرقی آشنا بوده و دارای تألیفات و ترجمه‌های زیادی در مجلات و نشریات مختلف است.

در مجموعه آثار مالیچ در کتابخانه قاضی خسرو - بیگ چند مقاله

منتشر نشده نیز وجود دارد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: "واژه‌های فارسی در زبان کروات"، "علل عقب‌ماندگی ما در زمینه آموزش و پرورش چیست؟"^(۱)، که در این مقاله او معتقد است که دلیل عقب‌افتادگی مسلمانان فعالیت کم روشنفکران مسلمان است. مقاله دیگر او در رابطه با گرویدن او به اسلام است: "فکر نکنید که من تنها هستم!"^(۲)

همچنین در این کتابخانه به اثر بزرگ و حجیم منتشر نشده مالیچ تحت عنوان "چرا دین اسلام را پذیرفتم؟" در ۲۰۰۰ صفحه نیز اشاره می‌شود. این اثر "به طور مرموزی ناپدید شده است."^(۳) همچنین در این مجموعه چند ترجمه (منتشر شده و نشده) که اغلب از زبانهای اسپانیایی و یا ایتالیایی بوده، نیز وجود دارد. با این حال مهم‌ترین آثار مالیچ در رابطه با ایران‌شناسی عبارتند از: "بلبلستان" و "قصه‌های کودکان" برگرفته شده از آثار جامی.

از ادیبان و دانشمندان صرب می‌توان به یووان یوانوویچ/ازمای (Jovanovic Zmaj) (۱۸۳۳-۱۹۰۴) اشاره کرد. او براساس اثر هاینه شاعر آلمانی تحت عنوان "Romancero" (۱۸۵۱) که در آن زندگی فردوسی توصیف شده است، دوران شاعری زندگی فردوسی را ترجمه کرده و در سال ۱۸۶۳ تحت عنوان "فردوسی شاعر" منتشر نمود.^(۴) ازمای صحنه مرگ

۱ - این مقاله‌ای است که در دو صفحه تایپ شده است.

۲ - در این مقاله یک صفحه‌ای او اسامی شخصیت‌های برجسته‌ای که به دین اسلام گرویدند، را ذکر کرده است.

۳ - ابراهیم کیمورا، مجموعه آثار مالیچ در کتابخانه قاضی خسرو - بیگ، سالنامه کتابخانه قاضی خسرو - بیگ، ساریوو، ۱۹۷۲، ص. ۱۰۵.

۴ - مراجعه شود به: "مجموعه منتخب آثار ازمای، کتاب یازدهم، بلغراد، ۱۹۳۵، ص.

فردوسی را براساس ترجمه آزاد هاینه به صورت زیر به شعر سروده است:

صدای لا اله الا الله می آید،
 کجاست فردوسی، کجاست کاخهای او؟
 درست در آن هنگام از سوی مشرق
 مردم کسی را برای تشییع می‌برند
 مردم فردوسی شاعر را دفن می‌کنند.^(۱)

در این شعر آزمای از فردوسی به عنوان "شاعر عالی الهی" نام برده و در مورد شاهنامه تأکید کرده که "این اثری بزرگ و بسیار زیبا است". او در ادامه می‌افزاید:

همه چیز گلی است و زنده
 همه چیز درخشان و براق و نورانی است
 با نور مشعل مقدس روشن است
 مشعل مقدس ایرانی...^(۲)
 وقتی شاعر شعر خود را به اتمام رساند،
 اثر خود را برای شاهش فرستد؛
 دویست هزار بیت
 که هر کدام بهتر از دیگری است.^(۳)

۱ - یوان یوانوویچ آزمای، کتاب شعر، کتاب هفتم، سوبوتیتسا، ۱۹۶۹، ص. ۲۳۴.

۲ - همان منبع، ص. ۲۲۹.

۳ - همان منبع.

پروفسور دکتر بوگدان پوپوویچ (Bogdan Popovic) (۱۸۶۴-۱۹۴۴) منقد ادبی و استاد تئوری ادبی که تأثیری عمیق در ادبیات و فرهنگ صرب بود، در جلسات درس خود (ادبیات جهان) فلسفه شرقی و بخصوص خیام، سعدی، حافظ و سایر ادیبان کلاسیک فارسی را معرفی کرده و درباره آنها توضیح می‌داد. از دانشجویان این استاد می‌توان به میودراگ ایبرواتس و فهیم بایراکتاریویچ اشاره نمود که هر دوی آنها از اساتید دانشکده ادبیات دانشگاه بلگراد بودند.

برخی از تألیفات اساتید بخش شرق‌شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه بلگراد نیز تا حدی در تحقیقات ایران‌شناسی مؤثر بوده‌اند از قبیل: مقاله "کرسی زبان‌شناسی شرقی" در کتاب "۱۰۰ سال دانشکده ادبیات" (بلگراد، ۱۹۵۹، ص. ۹۹)، نوشته دکتر ماریا جوکانوویچ (۱۹۲۳-۱۹۸۳) و همچنین سایر مقالات تحقیقی ایشان بخصوص در رابطه با دکتر بایراکتاریویچ؛ دکتر راده بوژوویچ استاد عربی دانشکده ادبیات دانشگاه بلگراد در سال ۱۹۶۸ در مجله "ادبیات" مقاله‌ای تحت عنوان "نگاهی به رباعیات خیام"، که توسط پروفسور بایراکتاریویچ ترجمه شده بود، منتشر نمود.^(۱)

همچنین بعضی از مقالات تحقیقی دکتر دارکو تاناسکوویچ استاد زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات دانشگاه بلگراد برای تحقیقات ایران‌شناسی مهم هستند از قبیل: رساله در مورد تصوف (بلگراد، ۱۹۸۱)؛ پیشگفتار تحت عنوان "به مناسبت چاپ دوم کتاب "رستم و سهراب" (در کتاب رستم و سهراب، بلگراد، ۱۹۸۳، ص. ۵-۱۹)؛ مقاله‌ای همراه با "مجموعه منتخبی از اشعار فارسی" (مجله "Mostovi"، بلگراد، سال سوم، ۱۹۷۲/۱۰/۲، ص. ۱۵۷-۱۵۸).

۱ - مراجعه شود به مقاله دکتر بوژوویچ در نشریه "ادبیات"، بلگراد، ۱۹۶۶: ص.

در اینجا بخصوص می‌توان به تز دکترای دکتر آنجلکا میترویچ استادیار زبان‌شناسی شرقی دانشکده ادبیات دانشگاه بلغراد تحت عنوان "عملکرد علمی فهیم بایراکتارویچ" (بلغراد، ۱۹۹۶). این رساله تحقیقی که در ۳۰۴ صفحه نوشته شده است، بسیار عالی و منظم نوشته شده و در آن کار و نقش علمی پروفیسور بایراکتارویچ در زمینه عرب‌شناسی، ایران‌شناسی (فصل دوم، ص. ۶۰-۱۲۵)، ترک‌شناسی، علم تطبیق زبانها و اسلام‌شناسی به دقت مورد بررسی قرار گرفته است. در کرواسی می‌توان به دکتر ایوان اسیح (dr Ivan Esih) (متولد لیویشکی در هرزگوین به سال ۱۸۸۸ و متوفی به سال ۱۹۶۶ در زاگرب) اشاره نمود که به تألیف فرهنگ لغت اشتغال داشت. او حدود ۵۰ کتاب و رساله تحقیقی نوشته است. وی به تنهایی و یا با همکاری مؤلفان دیگر ۵ فرهنگ لغت تألیف کرده است که در بین آنها می‌توان به "فرهنگ واژه‌های ترکی"^(۱) اشاره نمود. اسیح همچنین در مورد کارهای علمی حمدیا کرشبلیاکوویچ (Hamdija Kresebljakovic)، چیرو تروهلیکا (Ciro Truheljka) و آلساندرا اولسنیتسکی^(۲) (Aleksandar Olesnicki) استاد زبان ترکی دانشگاه زاگرب مطلب نوشته است.

دکتر ایوان اسیح همچنین مقالات و رسالات ارزشمند زیر را نیز تألیف کرده است:

۱ - عنوان کتاب اسیح عبارت است از: "ترکسیزم، فرهنگی واژه‌های ترکی، عربی و فارسی در زبان ادبی و عامی کروات"، (زاگرب، ۱۹۴۲). او از همه بیشتر به ترجمه از زبان بلغاری اشتغال داشت. در این مورد مراجعه شود به: "فرهنگ ادبی یوگسلاوی"، سوبوتیتسا، ۱۹۸۴، ص. ۱۹۱.

۲ - به مقاله اسیح تحت عنوان: "آلساندرا اولسنیتسکی، شرق‌شناس" در نشریه آبزور (Obzor)، زاگرب، شماره ۲۵۵، ۱۹۳۸/۱۱/۹، در صفحه مراجعه شود.

۱ - "سند باشاگیچ در مورد شرق‌شناسی بین‌المللی"، نشریه آبزور (Obzor)، سال ۷۹، شماره ۴۶، (۱۹۳۹/۲/۲۵). این مقاله بحثی در رابطه با رساله تحقیقی باشاگیچ بوده که درباره قدیمی‌ترین فرمان بیگ چنگیچ نوشته شده است.

۲ - "فهم بایراکتاریچ"، فرهنگ نویسندگان یوگسلاوی، جلد اول، نووی‌ساد، مؤسسه انتشاراتی "ماتیتسا صربسکا"، ۱۹۷۲، ص. ۱۳۱-۱۳۲.

۳ - "بزرگداشت هزاره تولد فردوسی شاعر ایرانی"، نشریه آبزور، سال ۷۵، شماره ۹۵ به تاریخ ۱۹۳۴/۴/۲۵.

در کرواسی همچنین پروفیسور آلسانداری اولسنیتسکی (Aleksandar Olesnicki) متخصص زبانهای شرقی و بخصوص ترکی، به مطالعات علمی زبان‌شناسی و همچنین ترجمه اشتغال داشت.

ایوان ترنسکی (Ivan Trnski) (۱۸۱۹-۱۹۱۰) یکی دیگر از کسانی است که در کرواسی در زمینه شرق‌شناسی و ایران‌شناسی نقش داشته است. وی شاعر، داستان‌سرا و مترجم بوده، ولی از نظر شعر "آن چنان کیفیت قابل توجه نداشت."^(۱) او آثار زیادی را از زبانهای چک، روسی و آلمانی ترجمه نمود. ترنسکی در سال ۱۸۹۳ ترجمه شعر هاینه با نام "فردوسی شاعر" را در زاگرب منتشر کرد.^(۲)

از دیگر شخصیت‌های بارز کرواسی در زمینه ایران‌شناسی می‌توان از پروفیسور دکتر دیان بوگدانوویچ نام برد که در سال ۱۹۶۴ در دانشگاه تهران

۱ - فرهنگ ادبی یوگسلاوی، نووی‌ساد، مؤسسه "ماتیتسا صربسکا"، ۱۹۸۴، ص. ۸۴۱.

۲ - فهم بایراکتاریچ، زندگی و کار فردوسی، در کتاب "رستم و سهراب"، بلغراد، ۱۹۲۸، ص. ۲۲.

دوره دکترای خود را به اتمام رساند. عنوان رساله دکترای وی "ادبیات فارسی در یوگسلاوی" بود. پروفیسور بوگدانوویچ سالهای سال به تحقیق در مورد تأثیر زبان و ادبیات فارسی بخصوص در بوسنی، مقدونیه و صربستان پرداخته و از ۱۶ نویسنده و شاعر نام برده است که دارای آثاری به زبان فارسی بوده‌اند. یک بخش از رساله دکترای وی در رابطه با کتابخانه‌هایی در یوگسلاوی بوده که دارای نسخ خطی شرقی و فارسی هستند. عنوان این بخش از رساله "کتابخانه‌های یوگسلاوی که دارای نسخ خطی فارسی هستند" ("وحید"، سال ۱، ۱۹۶۴، شماره ۴، ص. ۳۳-۴۶). دکتر دیان بوگدانوویچ همچنین به عنوان تدوین‌کننده "گلچین غزل‌های کروات" (بخش اول) شهرت دارد. او همچنین در انستیتوی ملی زبانها و تمدنهای شرقی در پاریس کار می‌کرد. وی در کنار سایر آثارش یکی از تدوین‌کنندگان کتاب مصور ایران به زبان فرانسوی می‌باشد (پاریس، ۱۹۷۲).

دکتر کارل گلاسر (dr Karel Glaser) (۱۸۴۵-۱۹۱۳) از شرق‌شناسان برجسته اسلونی و استاد زبان‌شناسی و اسلاوشناسی بوده و در جاهای مختلف به کار علمی مشغول بود، من جمله از سال ۱۸۹۰ تا ۱۹۰۰ در وین به تدریس اشتغال داشته و در این شهر چندین مقاله در مورد زبان‌شناسی هند و اروپایی منتشر نمود.^(۱) او طی سالهای ۱۸۸۱ تا ۱۸۸۳ در برلن و وین به تحصیل در رشته زبان‌شناسی هندی و ایرانی پرداخته و در این رشته مدرک دکتر را اخذ نمود. دکتر گلاسر در این زمینه چندین رساله تخصصی و مقاله به زبانهای اسلونی و آلمانی تألیف و منتشر کرده است.^(۲) او در سال ۱۹۰۹ ترجمه بخشی از شاهنامه رستم و سهراب را منتشر کرده و مدعی شد که این

۱ - فرهنگ ادبی یوگسلاوی، سوبوتیتسا، مؤسسه ماتیتسا صربسکا، ۱۹۸۴، ص. ۲۱۲.

۲ - فرهنگ ملی صربی - کروات - اسلونی، جلد اول، زاگرب، ۱۹۲۵-۱۹۲۶، ص.

ترجمه از زبان فارسی صورت گرفته است (زال و رودابه از فارس)، ولی "نسبت به این ادعا شک وجود دارد." ^(۱) او همچنین در مجله "کرس" (Kres) مقاله‌ای تحت عنوان "فردوسی" نوشت، ^(۲) و در پایان این مقاله آرزو نمود که "در بین اسلونها نیز چنین روشنفکری همانند فردوسی پیدا شود." ^(۳) دکتر گلاسز ترجمه بخشهای مختلف شاهنامه را در یک کتابچه ۱۷ صفحه‌ای همراه با ۵ صفحه مقدمه منتشر نمود. این کتابچه در سال ۱۹۱۹ در مجله "استرازا" (Straza) چاپ ماریبور در اسلونی به چاپ رسید.

زبان و ادبیات فارسی در کتب و نشریات درسی کنونی یوگسلاوی

با تحقیقاتی که تا به حال انجام شده است میزان ارج و حضور زبان فارسی و تحقیقات ایران‌شناسی و فرهنگ ایرانی در یوگسلاوی سابق مشخص شده است. ^(۴) به مرور زمان این گنجینه غنی علمی و معنوی به صورت کتب و جزوات درسی و سایر منابع آموزشی و تربیتی تبدیل شد که ما در اینجا به صورت فهرست وار عنوان و نام مؤلفین این آثار را ارائه خواهیم

۱ - به مقاله دکتر فهیم بایراکتاریچ مراجعه شود: نگاهی به تاریخ ادبیات فارسی، بلگراد، ۱۹۷۹، ص. ۳۲.

۲ - مجله کرس (Kres) در سال ۱۸۸۴ منتشر شده است. به مقاله درج شده در صفحات ۴۵-۵۱ مراجعه شود.

۳ - همان منبع، ص. ۵۱.

۴ - در رابطه با کتب و جزوات درسی به زبان فارسی می‌توان به کتاب اینجانب تحت عنوان "فرهنگی اسلامی - ایرانی و تأثیر زبان فارسی در یوگسلاوی"، بلگراد، ۱۹۹۶، ص. ۴۳-۴۵.

داد. تداوم علاقه نسبت به رشته ایران‌شناسی علمی در دوران حاضر را می‌توان با بررسی و تحلیل حداقل یک نشریه که در قلمرو یوگسلاوی سابق منتشر می‌شود نشان داد. در اینجا باید یادآور شد که در کنار مجلات "مقالاتی برای زبان‌شناسی شرقی" (سارایوو)، "فرهنگ شرق" (بلغراد)، "نور" (بلغراد) که در آنها تقریباً در هر شماره حداقل یک مقاله در رابطه با ایران‌شناسی وجود دارد؛ می‌توان با بررسی تحلیلی محتوای نشریه ادبی و فرهنگی "ماک" چاپ نووی بازار نشان داد که امروزه علاقه نسبت به موضوعات ایران‌شناسی نه کم شده و نه اینکه در حال کاهش است.

در بین کتب و جزوات درسی در رابطه با زبان و ادبیات فارسی می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

- آلکساندار میلیچویچ، "نگاهی کوتاه به ادبیات شرق: چینی، هندی، بابلی - آسوری، یهودی، مصری، عربی و فارسی"، پوژارواتس، چاپخانه "یاداران"، ۱۹۳۵، ۸۵ صفحه.

- شاکر سیکیریچ، "کتاب درس فارسی" (لاله‌زار فارسی)، سارایوو، مؤسسه وِسلین ماسلیشا، ۱۹۵۵، ۳۰۷ صفحه.

- دکتر شاکر سیکیریچ، "دستور زبان فارسی"^(۱)، سارایوو، ۱۹۵۱.

- حازم شعبانویچ، "ادبیات مسلمانان بوسنی هرزگوین به زبانهای شرقی"، سارایوو، موسسه سوتلوست، ۱۹۷۳.

- "آزفا، کتاب آموزش زبان فارسی"، چهار کتاب از مجموعه کتب درسی برای آموزش زبان فارسی شامل آرفای ۱ و ۲ برای دوره مقدماتی، آرفای ۳ دوره متوسطه و آرفای ۴ دوره پیشرفته؛ بلغراد، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بلغراد، آخرین کتاب از این مجموعه در سال

۱ - در مورد آثار شاکر سیکیریچ در این بخش توضیحات و تحلیل لازم ارائه شده است.

۱۹۹۷ با تجدیدنظر منتشر شده است.

- حسین جوگو، "نگاهی کوتاه به ادبیات فارسی"، موستار، ۱۹۱۴ و ۱۹۲۴.

- دکتر فهیم بایراکتارویچ، "نگاهی به تاریخ ادبیات فارسی" ^(۱) (تدوین از ماریا جوکانوویچ و دکتر دارکو تاناسکوویچ)، بلگراد، مؤسسه کتاب علمی، ۱۹۷۹، ۶۷ صفحه.

- دکتر بشیر جاکا، "ادبیات مسلمانان بوسنی هرزگوین به زبان فارسی"، سارایوو، ۱۹۷۸.

- دکتر یاشار رجب آگیچ، "فرهنگ اسلامی - ایرانی و تأثیر زبان فارسی در نزد ما"، بلگراد، مرکز فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، ۱۹۹۶، ۱۷۰ صفحه. ^(۲)

- دکتر ایوان اسیچ، "ترکسیزمها - واژه‌های ترکی، عربی و فارسی در زبان ادبی و عامه کروات"، زاگرب، ۱۹۴۲.

- "فرهنگ لغت صربی - فارسی"، سفارت جمهوری اسلامی ایران، بلگراد، ۱۹۹۰، ۵۲۲ صفحه. ^(۳)

۱ - در فصل سوم این رساله در بخشی در رابطه با پروفسور فهیم بایراکتارویچ، تحلیل این کتاب ارائه شده است.

۲ - در معرفی این کتاب در مجله نور (بلگراد، شماره ۱۱، ۱۹۹۶) در صفحه ۸۱ آمده است: "این رساله تحقیقی دارای اهمیت و نقش مستقیم در تحقیقات ایران‌شناسی و بخصوص زبان‌شناسی ایرانی می‌باشد. برخی از بخشهای کتاب از چهار چوب ذکر شده فراتر می‌رود."

۳ - فرهنگ مذکور دارای بیش از ده هزار واژه و عبارت می‌باشد. دکتر عبدالکریم

- عبدالله شکالچ، "واژه‌های ترکسیزم در زبان صرب و کرواتی"، ساریوو، مؤسسه سوتلوست، ۱۹۸۵، ۶۶۲ صفحه.

- فهیم سپاهو، "نسخ خطی عربی، فارسی و ترکی موزه‌های جهانی کرواتها در ساریوو"، ساریوو، ۱۹۴۲.

- صالح تراکو، "کاتالوگ نسخ خطی فارسی انستیتوی شرق‌شناسی ساریوو"، ساریوو، انستیتوی شرق‌شناسی، ۱۹۸۶.

- کاظم دوبراچا، "کاتالوگ نسخ خطی عربی، ترکی و فارسی"، دفتر اول، ساریوو، ۱۹۸۵.

- بیسرا نورالدینوویچ، "فهرست کتب شرق‌شناسی"^(۱) منتشره در یوگسلاوی بین سالهای ۱۹۱۸ و ۱۹۴۵، ساریوو، انستیتوی شرق‌شناسی، ۱۹۸۶.

- "کتاب درس متون اخلاقی"، مخصوص کلاس دوم مدرسه علمیه ابتدایی، نووی‌پازار، ۱۹۹۳.

به این مجموعه می‌توان یک منبع دیگر را اضافه نمود که در دهه هشتاد قرن نوزدهم تألیف شده است. اسم این اثر "فرهنگ واژه‌های فارسی، ترکی،

ادامه از صفحه قبل عزیزی مؤلف این اثر در مقدمه این کتاب تأکید می‌کند که "هدف از تألیف این فرهنگ کمک به دانشجویان و همه آنهایی است که از زبان صربی استفاده می‌کنند." این واژه‌نامه برای یوگسلاوهایی که زبان فارسی می‌خوانند نیز قابل استفاده است.

۱- از این قبیل کاتالوگها و فهرست کتب زیاد وجود دارد که اکثر آنها توسط کتابخانه قاضی خسرو-بیگ و انستیتوی شرق‌شناسی در ساریوو منتشر شده است.

عربی و صربی" بوده و مؤلف آن لوکا ک. مارینکوویچ^(۱) کنسول صربستان در پریشتینا (در سال ۱۸۹۰ کشته شد) می‌باشد. این کتاب در سال ۱۸۸۲ در بلگراد منتشر شده و دارای ۳۶ صفحه است.

آثار ذکر شده منابع درسی، آموزشی و اخلاقی هستند. این کتب درسی دارای اهمیت و نقش علمی در تحقیقات ایران‌شناسی می‌باشند. کتب مذکور گواه این مطلب هستند که میراث معنوی فارسی مورد توجه علما، نویسندگان، مترجمین و آشنایان با فرهنگ ایران در بوسنی، یوگسلاوی و سایر کشورهای یوگسلاوی سابق بوده است. همچنین براساس منابع ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که در زمان ما نیز علاقه نسبت به زبان و ادب فارسی و تحقیقات ایران‌شناسی کم نشده است.

برای نشان دادن حضور تحقیقات ایران‌شناسی در دوران حاضر در یوگسلاوی، در اینجا برای نمونه به تحلیل مجله ادبی و فرهنگی "ماک" که از سال ۱۹۹۳ در نووی بازار منتشر می‌شود، می‌پردازیم.

در اولین شماره این مجله (۱۹۹۳) شعبان شارن‌کاپیچ ادیب سنجاسی شعری را به عنوان رباعی ارائه کرده و در زیر عنوان این شعر قید شده است: ابوعلی سینا (ابن سینا). شارن‌کاپیچ اشعار زیبایی را به ابن سینا تقدیم کرده و در متنی ارائه نموده و در آن به این عبارت ابن سینا اشاره کرده است که "هنر پزشکی بدن را درمان و هنر شعر روح را علاج می‌کند." شارن‌کاپیچ به عنوان یک شاعر درباره ابن سینا می‌گوید که "او بنیانگذار شعر علمی" بود و درست به

۱ - همسر ایشان یعنی خانم سمیلیانا مارینکوویچ به یادبود شوهر خود در سال ۱۸۹۱ "موقوفه لوکا ک. مارینکوویچ" را تأسیس نموده که هدف آن تأمین هزینه تحصیل دانش‌آموزان اهل پریشتینا و یا "صربستان قدیمی" بود. کتاب "یادبود انجمن ساوای مقدس"، کتاب ۴۷، بلگراد، ۱۹۳۵، ص. ۴۶۱.

این دلیل خیام معتقد بود که ابن سینا استاد اوست.

دکتر دارکو تاناسکوویچ در شماره ۲-۳/۱۹۹۳-۹۴ مجله "ماک" در مقاله‌ای تحت عنوان "شرق در کجا شروع می‌شود؟"، در مورد مفاهیمی از قبیل: شرق، شرق در غرب، شرق‌شناسی (تعاریف مختلف آن) و مفهوم روابط فرهنگی تاریخی میراث شرق و غرب، بحث کرده است.

در شماره ۵-۶/۱۹۹۴ در صفحه ۴ در مقاله‌ای تحت عنوان "مثنوی" به بخشهایی از اشعار جلال‌الدین رومی برمی‌خوریم. در این مقاله حدود ده قطعه شعر در مورد توازن و عشق مابین انسانها درج شده و در کنار آن اطلاعاتی در مورد شرح زندگی مولوی شاعر عارف و مؤسس فرقه مولویه به چاپ رسیده است.

در شماره ۱۲ مجله ماک (۱۹۹۶) در صفحات ۲۷-۳۱ دو شاعر ایرانی یعنی رودکی و خیام معرفی شده‌اند. رودکی در اواسط قرن نهم متولد شده و پیشاهنگ شعر کلاسیک ایرانی - تاجیکستانی است. او یکی از شاعران بسیار خلاق بوده و گفته می‌شود که "حدود یک میلیون و سیصد هزار بند شعر" سروده است. این شاعر فارسی قصیده، غزل و رباعی در سال ۹۴۱ دارفانی را وداع گفته است. دو بیت‌های نابرابر او بسیار عالی می‌باشد. یکی از این دو بیت‌ها عبارت است از:

بدان که از گرد خلق شده‌ای.

و آخر زندگی تو نیز گرد خواهد بود.

رودکی در مورد عشق چنین می‌گوید:

عشق فکر و عمل من است.

بی عشق دنیای من بی‌رنگ است.

خیام دومین شاعری است که در مقاله مذکور در مجله ماک معرفی شده

است. او قطعاً یکی از بزرگترین شاعران جهان در بین قرون ۱۱ و ۱۲ می‌باشد (متوفی به سال ۱۱۳۱). او همچنین به عنوان دانشمند (ریاضیدان، فیزیکدان، منجم) و فیلسوف نیز شهرت دارد. او خالق رباعیات، مروارید شعر شرق، می‌باشد. رباعیات او به بسیاری از زبانهای شرق و غرب و همچنین به زبان صربی ترجمه شده است (صافت - بیگ باشاگیچ، فهیم بایراکتارویچ و دیگران). در این شماره مجله "ماک" ۲۴ رباعی خیام به چاپ رسیده که زیباترین آنها رباعی زیر است:

حسرت ثروت و قدرت دیگران نخورم

در پی روزها همیشه شبهای سیاه می‌آید.

شاد باش به این زندگی گذرا

که همه چیز پایانی داشته و خواهد گذشت.

علی عیساکویچ در شماره ۱۷ (صفحه ۶) مجله "ماک" (۱۹۹۷) در پیشگفتاری که برای کتاب "منتخبی از اشعار بوشنیایی در قرن بیستم" نوشته است، یک سری اطلاعات قابل توجه در رابطه با فوزی موستاری شاعر بوسنیایی (متوفی به سال ۱۷۴۷) که به فارسی شعر می‌سرود، ارائه داده است. او در این مقاله یادآوری کرده است: "از آثار فوزی موستاری می‌توان به "بلبلستان" اشاره نمود که به زبان فارسی نوشته شده است. فوزی موستاری همراه با اشعار خود تفاسیر اشعار را نیز ارائه داده و شعرای دیگری از قبیل بایزید اگیچ و پسرش احمد - بیگ بایزید اگیچ معروف به صبحی را نیز معرفی کرده است. در اینجا باید اضافه کنم که "بلبلستان" فوزی به تقلید از "بوستان" و "گلستان" شیخ سعدی شیرازی نوشته شده است."

عیساکویچ در همین مقاله (در صفحات ۶ و ۷) مطالبی در مورد صافت - بیگ، باشاگیچ، نوشته و به دو واقعیت مهم در رابطه با ایران‌شناسی اشاره کرده است: اول اینکه باشاگیچ در سال ۱۹۱۰ در وین دکترای خود را گرفته و

دوم اینکه موضوع رساله وی "بوشنیاکی‌ها و هرزگوینی‌ها در ادبیات اسلامی" بود و این رساله در سال ۱۹۱۲ منتشر شد.

با توجه به نکات ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که تحقیقات ایران‌شناسی چه در گذشته و چه در زمان حال در قلمرو یوگسلاوی سابق حضور داشته و توجه خاصی به آن معطوف شده است.

برجسته ترین ایرانشناسان
و فارسی دانان
در یوگسلاوی

محمد - بیگ کاپتانوویچ لیوبوشاک،
دکتر صافت - بیگ باشاگیچ،
دکتر فهیم بایراکتارویچ

این سه مؤلف و دانشمند که به مطالعه
و تحقیق درباره زبان و ادبیات فارسی پرداخته
و همچنین جزو مترجمین و شرق شناسان
برجسته بودند، بیشترین و باارزش ترین سهم را
در معرفی و ترویج فرهنگ ایران شناسی و
پیشرفت آن در یوگسلاوی سابق را ایفا کرده اند.

محمد بیگ کاپتانوویچ لیوبوشاک
ادیب، مترجم، گردآورنده ادبیات فولکلور و
حامی ایران‌شناسی و فرهنگ اسلامی در بوسنی هرزگوین

در منابع و کتب مختلف به چند شخصیت برجسته در بین طایفه
کاپتانوویچ اشاره شده است که عبارتند از:

- علی - بیگ، پدر محمد - بیگ؛

- محمد علی - بیگ (محمد علی)، ادیب، نثرنویس و همکار نشریه
"بوشنیاک"؛

- رضا - بیگ پسر محمد - بیگ کاپتانوویچ لیوبوشاک، نویسنده، شاعر و
مؤلف منابع اشعار غزل^(۱) که اشعار خود را در سال ۹۰ قرن گذشته در نشریات
"پری بوسنایی" (BOSANSKI VILI) و از سال ۱۸۹۵ در "بوشنیاک" (BOSNJAK)
و از سال ۱۹۱۰ در "بهار" و دیگر فصلنامه‌ها منتشر ساخت.
همچنین، رضا بیگ به کارهای دراماتیکی مشغول بوده است. بدون شک،
محمد بیگ کاپتانوویچ لیوبوشاک از میان کاپتانوویچ‌ها از بیشترین شهرت
برخوردار است.

۱ - رضا بیگ کاپتانوویچ مجموعه اشعاری تحت عنوان "اشعار رضا بیگ کاپتانوویچ -
لیوبوشاک" (۱۸۹۳ - ۱۸۸۹)، ساریوو، ۱۸۹۳. را نوشته است.

بیوگرافی محمد بیگ کاپتانوویچ

محمد بیگ کاپتانوویچ لیوبوشاک در سال ۱۸۳۹ متولد و در سال ۱۹۰۲ در گذشت. وی به عنوان ادیب، مترجم و شخص فرهنگی و کسی که روزنامه "بوشنیاک" را راه‌اندازی و افسانه‌های مردمی را جمع‌آوری کرده شهرت دارد. در اینجا وقایع مهم زندگینامه وی را ورق می‌زنیم:

وی در تاریخ ۱۹ دسامبر ۱۸۳۹ در ویتینا حومه لیوبوشاک بدنیا آمد. پدر وی علی بیگ نام داشت و بخشدار بود. مادر وی از خانواده سرشناس آتلاگیچ در لیونا بود. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خویش به پایان رساند. وی دروس پیرامون فارسی و سایر زبانهای شرقی را در موستار شروع و در مدرسه شهرک لیوبوشاک نزد استاد سرشناسی به نام محمد کرخیچ ادامه داد. نامبرده به کشورهای ایتالیا، مصر، ترکیه و اطیش مسافرت نمود و با سرزمینها و ملل زیادی آشنا و بدینوسیله بر معلومات خود افزود. محمد بیگ در مناصب مختلفی بوده است:

- عضو کمیسیون موستار برای انجام اصلاحات در هرزگوین؛
- به مدت ۱۰ سال بخشدار مناطق استولاتس، فوچه، لیوبوشاک و تربینه (۱۸۷۵ - ۱۸۶۵)؛
- از سال ۱۸۷۶ عضو کمیسیون اصلاحات در ساریوو؛
- از مه ۱۸۷۷ به عنوان شهردار ساریوو؛
- نماینده مردم در پارلمان ترکیه در سال ۱۸۷۷؛
- از سال ۱۸۷۸ در زمان حکومت اطیشی - مجاری عضو شورای شهرداری ساریوو؛
- در سال ۱۸۷۹ به عنوان مشاور افتخاری دولت انتخاب شد؛

- در سال ۱۸۹۳ تا ۱۸۹۸ شهردار ساریوو بود که به دلیل بیماری مجبور به ترک این منصب شد، تا اینکه در تاریخ ۲۹ جولای ۱۹۰۲ در ساریوو دار فانی را وداع گفت.^(۱) البته، مؤلفین بسیاری همانند چوروویچ، ح. کاپیچیچ^(۲) و م. ریزویچ^(۳) مطالب زیادی درباره کاپتانوویچ نوشته‌اند. بیوگرافی کاپتانوویچ نشان می‌دهد که وی زبان و ادبیات شرقی را در محیط خانواده و مراکز فرهنگی - مذهبی فراگرفته است.

بررسی و تحلیل آثار کاپتانوویچ

محمد بیگ کاپتانوویچ لیوبوشاک (در بقیه متن فقط کاپتانوویچ) یک سری آثار مهم برجای گذاشته است که نه تنها برای فرهنگ، نژادشناسی، زبان و تاریخ مسلمانان بوسنایی حائز اهمیت است، بلکه این آثار ارزشمند برای میراث معنوی ایرانی، عربی و ترکی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۱ - ابراهیم بیگ باش آگیچ - رجب پاشیچ نیز در همین سال درگذشت. وی به مدت ۷ سال در شهر تراونیک (بوسنی و هرزگوین) نزد درویش کورکوت که شخصیت تحصیل کرده صاحب نام عصر خود بشمار می‌آمد درس مختلف و سپس زبانهای فارسی، عربی و ترکی را فراگرفت.

۲ - حمدیا کاپیچیچ، محمد بیگ کاپتانوویچ لیوبوشاک، گایرت، ساریوو، ۱۹۳۸، ص ۲۳۷-۲۳۹.

۳ - به تز دکترای محسن ریزویچ تحت عنوان "خلافت ادبی نویسندگان مسلمان بوسنی و هرزگوین در دوره حاکمیت اطریشی - مجاری در صفحه ۱۱۳ تا ۱۱۴ و برای جزئیات به کتاب وی "ادبیات بوسنایی - اسلامی در عصر شکوفایی" ۱۹۱۸-۱۸۸۷، ساریوو، ۱۹۹۰ مراجعه نمایید.

مهمترین آثار وی به قرار زیر است:

۱. گنج مردمی (چاپ ساریوو، ۱۸۸۷)، توسط کاپتانوویچ گردآوری و در بوسنی، هرزگوین و سایر مناطق انتشار یافته است. ضمیمه آن تحت عنوان گنج شرقی ترجمه ضرب‌المثل و سخنان حکیمانه فارسی، عربی و ترکی است. پیشگفتار آن تحت عنوان "خدایا کمک کن" شامل اسامی کسانی است که در امر گردآوری مطالب این اثر کمک کرده‌اند. همچنین، در سال ۱۸۸۷ مقاله تحقیقی تحت همین نام و پیرامون هزینه مؤلف در ساریوو منتشر شده بود. در واقع، این نخستین انتشار خط لاتینی "گنج مردمی" کاپتانوویچ بود که چاپ شده بود.^(۱) با مطالعه "پیشگفتار" این مسئله روشن می‌شود که این کتاب از روی احساس نژادی نگارش یافته و اینکه مسلمانان این بخش قادر به خلاقیت اثری به زبان مادری خویش هستند.^(۲) علاوه بر ارزش مهم اخلاقی و بیان زیبای ضرب‌المثل‌های مردمی، از اهمیت بالایی برخوردار است که خود مؤلف خاطر نشان می‌سازد: "هنگامیکه همه مردم آن جوری که ضرب‌المثل‌های ملی تأکید و سفارش دارند، عمل می‌کردند، بدون شک همه چیز خوب و زیبا می‌بود."^(۳) اجمالاً، وی به المثل‌های مردمی روی آورد. زیرا از بین مردم سر برآورد و توسط آن هر چیزی که "کوتاه، مناسب، زیبا و اساسی"^(۴) است، بیان می‌گردد. از آثار او این طور استنباط می‌شود که اولاً به زبان فارسی آشنایی دارد ثانیاً محمد بیک در ترجمه ضرب‌المثلها و پند و

۱ - محسن ریزویچ، ادبیات اسلامی - بوسنیایی در عصر شکوفایی، ۱۸۸۷-۱۹۱۸،

ساریوو، ۱۹۹۰، ص ۵۰.

۲ - محمد بیگ کاپتانوویچ لیوبوشاک، گنج مردمی، ساریوو، ۱۸۸۷، ص ۵.

۳ - همان منبع، ص ۸.

۴ - همان منبع، ص ۵.

اندرزهای حکیمانه فارسی خیلی خدمت کرد. او می‌گوید که گنج ملی در وجود خود همان ملت است.

۲. گنج شرقی جمع آوری و ترجمه شده توسط محمدبیک کاپیتانویچ لیوبوشاک، دفتر اول: ترکی، عربی، ضرب والمثل و پند و اندرز فارسی. (پیشگفتار) خدایا کمک! سارایوو، ۱۸۹۶.

۳. دفتر دوم: قصه‌ها و افسانه‌ها، جدول و معما، شعر، پند و اندرز، الهیات و قصیده‌های درویشانه بوسنیائی (پیشگفتار) چندین جمله. سارایوو ۱۸۹۷.

در دو بخش قبل (۱۸۹۶ و ۱۸۹۷) دیده می‌شود که آنها از گنجینه ملی و زبان فارسی جدا نبوده‌اند و همچنین کاپیتانویچ شایستگی خود را در جمع آوری ضرب‌المثلها و پند و اندرزهای فارسی و قرار دادن آنها در زبان مردم اینجا مخصوصاً بخش مسلمان‌نشین (بوسنی و هرزگوین) و مناطق دیگر نشان داد.

در دفتر دوم گنج شرقی محمد بیک در مقام شیخ و درویش بوسنیائی، قصیده و شعرهای مذهبی گفته است کاپیتانویچ از چندین ضرب‌المثل مذهبی که برای ایلهامی (ابدول وها با ایلهامی یکی از معروف‌ترین نویسندگان بوسنی که نویسنده دیوان به زبان ترکی است) گفته، یادداشت کرده است:

اگر میگی که درویشی، درستکار باش
همیشه می‌خوانی، یادگیر تصوف را
حقیقت خواهد ماند، خدا را بشناس
عرب و فارس و ازبکی و کرد

همه شان شدند مرشد و شیخ مطیع^(۱)

کاپیتانویچ همچنین چندین بخش تاریخی و تعلیم و تربیتی نوشته است، که در اینجا می‌توان بخشی از رساله اهلک، ساریوو ۱۸۸۳ را ذکر کرد. این دفتر حاوی مسائل آموزشی، تربیتی و علم اخلاق است. همچنین نام "مردم جوان محمدی در بوسنی و هرزگوین" ذکر شده است. آثار دیگر "ضرب‌المثلهای زیبا"، مردمی و عربی. در این کتاب توضیحاتی در مورد مفهوم مذهب، تعلیم و تربیت، اخلاق و بهداشت داده شده است. این مفاهیم در کل در ۳۴ مورد ذکر شده است، بطور مثال:

دینی، دانستن، ارزش، احترام، تبریک گفتن، احترام به دوستان، حضور و سهیم شدن، غیبت، بد اخلاقی، تکبر و خودبینی و غیره. کاپیتانویچ کتاب خود را به طور مشخص ننوشته بطوریکه بعضی جاها "خوب - بد، باید - نباید" بکار برده است. یوان یوانویچ در کتاب خود می‌گوید: "با وجود این همه مدارک، دیگر شکی در کیفیت بالای کتاب محمد بیک در مورد تعلیم و تربیت نیست". کتابهای او که در ۳۴ مورد بحث شده که اولین آن در مورد دین و ایمان و آخرین آن درباره مطیع بودن است. در رساله احلاکی بخش زیادی در مورد خدا و امپراطوری گذاشته نشده است و... از متن می‌توان نتیجه گرفت که انسان در نسبت به خدا "انسان یک موجود تابع نیست که بتوان چشم بسته بر خواسته‌های او پیروز و انتظار حل مشکلات را داشته باشیم، بلکه برعکس، انسان بوجود آورنده است، به قول معروف نعل اسب خوشبختی خودش است".^(۲)

۱ - بر اساس کتاب محمد حاجی یاماکیویچ، ایلهامی، زندگی و آثار،

ساریوو، ۱۹۹۱، ص ۹۱

۲ - به نوشته کپتانویچ

دو کتاب دیگر کپتانویچ که در موزه ملی تاریخی است به نام: مسلمانان در بوسنی چه فکر می‌کنند، ساریوو ۱۸۸۶، در واقع جواب به روزنامه لپسکا بعنوان "حال و آینده نزدیک بوسنی". مثال دیگر که کاپتانویچ در سن ۸۰ سالگی در یک قرن پیش، بوسنیائی را ترجمه کرد: "بوسنیائی‌هایی که اعتقاد دارند که قبلاً وجود داشته‌اند، آنها در بین مردم خود وجود دارند و همیشه مسلمانان بوسنی مسلمانان بزرگی هستند، و حتی بزرگتر از مسلمانانی که در کشورهای عربی زندگی می‌کنند و آنها هیچ وقت به مردم خود پشت نزده‌اند بلکه همیشه با آنها بوده‌اند"^(۱). در بخش دیگر از اخلاق شرقیها و دین اسلام ذکر شده که نشان‌دهنده سطح بالای رشد آموزش و پرورش در بین مسلمانان و برابری در بین مردم است.^(۲) شبیه همین در جزوه کپتانویچ (آینده و پیشرفت مسلمانان در بوسنی و هرزگوین) آمده‌است، ساریوو ۱۸۹۳. جزوه به عنوان "برای آموختن و تجربه برادران بوسنی و هرزگوین"^(۳) و کتاب کپتانویچ به خاطر حفاظت از مسلمانان بوسنی و هرزگوین بسیار مشهور شده بود.

همچنین کپتانویچ با یوسف چنگیچم کتاب آودیا را نوشته است (ساریوو، ۱۸۹۴). در بخشی از آثار و مطالعات او با ارزش‌ترین آن برای ایرانیان گنج ملی (۱۸۸۶) و گنج شرقی (۱۸۹۶) است. در اوضاع سیاسی آن زمان این "مسلمان مشهور" طرفدار امپراطوری اتریش - مجارستان و "مشاور

۱ - محمد بیک کپتانویچ لیوبوشاک، مسلمانان بوسنی چه فکری میکنند، ساریوو،

۱۸۸۶، ص ۶

۲ - همان منبع، در ص ۱۴

۳ - نوشته کپتانویچ

دولت"^(۱) بودند. با وجود امپراطوری در آن زمان کپتانویچ سعی به حفظ محیط و کمک به مردم فقیر کرد بطور مثال، بنا کردن کتابخانه برای مسلمانان در سارایوو و جاهای دیگر.^(۲) کپتانویچ بیشترین خدمت را به مردم در جمع کردن آداب و رسوم مردم و نوشتن آنها بصورت "گنج مردمی" و "گنج شرقی" کرد، این دو کتاب دارای معانی و نکته‌های فراوانی است، او بعنوان نویسنده و جستجوگر به حفظ آثار و زبان و افکار قومی آنها توجه کرده است و به ملیت مردم و اینکه مردم شرق که دارای روح علمی عمیق هستند در بین ما چگونه هستند. عده‌ای از مسلمانان باهوش در بوسنی شروع به نشر روزنامه بوسنیائی کردند،^(۳) که نویسنده و رأس آنها مشاور دولتی کپتانویچ بود. شماری از جوانان هم در زاگرب شروع به نشر مجله ادبی پوبراتین^(۴) کردند. در اینجا یکی از مشهورترین همکاران آقای ابراهیم رپوواس پرفسور زبان آسیائی و شرقی در سارایووی راژدی و بعداً زبان عربی در دبیرستان بودند. و از سال ۱۸۸۰ آقای اسپاهیچ حاجی حسن حسین، دبیر زبان ترکی، عربی و فارسی در دبیرستان پادشاهان آن زمان بود. در مکانی به نام سارایوو راژدی از سال ۱۸۶۱ مسئول امتحانات زبان فارسی را سریری افندی‌ا بود.^(۵) یکی از همکاران و مشاورین روزنامه "پوبراتیم" محمدجلالدین‌گرد بود که معروف

۱ - نگاه شود به کتاب: دکتر محسن ریزویچ، کتابهای مسلمانان بوسنی در پریود (۱۸۸۷-۱۹۱۸)، سارایوو، ۱۹۹۰، صفحه ۱۲، ۱۶، ۲۵.

۲ - همچنین صفحه ۳۶-۳۷.

۳ - ثبت شده از سال ۱۸۹۱ تا ۱۹۱۰ در سارایوو.

۴ - این مجله از سال ۱۸۹۱ شروع به چاپ شد.

۵ - در صفحه ۴۳ کتاب فرهنگ فارسی اسلامی و تأثیر زبان فارسی در ما، بلغراد، ۱۹۹۶.

به "شاعر و مترجم از زبان ترکی و فارسی"^(۱)، است. همچنین یکی از اولین پایه‌گزاران در شهر موستار، درویش پاشا بایزید اگیچ بود که عضو گروه حفاظت از مثنوی و در مدرسه او از سال ۱۶۱۰ دستور داده شد که مدرسین بخشهای مهم رومی را تدریس کنند و محمد امین افندی اهل سارایوو در اواسط قرن ۱۹ در مدرسه آتمیدان سارایوو شروع به تدریس مثنوی کرد و همچنین شیخ عارف سیدکی افندی بنیان‌گذار انجمن حفاظت از زبان فارسی باستانی بود در مدرسه میسرینه در سارایوو کار می‌کرد، همراه با "گروه فارسی زبانان" از زبان فارسی را آموخت و شروع به خواندن آثار باستانی کرد. بعد از آقای عاریف، آقای بهاء‌الدین سیکیریچ در حفاظت مثنوی تلاش کرد، سپس آقایان جمال‌الدین چاوشویچ و حاجی مویاگا مرهمیچ (۱۸۷۷-۱۹۵۹) و در حال حاضر آقای فیض‌الله حاجی باریچ^(۲) این مسئولیت را به‌عهده دارد. مهمترین آثار کپتانویچ درباره طرز فکر او نسبت به ایرانیان در "گنج شرقی" و "گنج ملی" مشخص شده است. و در "گنج ملی" او قسم خورده که از سال ۱۸۸۷ دست به انتشار مطالب ترجمه شده به زبان ترکی و عربی و ضرب‌المثلها و پند و اندرزهای خردمندانه فارسی بزند.^(۳) و این قول خود را در اولین جلد گنج ملی "حدود ۱۰ سال دیرتر" بجا آورد.^(۴) این کتاب دارای ۳۸۴ صفحه و از منابع ادبی عربی، ترکی و فارسی است. در بخش فارسی او از کتابهای مثنوی، گلستان سعدی و بوستان و همچنین پندی آتار و سنی حاتول

۱ - دکتر محسن ریزویچ صفحه ۷۱.

۲ - دکتر محمد حاجی یاخیچ و...، اسلام و مسلمانان در بوسنی و هرزگوین، سارایوو

۱۹۷۷ صفحه ۷۱.

۳ - محمد بیک کپتانویچ لیوبوشاک، گنج ملی، سارایوو، ۱۸۸۷، در صفحه ۸.

۴ - چاپ کتاب در ۱۸۹۶.

آجام استفاده کرده است. این آثار کمک به شناخت کامل و غنی و زیبای ادبیات فلسفی و علم اخلاق کردند. شکی نیست که رومی، سعدی، عطار و جامی همچنین افکاری داشتند و در کنار این آثار باستانی فارسی و نژاد شرق و این همه نویسنده ایرانی که هنوز اسم آنها برده نشده، کپتانویچ خدمتی در انگیزه و تهیه این کتابها کرد.

گنج ملی و دو کتاب گنج شرقی نشاندهنده آشنائی با مسلمانان، صربها، کرواسیها و نژادهای دیگر که دارای فرهنگ غنی از تعلیم و تربیت و علم اخلاق و فلسفه ایرانیان، ترکها و دیگر مردم شرق است. وظیفه و هدف عملی کپتانویچ در تربیت و تأثیر آن در مردم بود، زیرا اخلاق و رفتار خردمندانه نتیجه مجموع تجربیات در طول زندگی است. گنج شرقی دارای ۴۴۹۲ ضرب‌المثل ترکی، عربی و فارسی و جملات خردمندانه است که ۸۰ ضرب‌المثل آن از ارزش بالائی برخوردار است. در نهایت گنج شرقی کپتانویچ، سوق داده شد به نویسندگان مسلمان دیگر: سوریه، الهامی، کایمی، عمر افندی، درویشهای بوسنیائی و دانشجویان نامی دیگر که به زبان ما بسیار مطالب نوشته‌اند.^(۱) جلد دوم گنج شرقی که در سال ۱۸۹۷ به چاپ رسید حاوی پند و اندرز، جملات طنزآمیز، نصایح و توضیحاتی درباره الهیات و قصیده و شعرهای مختلف و معرفی کتابهایی درباره افکار عربها و ترکها و همچنین در مورد شاعران ایرانی (رومی - سعدی - عطار و جامی) که ارزش بالائی برای آنها قائل شده است.

نتیجه‌گیری:

کتابهای کپتانویچ و جزوات و نوشته‌های او که در مجلات "بوشنیاک" و

۱ - محمد بیک کپتانویچ لیوبوشاک، گنج شرقی دفتر اول، ساریوو، ۱۸۹۶، ص ۷.

"پوبراتیم" و "گلش" مجله (موزه زمیلی) تا سال ۱۹۰۰ و بعد از آن به چاپ می‌رسید که همگی بیانگر این بودند که کپتانویچ دارای شخصیت بالا و نویسنده ارزشمندی است که تا حدودی آشنا با زبان و فرهنگ ایرانیان و زبان ترکی و عربی و جمع‌آوری‌کننده میراث فرهنگی بوسنی و قومهای اطراف آن بود و بهترین دوران او از سال ۱۸۹۷-۱۸۸۶ زمانی که وضعیت مالی او خوب شد. در سرلوحه مسلمانان در بوسنی و هرزگوین، کوزوو و سنجاک و جاهای دیگر، دارای امضاء به زبان فارسی وجود دارد، و به علت ندانستن زبان فارسی، بیشتر امضاءها به زبان ترکی و عربی بود، و تنها امضاء فارسی متعلق به کپتانویچ محمد بیک بود و بر روی تابوت او در یک طرف آن یک شعر فارسی و در طرف دیگر به زبان ما (بوسنیائی) نوشته شده است که ترجمه آن:

ای خدای من، زمانی که گناهان جمع شوند

به اندازه کوههای قفقاز خواهد بود

اما تمام اینها مهم نیست

زیرا به اندازه دعاها تو نخواهد رسید^(۱)

آثار دیگر او در کتابهای پسر او رضابیک کپتانویچ لیوبوشاک که خود شاعر و معروف به گردآورنده شعرهای ملی مسلمانان است دیده می‌شود (۱۸۸۹-۱۸۹۳).^(۲) در مجموعه رضابیک شعری به نام جرعه‌ای از شرق نمایان شد.^(۳) به نظر می‌رسد که محمد بیک کپتانویچ در بازکردن دروازه

۱ - محمد موئزینویچ، نویسنده مسلمان در بوسنی و هرزگوین، ا، ساریوو، سال ۱۹۷۴، ص ۵۲۸-۵۲۶.

۲ - شعر رضابیک، چاپ ۱۸۹۳ در ساریوو.

۳ - رضابیک کپتانویچ، شعر، ساریوو ۱۸۹۳، ص ۹۷.

فرهنگ و زبان مردم ایران و حفظ خلاقیتها و زبان و ادبیات ایرانی کوشید و نتیجه و تلاش او کمک به غنی‌تر شدن ایران‌شناسی و ایران‌شناسان همچون صفوت بیک باشاگیچ کرد. در کتاب اسلام و مسلمین در بوسنی و هرزگوین تأیید شده که محمد بیک کپتانویچ حتی در زمان ترکها که مسلمانان گرایش غربی داشتند، شرقی بود. مخصوصاً تأکید شده که او "با کتاب گنج شرقی خود که محتوی ترجمه آداب و رسوم شرقیان است، ادبیات یوگسلاوی را غنی و ثروتمند کرد"^(۱). همچنین متعهد هستیم که نامی از کتابخانه شخصی او (کپتانویچ) و کتابخانه مسلمانان کیراتان^(۲) در محله بندباش ساریوو در سال ۱۸۸۸ که پایه‌گذار آن محمد بیک کپتانویچ اولین شخصی که آشنائی با ادبیات و فرهنگ ایرانیان دارد نام برد.

آثار کپتانویچ از آن جهت باارزش است که بیانگر نکات مهم آداب و رسوم مردم قدیم است. همچنین بخشی از آثار باارزش او اختصاص به ضرب‌المثل‌های فارسی دارد که بعنوان مثال:

گر بخواهی تا بماند مملکت ، مرحمت کن مرحمت کن
مرحمت

۱ - دکتر محمد حاجیاچیچ و...، اسلام و مسلمین در بوسنی و هرزگوین، ساریوو،

۱۹۷۷، ص ۱۳۳

۲ - عضوهای آن: کتابخانه ملی مسلمانان، روزنامه ساریوو، از ۱۸۸۸/۷/۲۵. عضوهای ثابت انجمن کتابخانه مثل کپتانویچ - ابراهیم بیک باشاگیچ و غیره. بعدها در بهار در کتابخانه کیراتان، افراد مسلمان جدیدی آمدند به نام صفوت بیک باشاگیچ و ادحام ملابدیچم .

آثار کپتانویچ در جهت آموزش و پرورش و رومان بود،^(۱) و این مناسب‌ترین حالت برای فرهنگ اسلامی - فارسی و مخصوصاً فارسی باستان بود.

۱ - محسن ریزویچ، ادبیات مسلمانان بوسنی در آن زمان، ۱۹۱۸-۱۸۸۷، سارایوو

، ۱۹۹۰، ص ۵۶۴

صفوت بیک باشاگیچ

محقق، مترجم و طرفدار اشعار و افکار خیام، حافظ و فردوسی

باشاگیچ نه تنها بعنوان سخنگو و احیاء کننده شعر مشهور بود^(۱) بلکه آشنائی با کتابهای شعر: تروفاند از منطقه هرزگوین (زاگرب ۱۸۹۶)، افکار و احساسات (سارایوو ۱۹۰۵) و ممنوعیت اشعار (سارایوو ۱۹۱۳) داشت. معروفترین آثار او مربوط به بخش تاریخی - ادبی است: گذر کوتاه به گذشته بوسنی و هرزگوین^(۲) (۱۴۶۳-۱۸۵۰)، سارایوو ۱۹۰۰، بوسنی و هرزگوین در ادبیات اسلامی^(۳) (سارایوو ۱۹۱۲)، این مطالعات با ارزش درباره اشعار بوسنی و هرزگوین به زبانهای مختلف مثل بخشی به کرواسی،

۱ - انیس دوراکویچ، اشعار مسلمانان قرن ۲۰، سارایوو ۱۹۹۰، ص ۱۴.

۲ - گذر کوتاه به... از آثار باشاگیچ در مورد تاریخ بوسنی و هرزگوین در زمان حکومت ترکها.

۳ - کتاب ادبی تاریخی درباره بوسنی و هرزگوین در ادبیات اسلامی. کشور ما بسیار تلاش کرده برای تشکیل این کتاب ادبی.

بوسنی و هرزگوین در امپراطوری ترکها (زاگرب ۱۹۳۱) است. همچنین بخش مونوگرافی قاضی حوسربیک بسیار جالب است (سارایوو ۱۹۰۷)، و همچنین دو متن بلند: عبدالله پاشا، دارای اشعار بلند در ۴ بخش از قرن ۱۸ (سارایوو ۱۹۰۰) و در زیر اوزیوم لی جایزه خونین (سارایوو ۱۹۰۵) اشعار بلند از قرن ۱۶ در ۳ بخش "صله رحم، شخصیت و اشعار باستانی"^(۱) تقسیم شده است. در اواخر قرن ۱۹ و سه دهه قرن ۲۰ نویسنده‌های بوسنی هرزگوین در مورد زندگی عرفانی و شناسائی مسلمانان و در بخش دیگر نفوذ ادبیات و فرهنگ کشورهای دیگر بر مردم و تغییرات اساسی نوشته‌اند.

باشاگیچ عالم، دانشمند، نویسنده مشهور در آن زمان بود، او معروف به میرزا صفوت، نویسنده، تاریخ شناس ادبی و نقاد یا سخنگو بود، در یک زمان عالم، تاریخ شناس و شرق شناس بود، شغل او مترجم، تعلیم و تربیت، فرهنگی و فعالیت‌های سیاسی می‌کرد، او در کارهایش منظم و فعال و مردمی بود. او متولد ۶/۵/۱۸۷۰ در نوینا است که در آن شهر اشخاص باسواد و مشهور زیادی وجود داشتند مثل: شیخ علی دد (از قرن ۱۶ و مقبره او در سیگت) که در بخش فلسفه مشهور بود که آثار او امروز در نشریات و روزنامه‌های جهان اسلام چاپ می‌شود، محمد پلاگیچ که معروف به دانشمند بانظم بود که بیشتر کارهای او روی مثنوی رومی بود و اشخاص دیگر از نوینا، صالح پاشا بود که بیشترین تعداد آنها در بین سالهای ۱۶۴۷-۱۶۴۵ و همچنین در شهرهای (بودمی - بغداد و ارزروم).

بوده است، پدر بزرگ صفوت بیک، مسلمان، لطفی بیک بود که در بین

۱ - در نوشته‌های درام دیده می‌شود کتابهای: دکتر محسن ریزویچ، ادبیات مسلمانان بوسنیائی در پریود (۱۸۸۷-۱۹۱۸) سارایوو، ۱۹۹۰، ص ۵۳۶-۵۲۸. هر دو اشعار بلند درباره تاریخ و شعر که هدف آنها "یادگرفتن، تفریح و لذت بردن" است.

مردم معروف به باشاقا بود. مهمترین بخشهای زندگی صفوت باشاگیچ بدین ترتیب است:

اول) پدر او ابراهیم‌بیک^(۱) است که خود شرق شناس بود و صفوت باشاگیچ زبان و فرهنگ شرقی در کانون خانواده یاد گرفت و پس از پایان مدرسه در موستار، در سارایوو به خواندن زبان شرقی پرداخت و پس از پایان دبیرستان عاشق زبان عربی و فارسی و ادبیات آنها شد، تحصیلات خود را در دانشگاه وین (از سال ۱۸۹۵-۱۸۹۹) در رشته زبان شرقی و تاریخ گذراند و اولین مجموعه اشعار یادگاری را در سال ۱۸۹۶ نوشت.

دوم) صفوت بیک از سال ۱۹۰۶-۱۹۰۰ مدرس درس عربی در دبیرستان سارایوو بود ولی در اواخر سال ۱۹۰۶ به علت قبول نشدن در امتحانات برای پروفیسورها (تخصصی) کار خود را از دست داد و در کل بخاطر این "که در یک کار ادبی به شدت سخت گیر بود"^(۲). او دوره دکترای خود را در سال ۱۹۱۰^(۳) در وین به پایان رسانیده و به او پیشنهاد کار به عنوان پروفیسور رشته زبان‌شناسی شرقی در زاگرب کردند ولی چون که در همان موقع او به عنوان نماینده و بعد هم رئیس مجلس بوسنی انتخاب شد نتوانست

۱ - پدر او جزو اولین اشخاصی بود که ادبیات زبان شرقی را خواند و کتابهای زیادی به ترکی نوشته است. اسم مادر صفوت بیک آلماس، همسر فخریه و فرزندانش: آلماس، فیکرت، نامیک، انیس است

۲ - دکتر محسن ریزویچ، بخش آثار میرزا صفوت، پیشگفتار بخشهای انتخابی صفوت باشاگیچ، کتاب اول، سارایوو،

۱۹۷۱، ص ۱۰

۳ - در سال ۱۹۱۰ در وین به او مدرک دکترای فلسفی اسلامی زبانهای خارجی اعطاء شد. عنوان کار او: ادبیات اسلامی در بوسنی و هرزگوین.

این کار را قبول کند.^(۱)

سوم) باشاگیچ در نشر روزنامه‌های ساریوو بهار (۱۹۰۰)^(۲) و آینه (۱۹۰۷)^(۳) کمک کرد. همچنین او پایه‌گذار (۱۹۰۳) تعدادی جامعه تعلیم و تربیتی فرهنگی مسلمانان بود: جامعه غیرت، ال‌کامر و کلوب مسلمانان^(۴) که در آنها ترویج فرهنگ و افکار و تربیت عضوهای خود را داشت و بدین وسیله باعث رشد فرهنگ مسلمانان و ادبی آنها شد.^(۵) باشاگیچ همکاریهای زیادی با مجلات و روزنامه‌های ساریوو و جاهای دیگر در بوسنی و هرزگوین داشت.^(۶) همچنین در اواخر قرن گذشته همکاری با مطبوعات کرواسی (پبرایتم، پروسوت، وینسو و ابزوز) داشت، باگذشت زمان باشاگیچ معروفترین نویسنده و شاعر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ در بین مسلمانان شد. چهارم) در سال ۱۹۱۸ از سیاست کناره‌گیری کرد^(۷) و از سال ۱۹۱۹ با

۱ - انسیکلپدیای یوگسلاویا ۱، زاگرب ۱۹۸۴، ص ۵۷۵-۵۷۴.

۲ - روزنامه باشاگیچ با کمک ادحم ملابدیچ و عثمان نوری حاجیچ شروع به چاپ شد.

۳ - روزنامه سیاسی در سال ۱۹۰۷ در ۱۳ صفحه.

۴ - لغت نامه ادبی یوگسلاوی، نوی ساد ۱۹۸۴ ص ۴۵.

۵ - پایه‌گذار آن شرکت چاپ اسلامی در ساریوو که در تیرماه ۱۹۰۵ افتتاح شد.

۶ - ایده فرهنگی - ملی در روزنامه‌های بوسنی گسترش پیدا کرد که در آن حتی مطالبی در مورد قومهای لیبریک نوشته شده است و در کنار آن امضاء: شستکریلوویچ، صفوت بیک، باشاگیچ، لیوتی هرزگواچ، شاهین بیک شستکریلوویچ، میرزاصفوت، سوکو شستکریلوویچ و بسیاری مجلات دیگر "نادا" در سال ۱۹۰۳-۱۸۹۷.

۷ - تا آن زمان دو بار رئیس مجلس بوسنی و هرزگوین در زمان پادشاهی اتریش، ۱۹۱۰

و ۱۹۱۳/۱۴.

رضایت خاصی شروع به کار در موزه زمایلسکی کوستوس در سارایوو در بخش شرق شناسی کرد و کارش حفاظت از دست خطهای قدیمی بود و در آنجا تا بازنشستگی باقی ماند ۱۹۲۷. بعد از آن به بیماری روماتیسم مبتلا شد و او زمین گیر شد اما او کماکان کار می کرد و دو اثر مهم او بعد از جنگ جهانی اول بود به نامهای ترجمه رعبیه خیام و بیوگرافی "جاهای دیدنی بوسنی و هرزگوین و کرواسی در زمان امپراطوری ترکها" و اشعار "مولود"^(۱). او در ۹ اردیبهشت ماه ۱۹۳۴ درگذشت و در تشییع جنازه او بسیاری از مردم و نویسندگان حضور و بسیار باشکوه برگزار شد و او را در مسجد بیک در کنار قبر علی بیک فردوسی و شخصیت های بزرگ بوسنیائی دیگر به خاک سپردند.

پنجم) لحظه جشن تولد او در ۵۵ سالگی مصادف با ۳۰ سال کار ادبی او در موستار ۱۹۲۶ بود.^(۲) در مورد کار و شخصیت او بسیاری از نویسندگان مسلمان و کروات و صربی مطالب زیادی نوشته اند مخصوصاً از اشعار و ادبیات و تاریخ شناسی او تعریف کرده اند همچنین درباره اطلاعات و معلومات و زندگی عمومی او، درباره افکار تربیتی او در اشعار میرزا صفوت و دیگر شعرهای او صحبت های فراوانی شده است. صالح صفوت باشیچ در بهار نو (شماره ۲۳/۲۰، از ۱/۶/۱۹۳۵) در صفحه ۳۶۰-۳۵۹ این جمله را

۱ - در آن زمان بیشتر همکاری با موزه زمیلسکا بوسنی و هرزگوین (۱۹۲۴-۱۹۱۹) می کرد، گایرت (۱۹۲۶-۱۹۲۴)، روزنامه کرواسی (۱۹۲۹-۱۹۲۷)، بهار نو (۱۹۳۶-۱۹۲۷). در آن زمان اعلام شد: عوض شدن کرواسی و بوسنی و هرزگوین به امپراطوری ترکها (زاگرب ۱۹۱۳) و نوشته های فارسی از عمر خیام، ربیه، قسمت اول (سارایوو ۱۹۲۰) و قسمت دوم رباعی (سارایوو ۱۹۲۸). و اعلام اشعار دینی مولود (سارایوو ۱۹۲۴).

۲ - مجسمه یادگار صفوت بیک باشاگیچ در سن ۵۵ سالگی.

اعلام کرد "دکتر صفوت بیک باشاگیچ مانند شرق شناسان". بسیاری از محققان، باشاگیچ را دانشمند بزرگ، تاریخ شناس بوسنی، تاریخ ادبیات، تاریخ، ادبیات، شاعر، مترجم و مسلط به زبان فارسی، ترکی و عربی می‌دانستند.

ششم) در سال ۱۹۷۱ زمانی که دو کتاب باشاگیچ (آثار برگزیده) که در کتاب اول او با پیشگفتاری از دکتر محسن دیزیویچ تحت عنوان اشعار میرزا صفوت، منتشر شد، ارزش واقعی او مشخص شد. از مشهورترین آثار او: بوسنی و هرزگوین در ادبیات اسلامی (۱۹۱۲)، عمر خیام بخش اول و دوم رباعی (۱۹۲۸-۱۹۲۰)، جاهای دیدنی کرواسی و بوسنی و هرزگوین در زمان ترکها (۱۹۳۱)، آثار برگزیده یک و دو (۱۹۷۱) و دارای اشعار کتاب او: تروفاندا (۱۸۹۶)، افکار و احساسات (۱۹۰۵) و اشعارانتخابی (۱۹۱۳) و همچنین تعداد بسیاری روزنامه، مجله و همچنین افکار و برنامه‌های او در مورد ایران و مناطق شرق.

او همچنین قابل تقدیر است به خاطر نوشته‌های زیادی که درباره اشعار فارسی نوشته است، و او بین یکی از اولین افرادی است که به زبان ما درباره تک تک نویسندگان فارسی زبان و عقاید آنها تحقیقاتی کرده است و او بعد از محمد بیک کپتانویچ لیوبوشاکا، ترجمه از زبان فارسی و دیگر زبان‌های شرقی "سرگرمی و آموزنده" کرده است^(۱). در مجموعه او یادداشت‌های اتفاقی (۱۹۰۷) که دارای اشعار و کلامهای کوتاه تحت عنوان پارناس شرقی، جواهرات شرقی و... است.

جالب توجه است که اولین کار باشاگیچ با اینکه دبیرستانی بود

۱ - پروفیسور استانویویچ، دایره‌المعارف صربی - کرواسی - اسلاونی، کتاب اول، زاگرب ۱۹۲۵/۲۶ ص ۱۳۶.

عمومیت پیدا کرد تا اینکه بعدها، ۱۹۲۸-۱۹۲۰ پیشرفت و تکمیل شد، البته حتی از چند سال قبل از آن اشعار زیادی از خیام و همچنین به سبک خودش اشعار حافظ را مجسم و ترجمه می‌کرد. بدون اطلاعات در مورد اشعار خیام، حافظ و فردوسی، فهمیدن و مطالعه اشعار میرزا صفوت بسیار مشکل است:

توئی که نمی‌شناسی عرب جدی را

توئی که نمی‌شناسی فارس عاشق را

توئی که نمی‌شناسی ترک مست را

برای تو شعرهای من جالب نخواهد بود^(۱)

باشاگیچ مثل یک حقیقت آشکار خدمات زیادی انجام داد و در پایان نامه دکترای خود نوشت "هدف از این پایان نامه، در حقیقت توجه به تاریخ ادبی، زمانی که دربارهٔ اسلاونی جنوبی می‌نویسند... و آنهایی که در کشور ما زبان باز کرده‌اند، آنهایی که می‌خوانند و می‌نویسند به زبان فارسی، عربی و یا ترکی، در قرن ۲۰ نباید در عقیده اختلاف درست کرد، آموزش و پرورش همان آموزش و پرورش است و فرقی ندارد آیا از غرب آمده و یا از شرق^(۲)". مطالب مهم این ایران‌شناس و ادبیات فارسی و رشته مقاله‌ها درباره ادبیات باستانی ایران حفظ و نگهداری می‌شود. در آثار او قسمتهای مهمی وجود دارد، از فرهنگ، آموزش و پرورش، ادبیات و تاریخ گذشته مردم شرق مخصوصاً ایرانیان دیده می‌شود.

از نشر و شعرهای دکتر باشاگیچ متوجه به علاقه زیاد او به حافظ و خیام و

۱- این شعر که در کل به اسم یک سخن سنج منتشر شده در نادی ۱۹۰۳.

۲- دکتر صفوت بیک باشاگیچ، بوسنی و هرزگوین در ادبیات اسلامی، ساریوو ۱۹۱۲

نقش فردوسی در ادبیات (فارسی و دنیا) می‌شویم. او همچنین اشعار و جملات شاعران ایرانی دیگر را نیز ترجمه و یا اسم آنها را یاد کرده است مثل: جامی، رازی، نظامی، ابن سینا، ابن یمین، رشیدالدین واتواتنا، سعدی شیرازی، سید میرزا محمد علی، سلطان طوقریب سلچوکویچ و از اینجا درویش پاشا بایزید اگیچ، نرکسیا و.... او از خیام بیشترین مطلب را نوشته است:

عمر خیام: رباعی ۱. ترجمه از فارسی میرزا صفوت (صفوت بیک بشاگیچ) سارایوو ۱۹۲۰.

عمر خیام: رباعی ۲. ترجمه از فارسی میرزا صفوت، سارایوو ۱۹۲۸.
عمر خیام: رباعی (ترجمه صفوت بیک)، نوشته علیا بیتیچ، زاگرب ۱۹۵۴.

عمر خیام: اشعار عربی^(۱)، ترجمه میرزا صفوت، غیرت (سارایوو)، ۷/۹۹ ۱۰/۱۹۲۶.

اشعار و نوشته‌های خیام براساس آثار باشاگیچ از سال ۱۹۱۵ و حتی قبل و بعد از آن شروع به ترجمه شد مثل: عشق و شراب (عیاش)، دین و خدا (عرفان)، عکس‌العمل خیام و رباعی، باشاگیچ در روزنامه بهار منتشر کرد (۱۹۰۱-۱۹۰۰)، قرن جدید (۱۹۲۰) در غیرت^(۲). اشعار میرزا صفوت که

۱ - در گایرت از ۱۹۲۶، ۵ نوع این مدل در اشعار خیام است.

۲ - بطور مثال در طول سال ۱۹۲۸ حدود ۱۲۰ شعر خیام ترجمه شد. در روزنامه سال ۱۹۲۵ میرزا ۵ رباعی را ترجمه کرد، در سال ۱۹۲۶ میرزا ۷ رباعی، خرداد ۱۹۲۷ که مشهور به نام "رباعی مبهم" ۵ رباعی و مرداد ماه همان سال که بنام "عکس‌العمل خیام" ۵ رباعی.

معمولاً ترجمه از فارسی است که بیشتر اشعار خیام که دارای سبک باطنی، صله رحم، افسانه‌آمیز و مقابله‌ای است^(۱).

آثار باشاگیچ که در سال ۱۹۳۴ به چاپ رسید: هشتصدمین سال خیام در روزنامه "ابزور" در زاگرب، به مناسبت هشتصدمین سال درگذشت خیام.^(۲) در همان سال در روزنامه "بهار نو" در چندین شماره از کارهای باشاگیچ که از شعرهای عمر خیام بود، چاپ کردند.^(۳) درباره خیام از بخشهای: رباعی - قصیده و غزل که اولین بار در روزنامه "غیرت" سال (۱۹۲۴) و در این زمان از آثار برگزیده (۱۹۷۱)^(۴) او در ابتدای کار خود توضیح داد که این سه نوع شعر (رباعی - غزل و قصیده) "به دقت رعایت شده" که بسیار شبیه به نظر می‌رسند هر کدام از آنها "با همدیگر فرق دارند"^(۵). در رباعی "چکیده اشعار دارای احساس به طبیعت و واقعیت، علم و ایمان، انسان و ایمان دارد. بطور مختصر، یک شاعر بدین وسیله اعتقادات خود را به اسرار قلبی و معنوی و الهامات عقلی و روحی، در این ۴ بیت نشان

۱ - باشاگیچ برای اشعار میرزا صفوت دارای نمونه‌های خیالی اشعار فارسی در مجموعه بودنشتادداشت: اشعار میرزا شافی کسی که در سال ۱۸۷۱ به زبان صرب و کرواسی سرود.

۲ - در روزنامه ابزور (زاگرب) ۱۹۳۴/۷۵، ۱۴۱، ۱-۲. مرگ خیام در سال ۱۱۲۲.

۳ - بهار نو (سارایوو) ۱۹۳۵-۳۶، ۹/۳، ۵/۷، ۴۰-۴۳۹، ۶۷۴۵-۸۴۶۵/۸۷-۸۸.

۴ - باشاگیچ اولین بار در (۱۹۱۲) اشعار اسلامی نوشت که رباعی و غزل آن به چاپ رسید و در غیرت (۱۹۲۴) ربیع، غزل و قصیده، و به همان اسم در آثار برگزیده، کتاب دوم، سارایوو، ۱۹۷۱، ص ۲۰۳.

۵ - صفوت بیک باشاگیچ، آثار برگزیده، کتاب ۲، سارایوو، ۱۹۷۱ ص ۲۰۳.

می‌دهد^(۱). در واقع رباعی کوتاه‌تر و بصورت ۴ بیتی^(۲) یا رباعی و یا نوع دیگر است. رباعی که فرم شعری دارد، در شعرهای شرقی‌ها بسیار رایج است، به نظر باشاگیچ "مردم بزرگ از خانه‌های خود برای اتفاقات مهم با کمال میل از خانه و زندگی خود می‌گذرند، جوانان آواز می‌خوانند و شراب می‌خورند، به گفتارهای افسانه‌آمیز دربارهٔ متافاز (تقسیمات) و مولارگوش فرا می‌دهند. این نوع شعر در اشعار فارسی "رباعی" (۴ بیتی) نام دارد و شاعر - فیلسوف عمر خیام بود که به بهترین وجه رباعی را نوشت و هیچکس قبل و بعد از او نتوانست جای او را بگیرد^(۳).

در این بخش مشخص شد که باشاگیچ چقدر پیرو و تابع رباعی بود و خود چند رباعی و غزل نوشته است (مرثیه عشقی). از دیدگاه باشاگیچ، خیام بهترین "شاعر - فیلسوف" و همچنین دانشمند بزرگی بود، بعنوان مثال در علوم طبیعی، مخصوصاً در ریاضیات و علوم نجومی. او تحقیقات زیادی در مورد تاریخ و علوم حقوقی داشت، کسی نیست که جملات خیام را شناسد و او معروفترین شاعر قرن گذشته در اروپا و قبل از آن در انگلیس، مخصوصاً در سال ۱۹۲۰ زمانی که رباعی او به تعداد زیاد ترجمه شد و حتی به آمریکا و شرق هم رسید. بیشترین همکاری دکتر باشاگیچ در ترجمه صدها رباعی خیام بود^(۴) که در سالهای (۱۹۵۴-۱۹۲۸-۱۹۲۰) سخت‌ترین

۱ - همان منبع.

۲ - اشعار ۴ بیتی معمولاً به سه مدل صرف می‌شوند: ضربدری (آب‌آب)، برعکس (آب‌ب‌آ)، جفتی (آآب‌ب). در رباعی اکثراً به صورت زوجی (آآب‌ب)، و سومین بیت معمولاً هم قافیه با بقیه نیست.

۳ - صفوت بیک باشاگیچ، آثار برگزیده، ۲، ساریوو ۱۹۷۱، ص ۲۰۳

۴ - در کتاب دوم آثار برگزیده باشاگیچ از رباعی خیام (۱۹۷۱). کتاب اول: رباعی

بخش کار از منابع فارسی بود. کتابهای خیام و رباعی او امروزه در همه جای دنیا به مقدار کم و زیاد وجود دارد و به ۱۱ زبان رسمی ترجمه شده است (عربی - فارسی - انگلیسی - فرانسوی - ارمنی - ترکی - روسی - ژاپنی - آلمانی - اسپانیایی - ایتالیایی - صرب و کرواسی - بوسنی و آلبانی).

بالا بودن سطح کتاب باشاگیچ که در آن رباعیات خیام گفته شده است به دلیل این است: اولاً، زیرا دارای محتویات آموزشی از ادبیات و زبان شرق است. دوماً، ارزش بالائی برای خیام، حافظ و فردوسی و ادبیات باستانی فارسی گذاشته است. سوماً، در گروه اشعار مشهور قرار داشت که در مطبوعات با زیبایی و ظرافت خاصی ترجمه می‌شد و تنها میرزا صفوت اصرار زیادی به اشعار حافظ و خیام داشت، شاعری که در رباعی کار می‌کرد و دارای چندین کتاب او بود: ترو فاند، افکار و احساسات.

بجز ترجمه رباعی و کتابها و نوشته‌های دیگر خیام که در آنها آثار باستانی فارسی دیده می‌شود، نوشته‌های باشاگیچ اکثراً بصورت شعر و اسم خود را در آنها بکار برده است. در دو شعر زیر "سرآغاز" میرزا، شاعر را نصیحت می‌کند:

پس بگیر آن نوشیدنی را

زیرا خیام به آن مقدار جشن می‌گیرد

در شعر دیگر:

همه جا را می‌خواهم از سوراخ ریز نگاه کنم

ادامه از صفحه قبل (۱۹۲۰) دارای ۱۲۰ رباعی، دوم (۱۹۲۸) دارای ۱۲۰ رباعی. آثار برگزیده دارای ۲۲۷ رباعی و هنوز ۷ رباعی او در انتشارات زاگرب از سال ۱۹۵۴ منتشر می‌شود.

چیزهای عجیب را نگاه کنم
 من نمی‌توانم که آرام بگیرم
 زمانیکه حقیقتی را تعریف می‌کنم^(۱)

در یکی از مجموعه اشعار (بکریانک)، مانند تکه کلام از اشعار زیر
 خیام استفاده کرد:

یـــــا در نیشابور یـــــا در و ســـــط بـــــغـــــداد
 شکوفا می‌شوند از سرور و شادی، پژمرده می‌شوند از فقر و گرسنگی

شراب رگهای ما، همگی قطره به قطره حرکت می‌کنند
 برگ ایام زندگی ما، همگی برگ به برگ پائین می‌افتند.^(۲)

افکار باشاگیچ و آثار خیام (آثار برگزیده)^(۳) او از سال ۱۹۷۱ تحت عنوان
 عمر خیام در دستور کار دانشجویان قرار گرفته است. کار همیشه باید
 بصورت دقیق و با تجزیه و تحلیل باشد همانطوری که میرزا صفوت با داشتن
 نوشته‌های اصل عمر خیام که همگی به زبان فارسی نوشته شده بود، انجام
 داد. و "امروزه زبان خیام بعنوان یک زبان در خدمت و استفاده شاعران
 فارسی زبان است"^(۴).

۱ - همچنین، ص ۲۵۰. "سرآغاز" مثال اشعار باشاگیچ.

۲ - صفوت بیک باشاگیچ، آثار برگزیده اول، ساریوو ۱۹۷۱، ص ۱۵۴. بقیه شعر مثل
 رباعی است.

۳ - کتاب ۲، ساریوو ۱۹۷۱ ص ۲۴۲-۲۲۷.

۴ - همچنین، ص ۲۲۹.

بطوریکه خود باشاگیچ دربارهٔ خیام می‌گوید: "باگذشت زمان در وجود من شخصی فرهنگی به نام خیام رشد کرد کسی که مرا مجبور به مطالعه و ترجمه آثار قدیمی و اشعار او کرد"^(۱). در واقع پایه و اساس مطالعه بیوگرافی او جزو برنامه‌های قرن ۱۱ بود، "این چه شخصی است که در شرق از او تمجید می‌شود مثل دانشمند علوم نجومی و در غرب مثل شاعر و فیلسوف"^(۲). در نیشابور، خیام، درس و علوم دیگری هم یاد گرفت. معلمان او پروفیسور امامی موفاک کسی که "تمام شرق" او را می‌شناختند و عبدالکاظم و حسن صباح بودند^(۳). خیام بعدها در نیشابور با اسرار تمام علوم "آنهائی که در شرق تدریس می‌شد" آشنا شد. در علوم نجومی و ریاضیات بطوریکه باشاگیچ می‌گوید "کسی بمانند او در آن زمان نبود"^(۴). در کنار اصلاحات آن زمان، او تابلوی نجومی را درست کرد که بعدها با کمک ۷ تن همکارانش تقویمی را درست کردند که "امروزه برای ایرانیان خیلی باارزش است"^(۵). بخاطر شایستگی زیاد، او را رئیس مرکز بزرگ اخترشناسی در بغداد کردند. با این همه شهرتی که داشت او مخالفین خطرناکی هم داشت، مخصوصاً "مورد حمله علمای ارتدوکس"^(۶). مثل همین مشکل را صفوت بیک بخاطر مخالفت با سیاست و اصول و اعمال روحانیت (کشیشان) و بخاطر عقاید آزاد او در

۱ - همان منبع

۲ - همان منبع، باشاگیچ صرف لغات خیام را توضیح داد که در زبان عربی انسانی که در کار پارچه چادری است منظور خانواده خیام بوده است.

۳ - همچنین، ص ۲۳۰-۲۲۹.

۴ - همچنین، ص ۲۳۱.

۵ - همان منبع.

۶ - همان منبع.

مورد انسان و دنیا، حتی بعضی مواقع از طرف جامعه روحانیت او را مرتد می‌شماردند. او همچنین از پیشگفتار آثار خیام در مورد جبر خوشحال شد. فیلسوف نیشابوری در یکی از جملات با ارزش خود گفت: "اگر کسی را دیدید که راستگو است و از دروغ گفتن پرهیز می‌کند و...، او مورد تحقیر و تمسخر قرار می‌گیرد. هر دو ایران‌شناس (خیام و باشاگیج) انسانهای راستگو بودند و حتی خیام از طرف دوستان و شاگردان خود لقب "حجت الله" یعنی راستگو را گرفت^(۱).

همچنین عمر خیام شخصی دانشمند و با تحصیلات عالیه و پایه‌ای و آشنا با زبانهای فارسی و عربی، فلسفه و علوم طبیعی بود و همچنین مترجم قرآن که در رباعی استفاده کرده و دهها آثار دیگر از او درباره جبر و متافیزیک و علوم نجومی و غیره است. و همچنین کتابهای دیگر درباره "علوم طبیعی" و "لیوازیمول املینن" (درباره ۴ فصل سال و تغییرات جغرافیائی در مکانهای مختلف است)^(۲). به نظر باشاگیج در زمان خیام هیچکس نتوانست نظریه‌های او را در مورد فلسفه و علوم طبیعی و نتایج آن، مطلب جدیدتری بگوید^(۳).

جزئیات بیشتر در باره رباعی عمر خیام را می‌توان در "دائرة المعارف گسترده مردم مسلمان" که در آن "هر رباعی خیام، یک بخش از دائرة المعارف است"^(۴) مشاهده کرد. دست خط رباعی خیام که در هر جزوه او قرار دارد بیشتر در آکسفورد از سال ۱۴۶۱، ۳۰۰ سال بعد از مرگ او قرار دارد که در آنجا ۱۵۸ رباعی قرار دارد، اما دست خطهایی که باشاگیج که جوانتر از

۱ - همچنین، ص ۲۳۳.

۲ - همچنین، ص ۲۳۴. در مجموع دارای ۱۲ فصل است.

۳ - همچنین، ص ۲۳۶.

۴ - همان منبع

آکسفورد "فقط برای یک قرن" بود "که بسیار باارزش‌تر است زیرا دارای ۳۷۰ رباعی است"^(۱). ترجمه‌های دقیق‌تری را شاعر انگلیسی ادوارد فیژرالد که حدود ۱۰۱ رباعی آن را ترجمه کرده است. بعداً کیریتیکا با سلام و تشکر از مترجم انگلیسی در کنار ترجمات فیژرالد مقدار بیشتری ترجمه و همه آنها را به زبانهای انگلیسی - فرانسه^(۲) - آلمانی - دانمارکی - روسی - مجاری - ترکی^(۳) و بعدها اسپانیائی - ارمنی - ایتالیائی - ژاپنی و آلبانیائی و همچنین باشاگیچ به زبان صرب و کرواسی ترجمه و چاپ شد.

در آخر دکتر باشاگیچ می‌گوید: "روح خیام را به کمک دعوت کردم و انتخاب کردم ۱۰۱ رباعی را و خودم آنها را ترجمه کردم و همه‌شان موثق و از منبع اصل بوده است. و اگر در مطبوعات خودمان جائی پیدا کنم به کار خود ادامه می‌دهم و با بیشترین اعتماد به ترجمه معتبر آداب و رسوم ایرانیان دوست داشتنی دست می‌زنم"^(۴).

ترجمه و خواندن خیام بصورت اتفاقی و یا بخاطر اشتیاق خارجیان و یا استفاده‌های غیر مستقیم بود بلکه نتیجه اعتماد عمیق به فرهنگ و زندگی و فلسفه اشعار خیام بود که درباره او شاعران و نویسندگان دیگر ارزش بالائی

۱ - لغت درباره قدیمی‌ترین دست خط در کتابخانه بودلینسک در آکسفورد.

۲ - کنسول فرانسه در تهران J.B. در کنار محققان ایرانی موفق به جمع آوری ۴۶۴ رباعی و ترجمه آنها به فرانسوی شد اصل و ترجمه آنها در چاپخانه دولتی فرانسه ۱۸۶۷ نگهداری می‌شود (مثل، ص ۲۳۷). همچنین نمونه ترجمه رباعیات خیام به زبان آلمانی در لایسیو واشتوتکارد است (همچنین، ص ۲۴۰).

۳ - همچنین، ص ۲۴۰.

۴ - همچنین ص ۲۴۲، در اینجا جمله درباره تعداد رباعی در میرزا، کتاب اول "رباعی" (۱۹۲۰).

قائل هستند مثل "گته" و "خاینه"^(۱). برای باشاگیچ جالب ترین آثار خیام "رباعی، فلسفه عیاشی و خوش گذرانی، روح آزاد، مشکلات با کلیسای ارتدوکس، انعطاف پذیری در زندگی پیشرفته، گذشته و افسانه‌ها (تصاویر)" بود^(۲).

بهترین مثال از رباعیات خیام درباره فلسفه و اعتقادات انسان و جهان هستی، بطور زیبا در مثال زیر بیان شده است:

زمانیکه بر روی زمین آثاری از ما نباشد، دنیا همان دنیا خواهد ماند
زمانیکه صدایمان را از دست بدهیم، دنیا همان دنیا خواهد ماند
قبل از اینکه ما وجود داشته باشیم، دنیا همان دنیا بود
و زمانیکه آخرین تپش قلب ما باشد، دنیا همان دنیا خواهد ماند^(۳).

دومین شاعر ایرانی که مورد توجه باشاگیچ قرار گرفت محمد شمس الدین حافظ از شیراز بود که در سال ۱۳۸۹ درگذشت و نویسنده دیوان و آشنائی کامل با زبان عربی داشت. در مجموعه افکار و احساسات باشاگیچ دارای چندین شعر زیبا: دیمووی، شعر زیبا که به نام حافظ در سال ۱۸۹۹ در سارایوو نادی، ص ۶۱ نوشته است:

آیا می‌خواهی که انسان برتر و پائین تر را بشناسی، چه نوع گناهی

۱ - در اشعار میرزا صفوت حضور خاینه دیده می‌شود، مخصوصاً تأثیر او بر اثر باشاگیچ "آشیکلیه". و همچنین شعر باشاگیچ "تو روح من هستی" هم‌اشار از خاینه گرفته شده است.

۲ - طبق نشرته دکتر محسن ریزویچ در آثار برگزیده، کتاب ۱، سارایوو ۱۹۷۱، ص ۱۹.

۳ - در کتاب فرهنگ اسلامی - فارسی و تأثیر زبان فارسی بر ما. بلغراد، ۱۹۹۶، ص ۲۵.

می‌کنند، فقط از حافظ باید پرسید که او همه چیز را خوب می‌داند.
از آثار حافظ: "رزشیرازی"، "گل‌عمامی جنوبی"، آثار خوب انسان و کجا
او خطاء می‌کند، دیدن آسمان، جهان و در آخر نتیجه می‌گیریم:
اگر می‌خواهی درباره‌ی اسرار سرنوشت و شانس و خوشبختی بپرسی،
فقط حافظ بخوان، که او همه چیز را به تو خواهد گفت^(۱).

در کل، به نظر او حافظ یک شاعر با سطح معنوی و شخصیتی بالا و
دارای اشعار زیبا و در همه جهت است و به همین خاطر اشعار او حاوی جواب
بسیاری از پرسش‌هاست و باید شعرهای او را چندین بار خواند و فکر کرد.
بیشترین اشعار حافظ در "تروفاندی"^(۲) و در کتاب "افکار و احساسات"^(۳)
است. کتاب شعر اول میرزا تروفاند (۱۸۹۶) سرشار از اشعار معروف است:
برگشت به خانه‌ها (ص ۱۶-۴) و شعر زالون - پالانسی، آشیکلیه (ص
۴۰-۱۷)، و شعر جان من (حافظ)، بهاری (ص ۵۶-۴۱)، شعر شماره ۱۶
"پیرو حافظ خرابات" (ص ۵۳)، گل و عشق (ص ۷۴-۵۷)، یادگار زنده در
شعر، نویسنده ویلا کرلیما نوشته (ص ۵۸):

ای کسی که می‌روی، کجاست بهار، از دولت جاویدان، رهایم کردی در
آسمان، رکناباد شفاف.^(۴)

۱ - صفوت بیک باشاگیچ، آثار برگزیده، کتاب ۱، ساریوو ۱۹۷۱، شعر حافظ ص ۲۳۱.

۲ - در تروفاندی اسم او در صفحات ۲۶-۱۹-۵۳-۵۹-۱۴۵-۷۳-۶۲ است.

۳ - در مجموعه افکار و احساسات اسم حافظ در صفحات
۱۷۵-۱۵۴-۱۵۲-۱۲۶-۱۱۸-۱۰۳-۱۰۲-۶۱-۲۹ یاد شده است.

۴ - میرزا صفوت، تروفاند، زاگرب، ۱۸۹۶، ص ۵۸. رکناباد اسم رودی در اطراف شیراز
است. و همچنین شعر ادامه دارد، کجاست دخترها....

اشعار بعدی: شعرهای مختلف (ص ۷۵-۱۲۰)، انسان و دنیا (ص ۱۷۴-۱۲۱) و در خرابات (ص ۱۹۱-۱۷۵). جهت شعرها تمایز پیدا می‌کند بطرف شعر "در جدائی یا اردشیر"^(۱)

باشاگیچ اشعار بزمی (اشعاری که حالت موسیقی می‌گیرد) و همچنین اشعار زیبای دیگر حافظ را که دارای ارزش بالائی و محتوای افکار آزاد او است جمع آوری کرد. بسیاری از اشعار میرزا، مخصوصاً اشعار عمیق و باطنی، صله رحم و اشعار دیگر او مثل حمله خوب و بد، نیروی تاریک، گذشت زمان، آن عشق، نوشیدنی و شدت تحریک و... که همگی نشأت گرفته از مجموعه اشعار حافظ و خیام و فردوسی است و همچنین در بین اشعار بوسنیائی و آلمانی (گوته، هاینه) و کرواسی و صربی قرار دارد. اما همانطور که باشاگیچ گفت حافظ بهترین شاعر است. اشعار میرزا مثل "جان من" در راقع همان اشعار حافظ سکینه و یا شعر صاحب مسافرخانه^(۲) است. در بعضی از اشعار باشاگیچ، اسم حافظ شیرازی قید شده است بطور مثال:

۱ - شعر به این صورت شروع می‌شود:

بر روی بادهای ایران و شبهای آرام

دمه چیز آرام است فقط بادهای غربی می‌وزد

و پارسا که پسر او است پادشاه

بلند بشوای اردشیر مادر تو پارسا نام دارد

داریوش بلندکننده پرچم تو، در تمام خاک ایران

در تمام جشنهای پدر بزرگان تو امروز همه شادی می‌کنند

گذشته‌های آنها نور روشنی است برای امروز ما

بلند شو اردشیر همچو طلوع آفتاب... (ص ۱۲۱)

۲ - مثل، در ص ۲۹ دیده شود.

بخوان آژرا! سینه‌ها باز شدند؛
 عاشق پیر دل‌باخته میرزا بیدار شد؛
 بخوان آن شعر که حافظ را بلند کند؛
 تا غزال‌ها پائین بیایند^(۱).
 میرزا می‌خواست که به آنجا پرواز کند
 کجاست جشنهای شیراز
 با شعرهای زیبای خود^(۲).
 پایان یک شعر رومانتیک به این صورت است:
 بر روی بالهای اشعار
 بنشین، روح من
 تا تو را به فارس ببرم
 جایی که بوی عطر می‌آید^(۳).
 برخی از شعرای ایرانی در اشعار باشاکیچ معرفی و یاد شده‌اند:
 حافظ، خیام و نظامی
 هریک تو را مطیع خود سازند
 تو با همه آنان برادر شو

۱ - مثل، ص ۹۸

۲ - مثل، ص ۹۹

۳ - همان منبع

و محرم اسرار مرا بازگردان^(۱)

اثر باشاگیچ به نام "خرابات" شامل اشعار عرفانی - اندیشه‌ای است،^(۲) شاعر در این اشعار با الهام از غزلیات حافظ با قدرت تخیل به یک نقطه و دنیای جدید ناشناخته‌ای دست می‌یابد که مدت زیادی در جستجوی آن بوده است. تا در نهایت در "سرزمین حقیقت" یعنی در خرابات عمارتی یابد. در واقع، این عمارت شاعرانه‌ای است که علاقه وافر وی به ایرانیان آن را در عالم تخیل بوجود و در آنجا با مردمی روبرو می‌شود که "در خوشبختی زندگی" می‌کنند. هرچند، عنصرهایی متعلق به این منطقه بویژه بوسنی در این اشعار وجود دارد. انگیزه‌ها و بسیاری ایده‌ها از خرابات حافظ گرفته شده است. خرابات باشاگیچ اینگونه شروع می‌شود:

چه زیباست شبهای تابستانی،

همانجوری که شاعر تصورش می‌کند

۱ - آثار منتخب، ج ۱، سارایوو ۱۹۷۱، ص ۲۵۷.

۲ - همان منبع، مراجعه شود به خرابان ص ۱۸۶-۱۷۳. برخلاف صرف‌شناسی لغات (از واژه عربی "خراب") که به معنای ویرانی، ملک متروکه، مصرف شده، خانه متروکه، میخانه، انسان ترک شده بدلیل وفاداری وی به می و شراب، نزد باشاگیچ برخوردار از مفهوم تخیلی - شعری است. بنا به تصور وی این "بنای اجتماعی - شاعری" است که با دیوارهای غیر قابل عبور محصور شده است. در اینجا "رمانتسم اصیل پارسی" نمودار می‌گردد. خرابات یک نوع اجتماع بشری است که رئیس آن سالمندترین عضو و پیر مغان نام دارد و اعضای آن رندان نامیده می‌شوند. در کتاب Trofanda ص ۱۹۱-۱۷۵ آمده است، خرابات همچون نوعی جمهوری تصور شده است که در این جمهوری حقیقت و آزادی اندیشه محترم شناخته می‌شود و "عشق فراگیر" بین مردم حاکم است.

پرندگان می‌خوانند و میلیاتسکا^(۱) جریان دارد،
 و باد صبا از بلندی ایگمان^(۲) می‌آید^(۳)
 خرابات، این عمارت مشهور را اینگونه توصیف می‌کند:
 پس اینست آن عمارت عالی و زیبا
 جایی که ساقی خدمت می‌کند و شاعر می‌نوشد
 جایی که همدمی با پیرمغان افتخار است
 و حقیقت جاویدان در شعر می‌خروشد^(۴)
 میرزا شاعر ما با نزدیک شدن به عمارت از خود می‌پرسد:
 چه فکر می‌کنی، این مسجد نیست،
 بلکه عمارت معروف خراباتی است،
 جائیکه ترانه خوانده و می‌نوشیده می‌شود،
 بدون نقره فام و طلای زرد^(۵)
 میرزا خود "پری منز" را خطاب می‌کند تا او را نیز در خرابات بپذیرد و
 می‌گوید:

۱ - میلیاتسکا MILJATSKA رودخانه‌ای که در بوسنی جریان دارد و از سارایوو می‌گذرد.

۲ - ایگمان IGMAN بلندیهای معروف بوسنی که در نزدیکی سارایوو قرار دارد.

۳ - همان منبع، ص ۱۷۵.

۴ - همان منبع، ص ۱۷۶.

۵ - همان منبع، ص ۱۷۷.

در انتظار این باشم تا دستی برایم تکان دهد
 ناپدید شد، رفت، تاریکی او را پوشاند
 و نصف بدبختی از روح من سبکی کرد
 و خواب دید که در کنار خیام است.^(۱)

در این مجموعه اشعار اوصاف بسیار زیبای طبیعت و اندرزهای جذاب
 به چشم می‌خورد، مانند:

هرکسی را باید بوسید،
 همانطوریکه برادرت را می‌بوسی،
 ارزشی ندارد در اینجا: تعظیم می‌کنم، مرید!
 اخلاص عمود و اساس خرابات است.^(۲)

علاوه بر حافظ، خیام مطالبی پیرامون خرابات نوشته است. البته نظامی گنجوی (سال وفات ۱۲۰۹) که بزرگترین حماسه سرای رمانتیکی ادبیات پارسی و مؤلف اشعاری بصورت مثنوی بشمار می‌آید، مطالب بیشتری در این زمینه نوشته است. باشاگیچ سخن وی را بعنوان پند و حکمت خرابات یادداشت کرده است: "این خرابات است که رندان آن مسلمان، گبر، نصاری و یهودی است." (شیخ نظامی گنجوی)^(۳)

میرزا صفوت معمولاً برخی از افکار حافظ، فردوسی و هر شاعر دیگر ایرانی را زیر عنوان اکثر اشعار خود می‌آورد. برای نمونه زیر عنوان شعر "نگاه

۱ - همان منبع، در همان صفحه.

۲ - همان منبع، ص ۱۷۸.

۳ - همان منبع، ص ۱۷۴.

از بوسکا به بونو" این گفته حافظ آمده است: "کجا دانند حال ما سبکباران ساحلها".^(۱)

با بررسی غزلیات حافظ که توسط میرزا ترجمه شده بخوبی دیده می‌شود (پس از رباعیات خیام) که بیش از دیگر آثار ترجمه شده است. به عنوانهای زیر اشاره می‌شود:

اشعار حافظ (پروسوتا، زاگرب، ۱۸۹۳، ۶ شعر)،
از حافظ: لاهور من، اگر دیدیش... (نادا، ساریوو، ۱۸۹۵)،
از حافظ: زار، گل،... (نادا، ۱۸۹۵)،
نخ بازرگانی چیست... (پروسوتا، ۱۸۹۵)،
ای ساقی، با می سرخ توجهی به پیمان‌ام کن... (پروسوتا، ۱۸۹۵)،
ای باد و بوی صباح... (پروسوتا، ۱۸۹۵)،
آه، اسرار هر اثری... (پوبراتیم، زاگرب، ۱۸۹۸)،
بر ساحل رود بنشین... (پوبراتیم، ۹۹-۱۸۹۸)،
زمرد دانشهای واقعی را جمع کن... (پوبراتیم، ۹۹-۱۸۹۸)،
روح باتقوی گام بردار (پروسوتا، ۱۸۹۵)،
عاقبت این دنیای خوشبختی ارزشی ندارد.. (بهار،
ساریوو، ۱۹۰۱-۱۹۰۰)،

پرکوسچی بوری - از مرگ هراسی ندارد... (گایرت، ساریوو، ۱۹۲۷).
در مرحله نخست رشد و تکامل بویژه تا سال بیستم، میرزا صافوت تنها کسی است که بخش عظیمی از اشعار حافظ را ترجمه و منتشر کرد. بویژه در

مجلات و نشریات ادبی - فرهنگی چاپ ساریوو و زاگرب در سطح وسیعی منتشر گردید. تا اینکه در سال ۱۹۲۸ اثری به قلم جاوید سلیمان پاشیچ تحت عنوان اشعاری از دیوان حافظ (با پیشگفتار وی درباره حافظ) منتشر می‌شود.^(۱) میرزا یک متنی درباره شمس الدین محمد حافظ در مجله نادا چاپ ساریوو در سال ۱۸۹۹ نوشته بوده است. وی در مجله گایرت (شماره 6-8/1925) نیز اقدام به انتشار مقالات دنباله‌دار حافظ (حیات و آثار وی)^(۲) به همراه دو شعر معروف "بر قبر فرزند" و "ساقی نامه" (یک بخش) کرده بود. وی اثر معروف ساقی نامه را از فارسی به صربی برگردانده است. مقاله "حافظ"^(۳) در "آثار برگزیده" باشاگیچ (۱۹۷۱) مجدداً چاپ گردید که محتوای آن بررسی خاصی را درخواست می‌کند.

در اینجا به برخی دیدگاه‌های باشاگیچ نسبت به حافظ اشاره می‌کنیم: حافظ، البته باستان‌های خیام، مشهورترین شاعر شرقی در دنیای غرب است. کسی در شرق وجود ندارد تا به شهرت وی برخورداری باشد و کسی نیز توانای رقابت با وی را ندارد. حافظ اینک نیز از همان مقام و ارزش پنج قرن و نیم گذشته برخوردار است؛ یعنی حافظ بزرگترین شاعر غزلسرا است.^(۴) "زمانیکه خیام در حال تدوین رباعیات بود، حافظ غزل را "پرورش" و تربیت کرده و چنین شکل و فرمی به این نوع شعر داده است. اینکه حافظ تا چه میزانی

۱ - این اثر در سال ۱۹۲۸ بعنوان انتشارات شخصی در ساریوو چاپ شد.

۲ - مراجعه کنید به گایرت شماره ۵/۱۹۲۵، ص ۶۷-۶۵، همچنین شماره ۸/۱۹۲۵، ص ۱۱۴-۱۱۵.

۳ - صفوت بیک باشاگیچ، اثر برگزیده، ج ۲، ساریوو، ۱۹۷۱، مقاله حافظ، ص ۲۲۷-۲۰۸.

۴ - همان منبع، ص ۲۰۸.

بعنوان شاعر از نفوذ و اعتبار برخوردار بوده است از واقعیتهای عنوان شده در مقاله یادشده دیده می‌شود: "حافظ در بین ایرانیان و ترکان از ادران تا کلکته و از بمبئی تا کازان و هر جای دیگری که زندگی می‌کنند شاعری بی نظیر و درجه یک بشمار می‌آید.

کلیه آثار شعر شعرای ایرانی: عرفی، صائب، قانی و شعرای ترک: باکی، نبی، ندیم و شعرای مامثل: ثابت، رشدی، حیکمت و صدها سرخوان پاراناس شرقی، بدون استثنا همگی از خلاقیت‌های حافظ تقلی و پیروی کرده‌اند.^(۱)

برای نمونه دیوان حافظ که توسط گته در ادبیات آلمان در نیمه اول قرن ۱۹ بویژه در میان اهل مطالعه نفوذ گسترده و وسیعی داشته است از دیدگاه باشاگیچ ارزش ویژه و خاصی برای آن قائل است و آن را "انجیل واقعی شعر" می‌داند.^(۲) در این مقاله به حیات حافظ نیز اشاره شده است: می‌توان گفت که وی در دهه دوم قرن ۱۴ متولد شد و نام واقعی‌اش محمد و لقب شاعریش حافظ و افتخاریش شمس الدین است. قرآن را حفظ بوده است و به سبب این حافظ نامیده می‌شود.^(۳) وی به سرعت در مسیر شاعر با استعداد ایرانی، دانشمند واقعی، آگاهی کامل به زبان و ادبیات عربی رشد و پیشرفت نمود و جای تعجب نیست که وی بیش از ۴۰ سال شاعر دربار بوده است.^(۴) حافظ در سال ۱۳۸۹ در شیراز درگذشت و بر سردر آرامگاه وی این اشعار را نقش بسته‌اند:

۱ - همان منبع، ص ۲۰۸.

۲ - همان منبع.

۳ - همانند دیگران که این کتاب مقدس را کاملاً حفظ بوده و به "حافظ قرآن" شهرت داشتند.

۴ - همان منبع، ص ۲۰۹.

بسی تربت ما چون گذری همت خواه

سی زیارتگه رندان جهان خواهد بود^(۱)

حافظ درباره "طبیعت، عشق و می، سرود بلبل، سرور جوانی" شعر سروده است.^(۲) همچنین، درباره زندگی بی غم بعنوان خوشبختی جاویدان و همیشگی و همراهی خوشبختی‌های زندگی با لحظات بدبختی نیز شعر سروده است. وی اشعار خود را با کلمات قصار و مثالهای فلسفه عرفانی تکمیل کرده است. و در واقع این زیبایی و جذابیت خارق العاده‌ای به غزلهای وی بخشیده است که دهان به دهان و از طریق کتابها در بین طبقات و قشرهای گوناگون جامعه گسترش و پخش شده^(۳) و بصورت بخش تفکیک‌ناپذیر میراث معنوی ملی درآمده است.

بنا به گفته باشاگیچ "بیش از صدها غزل، صدها رباعی و قطعه و چند قصیده که می‌توان به ساقی نامه و مقام نامه" اشاره نمود، از وی برجای مانده است.^(۴) مؤلف براساس ارزیابی دقیق اشعار حافظ اظهار نظر کلی دارد که در کلیه اشعار وی "فرم بیرونی آن دارای زیبایی، ظرافت، زبان سحرآمیز و هنری است".^(۵)

۱ - در همان مقاله، ص ۲۱۱.

۲ - همان منبع، ص ۲۱۱-۲۱۲.

۳ - همان منبع، ص ۲۱۲.

۴ - همان منبع، ص ۲۱۳. قصیده شعر بلند و به یکی از زبانهای شرقی است که در آن از کسی تقدیر و تمجید می‌شود. قصیده می‌تواند دارای ۱۰۰ مصراع و حداقل ۱۵ مصراع باشد که دوره پیدایش آن به قبل از اسلام بر می‌گردد که از سوی ایرانیان و ترکان و سایر ملل اسلامی مورد استقبال قرار گرفت.

۵ - در همان منبع، ص ۲۱۳.

حافظ بوسیله دیوان خود که یکی از درخشنده‌ترین آثار غزلی آسمان ادبیات جهانی است، می‌تواند بر بسیاری از مطالعه‌کنندگان ادبیات شرقی - ایرانی ما و شاعران تاثیر بگذارد. باشاگیچ خود نیز که تحت تاثیر این اثر بزرگ قرار داشته است اینگونه درباره دیوان و حافظ می‌سراید:

آیا می‌خواهی، جایی که فکر می‌کنی تاکنون نبوده‌ای،

گل سرخ شیرازی لطیف و ظریف دلربا را،

آیا می‌خواهی، جایی که نیکی و بدی بشری همدیگر را قطع می‌کنند،

آیا می‌خواهی، مختصر بگویم، آسمان و جهان را ببینی؟

آیا می‌خواهی درباره اسرار خوشبختی و بدبختی‌ها بپرسی،

حافظ را بخوان و بپرس که همه اینها را به تو پاسخ خواهد داد!^(۱)

از آنجائیکه افکار و احساسات باشاگیچ شیفته حافظ و دیوان وی بوده است، لذا شعری را برای او می‌سراید:

ای حافظ! از زمانه سیاه و تیره ناراحت مباش،

عادلانه بگو: گل بی‌خاری وجود دارد؟^(۲)

از بین زیباترین اشعار حافظ از نظر معیارهای زیبایی - ادبی می‌توان این شعر را انتخاب کرد:

ای بوی باد صبا ...

گر یار مرا دیدی

۱ - همان منبع، ص ۲۱۴.

۲ - اشعر در همان مقاله، ص ۲۱۴.

سلام مرا به او رسان^(۱)

باشاگیچ سالهای متمادی به ترجمه حافظ مشغول بود و در اشعار بویژه اشعار عاشقانه و تا حدی نیز اشعار صله رحمی و تفکرآمیز بویژه آن دسته با ویژگیهای عرفانی شدیداً تحت تاثیر او بود. البته در اینجا نباید برخی ایده و نظرات سایر نویسندگان مبنی بر اینکه بدون هیچگونه شک و تردیدی حافظ بیشترین و قویترین تاثیر را برجای گذاشته است، را باید در نظر داشت. از انبوه اشعار در مجموعه "تروفوندا" (Trofonda) و "تفکرات و احساسات"، از نظر ارزش و زیبایی بیان این اشعار میرزا از ویژگی خاصی برخوردار است:

ای بت سرمست من رخصتی کن و نه راس
تا لحظه‌ای از این لحظات شب را
براحتی بسر کنیم با هم در تنهایی
دنیا فناپذیر است و همه بودن و گذرا است.

یا این شعر:

کی می‌داند شاید اینک در چهار راه جدایی هستیم
کی می‌داند هرگز همدیگر را در جایی ملاقات کنیم
در دنیایی که سرنوشت در شامگاهان سرگردان است
در جستجوی جایی تا خوشبختی را به کسی ارزانی کند.^(۲)

۱ - همان منبع، ص ۲۱۵.

۲ - صافت بیک باشاگیچ، آثار برگزیده، ج ۱، ساریوو، ۱۹۷۱، این شعر بطور کامل در ص ۸۶ قرار دارد. همین شعر در ردیف اول کتاب "اشعار اسلامی قرن ۲۰"، ساریوو، ۱۹۹۰، ص ۵۳ قرار دارد.

علاوه بر غزل‌های صمیمی، عاشقانه - هدونیستانه و اندیشه‌ای - عرفانی، شعرهایی در باره صله رحم نیز از برتری خاصی برخوردارند که در اشعار باشاگیچ دارای ویژگی جداگانه‌ای است و آمیخته به نمونه‌هایی از حیات، آداب و رسوم، تاریخ و فرهنگ بوشنیاکهای بوسنی و هرزگوین است. یکی از زیباترین اشعار میهن دوستی "زالوم - پالانتسی" بویژه مصراعهای ذیل است:

ای زالوم من سرحد غمناک
ویران هستی اما نگران مباش
خار تو گل میرزاست
سنگ تو طلای میرزاست^(۱)

بویژه ساختار و ترکیب شعر مثل زینه بندی و درجه بندی مصراعها که احساسات عمیق صله رحمی در آن بیان شده است، فوق‌العاده استثنایی است:

ای زالوم من کاشانه اجدادی من
ای زالوم من سرحد غم و اندوه
ای زالوم من ویرانی نفرت شده
خار تو گل میرزاست
سنگ تو طلای میرزاست.

در قالب سلسه شعرهای میهن دوستی با هدف توجه ملی به مردم مسلمان و پرورش عشق نسبت به هرتسگ - بوسنی، اشاره به نمونه‌هایی از "

۱ - این شعر در آثار برگزیده باشاگیچ، ج ۱، ص ۲۰۲-۲۰۱ چاپ شده است.

عشق به نزدیکان نزد ملت مشرق زمین" کرده است.^(۱)

در ارتباط با خدمت باشاگیچ به ایران‌شناسی، ما ناچاریم به دو پرسش پاسخ بدهیم:

۱. این مؤلف بوسنایی هرزگووینی در آثار خود از کدام شاعر دیگر کلاسیک پارسی نام می‌برد و یا حداقل یاد می‌کند؟
۲. چرا مؤلف بوسنایی هرزگووینی در مقایسه با خیام و حافظ مطالب کمتری پیرامون فردوسی، رومی، سعدی و جامی، با اینکه به آنها نیز توجه داشته است، نوشته است؟

باشاگیچ از میان دیگر شخصیت‌های کلاسیک ادبیات فارسی - ایرانی و آشنا به فلسفه، الهیات و علوم، به سعدی شیرازی اشاره می‌کند که در سال ۱۲۹۲ درگذشت. سعدی شهرت خود را بخاطر دو اثر مهم خود یعنی بوستان و گلستان بدست آورد. باشاگیچ کلمات و سخنان قصار سعدی را ترجمه و در مجله "بهار جدید" (۳۲-۱۹۳۱) منتشر ساخت. آثار سعدی نزد ما و در طی این قرن در مراکز مختلف نگارش و مدارس اسلامی بعنوان کتاب درسی تدریس می‌شده است. باشاگیچ گاهگاهی به سعدی توجه داشته و در برخی شعرها بدون اینکه از وی نامی ببرد با استفاده از مصراع یا واژه‌ای به آن اشاره دارد. برای نمونه میرزا در شعر "عشق اول" در ابتدا شعر می‌گوید:

در این جلستان

مرغان زیادی شب را سپری کرده‌اند

و بیش از آن شکوفه کرده‌اند

۱ - دکتر محسن ریزویچ، ادبیات بوسنایی - اسلامی در دوره شکوفایی

(۱۹۱۸-۱۸۸۷)، ساریوو، ۱۹۹۰، ص ۸۷.

الکتمرا و گل^(۱)

وی در یکی از اشعارش تحت عنوان "قربانی حیثیت بیک" سخن الغزالی فیلسوف و عرب - ایرانی (۱۱۱۱-۱۰۵۸) اهل طوس نزدیکی منطقه مشهد امروزی استان خراسان را بعنوان اندرز انتخاب کرده است. در شعر یاد شده تفکر غزالی نیز آورده شده است: "در صورتیکه پروردگار مرا مأمور می‌کرد تا

۱ - صافت بیک باشاگیچ، آثار برگزیده ۱، ساریوو، ۱۹۷۱، ص ۱۰۹. دو واژه جلستان و الکتمرا فارسی هستند. می‌توان به ص ۷۶ و ۱۰۱ کتاب "تروفاندی" مراجعه کرد. دکتر فهیم بایراکتروویچ برخلاف باشاگیچ در کتاب "اشعر پارسی" (بلغراد، ۱۹۷۱) در صفحه ۶۰-۶۱ به ترجمه چهار شعر سعدی به اسامی: "قطره باران"، "تا پایان جهان"، "فنا" و "من گفتم" برخورد می‌کنیم. در عصر حاضر صالح تراکو به ترجمه آثار سعدی پرداخته است. مقاله علمی وی بنام نخستین ترجمه گلستان شیخ سعدی به صربی - کروات (در ضمیمه برای دانشکده شرقشناسی، ۲۳-۲۲، ۷۳-۱۹۷۱، ساریوو، ۱۹۷۶، ص ۳۷۱-۳۶۹). همچنین، چندین شعر ترجمه شده سعدی را در فصلنامه نور ارگان رایزنی فرهنگی ایران در بلغراد می‌بینیم. صالح تراکو در سال ۱۹۸۹ گلستان سعدی را از فارسی به صربی - کروات ترجمه کرده است.

سعدی در ادبیات آلبانیایی از جایگاه و شهرت خاصی برخوردار بوده است. علی کورتسا ایرانشناس شهیر گلستان وی را در سال ۱۹۱۷ را ترجمه و در سال ۱۹۲۵ در تیرانا چاپ شد. Vexhi Buharaje یکی از بزرگترین ایرانشناسان آلبانی در سال ۱۹۶۰ اقدام به ترجمه اثر سعدی تحت عنوان Gjylistani dhe Bostani و پس از درگذشت وی (۱۹۸۷) چاپ دوم آن در سال ۱۹۸۹ در تیرانا صورت می‌گیرد. همچنین، Buharaje بخشهایی از بهارستان جامی و هزار مصراع از شاهنامه فردوسی ترجمه کرده است که در حد دستخط باقی مانده است.

عذاب را در بین مردم توزیع و تقسیم نمایم، من آنهایی را که بوسه می‌زنند را معاف می‌کردم (از عذاب).^(۱)

باشاگیچ درباره عبدالرحمن جامی (۱۴۹۲ در هرات درگذشت) که آخرین شاعر بزرگ کلاسیک ادبیات فارسی است تحت عنوان "کلمات قصار" ۴ سخن کوتاه وی را در سال ۱۹۳۱-۳۲ در بهار نو چاپ ساریوو ترجمه و منتشر ساخته است. وی در نشریه پروسوتا چاپ زاگرب در سال ۱۸۹۳ نیز مطالبی در باره جامی بعنوان شاعر نوشته است.

میرزا چندین شعر از ابن‌یمین (سال وفات ۱۳۶۸) ترجمه کرده است. این شعرها عبارتند از: تا هنگامی که زندگی می‌کنی نگاه کن، زندگی اینگونه، حتی اگر سخنان تو در (سنگ گرانها) باشد، الکیا، جهان. اشعار یادشده در نشریه "پوبراتیم" منتشر گردید. سه شعر اولی در سال ۱۸۹۸-۹۹ و شعر "جهان" در نشریه "نادا" در سال ۱۸۹۹ چاپ شده بودند.

باشاگیچ "شراب برای آدمی مفید است" اثر رشیدالدین وطواط (سال وفات ۸۳-۱۱۸۲) که بیشتر بعنوان نویسنده نثر شهرت داشته است را ترجمه و در "گایرت" در سال ۱۹۲۷ منتشر کرده است.

وی همچنین از صائب میرزا محمد علی (سال وفات ۷۸-۱۶۷۷) صاحب "دیوان" شعری پیرامون نناع را ترجمه و در "بهار" در سال ۱۸۹۹ منتشر کرده است. در اینجا نامی هم از سلطان و توگریب سلچوکوویچ و ترجمه دو شعر آنان یعنی "چقدر سرور و در ملاقات دیروز" و "با یک حرکت شمشیر جهان گیر" که در "بهار" در سالهای ۱۹۰۰ و ۱۹۰۱ منتشر شده است، آورده می‌شود.

میرزا از رومی نیز یاد کرده است و سخن کوتاه رومی مبنی بر "خذ دنیا و

ما فیها، فان العشق یکفینا" یعنی: (جهان و هرچه در آنست را بردار که عشق ما را کفایت می‌کند) را بعنوان شعار و سمبل شعر خود بنام "عشق نجاتش داد" انتخاب می‌کند.^(۱)

کلیه سلسله اشعار "خرابات" با جمله ارزشمند نظامی مبنی بر اینکه کلیه اعضای خرابات می‌توانند بدون توجه به کیش و دین آنان هر کسی باشد.^(۲) البته نظامی بزرگترین شاعر حماسه سرای رمانتیک ادبیات فارسی بشمار می‌آید که در سال ۱۲۰۹ وفات یافته است.^(۳) به همین دلیل است که باشاگیچ در یک شعری بنام چه چیزی ترا goni نام نظامی را پس از نام حافظ و خیام آورده است.^(۴)

وی از فردوسی (سال وفات پس از ۱۰۲۰) بیشتر، بویژه در شعر "جلال

۱ - همان منبع، ص ۱۴۲ و معنای جمله در ص ۲۶۱.

پیرامون رومی در نزد ما آنقدر مطلب نوشته شده است که خود شایسته یک کار مطالعاتی جداگانه‌ای را دارد. شیخ یحیی اخیراً اقدام به ترجمه مثنوی اثر وی به زبان آلبانیایی تحت عنوان: Xhalaluddin Rumi Hazreti Mevlanaja, Mesnevia, Gajkove, 1997. که دارای ۴۳۹ صفحه است. همچنین، تاسیم علیای اقدام به انتشار اشعار، مطالعات و تحلیل رومی شاعر بزرگ ایرانی تحت عنوان: Rumi dhe thesaret e letersise, Tirana, 1977 که دارای ۷۶ صفحه است.

۲ - همان منبع، ص ۱۷۴.

۳ - براساس مطالعات دکتر فهیم بایراکتاروویچ، نظامی در سال ۱۲۰۳ رحلت کرده است. نظامی صاحب پنج کتاب شعر بزرگ رمانتیک است.

۴ - دکتر صافوت باشاگیچ، آثار برگزیده، (سارایوو، ۱۹۷۱)، ص ۲۵۱.

پاشای لعنتی"^(۱) نقل می‌کند و از سال ۱۸۹۳ مقالاتی درباره وی در نشریه "پروسوتا" نگارش نمود. همچنین، یک شعر تحت عنوان "فردوسی" درباره بزرگترین حماسه سرای ایرانی و صاحب شاهنامه نوشته است.^(۲) این شعر بخوبی نشان می‌دهد که صافوت بیگ بطور اساسی و ریشه‌ای شاهنامه فردوسی را شناخته است و بقول خود وی: "اشعار بی‌کران پیرامون شهرت ایران".^(۳) شاعر شیفته نبوغ و عظمت فردوسی بوده است تا جائیکه در اشعار وی بخوبی نمایان است:

سوگند می‌خورم که هیچ چیز مرا این قدر متحیر نکرده
مگر نبوغ فردوسی با آن عظمتش

وقتیکه خلق می‌کند تصویر زنده در شاهنامه:

نبرد جاوید همیشگی بین روشنایی و تاریکی.^(۴)

همانطوریکه از این قطعه شعر برمی‌آید، فردوسی یک الگو برای میرزا باشاگیچ بوده است. این اتفاقی نیست که از باشاگیچ در میان شعرای ما بعنوان "پارناس شرقی" یاد می‌کنند. اشعاری از شاهنامه تحت عنوان "دولب پر از لبخند" در سالهای ۳۲-۱۹۳۱ در نشریه "بهار نو" منتشر شده است.

این سؤال مطرح است چرا باشاگیچ در مقایسه با خیام و حافظ، توجه

۱ - همان منبع، ص ۲۱۹.

۲ - همان منبع، ص ۲۳۰. باشاگیچ تحت عنوان "فردوسی" در نشریه

۳ - آثار برگزیده باشاگیچ، ساریوو، ۱۹۷۱، ص ۲۳۰.

۴ - همان منبع. در صفحات ۱۹، ۵۹، ۱۴۸-۱۴۵ و ۱۶۲ کتاب "تروفاندی" و در صفحات ۶۰، ۱۰۲، ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۵۸-۱۵۷ کتاب "اندیشه‌ها و احساسات" از فردوسی یاد شده است.

کمتری به سایر نویسندگان و شاعران ایرانی کرده است. یقیناً پاسخ و دلیل آن این نیست که ارزش کمتری برای آنان بویژه فردوسی، سعدی و رومی قائل بوده است. بلکه، این واقعیت را باید در مد نظر داشت که باشاگیچ در کنار فعالیت‌های ادبی خود، به کارهای علمی - تحقیقاتی، فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی مشغول و بعنوان نماینده فرهنگی در بوسنی و هرزگوین بوده است. علت دوم از این قرار است که وی به کار مترجمی مشغول بوده است و بویژه کار ترجمه از زبان فارسی امر بسیار پیچیده‌ای است که زمان و تحمل زیادی را می‌طلبد.

از سوی دیگر، نویسندگان و شخصیت‌های برجسته‌ای همچون رودکی، ناصر خسرو، دقیقی، انوری، ابن سینا و غیره به فراموشی سپرده شده و نه تنها مطلبی از آنان ترجمه نشده است، بلکه حتی نامی از آنان برده نشده است.^(۱)

باشاگیچ در مطالعه احوال ادبای برجسته این منطقه بویژه بوسنی نیز فعالیت داشته است که نمونه آن بررسی و مطالعه حال "درویش پاشا بایزید آگیچ" است. درویش پاشا اهل موستار و ادیب قرن ۱۶ میلادی است که چند سال متصادف ادبیات فارسی را نزد استاد شهیر و صاحب نام "سودی" که در آشنایی به کلاسیک فارسی بی نظیر بود، فراگرفت.^(۲) اشعار درویش پاشا

۱ - عثمان نوری حاجیچ (تولد ۱۸۶۹ در موستار، وفات ۱۹۳۷ در بلغراد) در ایام دانشجویی (علوم اسلامی در ساریوو) در سال ۱۸۹۳ مقاله‌ای پیرامون ابن سینا در روزنامه "پروسوتا" چاپ زاگرب نوشته بود. صافوت بیگ در همان سال مقاله‌ای درباره فردوسی و جامی در همین روزنامه و در سال ۱۸۹۴ مقاله‌ای درباره حافظ به چاپ رسانده بود. نام خسرو تنها در صفحه ۱۲۵ کتاب اندیشه‌ها و احساسات ذکر شده است و نام عمر خیام نیز در همین صفحه آمده است.

۲ - مراجعه شود به کار علمی باشاگیچ تحت عنوان "درویش پاشا بایزید آگیچ"، در آثار

بویژه دو رباعی وی به زبان فارسی گواهی می‌دهند که نامبرده تا چه حد به زبان فارسی آشنا بوده است^(۱) که به قول باشاگیچ: "با زبانی جذاب و شور و شغف شاعرانه بلند خود، افکار خواننده را به شک و امی دارد که چگونه ممکن است یکی از اهالی هرتسگووین اینقدر بر زبان فارسی مسلط باشد که اندیشه‌های خویش را اینگونه کامل و بدون نقصی ابراز نماید."^(۲)

باشاگیچ همچنین درباره سایر ادبا و کارهای ادبی نگارشاتنی دارد که نمونه آن مطالعات وی پیرامون "ترکسی" شاعر نیمه اول قرن ۱۷ از ساریوو است. باشاگیچ از وی بعنوان شاعر و نویسنده انتقاد می‌کند که با وجود اینکه شخصیتی تحصیل کرده بوده است بیش از حد بیان مدرنیزه و معمولاً غیرقابل فهم برای عموم داشته است. اینگونه نگارش و بیان در آن زمان معمول بود و به قول باشاگیچ باید آن شعر فارسی را بیاد آوریم: "آواز آسیاب می‌شنوم و آردی می‌بینم" که اینگونه ترجمه شده است: "ما عبارت روان می‌شنویم، اما اندیشه - اندیشه ندارد."^(۳)

همچنین، ارزیابی نظم و شعر فارسی در زبان ترکی که توسط ترکسی به نگارش درآمده است در خور توجه است. باشاگیچ در این زمینه می‌گوید: "هنگامیکه فارسی می‌سراید بدون هیچ مشکلی قابل فهم است و وقتیکه ترکی می‌نویسد نمی‌توانیم منکر مهارت قلم وی شویم."^(۴)

وی در نگارش خود پیرامون شخصیت‌های ادبی و علمی این منطقه و

ادامه از صفحه قبل برگزیده، ج ۲، ص ۱۳۸-۱۲۹.

۱- همان منبع، ص ۱۳۸.

۲- همان منبع، ص ۱۳۹.

۳- صفوت بیگ باشاگیچ، آثار برگزیده، ج ۲، ص ۱۴۴.

۴- همان منبع، ص ۱۵۶.

سایر کشورها بویژه درباره ادبای کلاسیک ایرانی همواره واقعیت، درک و زیبا نوشتن را سرلوحه کار خود قرار داده است. روش وی به گونه‌ای بوده است که خطاب به همکاران جوان در "بهار" می‌گوید: "اگر مطلبی می‌نویسی بسیار محتاط باش و آن را ساده یعنی همانطوریکه مردم صحبت و درک می‌کنند، بنویس! آن وقت است که بهترین مطلب را نوشته‌ای".^(۱)

می‌توان بدون اغراق و زیاده‌روی تأیید کرد که باشاگیچ با آثار خود در زمینه ادبیات و تاریخ، سلسله ترجمه اشعار فارسی بویژه برگرداندن کتابهای شعر، گام بزرگی در جهت تداوم مطالعه ایرانشناسی و میراث فارسی در جهان و در نزد ما برداشته است که پس از وی شخصیت بزرگی همچون دکتر فهم بایراکتاروویچ بطور گسترده و وسیع‌تری به آن می‌پردازد. باشاگیچ علاوه بر ترجمه دو کتاب رباعیات خیام، بخش مهم دیوان حافظ، بعنوان شاعری اصیل، هشیار و بسیار برومند شهرت داشته است. شمار کثیر اشعار عاطفی، عاشقانه، خویش دوستی (علاقه به قوم و خویش) و عرفانی - اندیشه‌ای بهترین گواه این واقعیت است. لکن، براساس این واقعیت نمی‌توان چنین استنباط کرد که تمامی آثار شعری وی بدون نقص و منزّه از هرگونه کمبودی است. مسائل اخلاقی و نصیحتی بر اشعار تربیتی - اخلاقی وی سیطره دارد که به زیان ارزشهای زیبایی آن است و اینگونه اشعاری یعنی آموزشی - تربیتی بیشتر در مجموعه اشعار میرزا به نام "اندیشه‌ها و احساسات" (۱۹۰۵) گرد آمده است. بدون شک، برتری و وجود بیش از حد به تمایل پندآموز و حکایات آموزنده نه تنها موجب تضعیف که عناصر شعری را متلاشی می‌سازد. اینگونه ابراز بیان شعری نشان‌دهنده الهامات بحرانی شاعرانه شاعر است.

۱ - حافظ آ. بوشاتلیچ، یک نامه از صفوت بیگ، بهار نو (ساریوو)، ۳۴-۱۹۳۳/۷،

آثار باشاگیچ بویژه کتابهای شعر وی برای ایران‌شناسی بالاًخص برای حفظ و پرورش کلمات و واژه‌های فارسی در یک محیط زندگی روشنفکرانه - هنری یعنی "عالم شعر" از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. در اشعار وی نمونه‌های بسیاری از آن را می‌بینیم که واژه و کلمات اصیل فارسی است؛ برای مثال به واژه‌های زیر اشاره می‌کنیم:

الکاتمر، اژدایا، باشچا، بارداک، بچار، بهار، بستان، چادور، چارداک، چیم، چاسا، چوردا، درت، درویش، دیلبر، دیوان، جاه، جول، جولباشچا، جلیستان، فاریسی، خان، خیر، خوجا، ایبریک، یازان، یورگوان، یاسمین، کافس، کفس، کرپوزا^(۱)، کاروان، کومبارا، لالا، میخانه، میخانه، مزا، موهور (مهر)، نای (نی)، پنجا(پنجه)، پارا، بازار، پیگمبر، پنجر، پیر، پول، ساکی (ساقی)، سارای (سرای)، سردار، سرحدلیا، سرمیا، سولوف (زلف)، شادروان، شاخ (شاه)، شاخناما(شاهنامه)، شچر(شکر)، شفتلیا(شفتالو)، شنلی، توربان، زیندان (زندان)، زمبول (سمبل). البته در اشعار باشاگیچ کلمات و واژه‌های عربی و ترکی وجود دارد که نیازی به بیان آن در این مقوله نیست. هرچند بکارگیری ترکیسم و واژه‌های ترکی در زبان بوسنایی یکی از ویژگیهای این زبان شده است.

بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که میرزا صافوت باشاگیچ در اوایل قرن بیستم با توجه تحصیلات عالی و جامع، کارهای سیستماتیک و بسیار مفید، آثار اصیل و ترجمه شده ادبی - تاریخی و همچنین شخصیت علمی و ادبیش بعنوان دانشمند و شاعر، علیرغم اینکه وقت زیادی را صرف تحقیقات علمی تاریخ و ادبیات بوسنی و هرزگوین کرده است، بنا به گفته دکتر محسن ریزویچ "بدون شک مهمترین شخصیت رنسانس فرهنگی و سیاسی بوسنی و هرزگوین

۱ - Karpuzza کلمه اصیل فارسی "خریزه" که در بوسنی و هرزگوین و زمان باشاگیچ

اشتباهاً برای "هندوانه" بکار رفته است. (مترجم)

بشمار می‌آید.^(۱) آثار باشاگیچ بویژه اشعار وی، بسیار گسترده و اصیل هستند. ولی با این حال از تاثیر دیگران در امان نبوده‌اند.

کارهای ادبی و دستاورد و فعالیتهای علمی - پژوهشی وی از نظر اهمیت و ارزش در بین ایرانشناسان دارای جایگاه ویژه‌ای است. زیرا، این حاصل زحمات سالهای متمادی وی در رشد ادبیات و انجام تحقیقات زیاد پیرامون ایرانشناسی در نزد ما محسوب می‌گردد.

۱ - دکتر محسن ریزویچ، باشاگیچ معاصر ما، اوگلدالو(زاگرب)، شماره ۲، ۱۹۹۰، ص ۵۲.

ریزویچ در این زمینه اعتقاد دارد که در اشعار باشاگیچ با عنصرهای قومی در برخی جاها به ازمای، رادیچویچ و یا مثل وویسلاو ایلیچ می‌نویسد، و یا در تروفاندی براساس نمونه اشعار گوندولیچ، شاتیچ، کرانیچویچ، نیه گوش، شنوئه و پره رادوویچ نگارش کرده است. مراجعه کنید به دکتر محسن ریزویچ، ادبیات بوسنی و هرزگوین در دوره رنسانس (۱۸۸۷-۱۹۱۸)، سارایوو، ۱۹۹۰، ص ۲۸۴-۲۸۳ و ۲۸۶.

ارزش و خدمات علمی آثار ایران‌شناسی

دکتر فهیم بایراکتاروویچ

دکتر فهیم بایراکتاروویچ^(۱) در تاریخ ۱۸۸۹/۱۱/۱۴ در سارایوو چشم به جهان گشود و در تاریخ ۱۹۷۰/۲/۲۲ در بلغراد چشم از جهان فرو بست. وی به ف.نجاتی یا فهیم نجاتی نیز شهرت داشته است. بایراکتاروویچ سالهای زیادی به شغل استادی و فعالیتهای علمی مشغول بوده و بعنوان یک زبان‌شناس، متخصص و استاد برجسته‌ای بود که بر دیگران برتری داشت. وی تحصیلات آموزش زبان شرقی (اسلامی) و اسلونی را در وین، لندن و

۱ - "بایراکتاروویچ" در واقع همان بیرقداروویچ و یا بیرق دار به معنای پرچمدار می‌باشد است. (مترجم)

الجزایر سپری کرد.

دکتر بایراکتاروویچ دارای آثار زیادی است که از ارزش علمی و فرهنگی - تاریخی برخوردار است. برای نمونه به موارد زیر اشاره می‌کنم:

مطالعات وی پیرامون خیام، کتاب فوق‌العاده ارزشمند "تأثیر شرق بر گوته" و مطالعات مستند وی تحت عنوان "آثار ترکی در اوخرید".^(۱) بایراکتاروویچ علاوه بر شهر اوخرید (واقع در مقدونیه)، مطالعاتی نیز پیرامون تاریخ شهرهای: موستار، سارایوو، بانیالوکا، دوبرونیک، بلگراد، نیش، پوژارواتس، پترووارادین، پلون، وارنا و دیگر مناطق داشته است. همچنین، نگارشاتى درباره قبایل پوماک، توریش، ترکهای یوروک^(۲) و از بین رفتن نسل ترکهای پچنییز برجایی گذاشته است.^(۳) مطالب بسیاری پیرامون مسلمانان بوسنی و هرزگوین، ترکها، پارسیان، اعراب نوشته است و حتی دوبرونیکها، زاداریها^(۴)، بلغارها، صربها و دیگر نژادهای اسلوونی را فراموش نکرده و پیرامون آنان نیز نگارشاتى دارد.^(۵)

۱ - مطالعات وی در ضمیمه‌ها برای زبان‌شناسی شرقی منتشر شده است، ۵، ۵۵-۱۹۵۴، سارایوو، ۱۹۵۵، ص ۱۳۴-۱۱۱.

۲ - در ارتباط با توریش به روزنامه پولیتیکا، ۹-۶، ژانویه ۱۹۳۶ مراجعه شود.

در ارتباط با یوروک به روزنامه پولیتیکا، ۹-۶، ژانویه ۱۹۳۳ مراجعه شود.

- به ضمیمه بایراکتاروویچ: پچنگن، در، Enzyklopaedie de Islam، ۱۹۳۵، ج ۳، ص ۱۱۲۰-۱۱۱۸ و همچنین به روزنامه پولیتیکا، ۳۰-۲۷، آوریل ۱۹۳۵، مراجعه شود.

۴ - دوبرونیک و زادار دو شهر جنوبی جمهوری کرواسی هستند. (مترجم)

۵ - مراجعه شود به: میراث ترکی - اسلامی اسلوونیهای جنوبی. این در واقع، نقدی بر

پروفسور بایراکتاروویچ مؤلف شمار کثیری مقالات انتقادی - علمی و زبانی - ادبی است. بازنگری انتقادی و علمی وی نقش قابل توجهی در شناختن ادبیات و زبان ترکی، عربی و فارسی ایفا کرده است. سخن پیرامون مقالات، مطالعات و دیگر آثار وی است که به یکی از زبانهای مذکور یا آلمانی، انگلیسی، فرانسوی، صربی - کرواتی، ایتالیایی و دیگر زبانهای اروپایی منتشر شده است. همواره در مطالب تجدیدنظر شده - هرچند کوتاه - وی به محتوای اساسی آثار و نظرات جدید، مشاهدات و اظهار عقیده دقیق و بافراست، فرضیه‌های علمی مهم و غالباً جزئیات برجسته برخورد می‌کنیم. بایراکتاروویچ در این مقالات و نوشته‌های مجادله‌ای با ارائه اطلاعات مفصل درباره ترمینولوژی انطباقی در ارزیابی سنجیده و گاهی بصورت تند از هر شخصیت و اثری انتقاد می‌کند (مانند مجادله با عله زوویچ، کورکوت و غیره)، لکن در این امر همیشه منطقی و واقع بینانه عمل می‌کرد.

دکتر عبدالله اشکالیچ مؤلف کتاب "ترکیسم‌در زبان صربی - کرواتی" (سارایوو ۱۹۸۵) در پیشگفتار می‌گوید که شرقشناسان این سرزمین، استادان دانشگاه از جمله دکتر فهیم بایراکتاروویچ، دکتر شاپیر سیکیریچ و دکتر گئورگ حازایی ترکشناس مجاری کتاب وی را مطالعه و بررسی کرده‌اند. اشکالیچ تریزایی دکتر بایراکتاروویچ را عیناً آورده است: "دکتر فهیم بایراکتاروویچ در دو مقاله علمی کار مرا تحلیل و تجزیه کرده است. بایراکتاروویچ در مقاله اول یک شمای انتقادی و ارزیابی کلی ارائه می‌دهد و پیرامون برخی ایرادات و کمبودها هشدار می‌دهد و در اظهار عقیده ارزشمندی، مرور اتیمولوژی (Ethymology) برخی واژه‌ها را لازم می‌داند. بایراکتاروویچ در مقاله دوم به بررسی و تحلیل برخی واژه‌ها می‌پردازد که

ادامه از صفحه قبل ترجمه آلمانی سلیمان بایراکتاروویچ است که در نشریه "موگوچنوست"، چاپ اسپلیت، ۱۹۶۶، ش ۴، ص ۳۹۷-۳۸۸، منتشر شده است.

دارای یادآوری و ملاحظات مفید و سودمندی است. وی ارزیابی و نظر خویش پیرامون این کار من را اینگونه به پایان می‌رساند "این بزرگترین و بهترین کار ما از این نوع می‌باشد". من تلاش کردم اکثر ایرادات وارده از سوی دکتر بایراکتاروویچ را محترم شمرده و براساس امکانات خود درصدد تحقق نظرات سودمند وی برآمدم.^(۱) البته خود بایراکتاروویچ درباره واژه‌های اقتباسی بیگانه در این منطقه بویژه واژه‌های ترکی - عثمانی و کلاً شرقی مطالعاتی نموده و نگارشاتنی نیز داشته است. در این زمینه می‌توان به اثر وی بنام ضمیمه مطالعه واژه‌های اقتباسی شرقی.^(۲)

دکتر بایراکتاروویچ مطالب گوناگون و زیادی درباره هر یک از آثار شرقشناسی نوشته است که می‌توان مطالعات ویژه و جداگانه‌ای درباره این مقالات و تجدیدنظرهای علمی - انتقادی وی نوشت.

در ارتباط با اطلاعات وسیع بایراکتاروویچ می‌توان به مقاله انتقادی وی از دو کتاب "فکته" درباره ترکهای عثمانی اشاره نمود که دکتر بایراکتاروویچ یک نتیجه‌گیری کلی می‌کند: "پس از مطالعه و بررسی این دو کتاب فکته، انسان به گستردگی و اهمیت اخبار و اطلاعات موجود در کتاب پی می‌برد. همان مقداری که نامه‌های دستی، فرمانها و سایر اسناد سلطان بعنوان بالاترین مقام در سیاست و کلاً تاریخ سیاسی مفید است، به همان میزان صیانت (sijakat) نیز در شناختن وضعیت داخلی پادشاهی سابق عثمانی و حیات اقتصادی، مالی و عادی آن حائز اهمیت است... از این اسناد بویژه دفاتر گوناگون باقی مانده می‌توان به اصالت، ملیت و کیش و آئین ساکنین شهرها نواحی و روستاها پی برد. کلیه اینها برای هریک از شاخه‌های علوم

۱ - نقل قول اشکالچ در ص ۸ قرار دارد.

۲ - ضمیمه‌هایی برای ادبیات، زبان، تاریخ و فولکلر، بلغراد، ۱۹۶۱، ج ۲۷، جزوه ۱-۲، ص ۶۵-۷۹.

مهم است. بایراکتاروویچ در پایان می‌گوید: "کلیه مطالبی که عنوان شد... با این حال، این تصویر سفیدی از آن چیزی است که این اثر داراست و به ترکناسی، تاریخ و دیگر شاخه‌های علمی ارائه می‌کند."^(۱) همچنین، نقدها و ارزیابی دکتر بایراکتاروویچ می‌توانند بعنوان سمبل و نمونه‌ای باشند که چنین خلاقیت مهم علمی و ادبی چگونه باید نگارش یابد.

بایراکتاروویچ دانشمند بزرگ بیش از چهار دهه به زبان و ادبیات فارسی، تاریخ و آداب و رسوم ایرانی پرداخته است و بعنوان یک ایران‌شناس با ارائه سلسله مطالعات، ترجمه، مقالات و دیگر ضمیمه‌ها که در نشریات مختلف، مجموعه‌ها، دایره‌المعارف، مجلات، روزنامه‌ها و فصلنامه‌ها درج و منتشر گردید از جایگاه ویژه و بسیار مهمی در ایران‌شناسی و بخصوص در بین ایران‌شناسان برخوردار گردیده است. علاوه بر دو مطالعه مهم وی پیرامون خیام و ترجمه رباعیات وی تنها به چند آثار وی بسنده می‌کنیم از جمله: "رستم و سهراب" فردوسی (۱۹۲۸)، مطالعه فوق‌العاده مهم پیرامون حیات و آثار فردوسی، به همراه ترجمه ۲۴ قسمت شاهنامه، کتاب "اشعار پارسی" (۱۹۷۱)، نگاهی به تاریخ ادبیات فارسی" (۱۹۷۹)، سایر آثار زبان‌شناسی و مقالات علمی گوناگون در ارتباط با ادبیات فارسی و شرقی. به جرأت می‌توان گفت که بایراکتاروویچ واقعاً ایران‌شناسی و بویژه اطلاعات ما پیرامون ادبیات غنی و زیبای فارسی، فرهنگ و زبان باستانی و معاصر ایران غنی ساخته است.

فهرست ذیل گواهی دهنده اهمیت و ارزش آثار علمی، فرهنگی - تاریخی، زبانی، ادبی و کلاً اهمیت معنوی این آثار بایراکتاروویچ است:

۱. خیام نزد ما (مطالعه)، نشریه دانشکده ادبیات، ج ۳، ص ۲۲-۷.

۱ - ف. بایراکتاروویچ، ل. نکته، Die Siyaqat... (مقاله انتقادی) در: ضمیمه برای تاریخ و زبان‌شناسی شرقی، VI-VII، ۱۹۵۷-۱۹۵۶، سارایوو، ۱۹۵۸، ص ۳۰۴-۳۰۳.

۲. عمر خیام - بزرگترین رباعی سرای جهان (مطالعه)، بلگراد، ۱۹۶۵، جزوده II-۱، ص ۳۱-۱۱.
۳. عمر خیام "از غزل سرایان ایرانی. رباعیات. ترجمه فهیم بایراکتاروویچ، ارگان ادبی صربی، ۱۹۲۳۷ ج ix، ش ۴، ص ۲۶۷-۲۶۶.
۴. غزل سرایان پارس. اشعاری از سعدی، (ترجمه از فهیم بایراکتاروویچ)، ارگان ادبی صربی، ۱۹۲۶، ج XVIII، ش ۵، ص ۳۴۸-۳۴۶.
۵. فیلدجرالد و عمر خیام، بلگراد، ش ۲، ۱۹۲۷، ص ۱۱۴-۱۰۱.
۶. فردوسی، رستم و سهراب. قسمتی از شاهنامه در ۲۴ بخش. ف. بایراکتاروویچ از فارسی ترجمه کرده است، بلگراد، اتحادیه ادبای صربستان، ۱۹۲۸، ص LXXX + ۱۰۷.
۷. یک متن فارسی درباره نبرد در کوزوو، پولیتیکا، ۱۸-۱۵. IV ۱۹۳۳.
۸. مالیچ میلیووی: بلبستان اثر شیخ فوزی موستاری، شاعر بوسنیایی به زبان فارسی. Librairie L. Rodstein, Paris, ۱۹۳۵، ضمیمه برای ادبیات، زبان،... (۱۹۳۶) ج XVI، جزوه ۲-۱، ص ۳۷۹-۳۷۵.
9. Christenesen Arthur, L Iran sous les-Sassanides. Copenhagen, 1936, استرانی پرگلد، نشریه، (بلگراد)، ۱۹۳۷-۱۹۳۶، ش ۴-۱، ص ۳۲۱-۳۲۲ و ۳۱۶-۳۲۱.
10. Christensen Arthur, Les Gestes des Rois dans les Traditions de l Iran Antique, پاریس، ۱۹۳۶، ضمیمه برای ادبیات، زبان، ...، ۱۹۳۷، ج XVII، جزوه ۲، ص ۳۵۷-۳۵۴.
۱۱. فردوسی، شاهنامه، تهران ۱۳۱۴-۱۳۱۳ / ۱۹۳۵-۱۹۳۴، استرانی پرگلد، ۱۹۳۷-۱۹۳۶، ش ۴-۱، ص ۳۲۱-۳۱۶.
۱۲. فردوسی، به مناسبت کتاب هنری ماسه: Firdousi et l epopee

nationale. صداری ادبی صربی، بلغراد، ۱۹۳۷، ج ۵۰، ش ۶، ص ۴۷۵-۴۷۹.

۱۳. پارس بعنوان هدف مسافری و ماجراجویان گوناگون، پولیتیکا، ۱۹۳۸، ۲۳-۲۶.

۱۴. تاثیر شرق بر گته. مطالعه تحقیقی - علمی، سالگرد نیکولا چوپیچ، ۱۹۳۹، ج ۴۸، ص ۱-۱۳۲.

۱۵. یک منبع معاصر فارسی در ارتباط با نبرد در کوزوو، ضمیمه برای زبان‌شناسی شرقی، ساریوو، ۱۹۵۲-۵۳، جزوه III-IV، ص ۶۲۹-۶۳۰.

16. Schimmel Annemarie, Die Bildersprache Dschelaladdin Rumis, Waldorf Hessen, ۱۹۴۹، ضمیمه برای زبان‌شناسی شرقی،...، ساریوو، ۱۹۵۲-۵۳، جزوه III-IV، ص ۶۲۹-۶۳۰.

۱۷. ادبیات نوین فارسی. تعریف زاکانی یا هجونا مه پارسی حاکمان تاتاری، استوارانیه، تیتوگراد، ۱۹۵۶، ش ۷-۸، ص ۵۰۴-۵۰۰.

18. Hinz Walther, Persich, Berlin, 1955, Orientalistische Literaturzeitung, Leipzig, 1957, Jahragang. شماره ۱-۲، ص ۶۶-۶۷. 52,

19. The Legacy of Persia, Oxford, 1953,

ضمیمه برای زبان‌شناسی شرقی، ۱۹۵۸-۵۹، ج VIII-IX، ص ۲۱۸-۲۲۰.

۲۰. عمر خیام، رباعیات. ترجمه از فارسی توسط میرزا صافوت. چاپ دوم. پیشگفتار و تفسیر واژه‌ها توسط علیا بیتیچ، زاگرب، ملادست، ۱۹۵۴، ضمیمه برای ادبیات و زبان،...، بلغراد، ۱۹۵۹، ج ۲۵، جزوه ۳-۴، ص ۳۰۹-۳۱۳.

ضمیمه برای ادبیات و زبان...، بلغراد، ۱۹۵۹، ج ۲۵ جزوه ۱-۲، ص

21. Rypka J., *Dejiny perske a tadzicke literatury*, Prah., ۱۴۴-۱۴۷
1954,

ضمیمه برای زبان‌شناسی شرقی، سارایوو، ۶۱-۱۹۶۰، ج X-XI، ص

22. *Anthologie textes portiques attribues a Avicenne*, ۲۹۰-۲۹۲

۲۳. هانس‌والتر، پارسی، برلین، ۱۹۵۹ - ادبیات شرقی، Leipzig،

۱۹۶۱، Jahrg. ۵۶، ش ۵-۶، ص ۲۷۳-۲۷۴.

۲۴. عمر خیّام: رباعیات. ترجمه از فارسی، یادآوری و پیشگفتار توسط

ف. بایراکتاروویچ، بلگراد، Rad، ۱۹۶۴ (۱۰۸ صفحه). چاپ دوم ۱۹۷۶.

ضمیمه برای ادبیات، زبان و ...، بلگراد، ۱۹۶۴، جزوه ۲-۱، ص

25. Rypka J., *Iranische Literaturgeschichte*, Leip zig, ۱۳۱-۱۳۳
1959.-

۲۶. اشعار فارسی. گردآوری و ترجمه ف. بایراکتاروویچ، بلگراد،

۱۹۷۱. (پیشگفتار، یادآوری و یادداشت درباره نویسندگان - ماریا
جوکانوویچ).

۲۷. نگاهی به تاریخ ادبیات پارسی (تدوین: ماریا جوکانوویچ و دارکو

تاناسکوویچ)، بلگراد، Naucna knjiga، ۱۹۷۹ (۶۷ صفحه).

برخی از آثار یادشده فهمیم بایراکتاروویچ بطور مشروح بررسی شده
است، از جمله: فیچرالد و خیّام، رباعیات خیّام، زندگی فردوسی و شاهنامه،
شعر فارسی بنا به انتخاب بایراکتاروویچ، بخشی از "مروری بر تاریخ ادبیات
پارسی". این موارد بصورت تحلیلی و موفقیت‌آمیزی بویژه در فصل دوم
کتاب "آثار علمی فهمیم بایراکتاروویچ" (بلگراد، ۱۹۹۶، به فصل دوم درباره
ایران‌شناسان مراجعه کنید) اثر دکتر آنجلکا میتروویچ، مورد بررسی قرار
گرفته است. با توجه به اینکه آثار بایراکتاروویچ سایر بخشهای علمی بویژه
عرب‌شناسی، ترک‌شناسی، اسلام‌شناسی و تطبیق‌شناسی را مورد مطالعه و

در بر می‌گیرد، در این کتاب بخش‌های یادشده نیز بصورت مشروح بررسی شده‌اند. این اثر از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا، جنبه‌های گوناگون موارد یادشده را با هوشیاری و همه ابعاد بررسی کرده است. اثر دکتر آنجلکا میتروویچ بعنوان یک منبع غنی بشمار می‌آید. کانون این اثر بر پایه آشنایی و تفسیر علمی شخصیت و آثار فهیم بایراکتاروویچ است. بنابراینکه می‌توان گفت که سخن نهایی پیرامون آثار علمی دکتر بایراکتاروویچ بویژه در باره تصورات و تاثیر این ایران‌شناس یوگسلاوتبار بیان نشده است. علت نیز مشخص است. زیرا، آثار ایران‌شناسی و سایر کارهای علمی وی که نیازمند بررسی دقیق تطبیقی و واقعی است، از حجم و ایده و نظریات بسیار و کلاً دیدگاه‌های غنی برخوردار است که تمامی دانشمندان و متخصصین بخش مورد نظر می‌توانند در قالب هیئت علمی در این زمینه تحقیق و پژوهش نمایند.

بایراکتاروویچ نوشته‌های زیادی در بخش ایران‌شناسی دارد. زیرا، موارد زیر را در نظر داشته است:

(۱) اصالت، غنی بودن و زیبایی زبان فارسی و اهمیت همه جانبه ادبیات فارسی،

(۲) تاثیر ادبیات فارسی بر ادبیات ترکی،

(۳) این واقعیت که بدون آگاهی از زبان و ادبیات فارسی درک زبان و ادبیات ترکی غیر ممکن است. البته این واقعیت را نیز در نظر داشته است که تفکر علمی ایران‌شناسی و دستاوردهای ادبی ملل ایرانی بویژه پارسیان و نزد اهل علم و دانش بسیار ناشناخته و به مقدار کافی رشد نکرده است.

این واقعیت که آثار بایراکتاروویچ (و مقالات چند صفحه‌ای) از بعد محتوایی، نظرات، اطلاعات علمی و ارزیابی‌های کلی، تا چه اندازه‌ای حائز اهمیت است، از طریق معرفی کیفی از آثار وی که مهمترین کتاب در این بخش است را نشان خواهیم داد. در واقع این اثر همان جلسات سخنرانی وی برای

دانشجویان در دانشکده ادبیات بلغراد است که توسط ماریا جوکانوویچ و دارکو تاناسکوویچ گردآوری و تدوین و در سال ۱۹۷۹ تحت عنوان "مروری بر تاریخ ادبیات پارسی" منتشر شده است. در این کتاب با ارزش ۶۷ صفحه‌ای، در کنار اطلاعات شناسی، پیشگفتار گردآورندگان و متنی پیرامون زبان فارسی تاریخ آن، در سطرهای کوتاه اما با ارزش و مفید تاریخ ادبیات فارسی ارائه شده است. همچنین، فردوسی، شاعران تصوفی بویژه عمر خیام، ناصر خسرو و دیگران، مداحان دربار مثل انوری، عارفان قرن ۱۲ مثل سنائی و عطار، اشعار رماتیک (نظامی)، سعدی و رومی و غزل سرایان ممتاز یعنی حافظ و جامی بطور دقیق و مشروح نشان داده شده‌اند.

همچنین، شکل و ساختار وقایع‌نگاری و نشر در دوره کلاسیک جالب توجه است. در واقع، این محتوای اصلی "مروری بر تاریخ ادبیات پارسی" است. دکتر بایراکتاروویچ با روش خاصی، قاطعانه و بسیار جالبی به نگارش این اثر پرداخته است که در اینجا برای نمونه به چگونگی توصیف یکی از مشهورترین شخصیت‌های پارسی توسط وی اشاره می‌کنیم. شخصیت مورد نظر ناصر خسرو (۱۰۸۸-۱۰۰۴) فیلسوف، معروف به "فائوست پارسی" و کلاً شیعه تندرو، علیرغم اینکه "در ایام جوانی با روح متعصب سنی تربیت شده"، است. ناصر خسرو در همان ایام به زبان، مذهب و علوم دنیوی زیادی آشنا گردید. وی به دلیل اشتیاق و آرزوی شدید برای آگاهی یافتن از جهان هیچگونه گرایش به زندگی درویشی و زاهدانه نداشت. البته به زندگی حسی که زمانی به آن وفادار بود، بدین گردید. پس، در مدت هفت سال از ایران، سوریه، فلسطین، مصر، عراق و سایر مناطق سفر نمود و "بدین وسیله معلومات و تجربیات گرانبهائی کسب نمود، ولی هیچگاه احساس خوشبختی نکرد"^(۱) در متن آمده است که ناصر خسرو پنج مرتبه به مکه مشرف و مناسک

۱ - دکتر فهیم بایراکتاروویچ، مروری بر تاریخ ادبیات پارسی، (گردآورندگان: ماریا

حج را بجا آورده است. لکن ایمان وی به دین "سست بوده است، زیرا همه جا فقط دورویی و سوءاستفاده از وظایف مقدس را دیده بود. تنها یک زمانی در قاهره، دوره حاکمیت فاطمیان (۱۱۷۱-۹۰۹)، مسبتاً خوشبخت و آرام بود." البته در این متن اشاره شده است که فاطمیان شیعه بوده‌اند که ظاهراً مناسب حال ناصر خسرو بوده است.

بدین ترتیب و به تدریج، ناصر خسرو پیرو تسنن به یک شیعه مخلص و حتی اسماعیلی تبدیل می‌شود.^(۱) بایراکتاروویچ به باارزشتترین آثار ناصر خسرو و فهرست آنها اشاره می‌کند. برای نمونه: "سفرنامه" - مربوط به قرن ۱۱، "روشنایی‌نامه" که نوعی مثنوی تعلیمی است. بنا به اعتقاد بایراکتاروویچ فصل "سعادت‌نامه" جالب‌ترین بخش این کتاب است که در آن "به شدت به جنبه غیراخلاقی شاهزادگان و بزرگان حمله می‌کند و یک کارگر عادی و کشاورز را بعنوان انسان خوشبخت معرفی می‌کند که برای اجتماع مفید است".^(۲) با مطالعه کتاب فهیم بایراکتاروویچ می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تا ۱/۴ قرن ۱۰ میلادی کم و بیش کلیه بحثها و آثار به زبان عربی بوده است. پس از این نخست زبان فارسی و سپس زبانهای مختلف ترکی و آسیایی و افریقایی مورد استفاده قرار گرفته است و در نتیجه شعر بویژه اشعار عرفانی - تصوفی، حماسه‌ای، حماسه‌ای - غزل و نثر شکوفا می‌شود.

این واقعیت را باید در نظر داشت که بایراکتاروویچ در آثار با ارزش و تحقیقات ادبی - علمی خود خدمت شایانی به ادبیات ترکی و عربی کرده است. همچنین، اسناد و منابع زیاد دیگری که به زبانهای مذکور توسط وی آشکار و تفسیر شده‌اند. در اینجا می‌توان به آثار وی در این زمینه اشاره نمود:

ادامه از صفحه قبل جوکانوویچ و دارکو تاناسکوویچ)، بلگراد، ۱۹۷۹، ص ۴۱.

۱ - همان منبع، ص ۴۲.

۲ - همان منبع، ص ۴۲.

- Turk-Yugoslav Kultur munasebati (استانبول، ۱۹۳۷)، در واقع اثری پیرامون مناسبات فرهنگی یوگسلاوی و ترکیه که نخست به زبان فرانسوی منتشر شده است.
- اساس دستور زبان ترکی (بلغراد، ۱۹۶۲)، کتاب درسی برای دانشجویان دانشکده ادبیات
- Dubrovacka Arabica (بلغراد، ۱۹۶۲) و غیره و ترجمه‌هایی به زبان فرانسوی که نقش زیادی در مشهور سازی و گسترش فرهنگ اسلامی داشته است.
- مقالات بایراکتاروویچ نقش و اهمیت بسزایی برای اندیشه علمی و نیازهای فرهنگی و خلاقیت‌های ملی در نزد ما دارد، از جمله:
- "مشکلات ملانصرالدین"، ضمیمه برای ادبیات، زبان، تاریخ و فولکلر، بلغراد، ۱۹۳۴، ج ۱۴، جزوه ۱-۲، ص ۱۵۲-۸۱؛
- "درباره مولودیه ما و کلاً مولودیه"، ضمیمه برای ادبیات، زبان، ...، ج ۱۷، جزوه ۱، بلغراد، ۱۹۳۷، ص ۱-۳۷؛
- "تاثیر شرق بر گته". مطالعه ادبی - علمی، بلغراد، ۱۹۳۸. سالگرد نیکولا چوپچ، ج ۴۸، ص ۱-۱۳۲. این اثر بایراکتاروویچ از جایگاه بسیار مهمی در میان آثار وی برخوردار است.
- "نگاهی کوتاه به تاریخ مجموعه‌های شرقی آکادمی یوگسلاوی در زاگرب" (سارایوو، ۱۹۵۲)؛
- "مجموعه اشعار مردمی از اسکوپیه بوسنایی"، بلغراد، ۱۹۶۰، ص (۶)+۲۶+(۲)؛
- "میراث فرهنگی ترکی - اسلامی اسلونیهای جنوبی، موگوچنوست (نشریه)، بررسی، ش ۴، اسپلیت، ۱۹۶۶، ص ۳۸۸-۳۹۷؛

- "مسلمانان ما در دستگاه حکومتی ترکیه"، پولیتیکا، ۱۱/۲/۱۹۴۰؛
- "اسناد ترکی صومعه‌اسوتی ترویتسه در نزدیکی پل‌یه‌والیه"، ساری‌وو، چاپخانه دولتی، ۱۹۳۵ (به همراه پیشگفتار و اسناد به زبان ترکی و ترجمه آن به زبان بوسنایی)، ص (۳) + ۸۵ + ۲۹.
- همچنین، دیگر مقالات و ضمیمه‌های دکتر بایراکتاروویچ که اکثراً مربوط به عرب‌شناسی، ترک‌شناسی، اسلام‌شناسی، یا شرق‌شناسی و بخشی نیز مربوط به اسلاو‌شناسی و بالکان‌شناسی بوده، دارای ساختار دانش، فرهنگ ایرانی و سایر بخشهای ایران‌شناسی است. در این زمینه با ساختار ایران‌شناسی، می‌توان به مقالات زیر اشاره نمود:
- "از یوگسلاوی تحت سلطه ترکها" (۱۹۲۸)،
- "یک سند دیگر درباره اصالت شرقی افسانه ما سیل" (۱۹۳۴)،
- "L'Etat Actuel des Etudes Islamiques en Yougoslavie" (۱۹۳۶)،
- "اسلام چه چیزی برای اروپا به ارمغان آورده است" (۱۹۳۶)،
- "تاثیر شرق بر گته" (۱۹۳۹)،
- "گزارشی پیرامون کار تحقیقی بر دست‌خطهای شرقی در دوبرونیک، تساوتات و زاگرب" (۱۹۵۰)،
- "ادبیات ما در تاریخ جدید ادبیات جهان" (۱۹۶۱)،
- "میراث فرهنگ ترکی - اسلامی اسلاوهای جنوبی" (۱۹۶۶) و غیره.
- در اینجا باید به اثر دیگر بایراکتاروویچ پیرامون مراکز و تحقیقات اسلامی در یوگسلاوی تحت عنوان "Les etudes islamiques en Yougoslavie"، پراگ، آرشیو شرقی، ۳، ۱۹۳۱، ص ۵۰۷-۴۹۲، اشاره نمود.
- بایراکتاروویچ در رسالات و مقالات خود به اسامی شمار کثیری شرق

شناس، عرب‌شناس و ایران‌شناس در اروپا و شرق و همچنین تعدادی دانشمند، ادیب و دیگر کارشناسان در سرزمین یوگسلاوی سابق اشاره می‌کند. آثار وی غنی از اسامی شخصیت‌هایی همچون: شیخ فوزیا بلگایاتس (اهل موستار)، ووک اس. کاراجیچ، لازا کوستیچ، میرزا صافت، سلیمان بایراکتاروویچ، بوژو ککولیا، یووان یووانوویچ ازمای، یووان ایلچ، بوگدان پوپوویچ که ارزش خاصی برای وی قائل بود، میلیوی مالچ، ایوو آندریچ، ادهم بللوویچ، پرو اسلیپچویچ که در نوشته‌های خود وی را می‌ستاید و غیره.

دکتر بایراکتاروویچ از جایگاه ویژه‌ای در زمینه ترجمه آثار فارسی کلاسیک برخوردار بود: فردوسی^(۱)، خیام، حافظ، انوری و غیره. هدف وی از ترجمه نویسندگان ایرانی، عرب و ترکی آشنا ساختن خوانندگان با آثار این نویسندگان بوده است. وی در ترجمه‌های خود سعی می‌کند تا ریتم شاعر مطابق اصل بوده و در کنار برگرداندن متن بیشترین آرایش علمی را تأمین کرده است. برگرداندن بخشهایی از شاهنامه فردوسی تحت عنوان "رستم و سهراب" نمونه بارز این هنر ترجمه بایراکتاروویچ است. همچنین با موفقیت کامل اقدام به ترجمه رباعیات عمر خیام کرده است (سال درگذشت شاعر ۱۱۲۲ یا ۱۱۲۳) که براساس گفته بایراکتاروویچ "مشهورترین شاعر ایرانی و عربی در اروپا و امریکا محسوب می‌گردد".^(۲) علاوه بر این، خیام بعنوان فیلسوف شهرت دارد (باصطلاح فیلسوف نیشابوری). وی در مقام دانشمند به مطالعات علم نجوم و ریاضی پرداخته است.^(۳) الجبر خیام در

۱ - مراجعه شود به "حیات و آثار فردوسی"، در: "رستم و سهراب"، بلغراد، ۱۹۲۸.

۲ - دکتر فهیم بایراکتاروویچ، نگاهی به تاریخ ادبیات فارسی (گردآوری ماریا جوکانوویچ و دارکو تاناسکوویچ)، بلغراد، ۱۹۷۹، ص ۳۸.

۳ - یادآوری تابلوی ستاره‌شناسی خیام، اصلاح تقویم ایران باستان و دیگر دستاوردها

اواسط قرن گذشته در فرانسه و سال ۱۹۳۱ در امریکا منتشر شده است.

لازم به یادآوری است که قبل و در زمان بایراکتاروویچ برخی نویسندگان ما شیفته رباعیات خیام بوده و اقدام به برگرداندن بخشهایی از اشعار این شاهکار کلاسیک فارسی کرده‌اند. ترجمه خانم یلنا چوروویچ^(۱) غالباً از زبان انگلیسی را باید در نظر داشت. پس از وی باید به ترجمه صافت - بیگ باشاگیچ^(۲) از فارسی (۱۹۲۰ و ۱۹۲۸ در ساریوو و ۱۹۵۴ در زاگرب) و ۱۹۶۴ هنگامی که کتابخانه رچ و میساو (سخن و اندیشه - مترجم) ترجمه بایراکتاروویچ را تحت عنوان "رباعیه" در بلگراد منتشر می‌سازد، اشاره نمود. در اینجا و در سایر انتشارات (مثلاً سال ۱۹۷۶) "ملاحظه بر رباعیات" ارزشمند بایراکتاروویچ نیز بعنوان ضمیمه می‌آید.^(۳) اسلاوولیوب جینجیچ در پایان کتاب خود (چاپ سال ۱۹۷۶) در یک ضمیمه تحت عنوان "عمر خیام و رباعیات وی" تأیید می‌کند که فهم بایراکتاروویچ "بیش از هر چیزی با نیروی سحرآمیز موفق به جذب اشعار عمر خیام" شده و اینکه "او نخستین کسی نزد ماست که رباعیات وی را بطور کامل ارائه داده است.

ادامه از صفحه قبل در علم نجوم توسط وی ضروری است.

۱ - مراجعه شود به "اسکرلیچ - چوروویچ یلنا، عمر خیام و رباعیات وی، نشریه میساو (بلگراد)، ج ۳۸، دفتر ۸-۷ (۱۹۳۲)، ص ۴۰۴-۳۸۵. علاوه بر مقدمه، ۷۵ رباعی از انگلیسی و فرانسوی ترجمه شده است.

۲ - صافت - بیگ باشاگیچ، عمر خیام، رباعیات، (ترجمه از فارسی توسط میرزا صافوت)، ساریوو ۱۹۲۰. همان رباعیات، II، ساریوو ۱۹۲۸ و ترجمه رباعیات باشاگیچ در سال ۱۹۵۴ در زاگرب منتشر می‌شود.

۳ - مراجعه شود به کتاب: خیام، رباعیات، بلگراد، ۱۹۷۶، ص ۱۰۳-۶۱.

(۱) براساس ترجمه "رباعیات" خیام می‌توان نتیجه گرفت که بایراکتاروویچ بعنوان مترجم در جستجوی واژه‌های واقعی، برگزیده و زیبا که توسط آن تا حد ممکن هم از نظر محتوایی و هم از نظر شدت احساسات و عناصر بیان غزلی به اصل رباعیات خیام نزدیک باشد، مافوق هر نظم و اصطلاحی قرار دارد. بنظر من تفاوت اساسی و ارجحیت ترجمه بایراکتاروویچ با سایر مترجمین در همین است. مقایسه ترجمه‌های بایراکتاروویچ بویژه رباعیات با صافوت باشاگیچ نیازمند بررسی بیشتر و عمیقتری است. البته تفاوت اساسی بین این دو ترجمه مشهود است. ترجمه صافوت بیشتر از ویژگی بیان آزادانه هنری برخوردار است. در نتیجه، او توجه بیشتری به قافیه و موسیقی شعر مبذول داشته است. درحالی‌که، بایراکتاروویچ در کنار عناصر غزلی در حد زیادی سعی می‌کند تا ترجمه هرچه بیشتر به اصل نزدیکتر باشد. علاوه بر دیگر ویژگیهای طبیعی، باید بگویم که بایراکتاروویچ بیشترین تعداد رباعیات خیام را ترجمه کرده است. بدین ترتیب که در "ضمیمه برای زبانشناسی شرقی" (۵۸-۱۹۵۱، ۶۱-۱۹۶۰) در برخی شماره‌ها سه تا چهار و گاهی پنج تا شش ضمیمه وی وجود دارد. این مسئله گویای این واقعیت است که بایراکتاروویچ مطالعات زیادی به همراه نگارش سیستمی داشته و کم و بیش هر اثر باارزشی را به زبانهای اروپایی یا شرقی دنبال و ارزشیابی می‌کرده است.

مسئله جالب توجه این است که علاوه بر ایران‌شناسان و ادبای آلبانیایی، فان س. نولی نویسنده سرشناس آلبانی (۱۹۶۵-۱۸۸۲) و علی کورتسا (۱۹۵۷-۱۸۷۴) یکی از ایران‌شناسان مشهور نیز به رباعیات خیام پرداخته‌اند. نخستین ترجمه و انتشار رباعیات در سال ۱۹۲۶ در وین و در

سال ۱۹۲۷ در بروکسل بوده است.^(۱) ترجمه رباعیات خیام از متن انگلیسی ادوارد فیچرالد بوده است که خدمت شایانی در زمینه شناساندن شاعر بزرگ ایرانی به جهان غرب کرده است. علی کورتسا دین‌شناس و آشنا به تصوف و شعرای ایرانی، رباعیات خیام را تحت عنوان "رباعیاتی" ترجمه کرده است. این اثر در سال ۱۹۳۰ در تیرانا پایتخت آلبانی به چاپ رسیده است. با این حال تفاوت بین این دو ترجمه به خوبی دیده می‌شود. درحالی‌که نولی بعنوان یک هنرمند بزرگ زبان آلبانیایی آزادانه ترجمه و هنرمندانه رباعیات خیام را شکل و قافیه داده است، علی کورتسا بیشتر به اصل آن توجه کرده است و در دادن فرم شعری به این اثر ادبی ناموفق بوده است. در نتیجه، در بسیاری موارد یادآور تفاوت کیفی و ساختاری رباعیاتی است که بایراکتاروویچ و باشاگیچ ترجمه کرده‌اند. زیرا، اولی بعنوان یک شاعر با تجربه و دومی بعنوان یک شخصیت ادبی و زبان‌شناس آن را ترجمه کرده است. با مقایسه رباعیات ترجمه شده توسط بایراکتاروویچ و باشاگیچ تفاوت‌های یادشده بخوبی دیده می‌شود.

سایر شعرای کلاسیک ایرانی درباره شراب و عشق شعرهایی سروده‌اند که دارای مفهوم عرفانی و غیره دارد. برای نمونه حافظ قافیه‌هایی تحت عنوان "مجموع سخنان در مدرسه" سروده است که از می و عشق یاد می‌کند.^(۲)

در اینجا باید فعالیت‌های تعلیمی ارزشمند، مفید، مؤثر و ادبی بایراکتاروویچ را جدا کرد. وی پس از اتمام تحصیلات خود در رشته عرب شناسی، ایران‌شناسی، ترک‌شناسی و زبان اسلاوی در وین، زبان عربی در دبیرستان بیهاچ (در سالهای ۱۹۱۹-۱۹۱۷) و در ساریوو (۱۹۲۲-۱۹۱۹)

۱ - فان نولی، Rubairat e Omar Khajamit، بروکسل، ۱۹۲۷.

۲ - ترجمه بایراکتاروویچ. مراجعه شود به کتاب وویسلاو جوریچ، غزلیات در ادبیات جهان، بلگراد، ۱۹۸۲، ص ۴۶۰.

تدریس می‌کرده است. او پس از سپری کردن دوره تخصص در الجزایر (۱۹۲۲-۱۹۲۴) نزدیک به چهل سال در دانشگاه بلگراد استاد زبانهای شرقی در بخش شرق‌شناسی دانشکده ادبیات بلگراد بوده است (از سال ۱۹۲۴ تا سال ۱۹۶۰ زمان بازنشستگی). توجه دستیاران و نسل دانشجویان وی نشان دهنده جذابیت جلسات سخنرانی، معلومات تخصصی و تجربیات متدی بایراکتاروویچ است. این فعالیت توصیف‌کننده آمیختگی توانایی زبانی - تخصصی و تعلیمی بایراکتاروویچ است. کیفیت فوق‌العاده تخصصی، تعلیمی و فردی بایراکتاروویچ در فعالیتهای ادبی بویژه در دوره دبیرستان و دانشگاه از جمله ایراد سخنرانی برای شهروندان و قرائت اطلاعیه در همایشهای علمی یا کارشناسی، نیز مشهود بوده است. در ارتباط با این تساول باید به کیفیت کاری بایراکتاروویچ نیز اشاره نمود. وی از اراده قوی برای فعالیت و سازماندهی فعالیتهای گوناگون روشنفکرانه و پژوهشی در چند رشته علمی (زبان‌شناسی عمومی، ایران‌شناسی، اسلام‌شناسی، ترک‌شناسی، تاریخ، عرب‌شناسی و بخشی نیز درباره اسلاو‌شناسی و بالکان‌شناسی) برخوردار بود که شاهد این امر مطالعات، مقالات و ارزیابیهای انتقادی وی می‌باشد.

بایراکتاروویچ در مقام استاد و شخصیت دانشجویان ممتازی را تربیت نمود که بعدها بعنوان زبان‌شناس، ترک‌شناس، ایران‌شناس، عرب‌شناس و اسلاو‌شناس در یوگسلاوی مطرح شدند. برخی از آنان به دیگر رشته‌های علمی نیز پرداختند. سهم و شهرت بیش از پیش آنان در عرصه علم و دانش برکسی پوشیده نیست و شمار کثیر آثار آنان و ادامه راه پژوهشی بایراکتاروویچ در زمینه زبان شرقی و زبان‌شناسی اروپایی و اسلاوی دال بر این واقعیت است. ماریا جوکانوویچ و دارکو تاناسکوویچ دو تن از دانشجویان سابق وی در بخش پیشگفتار کتاب فهم بایراکتاروویچ به نام "نگاهی به تاریخ ادبیات فارسی" (بلگراد، ۱۹۷۹) اذعان می‌دارند که بایراکتاروویچ "پیشگام شرق‌شناسی علمی در یوگسلاوی" بوده است و اینکه "بصورت اساسی و همه جانبه یک ایران‌شناس تحصیلکرده" بود. همچنین، بنا به

اعتقاد این دو بیشترین بخش "آثار ادبی - تاریخی وی بر ادامه مطالعات ایران‌شناسی تأکید و آن را غنی می‌سازند. استاد فهیم بایراکتاروویچ بیشترین سهم را در حیات ۵۰ ساله بخش شرق‌شناسی دانشکده ادبیات بلگراد دارد."^(۱)

در ارتباط با تعدادی از مطالعات مستقل بایراکتاروویچ می‌توان عناوین زیر را جدا کرد:

فردوسی، رستم و سهراب، قسمتی از شاهنامه در ۲۴ بخش، از فارسی ترجمه و در سال ۱۹۲۸ از سوی اتحادیه ادبای صربی منتشر شد. در بخش اول کتاب مقاله بایراکتاروویچ تحت عنوان "حیات و آثار فردوسی" وجود دارد.^(۲) در این بخش اقدام به مقایسه شاهنامه با اثر هامر یعنی ایلید و اودیسیا می‌کند. همچنین سخن فردوسی را نقل می‌کند که گفته است این قسمت "شمار آن به شش برابر هر یک ده هزار مصرع می‌رسد."^(۳) در ازای این شعر از شاه محمود بجای ۶۰۰۰۰ سکه طلا تنها ۲۰۰۰۰ سکه نقره دریافت کرده است که شاعر بسیار ناراحت و مأیوس شده و این پول را بین دیگران تقسیم می‌کند.^(۴)

بایراکتاروویچ در اینجا بسیاری از مسائل را روشن می‌سازد از جمله اینکه چه چیزی فردوسی را مجبور نمود تا دهه‌ها (۳۵ سال) به نوشتن این

۱ - دکتر فهیم بایراکتاروویچ، نگاهی به تاریخ ادبیات فارسی (گردآوری توسط ماریا جوکانوویچ و دارکو تاناسکوویچ)، بلگراد، ۱۹۷۹، ص ۷.

۲ - دکتر فهیم بایراکتاروویچ، فردوسی: رستم و سهراب، بلگراد، ۱۹۲۸، ص ۸۰-۱.

۳ - همان منبع، ص ۳۰.

۴ - همان منبع.

فصل پردازد. وی در حالیکه بطور مختصر شعر یوسف و زلیخا^(۱) را توصیف می‌کند، لکن جزئیات محتوای شاهنامه و اشعار قهرمانانه را یک به یک بر شمرده است.^(۲) نویسنده اظهار نظر می‌کند: "در ارتباط با متن شاهنامه باید بگویم که کلیه رخدادها و حوادث دوران افسانه‌ای، اساطیری و تاریخی پارس تا خلقت جهان و نخستین بشر "گایو مارت" و تا فروپاشی سلسله ساسانیان و تصرف ایران توسط اعراب را در بر می‌گیرد."^(۳) شاهان ایران توصیف شده‌اند و نشان داده می‌شود که "کلیه شاهان از اهمیت یکسانی برخوردار نبوده‌اند... پس طبیعتاً بطور نابرابر بخشهایی از شاهنامه نیز از آنان یاد کرده است"^(۴) همچنین اطلاعات پیرامون تعداد شاهنامه‌های دستخطی حائز اهمیت است (بیش از ۴۰) که دو تا از آنها جزء قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی شاهنامه محسوب می‌شوند یکی نسخه لندنی از سال ۱۲۷۶/۷۷ و دیگری نسخه پتروگرادی مربوط به سال ۱۳۳۳ است.^(۵) کتاب به جزئیات جالب و غیره نیز پرداخته است. برای نمونه در نبرد نزدیک قادسیه، طبق شاهنامه، سعد فرمانده لشکر اعراب با یک تیر رستم فرمانده ایرانی را کشته و بدین ترتیب جنگ به نفع اعراب به پایان می‌رسد.^(۶) بایراکتاروویچ می‌گوید که اسلاوهای جنوبی بویژه ازمای و کارل "شناخت کافی" درباره شاعر ایرانی نداشته‌اند و آنها "هنوز چیزی از اصل شاهنامه را ترجمه نکرده‌اند."^(۷) در

۱ - همان منبع، ص ۳۹ و ۹۱ و ۹۰ و غیره.

۲ - همان منبع، ص ۹۷ و غیره.

۳ - همان منبع، ص ۹۸ و ۹۷.

۴ - همان منبع، ص ۹۹ و ۹۸.

۵ - همان منبع، ص ۱۱۷.

۶ - همان منبع، ص ۱۰۹.

۷ - همان منبع، ص ۱۲۳.

اینجا به نتیجه‌گیری بایراکتاروویچ اشاره کنیم: "هرکس که فردوسی را بهتر و عمیق‌تر مطالعه و شناخته است، بیش از پیش برای وی ارزش قائل شده است... هامر و فردوسی بعنوان بزرگترین شعرای حماسه سرانه تنها برای یونان و ایران باستان بلکه برای سراسر خاور و باختر باقی خواهند ماند."^(۱)

بخش دوم کتاب شامل ترجمه ۲۴ قسمت شاهنامه تحت عنوان "رستم و سهراب" است^(۲) که به شرح نبرد رستم و سهراب می‌پردازد. بایراکتاروویچ در "سخن آخر" خاطر نشان می‌کند که مهمترین مسئله در ترجمه این بوده است که "از لحاظ فکری و اصطلاحاتی به اصل فارسی وفادار باقی بمانم."^(۳) مترجم در اینجا از استاد خود یعنی آقای "هنری ماسه" استاد زبان و ادبیات فارسی در مدرسه زبانهای شرقی فرانسه که بطور مستمر نسبت به کارهای علمی وی محبت و علاقه نشان داده است، سپاسگزاری می‌کند.^(۴)

"از اشعار فارسی" عنوان کتاب بسیار مهم دیگر بایراکتاروویچ است که در زمان حیات خود آماده و یکسال پس از درگذشت وی بمناسبت جشن ۲۵۰۰ ساله پادشاهی ایران به چاپ رسیده است.^(۵) استاد ماریا جوکانوویچ پیشگفتار و ملاحظات و یادداشت پیرامون نویسنده را به رشته تحریر درآورده است. جوکانوویچ در ۱۰ صفحه پیشگفتار بطور خلاصه به معرفی میراث ادبی فارسی بویژه شعر کلاسیک فارسی و برخی شعرای ایرانی پس از قرن ۱۵ و در عصر حاضر پرداخته است. بایراکتاروویچ در این کتاب از شعرای

۱ - همان منبع، ص ۱۳۰.

۲ - ترجمه شامل ۱۰۰ صفحه است و در پایان نیز اشارات و سخن آخر آمده است.

۳ - همان منبع، ص ۱۰۵.

۴ - همان منبع، ص ۱۰۶.

۵ - از اشعار فارسی، جمع‌آوری و ترجمه: فهیم بایراکتاروویچ، بلگراد، ۱۹۷۱.

صاحب نام ایرانی مانند رودکی، دقیقی، فردوسی، انوری، خیّام، نظامی، عطار، سعدی، رومی، حافظ و جامی چندین قطعه شعر را ترجمه کرده است. علاوه بر این، ۳۴ قطعه شعر از سایر شعرای ایرانی نیز آورده است که در میان آنان چند تن از شعرای قرن گذشته به چشم می‌خورد. در این کتاب خلاقان قصیده، غزل، رباعی و شعرهای حماسه‌ای، عرفانی و ادبی - اخلاقی معرفی شده است.

مروری بر اشعار ایرانی یادشده نشان می‌دهد که بایراکتاروویچ این اشعار را به زبان اصلی یعنی فارسی خوانده و عمیقاً درک و با موفقیت کامل ترجمه کرده است. او از طریق این کتاب خدمت بزرگی به جامعه کرده است تا با بهترین شعرهای شعرای ایرانی آشنا شویم.

آری، احساسات عمیق و خالص استاد میودراگ ایبروواتس همکار چندین ساله، دوستان بایراکتاروویچ در مراسم وداع با وی تأثرانگیز است. در این مراسم استاد ایبروواتس گفت که بایراکتاروویچ نه تنها شرق‌شناس کم نظیری بوده است، بلکه آشنا به زبان و ادبیات اروپا نیز بوده است. همکاران وی بویژه بوگدان پوپوویچ ارزش خاصی برای وی قائل بودند. پوپوویچ و بایراکتاروویچ در قالب ادبیات جهانی با اشعار شرقی عمر خیّام، سعدی، حافظ و سایر شعرای کلاسیک آشنا شدند.^(۱)

همچنین، دکتر میلیان مویاشوویچ رئیس وقت دانشکده ادبیات طی سخنانی گفت که بایراکتاروویچ نقش بسزایی "در رشد دانش و فرهنگ یوگسلاوی" داشته است. وی در بخش دیگری خاطر نشان ساخت که با درگذشت وی "بعنوان دانشکده، دانشگاه و کشور یک دانشمند برجسته را از دست می‌دهیم و آثار علمی وی را به ارث می‌بریم. ما یک استاد را از دست

۱ - در ضمیمه‌های دانشکده ادبیات، ج ۱۰، دفتر ویژه فهیم بایراکتاروویچ، بلغراد،

می‌دهیم که گستردگی کارهای علمی وی وارث و رهرو را وادار به فعالیت بدون وقفه می‌کند.^(۱)

ماریا جوکانوویچ در ضمیمه خود تحت عنوان "پروفسور فهیم بایراکتاروویچ" اشاره می‌کند که استاد با تمام وجود در دانشگاه بلگراد کار کرده است و انس عجیبی با کتب داشته است بعلاوه بوگدان پوپوویچ، ارزش خاصی برای هنری ماسه ایرانشناس برجسته و استاد الجزایری خود که بعدها در پاریس تدریس کرده است قائل بوده است. جوکانوویچ در ادامه خاطر نشان می‌سازد که "استاد بایراکتاروویچ خدمت شایانی به نزدیک سازی شعر فارسی به عموم خوانندگان صربی کرده است" و "با ارائه اطلاعات تخصصی، توانایی برای استنباط اصیل، مقایسه روشن و توضیحات اصیل پدیده‌های ادبی و فرهنگی، از ویژگی و تمایز خاصی برخوردار است."^(۲)

با مروری بر آثار بایراکتاروویچ می‌توان به این نتیجه رسید که دکتر بایراکتاروویچ با بسیاری مراکز علمی و فرهنگی اروپایی و غیر اروپایی ارتباط داشته و معلومات و ایده‌های علمی خود در بخش زبان فارسی و ادبیات فارسی، عربی و ترکی را به اطلاع این مراکز رسانده است. همچنین، نتایج مطالعات گسترده زبانشناسی و فرهنگ اسلامی در بدنه یوگسلاوی سابق و فعلی را معرفی و مشهور کرده است. همکاری گسترده‌ای با شمار

۱ - همان منبع، ص ۳۰.

۲ - ضمیمه دانشکده ادبیات، ج ۱۰، ۱۹۷۰، بلگراد، ۱۹۷۰، ص ۵، ۴، ۳، ۱. اضافه کنم که استاد هنری ماسه مولف کتب زیر است:

Essai sur le poete saadi (Paris, 1919),

Firdousi et l'epopee nationale, (Paris, 1935),

Anthologie persane (Xle-XX siecles, Paris, 1950.

زیادی ایران‌شناس و محققین علوم اسلامی در جهان بویژه در ایران، مصر، الجزایر، آلمان، فرانسه و سایر کشورها داشته است. بایراکتاروویچ دارای محبوبیت جهانی بود. شاهد این امر شرکت و حضور وی در بسیاری از همایش و گردهمایی‌های علمی و تخصصی بین‌المللی و عضویت وی در چندین انجمن شرق‌شناسی و پژوهشی فرهنگ اسلامی در کشور (عضو کمیته ساختار شرق‌شناسی وابسته به فرهنگستان علوم و هنر صربستان) و خارج از کشور (عضو جامعه شرق‌شناسان آلمان و عضو Societe asiatique در پاریس) و کمیته‌های سایر انجمن و جمعیتها.

دکتر بایراکتاروویچ نخستین ایران‌شناس و شرق‌شناس یوگسلاوی است که متدولوژی علمی معاصر را در کارهایش مورد استفاده قرار داده است.^(۱) بکارگیری این متد مدرن کار علمی و شکل پژوهش بویژه در بخش ایران‌شناسی و تا حدی عرب‌شناسی و ترک‌شناسی از ویژگی خاصی برخوردار است که این تفکرات علمی اثرات عمیقی برجای گذاشته است.

البته می‌توان افکار و نظریات زبان‌شناسی طبیعی فهمیم بایراکتاروویچ را بطور جداگانه تحلیل و تجزیه نمود و مطالعات شرق‌شناسی وی بویژه در بخشهای زبان و ادبیات عرب، ترک‌شناسی و پژوهش ایران‌شناسی وی را بررسی کرد. همچنین می‌توان فهمیم بایراکتاروویچ را بعنوان مترجم، نقاد علمی و ادبی، تسلط یافته بر چند زبان و آشنا به ادبیات و زبانهای اروپایی، گردآورنده کتابهای گوناگون، حماسه سرا و گردآورنده آداب و رسوم ملی و استاد دانشگاه مورد مطالعه قرار داد. نسل دانشمندان امروزی تنها با جمع آوری و انتشار کارهای علمی وی و یا حداقل مروری بر کلیه بخشهایی که وی در طی حیات کاری خود به آن پرداخته است می‌توان به بهترین وجه پاسخ به خدمات علمی وی در تمامی بخشها بویژه بخش ایران‌شناسی داد. نباید

۱ - دایرة المعارف یوگسلاوی ۱، زاگرب، ۱۹۸۴، ص ۴۸۷.

فراموش کنیم که مؤسس شرق‌شناسی مدرن در یوگسلاوی متدولوژی اروپای غربی را در کارهای خود بکار گرفته است و بعنوان شرقشناس و ایرانشناس دارای شهرت بین‌المللی شد.

در اینجا مناسب است دارد که خاطر نشان کنیم که استاد بایراکتاروویچ بطور اساسی در بخش ایرانشناسی پژوهشهای عمیقی انجام داده و آن را و دیگر بخشهای علمی را غنی ساخته است. در واقع، استاد خستگی‌ناپذیر مدت ۵۰ سال ایرانشناسی و اسلام‌شناسی در جهان را دنبال کرده است. به عبارت دیگر، کلیه آثار مهم و انتشارات ویژه در این زمینه را ثبت و در زمان مناسب درباره آنان به نقد و ارزیابی پرداخته است و در عین حال شاخه اسلاو‌شناسی و دیگر شاخه‌های علمی را فراموش نکرده است.

بسیاری از کارهای وی ضمیمه‌های کوتاه، بعنوان آثار باارزش و گرانقدری است که گنج‌اسلامی - شرقی یعنی عربی - فارسی - ترکی و میراث معنوی در غرب را معرفی می‌کند. با مطالعه مقاله کوتاه وی تحت عنوان "آرشیو اصلی استانبول و اسناد آن" می‌توان استنباط نمود که بایراکتاروویچ گام به گام رشد و پیشرفت علم و دانش و دستاوردهای پژوهشهای علمی در شرق و غرب را بخوبی دنبال کرده است.^(۱) برای نمونه وی در ارتباط با اهمیت منشورنامه می‌گوید: "قبلاً منشور در غرب و شرق از اهمیت کمی برخوردار بوده است. هامر تاریخ شناس غرب تنها کسی است که اهمیت آن را در مد نظر داشته است و پچوی تنها شرقی است که به آن اهمیت داده است."

همچنین در آثار بایراکتاروویچ به موضوعات و نظریات زیادی برخورد می‌کنیم که وی اظهار کرده است. استاد درباره مجله "ووستوک" (پتروگراد،

۱ - ضمیمه‌هایی برای دانشکده تاریخ و ادبیات شرقی، ساریوو، VII-VI، ۱۹۵۸، ص

۱۹۲۴) که شرق‌شناسان روسی انتشار داده‌اند و برای دایرة المعارف اسلام مبنی بر اینکه نویسندگان عرب در گذشته چگونه نردن صرب و سایر قوم اسلاو را توصیف کرده‌اند (۱۹۲۸) مطالب ارزنده‌ای نوشته است و متن نوشته‌های ترکی پیرامون بخشهای مختلف یوگسلاوی بویژه منطقه باچکا را آورده و مرور کوتاهی بر سفرنامه‌های گذشته مانند سفرنامه اولیا چلبیا مربوط به نیمه دوم قرن ۱۷ و غیره داشته است. اجمالاً، فهیم بایراکتاروویچ یک انسان پرنرژژی و جستجوگر معلومات سیستماتیکی علمی بود، با این باور که تنها اینگونه معلومات می‌تواند موجب تفاهم و در خدمت بشر باشد و ارزش آن بالاتر از هرگونه ثروتی است. گویا که پندهای علی بن ابی طالب (ع) در نهج البلاغه (زاگرب، ۱۹۹۴، ص ۲۴۴) را در زندگی خود بکار گرفته است که می‌فرماید: "ای کمیل، علم و دانش بهتر از دارایی و مال است. دانش تو را حفظ می‌کند، در حالیکه تو خودت باید دارایی را حفظ کنی. دارایی و مال با مصرف کردن کم می‌شود، در حالیکه علم و دانش با مصرف کردن افزایش می‌یابد."

آثار فهیم بایراکتاروویچ مزین به اخلاق مثبت، زیبایی و سایر احساسات است که در گلچین "در بغل شعرهای مردمی بوسانسکوگ اسکوپلیا"^(۱) مشهود است و در شعرهای خود تأکید زیادی بر عشق مادری کرده است.

۱ - این گلچین دارای ۲۸ صفحه است که فرهنگستان علوم و هنر صربستان در سال

۱۹۶۰ منتشر کرده است.

خلاصه:

کوشگری و دستاوردهای علمی تفکیک‌ناپذیر چندین ساله بایراکتاروویچ در ایران‌شناسی و سایر بخش‌های علمی وی با موارد زیر پیوستگی و ارتباط دارد:

- (۱) تخصص عالی و شناخت اساسی با زبان و ادبیات فارسی و شرقی؛
- (۲) شناخت خوب از زبانهای فرانسوی، آلمانی، انگلیسی و برخی زبانهای اروپایی و پیگیری و ارزیابی نقدی آثار به این زبانها که در ارتباط با ایران‌شناسی یا ادبیات عربی و یا ترکی و میراث معنوی شرق به تحریر درآمده‌اند؛
- (۳) برخورداری از اطلاعات و معلومات مختلف و غنی (بویژه از تاریخ تمدنها) و تجربه بسیار مثبت بویژه در حوزه دانشگاه؛
- (۴) علاقه وافر و حس کنجکاوی روشنفکری؛
- (۵) نتایج مذکور در ارتباط نزدیکی با تأثیر دروس استاد ایران‌شناس (هنری ماسه) و مراکز آموزشی بویژه در الجزایر است؛
- (۶) همچنین تأثیر ارتباط (مستقیم، مکاتباتی و تبادل منابع) با ایران‌شناسان اروپایی و غیراروپایی، سایر شرق‌شناسان، فلاسفه و دیگر دانشمندان غیر قابل انکار است؛
- (۷) بایراکتاروویچ به دلیل متدشناسی نیز به این مسئله بویژه بکارگیری متد تطابقی و این نوع پژوهش پرداخته است، در نتیجه در سرزمین ما موفق به برقراری ارتباط نزدیک علمی بین شرق و غرب شده است؛
- (۸) بایراکتاروویچ شیفته و اسیر زیبایی و اهمیت فرهنگی و تاریخی ادبیات بویژه اشعار صاحب‌نامان کلاسیک فارسی (فردوسی، خیام، حافظ و غیره) بود؛

هدف اسای بایراکتاروویچ، در وهله نخست ترجمه آثار مهم از فارسی مانند رباعیات خیام، شهرهای فارسی، بخشهای از شاهنامه فردوسی و نگارش درباره مهمترین آثار و حیات و دیدگاههای ادبی - هنری شاهکاران ایرانی بوده است. در این راستا، وی اولویت را به آن دسته‌ای داده است که در زمره نویسندگان جهانی بوده تا بدین وسیله این میراث معنوی ارزشمند در دسترس خوانندگان یوگسلاوی قرار بگیرد.

با اعتراف به نقش و خدمت مهم بایراکتاروویچ این دانشمند ارجمند در مطالعات مربوط به ایران و کلاً ایران‌شناسی، باید خاطر نشان ساخت که با این حال وی ایران‌شناسان قبل از خود که اهل این دیار بوده را فراموش کرده است. برای نمونه می‌توان به احمد سودی افندی، اهل سارایوو (قرن ۱۶)، سرسم علی‌دد، اهل تتووا (قرن ۱۶)، درویش پاشا بایزید آگیچ، اهل موستار (قرن ۱۶)، شیخ سلیمان عاجیزه‌بابا که در پریزن فعالیت داشته و درگذشته است (نیمه دوم قرن ۱۷ و اوایل قرن ۱۸)، شیخ فوزیا بلاگایاتس، اهل موستار (سال درگذشت ۱۷۴۷) که دکتر بایراکتاروویچ درباره وی تنها به یک مرور مختصر بسنده کرده است، فاضل پاشا شریف‌ویچ، اهل سارایوو (قرن ۱۹)، محمد بییک کاپتانوویچ لیوبوشاک (سال درگذشت ۱۹۰۲) و صافوت بییک باشاگیچ، اهل نوسینیه (سال درگذشت ۱۹۳۴) که تنها درباره ترجمه رباعیات خیام وی (و نه شخص وی) مطالبی را به رشته تحریر درآورده است. حتی یک کلمه درباره دکتر شاپیر سیکیریچ و دیگر ایران‌شناسان جوان ذکر نشده است. البته همانطوری که می‌دانیم این موارد به هیچ وجه خدمات بزرگ دکتر فهمیم بایراکتاروویچ در رشد ایده ایران‌شناسی و مطالعات وی درباره ایران را کم ارزشتر نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

مهمترین نتیجه تئوری و استنباط کلی این کار تحقیقی عبارت است از:

(۱) تائید می‌شود که تفکرات علمی، فلسفی و فرهنگی ایران‌شناسی در بسیاری از مناطق یوگسلاوی سابق طی حکومت پنج‌قرنی ترک‌های عثمانی حضور داشته است و در مقطع خاصی بویژه قرن‌های ۱۶، ۱۷ و ۱۹ این حضور بیشتر و گسترده‌تر بوده است.

(۲) مشکل و شاید غیر ممکن باشد تا با کمک متدهای علمی ثابت نمود که در چه زمانی این تفکر شرق و ایران‌شناسی در سرزمین ما بوجود آمده و تا چه میزانی رشد و پیشرفت داشته است. لکن، با توجه به این واقعیت که ایده‌های ایران‌شناسی و علائم تأثیر و نفوذ آن در اینجا روز به روز بیشتر و محسوس‌تر بوده است و از سوی طبقات و قشرهای مختلف جامعه بویژه قشر شهری و روشنفکر پذیرفته شده است، بدون هیچگونه اغراقی می‌توان تائید نمود که از این بعد شمار کثیری ایران‌شناس یعنی نه ۱۰ یا ۱۵ یا ۲۰ ایران‌شناس بلکه به مراتب شمار بیشتری تربیت یافته‌اند.

(۳) این سؤال اساسی و مهم مطرح است: ایجاد علاقه و رغبت سریع در زمان حاکمیت فتودالی بویژه در این بخش بالکان نسبت به افکار فلسفی و عرفانی رومی و اشعار بویژه مثنوی وی را چگونه می‌توان توضیح داد. حداقل به دو واقعیت اشاره می‌کنیم: افراد معدودی در مقام مفسر کلاسیک ایرانی - فارسی مانند سودی، شامی (از پریزرن) و دیگر نواحی یوگسلاوی وجود داشته‌اند. برای نمونه، سودی در قرن ۱۶ می‌زیسته است و در سارایوو متولد شده است. وی به مفسر آثاری همچون مثنوی رومی، گلستان و بوستان سعدی و دیوان حافظ شهرت داشته است. این شخصیت آشنا به ادبیات فارسی و مدرس ارجمند و توانا در استانبول یک چنین تفسیری موفق و اصیل نگارش کرده است که وی را از لحاظ تفکرات عمیق، استنباط مستقلانه و نقدهای واقع بینانه نسبت به این آثار، نه تنها در زمره باارزشتین پژوهشگران عصر خود، بلکه بعنوان باارزشتین مفسر این آثار در همه عصرها بشمار می‌آورند. واقعیت دیگر عبارت از وجود حدود ۲۰۰ نسخه دستخطی به

زبانهای شرقی در پریزرن است. البته نسخه‌های فارسی مثل قانون پزشکی ابو علی سینا، یک تفسیر قرآن به فارسی، شرحی بر گلستان سعدی و غیره در میان آنان نیز وجود دارد.

واقعیت سوم این است که یک سند بسیار ارزشمند علمی بنام "طومار" در تکیه خانه قدیمی فرقه خلوتیه در اوراخوانس (قدمت تکیه خانه به ۳۰۰ سال می‌رسد) محفوظ است که بر کاغذ مخصوصی در قطع ۱،۵ متر مربع با حروف بسیار ریز و غیر قابل رؤیت برای چشم غیر مسلح نوشته شده است. البته رمزشکنی و آنالیز علمی این "طومار" برای تصوف، تاریخ، الهیات و فرهنگ‌شناسی اسلامی حائز اهمیت خواهد بود. همچنین، ۲۵ کتاب چاپی و دست نویس دیگر با خط عربی و زبانهای عربی، ترکی و فارسی و در برخی به زبان صربی - کرواتی در این تکیه خانه وجود دارد. (البته فهرست و اسامی نویسندگان این کتابها نزد من موجود است).

واقعتهای یادشده ثابت می‌کند که علاقه در زمینه شرق‌شناسی بویژه ایران‌شناسی از دیر زمان وجود داشته و حتی در نواحی و محیطهای کم پیشرفته نیز وجود داشته است. کشف این حقایق، که آثار فرهنگ اسلامی - ایرانی و شخصیهایی که با زبان فارسی آشنا و در خدمت آن بوده و میراث معنوی شرقی را به این منطقه انتقال داده‌اند، در یوگسلاوی بسیار است، جزء وظیفه و تکلیف اولیه دانش بویژه شاخه شرق‌شناسی یعنی ایران‌شناسی است.

۴) قشر تحصیلکرده کلیه اقوام از تمامی نقاط یوگسلاوی سابق بویژه بوشنیاهای بوسنی و هرزگوین (مسلمانان) و سنجاک، آلبانی تباران و ترکهای کوزوو و برخی ادبا و دانشمندان صرب، کروات و اسلوونیایی تفکرات فلسفی فارسی - ایرانی را پرورش و گسترش داده و از نزدیک به دانش ایرانی و بزرگان آن در گذشته آشنا شده‌اند. همچنین، دستاورد و نتایج علمی - هنری را با هم ترکیب و در حد امکان آن را عملی ساخته‌اند و بالأخص ادبیات و زبان فارسی را مطالعه کرده‌اند.

در این راستا می‌توان به تعدادی از آنان اشاره نمود؛ سودی از پریزن که مابین قرن ۱۵ و ۱۶ می‌زیسته است، یحیی - بی‌دوکاجینیا از پلاو و احمد سودی افندی از سارایوو، درویش پاشا بایزید آگیچ از موستار هر سه مربوط به قرن ۱۶ هستند. این شخصیتها و دیگران که در ادامه معرفی می‌شوند در زمره نویسندگان و مترجمین و آشنایان به زبان و ادبیات فارسی و مطالعه کنندگان ایران‌شناسی هستند. در اینجا به تعدادی از آنان که بعدها ظهور کردند اشاره می‌شود: سلیمان عاجیزه‌بابو در پریزن (۱۸-۱۷م)، فوزیا بلاگایتسا شاعر فارسی و نویسنده بلبلستان (سال درگذشت ۱۸۴۷)، محمد بیگ کاپتانوویچ (سال درگذشت ۱۹۰۲)، دکتر صافوت بیگ باشاگیچ (سال درگذشت ۱۸۳۴)، دکتر فهیم بایراکتاروویچ (سال درگذشت ۱۹۷۰)، شیخ محرم میتروویتسا (سال درگذشت ۱۹۷۵)، دکتر شاجیر سیکیریچ (سال درگذشت ۱۹۶۸)، میلیووی میرزا عبدالرحمن مالیچ در سال ۱۸۹۷ در ایمو تسکا تولد یافت. در نزد صربها ادیب یووان یووانوویچ آزمای که در سال ۱۹۰۴ درگذشت، و شهرت دارد. همچنین، می‌توان به استاد دیان بوگدانوویچ و دکتر ایووان اسینخ (سال درگذشت ۱۹۶۶) از کرواسی و کارل گلاس (سال درگذشت ۱۹۱۳) از اسلونی اشاره نمود.

۵) اطلاعات و معلومات تئوری مهمی در ارتباط با ایران‌شناسی در جهان بویژه در اروپا و برخی کشورهای بالکان وجود دارد. بنابراین، کشورهای امریکا و شبه قاره هند نمونه کشورهای غیر اروپایی، فرانسه، لهستان، انگلستان، ایتالیا، کشورهای آلمانی زبان و غیره نمونه کشورهای اروپایی و آلبانی نمونه کشورهای بالکانی است. با بررسی و مطالعه می‌توان نتیجه گرفت که تفکر ایران‌شناسی در بسیاری کشورها حضور نسبی داشته است و در اکثر این کشورها در قرن گذشته (و در برخی از قرن ۱۶) بوجود آمده و در برخی دیگر با طی روند سریع در قرن ۲۰ رشد کرده است.

همچنین برخی اسامی بخش‌های علمی مانند هندشناسی، شرق

شناسی، ترک‌شناسی، عرب‌شناسی و غیره در ارتباط تنگاتنگ با اهمیت موضوع ایران‌شناسی است و یک فصل جداگانه به آن اختصاص داده شده است. مطالعات این بخش نشان داده است که تحقیقات (علمی، تئوری) در کشورهایی همچون ایران علیرغم اینکه از لحاظ عمیق بودن و هماهنگی متفاوت بوده است با این حال بویژه در برخی کشورهای اروپایی بسیار غنی‌تر بوده است. در این زمینه بخصوص زبان فارسی و سایر زبانهای ایرانی، ادبیات ایرانی - فارسی، تاریخ و قوم‌شناسی در ایران و دیگر شاخه‌های ایران‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفته است.

اشاره به این نکته حائز اهمیت است که برخلاف کشورهای اروپایی که زبان و ادبیات فارسی بصورت تئوری بویژه در بخشهای ایران‌شناسی مطالعه می‌گردید، در سرزمین یوگسلاوی سابق بویژه در بوسنی و هرزگوین، کوزوو، مقدونیه و سنجاک بصورت عملی به زبان و ادبیات فارسی و شخصیت‌های کلاسیک ایرانی و آثار آنان پرداخته می‌شده است و در حیات روزمره مردم این سرزمین بویژه در بین مسلمانان و میراث معنوی آنان وجود داشته است (بویژه وجود واژه و اصطلاحات کثیر اصیل فارسی در مکالمات روزمره). برخی مراکز در این مدت زمان طولانی در یوگسلاوی وجود داشته‌اند که مطالعات ایران‌شناسی و دستاوردهایی در این زمینه نتیجه فعالیت آنان است. بخش شرق‌شناسی در بلغراد، زاگرب و ساریوو و مطالعات ایران‌شناسی در آن، همچنین بنیاد درویش پاشا بایزید آگیچ در موستار که برای مطالعه و تدریس مثنوی رومی ایجاد شده است، نمونه بارز مراکز یادشده به شمار می‌آید. بایزید آگیچ بازبان فارسی آشنایی کامل داشت و علاوه بر آثار زیادی که برجای گذاشته است، مؤلف یک مجموعه دیوان به فارسی و چندین ترجمه از فارسی به ترکی است.

۶) این کار تحقیقی علاوه بر ارائه نتایج، نشان می‌دهد که بسیاری از دانشمندان و پژوهشگران غالباً به این مسئله بوسیله دو پایه و تعریف کلی

یعنی: مطالعه ایران و ایران‌شناسی شناسایی می‌کنند. البته بدون شک تحقیقات ما نشان می‌دهد که این دو عنصر (مطالعه پیرامون ایران و ایران‌شناسی تخصصی) تفکیک‌ناپذیر هستند. یک فردی که پیرامون زبان فارسی و یا دیگر زبانهای ایرانی مطالعاتی دارد چگونه می‌تواند بدون کمک از تاریخ ایران و مرتبط ساختن خصلت نژادی و روانی مردم ایران و جغرافیای ایران و غیره در این زمینه تحقیق نماید. همچنین، عملاً بدون مطالعه و تحقیق زبان ایرانی و ارتباط دادن عمیق فرهنگ زبانی - ادبی آن، محال است بخش معنوی ایران از جمله آداب و رسوم، اعتقادات مختلف در گذشته و حال و سایر بخش‌های فرهنگی و یا مطالعه تاریخ قبایل عشایر ایران و یا تاریخ ۱۳ ساله معاصر ایران را مورد مطالعه و تحقیق قرار داد. علیرغم این ارتباط چند جانبه و بسیاری عناصر مشترک و حتی نفوذ کردن (مثل: محتوا)، با این حال مطالعه نمودن ایران و ایران‌شناسی را نمی‌توان تصور یکسانی قلمداد کرد؛ به عبارت دیگر بطور کامل یکی نیستند. زیرا، مفهوم و معنای آن یکی نیست. (Iran Studies / Iranology). ایران‌شناسی (Iranologia) از نظر حجم بویژه محتوا، یک تصور و ایده گسترده و فراگیر است. زیرا شامل زبان، آموزش، تاریخ، فرهنگ، آداب و رسوم، هنر و کلاً کلیه بخشهای حیات معنوی ایرانی نیز می‌شود. در حالیکه مطالعه ایران (Iran Studies) با کمک تاریخ غالباً به مسائل زبان و ادبیات نزد ایرانیان پرداخته و آشکارا این دو بخش را مورد تحقیق و پژوهش قرار می‌دهد.

۷) مطالعه رشد و تکامل علوم و دانش ایرانی در تاریخ و نزد نمایندگان اصلی آن، مانند بیرومی، برخی فلاسفه و نظریات و دیدگاههای فلسفی آنان، نظام و سیستم در گذشته نزد برخی دیگر (مانند ابن سینا و الغزالی) و همچنین پرداختن به شخصیت‌های کلاسیک ایرانی در ادبیات (مثل خیام)، در این مطالعه مورد توجه قرار گرفته است هر چند این توجه در حد کوتاه و اطلاعات عمومی و اساسی بوده است، لکن این اطلاعات مهمی درباره آنان است.

علل آن بسیار است که در وهله اول دارای ماهیت عملی و متدلوژیی است. یک عنصر متدلوژیی دیگر که برای ادامه مطالعه بسیار مهم است، وجود دارد. این عنصر بدین ترتیب است: رشد ایران‌شناسی و مسائل مربوط به ایران‌شناسی در هیچ کشوری با منزوی بودن و بدون وابستگی متقابل با تحقیقات مشابه در کشورهای همسایه و سایر کشورها و بویژه بدون تعقیب و شناختن نتایج و دستاوردهای ایران‌شناسی و مطالعات ایرانی در خود ایران که در دهه‌های جدید قرن حاضر (حدوداً از دهه ۳۰) شناخته‌تر و برای دانش جهانی هرچه بیشتر قابل دسترسی است، نمی‌تواند بطور همه جانبه و فراگیر و مداوم مورد مطالعه قرار گیرد.

علاوه بر دانشگاه تهران که در سال ۱۹۳۴ تأسیس و با بیش از ۱۳ دانشکده و دیگر واحدهای دانشگاهی و بخشهای گوناگون علمی، دارای کارنامه درخشان و دستاوردهای ارزشمند علمی در مقوله‌های مختلف علمی بویژه در مورد مطالعات ایرانی دارد، باید حداقل به تأسیس یک انستیتوی مهم دیگر در سال ۱۹۵۵ به نام مؤسسه ترجمه و مقالات در تهران اشاره کنیم که در پی آن صدها آثار خوب ایران‌شناسی به زبانهای اروپایی (غالباً فرانسوی) بطور گسترده بزبان فارسی برگردانده شد.

۸) در جاهای مختلف این مطالعه بویژه در فصل دوم نشان داده شد که آثار خطی و چاپی گوناگونی که محفوظ مانده‌اند، در یوگسلاوی مورد توجه خاص و استفاده قرار گرفته است و بخشی نیز متأسفانه به دلیل جنگها و تخریب مراکز فرهنگی از بین رفته‌اند. این کتابها بعنوان نوشتجات اصل و یا رونوشت آثار کلاسیکهای ایرانی، آثار خطی و چاپی ایران‌شناسان بوشنیاک، ترکی، آلبانیایی و غیره تایید می‌کنند که انسانهایی از محیطهای مختلف وجود داشته‌اند که بدلیل علاقه وافر و شدید به آثار ابن سینا، فردوسی، خیام، رومی، حافظ، عطار، سعدی، جامی، نگارشهایی یا تفاسیری درباره آن نوشته و یا برخی از آثار آنان را ترجمه کرده‌اند. البته برخی نویسندگان تحت تاثیر

آنان اقدام به نگارش اثر با ارزش خویش کرده‌اند. این اقدامات در ارتباط با ایران‌شناسی در سرزمین ما انجام گرفته است و در عصر جدید بیش از پیش ادبیات فارسی مورد مطالعه علمی قرار گرفته است. بدین صورت که برخی دانشمندان (مانند دکتر فهیم بایراکتاروویچ و دکتر بجیر جاکا و دیگران) که مؤلفین کتاب درسی تاریخ ادبیات فارسی نیز هستند، به این مسئله از ابعاد علمی، آموزشی، فلسفی و دین‌شناسی و غیره بویژه اهداف فرهنگ‌شناسی و عملی پرداخته‌اند.

این آثار تنها از بخش زبان و ادبیات فارسی نبوده بلکه مشمول سایر بخشهای ایران‌شناسی و فراتر از آن یعنی اسلام‌شناسی مثلاً درباره فلسفه عرفانی - تصوفی، اخلاق اسلامی، شرح بر هر یک از آثار مهم ادبی - علمی فارسی، قرآن، حدیث، سنت اسلامی، عقاید فرقه‌های درویشی بویژه فرقه‌های مولویه، خلوتیه و ملامیه، علوم پزشکی، جغرافیا، تاریخ، زمین‌شناسی و علم نجوم، نیز می‌گردد. اما در ارتباط با آثار به زبان فارسی باید گفت که در برخی مناطق یوگسلاوی سابق آثار خطی و چاپی که از زبان یونانی به فارسی برگردانده شده است، موجود است. این آثار درباره مورفولوژی زبان فارسی، قسمتهایی از دستور زبان فارسی، سبک‌شناسی، متریک و واژه‌شناسی مانند فرهنگ لغت عربی - فارسی و فارسی - ترکی و دیگر لغتنامه‌ها می‌باشند. یقیناً آثار حفظ شده مذکور، علاوه بر محتوای غنی و گوناگون خود نیازمند تحقیقات جداگانه و ویژه‌ای می‌باشند. زیرا بسیاری از این آثار دارای ویژگی ارزش علمی و ادبی هستند و برخی نیز دارای اهمیت دین‌شناسی ویژه و یا قدمت طولانی هستند (برخی از این آثار مربوط به اواخر دوره اولیه فتودالیسم یعنی قرن ۱۰، ۱۱ و ۱۲ است).

۹) امکان برای انجام مطالعات درباره یک سری موضوعات گسترده یا حدود که این کار تحقیقی و نتایج آن شروع و آغاز آن است وجود دارد و این یکی از ویژگیهای مهم آن است.

یکی از این موضوعات گسترده می‌تواند "رشد و خدمت تاریخی و نقش ایران‌شناسان آلبانیایی" (با بررسی خاص بر ایران‌شناسان مشهور در آلبانی). زیرا با انجام این کار اعمال متد تطابقی در جهت تأیید تشابه و تفاوت بین تصورات و نظریات ایران‌شناسان بوشنیایی و آلبانیایی که برای ایران‌شناسی نیز بسیار مهم است، امکان‌پذیر خواهد بود. چراکه بدین وسیله می‌توان فاکتورهای اصلی و شدت تاثیرشان بر تفکر ایران‌شناسی و استفاده واژه فارسی در زبان یوگسلاوی و مکالمه روزمره ما را نشان خواهد داد.

در اینجا به یک سری موضوعات محدود نیز اشاره می‌کنیم: فراگیری زبان فارسی در مدارس اسلامی ما (در مدارس، روژدیا، دارالمعلمین در گذشته)، در گروه‌های مطالعات ایرانی (بلغراد، زاگرب و سارایوو)، برپایی دوره‌های ویژه آموزش زبان فارسی در سرزمین ما (برگزاری این دوره‌ها توسط رایزنی فرهنگی در بلغراد، زاگرب، تیرانا و سارایوو).

۱۰) کلی‌ترین نتیجه‌گیری و بالاخره استنباط کلی که از این کار تحقیقی حاصل می‌شود این است که ارتباط علمی - فرهنگی، تربیتی، ادبی و زبانی بین سرزمینهای بالکانی و ملل آن با ملل ایرانی هم در گذشته و هم در دوره‌های خاصی در سطح عالی وجود داشته است. این کار تحقیقی ثابت می‌کند که هیچ فرهنگ و تمدنی، هرچند بزرگ همانند تمدن و فرهنگ ایران در هیچ مرحله رشد و تکامل روح بشری نمی‌تواند مطلقاً منزوی، بدون تاثیر و بدون ارتباط با سایر فرهنگها باشد.

فهرست منابع:

- عبدالقادر عیسی، حقیقت تصوف (مترجمین: احمد مشیچ و بسیم چتینیچ)، توزلا، کمیته جامعه اسلامی، ۱۹۹۸.
- ابوعلی بن سینا، نشریه MAK، نووی بازار، ش ۱/۱۹۹۳، ص ۴۳-۴۴.
- احمدی شریف، علوم تصوف دروغین کوزوویی، Glasnik VIS، ساریوو، ۴۲/۳، ۱۹۷۹، ص ۲۸۲-۲۸۵.
- علیاتاسیم، Rumiu dhe dhe thesaret e Letersise، تیرانا، ۱۹۹۷.
- علی بن ابی طالب (امام علی): نهج البلاغه، زاگرب، جامعه اسلامی، ۱۹۹۴.
- تاریخچه کتابخانه قاضی خسرویگ، ج ۱، ساریوو، ۱۹۷۲۷ ج ۳ و ۲، ساریوو، ۱۹۷۴، ج ۴، ساریوو، ۱۹۷۶.
- آندریچ نیکولا، درباره اهمیت کار شاعرانه و علمی دکتر صافوت بیگ باشاگیچ، ابزور، ش ۱۱۲ (۱۹۴۳/۵/۱۷)، ص ۱-۲.
- Arberry A.J, Glassical Persian Literarure, London, 1958.
- Arberry A.J, Omar Khayyam, London, 1950.
- اسدمحمد، سفر به مکه (برگردان از انگلیسی هیلموچریموویچ)، ساریوو، القلم، ۱۹۹۷.
- Avicenne, Poeme de la medicine, Paris, 1956.

Baba Rexzepe, *Misticizma islame dhe bektashizma*, New York, 1970.

بایراکتاروویچ فهیم، آثار ترکی در اوخرید، ضمیمه برای
زبان‌شناسی شرقی، ۵، ۵۵-۱۹۵۴، ساریوو، ۱۹۵۵، ص ۱۳۴-۱۱۱.

بایراکتاروویچ فهیم، میلووی مالیچ، docteur de l'universite de Paris
(تجدید چاپ اثر): (Bulbulistan du Shaikh Fevzi de Mostar, poete)
herzegovinien de langue persane پاریس، ۱۹۳۵)، در: ضمیمه برای
بیات، زبان، تاریخ و فولکلر، بلغراد، ج ۱۶، جزو ۲ (۱۹۳۶)، ص ۳۷۹-۳۷۵.
بایراکتاروویچ فهیم، گلچین شعرهای مردمی
بوسانسکوگ اسکوپیه، بلغراد، نائوچنا دلا، ۱۹۶۰.

بایراکتاروویچ فهیم، رستم و سهراب، (برگردان از فارسی
ف. بایراکتاروویچ)، بلغراد، انجمن ادبای صربستان، ۱۹۲۸، (ص ۲۰۸).

بایراکتاروویچ فهیم، فردوسی، بمناسبت انتشار کتاب: Firdousi et l,
epopee nationale، نوشته هنری ماسه، بلغراد، ۱۹۳۷، ج ۱، ص ۴۷۹-۴۷۵.
بایراکتاروویچ فهیم، اشعار فارسی، بلغراد، ۱۹۷۱.

بایراکتاروویچ فهیم، خط عربی دوبروونیک، بلغراد، آکادمی علوم و
هنر صربستان، ۱۹۶۲.

بایراکتاروویچ دکتر فهیم، اساس دستور زبان ترکی، بلغراد، نائوچنا
کنیگا، ۱۹۶۲.

بایراکتاروویچ فهیم، عبدالله اشکالیچ: واژه‌های ترکی در زبان صربی و
کرواتی، ضمیمه برای ادبیات، زبان، تاریخ و فولکلر، بلغراد، ج ۳۲، جزو
۱۹۶۶/۲-۱، ص ۱۲۳-۱۱۳.

بایراکتاروویچ فهیم، دایرةالمعارف اسلام، گایرت، ساریوو، ۴،
۱۹۱۱/۵، ص ۷۵.

بایراکتاروویچ فهیم، از حافظ، برگردان از فارسی ف. نکسهانی، گایرت (سارایوو)، ۶، ۱۹۱۳/۹-۸، ص ۱۷۱.

بایراکتاروویچ فهیم، از غزلیات فارسی: رباعیات عمر خیّام (برگردان از فارسی توسط ف. بایراکتاروویچ)، ندای ادبی صربستان، بلغراد، ۹/۱۹۲۳، ص ۲۶۷-۲۶۶.

بایراکتاروویچ فهیم، از غزلیات فارسی: قسمتهایی از سعدی (برگردان از فارسی ف. بایراکتاروویچ)، ندای ادبی صربستان، بلغراد، ۱۸، ۱۹۲۶/۵، ص ۳۴۸-۳۴۶.

بایراکتاروویچ فهیم، فیجرالد و عمر خیّام، استرانی پرگلد (بلغراد)، ۱، ش ۱۹۲۷/۲، ص ۱۱۴-۱۰۱.

بایراکتاروویچ دکتر فهیم، یک متن فارسی درباره نبرد در کوزوو، پولیتیکا (روزنامه)، بلغراد، ۱۸-۱۵/۴/۱۹۳۳.

بایراکتاروویچ دکتر فهیم، درباره ترجمه‌های ریکترت و ترجمه‌های شاهنامه، میسائو (بلغراد)، ۱۹۳۳، ش ۴-۱، ص ۲۰۵-۱۹۷.

بایراکتاروویچ فهیم، درباره مولودیه‌های ما و کلاً مولودیه، ضمیمه برای ادبیات، زبان، تاریخ و فولکلر (بلغراد)، ش ۱/۱۹۳۷، ص ۳۷-۱.

بایراکتاروویچ فهیم، تاثیر شرق بر گته، گودیشیتسا نیکوله چوپیچا (بلغراد)، ج XLVIII، ۱۹۳۹، ص ۱۳۲-۱.

بایراکتاروویچ فهیم، ایران بعنوان هدف مسافرین و ماجراجویان مختلف، پولیتیکا (بلغراد)، ۲۶/۴/۱۹۳۸، ص ۱۳.

بایراکتاروویچ فهیم، از ادبیات نوین فارسی: تعریف زاکانیا یا هجونامه فارسی حکمفرمایی تاتاری، استوارانیه (نشریه)، تستینه، ش ۸/۱۹۵۶، ص ۵۰۴-۵۰۰.

بایراکتاروویچ فهیم، خیّام نزد ما (مطالعه)، تاریخچه دانشکده ادبیات،

بلغراد، ۱۹۶۳/۳، ص ۲۲-۷.

بایراکتاروویچ فهیم، رباعیات (عمر خیّام). برگردان از فارسی، ملاحظات و سخن آخر درباره حیات و آثار عمر خیّام توسط فهیم بایراکتاروویچ، بلغراد، ۱۹۶۴.

بایراکتاروویچ فهیم، عمر خیّام - بزرگترین رباعی سرای جهان، فیلولوشکی پرگلد، بلغراد، ش ۱۹۶۵/۲-۱، ص ۳۱-۱۱.

بایراکتاروویچ فهیم، نگاهی به تاریخ ادبیات فارسی، گردآوری توسط ماریا جوکانوویچ و دارکو تاناسکوویچ، بلغراد، نائوچناکنیگا، ۱۹۷۹.

بایرامی قاسم، Historija e Pedagogjise per shkollatnormale، تیرانا، کریستو لواری، ۱۹۳۸.

Bala vehbi etj., Historia e letersise shqiptare, Prishtine, Rilindja, 1989.

باشاگیچ میرزا صفوت، پازناس شرقی، گایرت، ساریوو، ۸، ۱۰ (۱۹۲۴/۶/۱۶) / پیرامون شعرا: امامی شافعی، ابن عسکری، حافظ، وحدتی، میرزاصفوت، عمر خیّام/.

باشاگیچ میرزاصفوت، ترجمه‌ها (از یادداشت‌های عقب افتاده، ساریوو، نارودنا اوزدانیتسا، کالندار III، ۱۹۳۵، ص ۸۴-۸۵).

باشاگیچ میرزاصفوت، عمر خیّام، شعرهای عربی، ساریوو، ۷، گایرت، ۱۰، ۷ (۱۹۲۶/۶/۱). (ظاهراً خیّام اشعاری به عربی هم نوشته است).

باشاگیچ میرزاصفوت بیگ، بوسنایها و هرتسگوینها در ادبیات اسلامی، ساریوو، ندای موزه زمینی، ۱۹۱۲.

باشاگیچ دکتر میرزاصفوت بیگ، راهنمایی کوتاهی درباره گذشته بوسنی و هرزگوین (۱۸۵۰-۱۴۶۳)، ساریوو، ۱۹۰۰.

باشاگیچ صفوت بیگ، آثار برگزیده، ج ۲۰۱، ساریوو، اسوتلوستی،

۱۹۷۱.

باشاگیچ دکتر صفوت بیگ، آشنایی با کرواتها، بوسناییها و هر تسگوینیها در پادشاهی ترکیه، زاگرب، ماتیتسا خرواتسکا، ۱۹۳۱.

/باشاگیچ / میرزا صفوت، عمر خیام، رباعیات، ساریوو، ولاستینا ناکلادا، ۱۹۲۰. (برگردان ۱۰۱ رباعی از زبان فارسی).

/باشاگیچ / میرزا صفوت، حافظ، بر سر قبر فرزند، گایرت ۹، ۶ (۱۶/۳/۱۹۲۵)، ص ۸۳. همچنین شماره ۷ (۱/۴/۱۹۲۵)، ص ۱۰۱-۱۰۰. /باشاگیچ / میرزا صفوت، حافظ، "ساقی نامه" (شعر برای ساقی)، گایرت ۱۱، ش ۷ (۱۹/۴/۱۹۲۵)، ص ۱۰۲-۱۰۱؛ ش ۸ (۱۶/۴/۱۹۲۵)، ص ۱۱۴-۱۱۵.

/باشاگیچ / میرزا صفوت، عمر خیام، رباعیات، چاپ دوم، ساریوو ۷ گایرت، ۱۹۲۸.

باشاگیچ میرزا صفوت، مولودیه. براساس کتب معتبر، ساریوو، چاپخانه سهامی اسلامی، ۱۹۲۴.

باشاگیچ رجب اشیح صفوت بیگ (میرزا صفوت)، تروفاندا از دوبراوه هر تسگوین (۱۸۹۴-۱۸۹۰)، زاگرب، ولاستینا ناکلادا، ۱۸۹۶.

/باشاگیچ /: عمر خیام، رباعیات، برگردان از فارسی توسط میرزا صفوت (گردآوری و سخن آخر توسط علیا بیتیچ، زاگرب، ملادوست، ۱۹۵۴).

باشاگیچ صفوت بیگ، اندیشه‌ها و احساسات، ساریوو، ۱۹۰۵.

بازالا البرت، اوسینا (ابو علی الحسین ابن سینا، فیلسوف عرب)، دایرة المعارف کرواسی ۲، زاگرب، ص ۲۰.

برتلیس ا.، تاریخ ادبیات فارسی - تاجیکی، مسکو، ۱۹۶۰.

بیرونی ابوریحان (دانشمندان اسلامی را بشناسیم)، نور، بلغراد، ش

۱۸، ۱۹۹۸، ص ۲۷.

بلاشکوویچ یوسف، Arabische, turkiche und persische Handschriften der Univerzitatsbibliothek in Bratislava، براتیسلاو، ۱۹۶۱.

Buharaja Vexhi, Njeru, poeti, dijetari 1920-1987(Pergatitur dheme shenime nga Ahmet kondo), Tirane, 1995.

بلبلوویچ ادهم، ترکها و گسترش حکومت ترکی. با مقدمه‌ای بر تاریخ فرهنگی و سیاسی اسلام، سارایوو، بوسانسکا پوشتا، ۱۹۳۹.
بوشاتلیچ عصمت، گنج بر تیر، نور (بلغراد)، ش ۲، ۱۹۹۲، ص ۵۵-۵۶.

Corbin Henry, En Islam iranien, I-IV, Paris, 1971.

Corbin Henry, L'Homme de lumizre dans de soufizme iranien, Paris, 1971.

Corbin Henry, Philosophie iranienne et philosophie comparee, Paris, 1978.

Cabej Nelson, Nga historia e zhvillimit te shkences shqiptare, Tirane, 1980.

Cami Muhamet, Jusufi e Zulejhaja, Tirane, 1992.

چوکیچ عادل، نصیحت‌های حکما، نووی بهار، ۲، ۵ (۱۹۲۸/۷/۱۵)، ص ۶۵-۶۶؛ ش ۶ (۱۹۲۸/۷/۱۵)، ص ۸۳-۸۲. (۲۳ نصیحت از فارسی ترجمه شده است).

چولیچ لیلیانا، نقش اوقاف در گسترش فرهنگ و آموزش اسلامی، اورینتالیستیکا ۷۰، بلغراد، دانشکده ادبیات، ۱۹۹۷، ص ۹۳-۸۵.

چاتیچ رفیق، علوم دینی برای کلاس چهارم ابتدایی، ساریوو، القلم، ۱۹۹۶.

دمیرویچ ادریس، سفر، مقدمه‌ای بر خط قرآنی، ساریوو، ریاست جامعه اسلامی، ۱۹۹۷.

دیالوگ علمای اسلامی و اروپایی (برگردان از عربی توسط احمد اسماعیلویچ)، ساریوو، جامعه اسلامی، ۱۹۷۹.

دیزداری طاهر، Persizmat ne gjuhen shkipe, Perla, Tirane, nr. 1/1996, fq.4-11.

دوب-راچا قاسم، کاتالوگ خط عربی، فارسی و ترکی، کتابخانه قاضی خسرویگ در ساریوو، جزو ۲۰۱، ساریوو، کتابخانه قاضی خسرویگ، ۱۹۶۳ و ۱۹۷۹.

دوبراچا قاسم، از بدی دوری کن، ساریوو، القلم، ۱۹۹۸.

دوگوویچ یانکو، دومیچ برانیسلاو و دیگران، تحصیل و آموزش در جمهوری فدرال خلقی یوگسلاوی، زاگرب، اینفورماتور، ۱۹۶۱.

دوروشنکوا، آ، نظام آموزشی در ایران، مسکو، ۱۹۵۹.

دعا برای رفع بلا و ناراحتی (برگردان از عربی توسط موبرا عمراسپاهیچ)، ساریوو، القلم، ۱۹۹۶.

دوراکوویچ انس، شعر اسلامی قرن ۲۰، ساریوو، اسوتلوستی، ۱۹۹۰.

دو شاعر ایرانی: رودکی و عمر خیام (برگردان از زبان روسی و شرح توسط ابراهیم حاجیچ)، ماک (نووی بازار)، ش ۱۲/۱۹۹۶، ص ۳۱-۲۷.

Dy trandafilat e bukur (Ngjarjet deshpruese te Qerbelas), perkthye prej Tahsim Dylgjerit, Dureres, 1939.

جاکا بچیر، شعر حماسه‌ای مردمی ما و شاهنامه، ساریوو، اسوتلوست،

۱۹۷۶.

جوگو حسین، مروری کوتاه بر ادبیات فارسی، موستار ۱۹۱۴ (و چاپ ۱۹۲۴)

جوکانوویچ ماریا، بخش شرق‌شناسی ادبیات، اوریتالیستیکا، ۷۰، (مجموعه مقالات)، بلگراد، دانشکده ادبیات، ۱۹۹۷، ص ۲۰-۱۵.

جوریچ دکتر وویسلاو، ادبیات شرق باستان، بلگراد، ۱۹۵۱.

Gjulistani(gazete), Tirane, 1997.

ترجمه و شرح:

Ebu Hamid el-Gazali, Rruga deri ne , Prizren, Zeri Islam.

1991.shpetim(Ibrahimi Nexhat

ابو حمید غزالی، اسرار علوم قرآن (برگردان توسط حافظ جمایل ایبرانوویچ)، تراونیک، شورای جامعه اسلامی، ۱۹۹۷.

الزوویچ گلیشا، فهرست کتب تکیه خانه بکتاشیا در تتوا، یوژناصریبا، ۲۹، اسکوپیه، ۱۹۲۳، ص ۴۰۸-۴۰۵ (فهرست ۷۳ کتاب خطی).

انتشار خصوصی، ۱۹۹۰، Prizren، (ترجمه: El-Gazali, Ejjuhel Weled,

O djalosh(Miftar Ajdini, Nexhat Ibrahimi

الغزالی، نور ما (ترجمه و پیشگفتار: انس کاریچ)، بموست زنیستا،

۱۹۹۷.

اسهیل، پارسیان، بلگراد (راد)، ۱۹۷۶.

اسیح ایوان، دفترچه باشاگیچ در اسلوواک، اوبزور، ۱۲۹ (۱۹۳۷/۶/۹)،

ص ۲.

اسیح دکتر ایوان، ترکیسم - فرهنگ لغت واژه‌های ترکی، عربی و فارسی

در زبان ادبی و عامیانه کرواسی، زاگرب، ۱۹۴۲.

- فضلیچ فاضل، تجوید. قواعد آموزش قرآن، ساریوو، القلم، ۱۹۹۷.
- فیلیپویچ رودولف، تئوری زبان در ارتباط، زاگرب، ۱۹۸۶.
- فردوسی، شاهنامه، مسکو، ۱۹۶۳/۲۱، ۱۹۶۵/۴۳، ۱۹۶۷/۶۵.
- Fitsgerald Edward, The Rubaiyat of Omar Khayyam, London, 1859.
- Fjalor enciklopedik shqiptar, Tirane, 1985.
- Fjalor i fjaleve te huaja(grupi autoresh), Prishtine, 1988.
- Fouchecour C.H. de: Ladescription de la nature dans la poesie lyrique persane du XI e siecle, Paris, 1969.
- فرای ریچارد، میراث ایران، مسکو، نائوکا، ۱۹۷۲.
- فرانگربرت، ایراشناسی در کشورهای آلمانی زبان (آلمان، اطریش، سویس)، نور، ش ۱۹۹۲/۲، ص ۷۴-۵۷.
- Frasheri Naim, Enderime(Shqiperi Vexhi Buhara ja), Tirane, 1996.
- Frasheri Naim, Fletore e bektasinjet, Bukuresht, 1896.
- Frasheri Naim, Qorbelaja, (Vepra 4), Prishtine, 1978.
- Frasheri Sami, Perhapja e islamzmit, Prizren, 1990.
- Frasheri Shemsuddin Sami- bej, Kamus al-a, lam, I-IV, Istanbul, 1306-1316/1889-1898.
- Fuzuli, Hadikaja ose kopshti i te persosurvet, Botimi i pare(Perkthyer nga Baba Rexhepi), Gjakove, 1997.
- گریچ دانکو، فرهنگ فلاسفه، زاگرب، ناپرید، ۱۹۶۸.

- گورویچ او، آموزش مردمی در ایران، مسکو، ۱۹۴۹.
- حاجی‌یاخیج دکتر محمد، اسلام و مسلمین دربوسنی و هرزگوین، ساریوو، استاریشنستوو جامعه اسلامی، ۱۹۷۷.
- حاجی‌یامکوویچ محمد، حیات و آثار الحامیه، ساریوو، القلم، ۱۹۹۱.
- حافظ دکتر نعمت‌الله، درباره زندگی و آثار شعر حاجی عمر لطفی پاتساریزیا، ویژه سالگرد آرشیو کوزوو VIII_IX (۱۹۷۳-۱۹۷۲)، پریشینا، ۱۹۷۵، ص ۸۷-۱۰۴.
- حافظویچ دکتر رشید، عقیده فلسفی - دینی عربی درباره کلمه، بموتوس زیتسا، ۱۹۹۵.
- خیام عمر، رباعیات (برگردان از فارسی و اشارات توسط دکتر فهم بایراکتاروویچ)، بلگراد، رچ و میساو، ۱۹۷۶.
- خیام عمر، رباعیات ترجمه از فارسی توسط میرزا صافوت، ساریوو، ولاستیتا ناکلادا، ۱۹۲۰.
- خیام عمر، رباعیات ترجمه از فارسی توسط میرزا صافوت. (گردآوری و سخن آخر توسط علیا بیتیچ)، زاگرب، ملادوست؛ ۱۹۵۴.
- حانجیچ محمد، کار ادبی مسلمانان بوسنی و هرزگوین، ساریوو، ۱۹۳۴.
- هارون عبدالسلام، المقام الوصیت، تهران (بدون تاریخ سال انتشار) حسنددیچ هیوزیا، میراث اسلامی در هرزگوین شرقی، ساریوو، القلم، ۱۹۹۰.
- هیتی فیلیپ، تاریخ اعراب از دیر زمان تا به امروز، ساریوو، وسلین ماسلشا، ۱۹۶۳.
- دایرةالمعارف کرواسی ۲۰۱، زاگرب، ۱۹۴۱.

هوکوویچ محمد، ادبیات هخامنشیان و خلاقان آن، سارایوو، اسویتلوس، ۱۹۸۶.

هوموحمز، رباعیات، گایرت، ۱۱، ش ۷ (۱/۴/۱۹۳۰)، ۱۲۲ صفحه (۱۴ رباعی ترجمه شده است).

Ibrahimi Nexhat, Suzi Prizrenasi, Prizren, 1990.

Ibrahimi Nexhat, Kontaktet e para te Islamit me popujt balkanik ne periudhen paraosmane, Shkup, Logos-a, 1997.

Imam Neveviu, Rijadus Salihin (version i مجموعاً ۶۴۶ صفحه) (shkurtuar), Shkup,

Urtesia, 1416/1995

عیسی کوویچ علیا، نبوغ - گلچین ادبیات اسلامی، زاگرب، استوارنوست، ۱۹۷۲.

عیسی کوویچ علیا، پیشگفتار بر کتاب "گلچین مقالات و رسالات بوسنایی قرن ۲۰"، ماک، ش ۱۷/۱۹۹۷، ص ۱۰-۶.

نویسندگان دایرةالمعارف اسلام، ۱۰-۱، استانبول، ۱۹۷۴-۱۹۴۵.

Islamic Revolution of Iran, second edition, Teheran, 1416/1996.

یانتس زاگورکا، مینیاتور اسلامی، بلغراد، پروسوتا، ۱۹۸۵.

یائوک پینهاک میلکا، معمای شرقشناسی بعنوان یک دانش، اوریتالیستیکا، لیوبلیانا، ش ۱/۱۹۷۵، ص ۱۹-۸.

یووانوویچ یووان ازما، آثار برگزیده، ج ۱۱ (عنوان: شاعر، فردوسی، ص ۲۲۴-۲۱۷)، بلغراد، ۱۹۳۵.

فرهنگ لغت ادبی یوگسلاوی، سوبوتیتسا، ۱۹۸۴.

Kaleshi Hasan, Kontributi i shiptareve ne diturite

islame, Prizren, 1411/1991.

کاتارجیچ محمد، علوم عینی نزد امت مسلمان، گایت، ۸،
(۱۶/۵/۱۹۲۴)، ص ۱۱۷-۱۱۹؛ ۹(۱/۶/۱۹۲۴)، ص ۱۳۵-۱۳۳.

کاپتانوویچ لیوبوشاک محمد بیگ، گنج شرقی، جزو ۱، ساریوو،
۱۸۹۶، و جزو ۲، ساریوو، ۱۸۹۷.

کاپتانوویچ لیوبوشاک محمد بیگ، گنج مردمی، ساریوو، ۱۸۸۸.

قاسم آ.، کتابشناسی ایران، تهران، ۱۹۷۰.

Korca Hfz. Ali, Rubaijjati-Katroret e Umer Khajjamit,
Tirane, 1942.

مروری کوتاه بر جمهوری اسلامی ایران، بلغراد، سفارت جمهوری
اسلامی ایران، ۱۹۸۷.

کرشولیا کوویچ حمدیا، کتابشناسی صافوت بیگ باشاگیچ، نووی بهار ۷،
۲۰-۱۹ (۱/۵/۱۹۳۴).

کریمسکی آ.، تاریخ پارس، مسکو، ۱۹۱۷.

فرهنگ و روابط فرهنگی، نور، بلغراد، ۱۷/۱۶-۱۶، ص ۴.

حکایات قرآن، گردآوری توسط عزیز قادربگوویچ، ساریوو، ریاست
جامعه اسلامی، ۱۹۹۰.

لگنهاوسن دکتر محمد، اسلام در امریکا، نور، ۴/۱۹۹۳، ص ۳۸-۳۵.

Les sept climats, Iran, (redaction: Dejan Bogdanovic-
Jean-Louis Bacque- Grammont), Paris, Institut national des langues
et civilisations orientales, 1972.

لوئیس برنارد و دیگران، جهان اسلام (دین، مردم، فرهنگ)، بلغراد،
یوگسلاونسکا رویا، ۱۹۷۹.

دایرةالمعارف کوچک پروسوتا ۱، بلگراد، ۱۹۷۳.

Masse Henri, Anthologie persane(XI-XIX siecles), Paris, Payot,1950.

مدرسه در نووی بازار: متون اخلاقی کتب قرائت، اخلاق برای سال دوم مدرسه، نووی بازار، ۱۹۹۳.

محروم محمد بیگ کاپتانوویچ - لیوبوشاک، انتظار مردم، ۲/۱۹۳۴، ساریوو، ۱۹۳۳، ص ۱۸۵-۱۸۲.

میلیچوویچ الکساندر، مقدمه کوتاهی بر ادبیات شرق: چینی، هندی، بابلی - آشوری، یهودی، مصری، عربی و فارسی، پوژاراتس، چاپخانه "یاداران"، ۱۹۳۵.

میتروویچ آنجلکا، فهم بایراکتاروویچ و عمر خیام، اورینتالیستیکا، ۷۰، بلگراد، ۱۹۹۷ ص ۸۳-۷۵.

میتروویچ آنجلکا، آثار علمی فهم بایراکتاروویچ، مونوگرافی، بلگراد، دانشکده ادبیات، ۱۹۹۶.

میتروویچ آنجلکا، ۷۰ سال بخش شرقشناسی، اورینتالیستیکا، ۷۰، بلگراد، دانشکده ادبیات، ۱۹۹۷، ص ۲۷-۲۱.

م.م. شریف، تاریخ فلسفه اسلامی، ۲۱، زاگرب، آئوگوست تسارتس، ۱۹۹۰.

محمد جواد صاحبی، یک ورق از تاریخ طبابت در تمدن اسلامی، نور، بلگراد، ش ۱۴/۱۹۹۷، ص ۱۴-۱۱.

Morina Irfan, Pristineli Mesih, Prishtina, Tan, 1987.

Moroco Roberto dela Roka, Kombesia dhe feja ne Shqiperi 1920-1944, Tirane,

Elena Gjika, 1994.

مطهری مرتضی، علل گرایش به مادیگری، بسلگراد، رایزنی فرهنگی وابسته به سفارت جمهوری اسلامی ایران در بلغراد، ۱۹۹۴.

مرادهوفمن، اسلام بعنوان آلترناتیو (برگردان از انگلیسی: بهیا ملا عثمانوویچ دورمیشویچ)، سارایوو، ۱۹۹۶.

مرسل سلیمان، لطیفه (فارسی)، گایرت ۸، ش ۱۴ (۱۶/۸/۱۹۲۴)، ص ۲۲۸.

مطهری دکتر مرتضی، Shkaqet e animet ndaj materializmit, Gjilan, Drita e jetes, 1997.

ناکیچویچ عمر، حسن کافیا پروشچاک پیشگام علوم عربی - اسلامی در بوسنی و هرزگوین، سارایوو، اوسلوبوچنیه، ۱۹۹۷.

نامتاک عبدالرحمن، محمد رشدی (شرح حال و متون)، سارایوو، اسویتلوست، ۱۹۸۱.

نامتاک علیا، سنگ قبر صافوت بیگ باشا گیچ، اوبزور (زاگرب)، LXXVI، ۲۳۲ (۱۹۳۵/۱۰/۸).

نصرالله بیات، تاثیر فرهنگ و زبان فارسی بر لهستان، نور، بلغراد، ش ۱۳/۱۹۹۷، ص ۵۵-۵۶.

نیشتوویچ هازما، علوم دینی برای کلاس دوم ابتدایی، سارایوو، ریاست جامعه اسلامی، ۱۹۹۶.

دایرةالمعارف جدید ووک کاراجیچ لاروس ۲۰۱، بلغراد، ۱۹۷۷-۷۸.

نوردین ویچ بیسرا، کتابشناسی شرق‌شناسی یوگسلاوی ۱۹۴۵-۱۹۱۸، سارایوو، انستیتو شرقی، ۱۹۸۶.

نوردین ویچ بیسرا، کتابشناسی شرق‌شناسی یوگسلاوی ۱۹۶۰-۱۹۴۵،

- سارایوو، انستیتو شرقی، ۱۹۶۸.
- نوردین ویچ بیسرا، کتابشناسی شرقشناسی یوگسلاوی ۱۹۶۵-۱۹۶۱، سارایوو، انستیتو شرقی، ۱۹۸۱.
- نوردین ویچ بیسرا، نگاهی به انتشارات انستیتو شرقی با فهرست مقالات آن، POF، سارایوو، XXV، ۱۹۷۹، ص ۹۷-۴۳.
- اوکیچ محمد تایب، حافظ، تاکی؟ بوسیدن... کاروان خوشبختی. در زمان جدایی (شعر شرقی)، گایرت، ۹، ش ۱۳ (۱۹۲۷/۷/۱).
- دایرةالمعارف عمومی یوگسلاوی مؤسسه واژه‌شناسی، ۳، زاگرب، ۱۹۷۷.
- اورانسکی ی.م.، زبانهای ایرانی، مسکو، ۱۹۶۳.
- عثمانو و.و.او، فردوسی، حیات و آثار، مسکو، ۱۹۵۹.
- دایرةالمعارف آموزشی، ۳، مسکو، ۱۹۶۶.
- فرهنگ لغت آموزشی ۱، بلغراد، ۱۹۶۷.
- Perla, reviste shkencore-kulturore, Tirane
nr.1/1996.,nr2-3/1997.
- Pertsch Wilhelm, Verzeichniss der persischen Handschriften der Koniglichen Bibliothek zu Berlin, Berlin, 1888.
- Pizzi Italo, Manuale di letteratura persiana, Milano, 1887.
- Pizzi Italo, Storia della poesia persiana, 1-2, Torino, 1894.
- Popvic Alexander, L'islam balkanique. Les muslimans du sud-est europeen dans la periode post-ottomane, Berlin, 1986.
- قصه‌های شرقی، (ترجمه: علیابیتچ - داستانهای عربی و ترکی، نجات سلیمان پاشیچ - داستانهای هندی و چینی)، زاگرب، ازنایه، ۱۹۶۲.

(داستاهای ایرانی در ص ۱۹۷-۱۴۹).

نخستین همایش دوستداران فرهنگ و ادبیات فارسی، نور، بلغراد، ش ۱۳/۱۹۹۷، ص ۱۵-۱۸.

رزمجو دکتر حسین، تاثیر فرهنگ اسلامی بر شکوفایی تمدن غرب، نور، بلغراد، ش ۱۶-۱۷/۱۹۹۸، ص ۳۲-۳۶.

فرهنگ لغت موضوعات ادبی، بلغراد، ۱۹۸۶.

رجب آگیچ یاشار، فرهنگ اسلامی - ایرانی و تاثیر زبان فارسی بر ما، بلغراد، رایزنی فرهنگی ایران در بلغراد، ۱۹۹۶.

Rexhepagic Jashar, Sami Frasheri dhe pedagogjia e Rilindjes Kombetare, Prishtine, Akademia e shkencave dhe e arteve e Kosoves, 1995.

ریاحی دکتر امین، زبان و ادبیات فارسی در قلمرو امپراطوری عثمانی، ۱۹۹۰.

ریزویچ دکتر محسن، شخصیت معاصر ما، اوگلدالو (زاگرب)، ش ۲/۱۹۹۰، ص ۵۳.

ریزویچ دکتر محسن، ادبیات اسلامی - بوسنایی در عصر رنسانس (۱۸۸۷-۱۹۱۸)، ساریوو، القلم، ۱۹۹۰.

Rossijskaja pedagogiceskaja enciklopedija, 1, Moskva, 1993.

Rumiu Xhelaluddin, Hazreti Mevlanaja, Mesnevia Pjesa e dyte, (Perthyysi Shejh

Jahjaja), Gjakove, 1997.

رومی جلال الدین، مثنوی، ماک (نووی بازار)، ش ۵-۶، ۱۹۹۴، ص ۴.

سعدی، مجله نور، بلغراد، ش ۴/۱۹۹۳، ص ۸۱-۸۶.

Saadi, Gjylistani dhe bostani (Perktheu Vexhi Buharaja), Tirane, 1989.

Saadi, Gjylistani a Trandafilishta (Perktheu: Ali Korca), Tirane, 1925.

سعدی شیرازی، گلستان (برگردان از فارسی: صالح علی تراکو)، ساریوو، ۱۹۸۹.

سعدی شیرازی، شیخ، گلستان، نور، ش ۱۹۹۶/۱۰، ص ۴۸-۴۳؛ ش ۱۹۹۶/۱۱، ص ۵۴-۴۹.

صفاذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، ۱، تهران، ۱۳۴۲/۱۹۶۳.

صافوت بیگ باشاگیچ، سلام (پریزن، ش ۱۹۹۷/۱۲، ص ۲۹-۲۸).

هفتصدمین سال وفات جلال الدین رومی شاعر و فیلسوف بزرگ اسلامی، گلاسینک ویس، ۱۷، ۱۹۵۳/۴-۱ (مجموعاً ۱۰۶ صفحه).

سیکیریچ دکتر شاجیر، دستور زبان فارسی، ساریوو، وسلین ماسلشا، ۱۹۵۲.

سیکیریچ شاجیر، سودی بعنوان مفسر گلستان سعدی، ضمیمه برای زبانشناسی شرقی و تاریخ و...، ۱، ساریوو، ۱۹۵۰، ص ۶۷-۵۷.

سیکیریچ دکتر شاجیر، یک نسخه خطی دیوان جامی، ضمیمه برای زبانشناسی شرقی، ۵، ۱۹۵۴-۵۵، ساریوو، ص ۳۲۱-۳۲۴.

سیکیریچ شاجیر، لاله زار فارسی، ساریوو، وسلین ماسلشا، ۱۹۵۵.

سیمئون ریکارد، فرهنگ لغت دایرةالمعارف اسامی زبانشناسی، II-I، زاگرب، ماتیتسا خرواتسکا، ۱۹۶۹.

سمپوزیوم پیرامون فرهنگ عربی - اسلامی (ساریوو، ۱۹-۱۸ می ۱۹۷۳)، ضمیمه برای زبانشناسی شرقی، XXIV ساریوو، ۱۹۷۶.

- اسکرلیچ - چوروویچ یلنا، عمر ختام و رباعیات وی، میساو، زاگرب، ج XXXVIII جزو ۸-۷، ص ۴۰۴-۳۸۵.
- اسکوک پتار، گسترده‌گی زبان عربی، دایرةالمعارف کرواتى ۱، زاگرب، ۱۹۴۱، ص ۵۵۵.
- اسماعیل آگیچ نرگس، فرهنگ کلاسیک اسلام، ۲، زاگرب، دفتر انتشاراتی یازو، ۱۹۷۶.
- اسماعیل آگیچ نرگس، فرهنگ کلاسیک اسلام ۱، ۲، زاگرب، ۴، ناکلادا، ۱۹۷۶-۱۹۷۳.
- اسماعیل آگیچ نرگس، فرهنگ کلاسیک اسلام ۱، ساریوو، ۱۹۷۳.
- اسماعیلویچ نرگس، لغتنامه اسلام، ساریوو، ۱۹۹۰.
- اسپاهیچ مصطفی، بیماریهای قلب و روح، توزلا، دفتر مفتی توزلا، ۱۹۹۵.
- اسپاهو فهمیم، خطهای عربی، فارسی و ترکی موزه کرواتى زمین در ساریوو، ساریوو، ۱۹۴۲.
- اسپاهو فهمیم، اشعار کلیسایى اسلوونی باستانی در شعر عربی، گلاسنیک زمالیسکوگ موردیا در بوسنی و هرزگوین، ساریوو، XLIII جزو ۲، ۱۹۳۱، ص ۹۱-۹۲.
- لغتنامه صربى - فارسی، بلغراد، سفارت جمهوری اسلامی ایران، ۱۹۹۰.
- استانویویچ است، دایرةالمعارف ملی صربى - کرواتى - اسلوونیایی، زاگرب، ۱۹۲۹-۱۹۲۷.
- شعبانویچ هازیم، "آینه" باشاگیچ، نارودنا اوزدانیتسا، ۱۰، تقویم سال ۱۹۴۲، ساریوو، ۱۹۴۱، ص ۱۸۷-۱۷۷.

- شعبانویچ دکتر هازیم، بایراکتارویچ فهیم، دایرةالمعارف یوگسلاوی (۱۹۵۵)، ص ۲۸۷-۲۸۶.
- شعبانویچ هازیم، باشاگیچ - رجپتشیچ صافوت بیگ (میرزا صافوت)، دایرةالمعارف یوگسلاوی (۱۹۵۵)، ص ۳۸۴.
- شعبانویچ هازیم، جلال الدین رومی، دایرةالمعارف کرواتى ۵، زاگرب، ۱۹۵۴، ص ۵۱۵.
- شعبانویچ دکتر هازیم، فراست و مردم. افکار صافوت بیگ باشاگیچ، خرواتسکی نارود، ۵، ۸۴۸ (۱۹۴۳/۱۱/۱)، ص ۴.
- شعبانویچ هازیم، ادبیات مسلمانان بوسنی و هرزگوین در زبانهای شرقی (کتبشناسی)، ساریوو، اسویتلوس، ۱۹۷۳.
- شعبانویچ هازیم، دکتر صافوت بیگ باشاگیچ (۱۹۳۴/۶/۹-۱۸۷۰/۵/۶)، الهدایه، ۷، ش ۱۰-۹ (۱۹۴۴/۴/۷)، ص ۲۷۹-۲۸۵.
- شعبانویچ هازیم، شرقشناسی و کرواتها: اهمیت مطالعه زبانهای شرقی از نظر علمی - تاریخی، فرهنگی و عملی، اسپرمنوست ۲، ش ۵۵ (۱۹۴۳/۳/۱۴)، ص ۸.
- شعبانویچ هازیم، شیخ سعدی، شاعر و فیلسوف بزرگ ایرانی، گایرت، ش ۱۹۳۸/۶، ص ۱۰۵-۱۰۳.
- شاهینویچ منیر اکرموو، شیخ فوزیا بلاگایاتس، شاعر فارسی زبان موستاری. دکتر میلیووی میرزا - مالیچ: "Bulbulstan du Shaikh Fewzi de Mostar, poete herzegovinien de langue persane"، اوبزور، زاگرب، LXXVI، ۸ (۱۹۳۶/۱/۱۱)، ص ۲.
- شریفویچ فاضل پاشا، دیوان (یادداشت و لغتنامه توسط: فهیم نامتاک)، ساریوو، اسویتلوس، ۱۹۸۱.

شیرازی شیخ سعدی (به عنوان "سعدس شیرازی" مراجعه شود).
 Sirinskji A.E., (درباره ایران ص ۱۰۰-۹۴), Moskva, 1977.
 Obrazovanje v razvivajuscihaja
 stranah

اشکال‌یچ عبدالله، توریسم در زبان صربی - کروات، ساریوو،
 اسویتلوس، ۱۹۸۵.

طباطبایی عالم محمد حسین، شیعه در اسلام، مترجم: میریانا عبدلی)،
 بلگراد، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۹۹۶.

طباطبایی سید محمد حسین، شیعه در اسلام (برگردان از انگلیسی: امیر
 ریجانوویچ)، زاگرب، مشیخت جامعه اسلامی، ۱۹۹۶.

طال کریم، تاثیر متقابل زبان، نور، بلگراد، ش ۱۹۹۶/۱۰، ص ۵۲-۴۹.
 تاناسکوویچ دارکو، شرق از کجا شروع می‌شود، ماک (نشریه)،
 نووی‌پازار، ش ۱۹۹۳-۹۴/۳-۲، ص ۸۰-۷۵.

تاناسکوویچ - شوپ، صوفیسم، بلگراد، ۱۹۸۱.

تصوف - مجموعه مقالات پیرامون تصوف اسلامی (زاگرب، ۱۹۸۸).

The poems of Hafiz, written by the calligrapher Mir
 Emad(AH1009/AD 1600).

توماس دبلیو. آرلند، تاریخ اسلام، (ترجمه از ترکی: درویش کورکول و
 نیازشوکرچ)، ساریوو، القلم، ۱۹۹۰.

تراکو صالح، کاتالوگ نسخه‌های فارسی انستیتو شرقشناسی در
 ساریوو، ساریوو، انستیتو شرقشناسی، ۱۹۹۰.

تراکو صالح، نخستین ترجمه گلستان سعدی به زبان صربی -
 کروات (به یاد هازیم شعبانوویچ)، ضمیمه برای زبان‌شناسی شرقی،

۷۳-۱۹۷۲، سارایوو، ۱۹۷۶، ص ۳۷۵-۳۶۹.

توچی جوزپ، تاریخ فلسفه هند، بلگراد، نولیت، ۱۹۸۲.

اولکیناکو حافظ علی، مولود شریف، تیتوگراد، Kryesia e BI، ۱۹۷۲.

تاثیر اسلام بر علوم و فرهنگ غرب (بدون نام مؤلف)، نور، بلگراد، ش ۱۸/۱۹۹۸، ص ۳۰-۲۸.

تحصیلات عالی در ایران، نشریه پرسیا (بلگراد)، ۱/۱۰/۱۹۹۸، ص ۳، ۱.

ولودر نصرت، کتاب قرائت برای سال سوم دبیرستان، سارایوو، ۱۹۹۶.

وویاکلیا میلان، لغتنامه واژه و اصطلاحات خارجی، بلگراد، ۱۹۶۱.

Zekaj Dr. Ramiz, Zhvillimi i Kultures islame te shqiptaret gjateshekullit XX, Tirane, Instituti shqiptar i mend imit dhe quteterimit islamik, 1997.

زورعابدیچ عمر، دیدار با دختر صافوت بیگ باشاگیچ، اوگلدالو (زاگرب)، ش ۲/۱۹۹۰، ص ۵۲.

فهرست اعلام

- آتلاگیچ، ۱۱۹
آثار علمی فهیم بایراکتارویچ، ۱۷۸
آرلند، ۲۲۶
آرنولد، ۳۲
آسوری، ۱۰۹
آسیا، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۲۲
۲۸، ۳۴، ۴۷، ۱۲۵
آسیایی، ۱۴، ۱۵، ۳۶، ۳۹، ۱۸۱
آشوری، ۲۱۹
آفریقای، ۱۵
آفریقای، ۳۴
آکارت آراس، ۴۵
آکسورد، ۱۴، ۱۴۴، ۱۴۵
آکوالی، ۶۲
آگسیچ، ۱، ۳۴، ۳۵، ۳۹، ۷۱، ۱۱۰
۱۶۵، ۱۶۶، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۲۲، ۲۲۴
آلبانی، ۱۱، ۱۳، ۳۸، ۴۰، ۴۱
۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۷، ۷۳
۷۸، ۸۹، ۹۰، ۱۴۱، ۱۶۱، ۱۸۶
۱۸۷، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۶
آلبانیایی، ۲۰، ۴۷، ۴۸، ۴۹
۵۰، ۸۶، ۹۰، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۸۶
۱۸۷، ۲۰۴، ۲۰۶
آلبانی تباران، ۹، ۴۷
آلمان، ۳۱، ۳۸، ۴۲، ۴۳، ۴۴
۴۵، ۴۶، ۱۵۵، ۱۹۴، ۲۱۵
آلمانی، ۲۴، ۲۵، ۳۱، ۳۷، ۳۸
۳۹، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۹۵، ۱۰۲
- ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۷۲
۱۷۳، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۱۵
آمریکا، ۳۵، ۳۶، ۱۴۰
آندریچ، ۱۸۴، ۲۰۷
آنکارا، ۳۱، ۶۵
ابراهیم بیگ، ۱۳۳
ابن سینا، ۲۶، ۲۸، ۳۷، ۴۱
۱۱۲، ۱۱۳، ۱۶۵، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۱۱
ابن عسکری، ۲۱۰
ابن فرشته، ۶۳
ابن کمال، ۸۱
ابن یمین، ۲۱، ۱۶۲
ابوبکر السیواسی، ۶۱
ابوریحان، ۲۸، ۲۹
ابوعلی بن سینا، ۲۰۷
ابوعلی سینا، ۲۵، ۶۸، ۱۱۲
اتریش، ۳۸، ۴۲، ۴۴، ۴۵
۱۲۴، ۱۳۴
اتریشی، ۴۵
احمد، ۳۹، ۴۵، ۵۵، ۵۶، ۶۲
۶۳، ۷۳، ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۲، ۸۳
۸۴، ۸۹، ۱۱۴
احمدی شریف، ۲۰۷
اخلاق ناصری، ۲۷
ادران، ۴۹، ۱۲۴، ۱۵۵
ارتدوکس، ۱۴۳، ۱۴۶
اردو، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۶
ارزروم، ۱۳۲

اسلاونی جنوبی، ۱۳۷	ارمنی، ۱۴۱، ۱۴۵
اسلاوی، ۱۸۷	اروپا، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴
اسلونها، ۹، ۱۰۸، ۱۸۲	۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷
اسلوننی، ۷۶، ۱۰۷، ۱۰۸	۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹
اسلوواک، ۲۱۴	۴۳، ۴۶، ۴۸، ۶۸، ۷۴، ۹۵، ۱۰۱
اسلوننی، ۱۷۱، ۱۷۲، ۲۰۱، ۲۲۴	۱۰۷، ۱۴۰، ۱۷۳، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۸
اسلوننیایی، ۲۰۰، ۲۲۴	۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۱
اسلیچویچ، ۱۸۴	۲۰۲، ۲۰۴، ۲۱۳
اسماعیل، ۶۵، ۶۶	اروپایی، ۱۸۶
اسماعیل آگیچ، ۳۴، ۳۵، ۳۹	ازبکی، ۱۲۲
اسماعیلویچ، ۳۹، ۲۱۳، ۲۲۴	اسپانیا، ۱۱، ۲۵، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۰
اسیح، ۱۶، ۱۷، ۱۰۵، ۱۱۰، ۲۱۴	۱۰۱، ۱۰۲، ۱۴۱، ۱۴۵
اسیخ، ۲۰۱	اسپاهیچ، ۱۲۵، ۲۱۳، ۲۲۴
اشروکات، ۳۱	استانبول، ۱۱، ۶۱، ۶۳، ۷۳
اشعارانتخابی، ۱۳۶	۷۵، ۷۷، ۷۸، ۸۱، ۸۳، ۸۸، ۸۹
اشعارپارسی، ۱۷۵	۱۸۲، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۱۷
اشکالچ، ۱۶، ۱۷۳، ۱۷۴	استانویویچ، ۱۳۶، ۲۲۴
۲۰۸، ۲۲۶	استرانیاک، ۸۷
اطریش، ۱۱۹، ۲۱۵	استوارانیه، ۱۷۷، ۲۰۹
اطریشی، ۱۱۹، ۱۲۰	استولاتس، ۸۷، ۸۸، ۱۱۹
اعراب، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۹	اسکلاواتاتس، ۳۷
۱۷۲، ۱۹۰، ۲۱۶	اسکوپیه، ۱۰، ۵۴، ۶۸، ۶۹
افریقایی، ۱۸۱	۸۲، ۹۱، ۱۸۲، ۲۰۸، ۲۱۴
افغانستان، ۱۱، ۱۴، ۴۸	اسلام، ۱۳، ۱۶، ۲۳، ۲۴، ۲۵
افغانی، ۲۰	۲۶، ۲۷، ۳۲، ۳۵، ۳۶، ۳۹، ۴۰، ۴۳
افکارواحساسات، ۱۳۶، ۱۴۷	۴۹، ۵۸، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۵
افکارواحساسات، ۱۴۱	۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۵۶، ۱۷۸
البشر، ۲۷	۱۸۳، ۱۸۸، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۵، ۲۰۸
الجزایر، ۱۸۸، ۱۹۴، ۱۹۷	۲۱۲، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۴
الجزایری، ۳۱، ۱۹۳	۲۲۶، ۲۲۷
الشییان، ۶۱	اسلاو، ۱۷، ۹۶، ۱۰۷، ۱۳۶
الغزالی، ۲۷، ۱۶۱، ۲۰۳، ۲۱۴	۱۸۳، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۵، ۱۹۶
امامی شافعی، ۲۱۰	اسلاو، ۴۸

- امری، ۶۶
 امریک، ۴۴
 امریکا، ۲۱۸، ۲۰۱، ۱۸۵، ۱۸۴
 امیر خسرو، ۳۱
 اندونزی، ۳۴
 انسیتوی شرق شناسی، ۵۷، ۶۰، ۶۱
 ۶۸، ۹۴، ۹۵، ۱۱۱
 انگلستان، ۲۰۱، ۴۰، ۳۸
 انگلیس، ۱۴۰
 انگلیسی، ۱۴، ۲۵، ۲۷، ۳۱، ۳۲
 ۳۳، ۳۴، ۳۹، ۱۰۱، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۷۳
 ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۹۷، ۲۰۷، ۲۲۰، ۲۲۶
 انوری، ۲۱، ۶۰، ۱۶۵، ۱۸۰، ۱۸۴
 ۱۹۲
 اوخريد، ۲۰۸، ۱۷۲
 اوراخوانس، ۲۰۰
 اورادمولوتی، ۸۲
 اوراهواتس، ۵۶
 اوراهواتس، ۶۸، ۷۰، ۷۲
 اوژیتسه، ۶۹
 اوستا، ۱۵، ۲۰، ۲۴، ۳۸
 اوکچ، ۲۲۱
 اوگلاوکا، ۹۳
 اولسنیتسکی، ۱۰۵، ۱۰۶
 اهمیت ایران از نظر موقعیت جغرافیایی آن، ۴۶
 اهورامزدا، ۳۷
 ایبرانوویچ، ۲۱۴
 ایبروواتس، ۱۰۴، ۱۹۲
 ایتالوپچی، ۴۱
 ایتالیا، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۱۰۱، ۱۰۲
 ۱۱۹، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۷۳، ۲۰۱
 ایرانیان، ۱۰، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷
- ۲۹، ۳۰، ۸۴، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸
 ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۵۵
 ۱۵۶، ۲۰۳
 ایگمان، ۱۵۱
 ایلچ، ۱۶۹، ۱۸۴
 ایموتسکو، ۱۰۱
 بانوزانی، ۴۱
 بابا، ۷۸
 بابلی، ۱۰۹، ۲۱۹
 بابینگر، ۳۸
 باچکا، ۱۹۶
 بارسلون، ۳۶
 باربیچ، ۱۲۶
 باشاگنج، ۱۵۴، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۲
 ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۸۷، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۷
 ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۳
 ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۷
 باشاگنج، ۸، ۱۷، ۵۵، ۷۶، ۷۷، ۸۵
 ۸۸، ۹۲، ۹۹، ۱۰۶، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۲۹
 ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶
 ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲
 ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸
 ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶
 ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲
 ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸
 ۱۶۹، ۱۸۵، ۱۸۶، ۲۱۰
 باشیچ، ۱۳۵
 باقی، ۳، ۲۸، ۶۶، ۹۱، ۱۶۱
 باکی، ۱۵۵
 بالکان، ۳، ۴، ۸، ۱۰، ۱۳، ۱۷، ۱۸
 ۲۰، ۲۲، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۶، ۴۷، ۵۷
 ۶۹، ۷۰، ۸۶، ۱۸۳، ۱۸۸، ۱۹۹، ۲۰۱
 بانیاووکا، ۵۸، ۷۷، ۱۷۲

- ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۱۴، ۱۷۶، ۲۰۱
 بلبلوویچ، ۱۸۴، ۲۱۲
 بلژیکی، ۳۶
 بلغارستان، ۱۱، ۳۸
 بلغارها، ۱۷۲
 بلغراد، ۱، ۵، ۹، ۱۱، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۸، ۴۲، ۴۷، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۳، ۸۰، ۸۵، ۹۵، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۵، ۱۴۶، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۲۷
 بلوچی، ۲۰
 بمبئی، ۱۵۵
 بن، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۱، ۳۳، ۳۷، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۶، ۸۷، ۱۳۸، ۱۶۵
 بنای آياصوفی، ۶۱
 بنایی، ۷۶
 بنگالی، ۳۱، ۳۴
 بنگلادش، ۱۱
 بوئنوس آیرس، ۳۶
 بویک، ۴۵
 بوداپست، ۷۶
 بودمی، ۱۳۲
 بوژوویچ، ۱۰۴
 بوسانسکوگ، ۱۹۶، ۲۰۸
 بوستان، ۵۰، ۶۵، ۷۴، ۷۹، ۸۱، ۸۶، ۹۵، ۹۷، ۱۱۴، ۱۲۶، ۱۶۰
 بوسنایها، ۲۱۰
 بایراکتاروویچ، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۲۵
 بایراکتاروویچ، ۸، ۱۷، ۳۱، ۳۲، ۵۵، ۸۰، ۸۵، ۹۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۸۵، ۱۸۹
 بایرامی قاسم، ۲۱۰
 بایزید، ۳۵، ۷۴، ۸۰، ۸۱، ۸۸، ۱۱۴، ۱۲۶، ۱۳۸، ۱۶۶، ۲۰۱، ۲۰۲
 بایزید آگج، ۱۶۵، ۱۹۸
 بایکوی، ۶۶
 بجیر، ۲۰۵، ۲۱۳
 برلن، ۳۱، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۹۵، ۱۰۷
 برلین، ۱۷۸
 برنارد، ۲۱۸
 بروکسل، ۱۸۷
 بریتانیای، ۳۶
 بزرگ علوی، ۴۳، ۴۴
 بشیرجاکا، ۹۸
 بغداد، ۱۱، ۷۴، ۱۳۲، ۱۴۲، ۱۴۳
 بکتاشی، ۴۹
 بکتاشیه، ۵۶
 بلاشکوویچ، ۲۱۲
 بلاگای، ۸۱
 بلاگایاتس، ۷۵، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۱۹۸، ۲۲۵
 بلاگایتسا، ۲۰۱
 بلاگاییتسا، ۷۵
 بلبلیستان، ۷۵، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۹۹

- بیرومی، ۲۰۳
بیرونی، ۲۸، ۲۹، ۲۱۱
بیزانس، ۱۱
بیگ، ۸، ۱۷، ۵۵، ۵۷، ۶۰، ۶۸، ۷۳، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۸۵، ۲۰۱
بیهاج، ۱۸۷
بیلوپولیاک، ۵۶، ۸۳
پاچاریزی، ۵۵، ۷۲
پارس، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۹، ۸۵، ۹۰، ۹۶، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۹۰، ۲۱۸
پارسی، ۸، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۹، ۴۷، ۵۶، ۵۷، ۷۰، ۷۷، ۷۹، ۸۴، ۱۰۰، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۷۸، ۱۷۷، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۸۰
پارسیان، ۱۰، ۱۹، ۲۴، ۹۷، ۱۷۲، ۱۷۹، ۲۱۴
پاریس، ۱۱، ۱۴، ۳۱، ۷۹، ۸۰، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۷۶، ۱۹۳
پازند، ۲۰
پاشا، ۵۳، ۵۵، ۵۷، ۶۶، ۶۸، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۷، ۸۸، ۹۹، ۱۲۶، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۶۴، ۱۶۶، ۲۰۱، ۲۲۵
پاشیج، ۵۵، ۸۴، ۹۶، ۱۵۴، ۲۲۱
پاکستان، ۱۱، ۳۴، ۳۵، ۴۸
پترووآدین، ۱۷۲
پتروویچ، ۱۰۱
پیج، ۷۰، ۸۲، ۸۸
چنیز، ۱۷۲
- بوسنایی، ۸۰، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۶۰، ۱۶۸، ۱۷۶، ۱۸۲، ۱۸۳، ۲۲۲
بوسناییها، ۲۱۱
بوسنی، ۱۱، ۱۷، ۳۲، ۳۶، ۳۸، ۴۷، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۶۶، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۸۶، ۸۸، ۹۱، ۹۴، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۲، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۱۰، ۲۱۶، ۲۲۰، ۲۲۴، ۲۲۵
بوسنیائی، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۴۸
بوسنیایی، ۵۷، ۷۵، ۷۸
بوشاتلیج، ۵۸، ۱۶۷، ۲۱۲
بوشنیاک، ۸۳، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۷
بوشنیاک‌رشد، ۵۶
بوشنیاکهای، ۱۵۹، ۲۰۰
بوشنیاکی، ۷۴، ۸۰، ۸۶، ۱۱۴، ۱۱۵، ۲۰۴، ۲۰۶
بوشنیاکی‌های، ۹
بوگدانوویچ، ۵۵، ۵۷، ۱۰۶، ۱۰۷، ۲۰۱
بولو، ۴۸
بولونی، ۱۴
بهارستان، ۵۰، ۸۸، ۹۵، ۱۶۱
بیتولی، ۱۰، ۷۷
بییتچ، ۹۶، ۱۳۸، ۱۷۷، ۲۱۱، ۲۱۶، ۲۲۱
بیدل، ۳۱
بی‌دوکاجینیا، ۲۰۱

تراکو، ۶۱، ۱۱۱، ۱۶۱، ۲۲۳، ۲۲۶	پراگ، ۱۸۳
تراونیک، ۵۸، ۲۱۴	پرشوو، ۹۱
تربینه، ۵۸، ۸۸، ۸۹	پروانویچ، ۸۸
تسُرک، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۴۳، ۶۶	پروسوتا، ۱۶۲، ۱۶۵، ۲۱۷، ۲۱۹
۷۶، ۸۱، ۸۵، ۸۸، ۹۷، ۱۰۵، ۱۳۷، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۷۸، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۸۸	پریزن، ۱۰، ۱۱، ۵۳، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۸، ۸۹
۲۰۲، ۱۹۴	۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۲۳
ترکان، ۱۵۵، ۱۵۶	پریشتینا، ۱۱، ۵۷، ۵۸، ۶۲، ۶۶
تسُرکی، ۹، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴	۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۹، ۱۱۲، ۲۱۶
۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۸، ۴۴، ۴۵، ۵۴	پلاگیچ، ۱۳۲
۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۲، ۶۳، ۶۴	پلاو، ۷۳، ۲۰۱
۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۳	پلون، ۱۷۲
۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۳، ۸۴، ۸۵	پلیه‌والیه، ۱۸۳
۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۴، ۹۶، ۱۰۵	پندنامه، ۶۰، ۶۴، ۷۰، ۹۵
۱۰۶، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲	پوبراتیم، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۶۲
۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۳۶	پوپویچ، ۱۰۳، ۱۸۴، ۱۹۲، ۱۹۳
۱۳۷، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۲	پودگورتسا، ۵۸، ۶۴
۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳	پوژارواتس، ۱۰۹، ۱۷۲، ۲۱۹
۱۸۴، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۰	پوماک، ۱۷۲
۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۱۳	پهلوی، ۱۵، ۱۸، ۲۰
۲۱۴، ۲۲۱، ۲۲۴، ۲۲۶	تاتاری، ۱۷۷، ۲۰۹
ترکیسم‌دربان صربی، ۱۷۳	تاثیر شرق بر گوته، ۱۷۲
تسُرکیه، ۱۶، ۳۵، ۳۸، ۴۷، ۱۱۹	تاجیکستان، ۱۱
۱۸۲، ۱۸۳، ۲۱۱	تاجیکستانی، ۱۱۳
ترنسکی، ۱۰۶	تاجیکی، ۲۱۱
تروفاندا، ۱۳۶، ۱۴۱، ۲۱۱	تاریخ ملل باستان، ۲۸
تروفاندی، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۹	تساناسکوویچ، ۵۷، ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۱۳
ترویلیکا، ۱۰۵	۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۸۹، ۲۱۰
ترویتسه، ۱۸۳	۲۲۶
تساوتات، ۱۸۳	تایلند، ۳۴
تشچیزاده، ۶۲	تنوا، ۲۱۴
تشکراعضای جسمانی و، ۷۲	تنروا، ۱۹۸
تعلیم فارسی، ۷۰	تحسینی، ۴۸، ۴۹

- تکیه خلوتیه، ۵۶
 توریش، ۱۷۲
 توزلا، ۶۹، ۸۴، ۲۰۷، ۲۲۴
 تهران، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۵۵، ۹۳، ۱۰۶، ۱۴۵، ۱۷۶، ۲۰۴، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۲۳
 تبیین‌کن، ۴۳
 تیتوگراد، ۱۷۷، ۲۲۷
 تیرانا، ۱۱، ۴۰، ۴۱، ۸۹، ۹۰، ۱۶۱، ۱۸۷، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۰
 ثابت، ۳۱، ۴۸، ۶۶، ۱۲۹
 ثابت، ۱۵۵
 جاکا، ۲۲، ۹۳، ۹۸، ۹۹، ۱۱۰، ۲۰۵، ۲۱۳
 جاکوویتسا، ۸۹
 جاکوویتسا، ۷۸
 جامی، ۲۱، ۳۱، ۳۹، ۵۰، ۵۱، ۶۰، ۶۸، ۸۱، ۹۱، ۹۲، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۲۷، ۱۳۸، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۸۰، ۱۹۲، ۲۰۴، ۲۲۳
 جعفرالفرامی، ۶۱
 جورج، ۱۸۷، ۲۱۴
 جوزپ، ۲۲۷
 جـوکانوویچ، ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۳، ۲۱۰، ۲۱۴
 جوگو حسین، ۲۱۴
 جونز، ۳۱
 جینجیچ، ۱۸۵
 چایی، ۴۸
 چاتج، ۸۴، ۲۱۳
 چازرمفردات، ۶۷
 چاوشویچ، ۱۲۶
 چتنیچ، ۲۰۷
 چرادین اسلام راپذیرفتم، ۱۰۲
 چریموویچ، ۲۰۷
 چک، ۴۶، ۴۷، ۶۲، ۶۳، ۸۲، ۸۸، ۱۰۶
 چویچ، ۱۷۷، ۱۸۲
 چوروویچ، ۱۸۵، ۲۲۴
 چوروویچ، ۱۲۰
 چوکیچ، ۲۱۲
 چولیچ، ۲۱۲
 چین، ۱۳، ۹۷
 چینی، ۱۳، ۹۶، ۱۰۹، ۲۱۹، ۲۲۱
 حاجیچ، ۱۳۴، ۱۶۵، ۲۱۳
 حازایی، ۱۷۳
 حاسب، ۶۶
 حافظ، ۴، ۲۱، ۲۴، ۳۷، ۳۹، ۵۰، ۵۱، ۶۰، ۶۶، ۶۷، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۹۱، ۹۵، ۱۰۴، ۱۳۱، ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۸۰، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۹۲، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۲۷
 حافظوویچ، ۲۱۶
 حانجیچ، ۲۱۶
 حدیکا یا، ۴۹
 حسنددیچ، ۲۱۶
 حسن صباح، ۱۴۳
 حسن کافیا پروشچاک، ۲۲۰
 حسین، ۳۳، ۵۷، ۶۵، ۶۶، ۸۷، ۱۱۰، ۱۲۵
 حسینوویچ، ۵۷
 حله منظومه، ۶۲

دکارت، ۲۷	حیکمت، ۱۵۵
دمشق، ۷۳، ۷۸	خاینه، ۱۴۶
دمیرای، ۴۸	خرابات، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۱
دمیریچ، ۲۱۳	۱۵۲، ۱۶۳
دوبراچا، ۶۰، ۶۱، ۱۱۱، ۲۱۳	خراسان، ۲۷، ۱۶۱
دوبرونیک، ۱۷۲، ۱۸۳	خرواتسکا، ۲۱۱، ۲۲۳
دوبرونیکها، ۱۷۲	خرواتسکی، ۲۲۵
دوراکوویچ، ۲۱۳	خسروشیرین، ۶۳
دوگوویچ، ۵۴، ۲۱۳	خلوتیه، ۴۹، ۵۶، ۶۸، ۶۹، ۲۰۰
دومیچ برانیسلاو، ۲۱۳	۲۰۵
دهلی، ۳۱	خلیفه‌الحاکم، ۳۹
دیدن آسمان، ۱۴۷	خوارزم، ۲۸
دیزداری، ۴۸، ۲۱۳	خیام، ۴، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۳۹، ۴۱
دیزیویچ، ۱۳۶	۵۰، ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۹۵، ۹۸، ۱۰۴
دیوان حافظ، ۶۶	۱۱۳، ۱۱۴، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷
ذاکانی، ۲۱	۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳
رادچ، ۱۰۱	۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۲
راسل، ۳۳	۱۵۳، ۱۵۴، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۷
ران لایمی، ۶۳	۱۷۲، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۰
رایموند، ۴۱	۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۲، ۱۹۷
رباعیات، ۲۱، ۲۴، ۵۰، ۸۵، ۸۶	۱۹۸، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱
۹۵، ۱۰۴، ۱۱۴، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۴۶	۲۱۳، ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۲۴
۱۵۳، ۱۵۴، ۱۶۷، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷	دارونی، ۶۶
۱۷۸، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۸	دانمارک، ۳۶
۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۴	دانمارکی، ۱۴۵
رباعیه، ۱۸۵	دیده‌آنکروی، ۶۵
رپوواس، ۱۲۵	درویش، ۳۲، ۵۵، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۷۴
رجب آگیچ، ۱، ۷۱، ۱۱۰	۷۵، ۷۶، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۸، ۹۱، ۹۸
رجب آگیچ یاشار، ۲۲۲	۹۹، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۳۸، ۱۶۶
رجب اشپیچ صفوت بیگ، ۲۱۱	درویش یاشا، ۱۶۵، ۱۶۶
رجپشیش، ۲۲۵	درویش پاشیچ، ۵۵
رز شیرازی، ۱۴۷	دری، ۲۱، ۱۲۱، ۱۴۳
رمجو، ۳۳، ۲۲۲	دقیقی، ۲۱، ۱۶۵، ۱۹۲

- ۱۴۰، ۱۴۷، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۶۲، ۱۶۵،
 ۱۶۹، ۱۷۷، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۹۶،
 ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۴،
 ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱،
 ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷
 زاگورکا، ۲۱۷
 زرتشت، ۲۵
 زکی، ۵۶
 زورعابدیج عمر، ۲۲۷
 زوریخ، ۳۶
 ژاپنی، ۱۴۱، ۱۴۵
 سارایوو، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۶، ۱۷، ۱۸،
 ۲۲، ۲۹، ۳۲، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۰،
 ۶۱، ۶۲، ۶۸، ۶۹، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶،
 ۷۷، ۷۸، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶،
 ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۸،
 ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱،
 ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳،
 ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰،
 ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷،
 ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۶، ۱۴۷،
 ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۸، ۱۶۰،
 ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶،
 ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۵،
 ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۷،
 ۱۹۵، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۶،
 ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲،
 ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹،
 ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵،
 ۲۲۶، ۲۲۷
 سارتن، ۳۳
 ساقی نامه، ۲۱۱
 سانسکریت، ۳۴
- رستم التواریخ، ۴۴
 رستم و سهراب، ۱۰۴، ۱۷۵، ۱۷۶،
 ۱۸۴، ۱۹۱
 رشدی، ۱۵۵، ۲۲۰
 رضوان بگوویج، ۸۷، ۸۸
 رعبه خیام، ۱۳۵
 رفاعیه، ۳۶
 رم، ۱۴، ۳۶
 رودکی، ۲۱، ۵۰، ۱۱۳، ۱۶۵، ۱۹۲،
 ۲۱۳
 روزای، ۵۳
 روزدیا، ۲۰۶
 روزدیه، ۷۰، ۸۴، ۸۹
 روسی، ۳۲، ۴۵، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۴۱،
 ۱۴۵، ۱۹۶، ۲۱۳
 روسیه، ۱۴
 روشنائی نامه، ۱۸۱
 روگاتیتسا، ۵۸
 رومانی، ۳۶، ۳۸، ۴۸
 رومر، ۴۴
 رسیج، ۸۹
 ریجانوویج، ۲۲۶
 ریـزویج، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۲۶،
 ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۶، ۱۶۰، ۱۶۹،
 ۲۲۲
 ریکارد، ۲۲۳
 زاداریها، ۱۷۲
 زاکانی، ۱۷۷
 زاگـرب، ۹، ۱۱، ۱۴، ۱۷، ۲۰، ۲۳،
 ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۵، ۳۹، ۵۳، ۵۴، ۵۵،
 ۶۸، ۷۶، ۷۸، ۹۱، ۹۲، ۹۶، ۹۸، ۱۰۵،
 ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۲۵، ۱۳۱، ۱۳۲،
 ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۳۹

سورینام، ۳۶	سیحانی، ۴۵
سوریه، ۱۲۷، ۱۸۰	سبهاات‌الایران، ۶۷
سوزی، ۷۲	سپاهو، ۶۰، ۱۱۱، ۲۲۴
سوشاک، ۹۹، ۱۰۱	سخانامه، ۷۶
سوگدیایی، ۲۰	سرنامه، ۶۸
سوودوله، ۷۰	سروری، ۶۶، ۶۷، ۸۸
سویس، ۲۱۵	سعادت‌نامه، ۶۴، ۱۸۱
سهروردی، ۲۵	سعدی، ۴، ۲۱، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۵۰، ۶۰، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۹، ۸۱، ۸۵، ۸۶، ۹۱، ۹۲، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۱۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۸، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۹۲، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۶
سیکیریچ، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۰۹، ۱۲۶، ۱۷۳، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۲۳	سعدیه، ۷۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱
سیگت، ۱۳۲	سعدیه و خلوتیه، ۴۹
شائب، ۶۶	سفرنامه، ۳۹، ۱۸۱، ۱۹۶
شاپلو، ۴۸	سلانیک، ۶۶
شارن‌کاپیچ، ۱۱۲	سلچوک‌ویچ، ۱۶۲
شامی، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۱۹۹	سلطان سلیم دوم، ۳۵
شاهنامه، ۲۱، ۵۰، ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۴، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱	سلیم، ۳۵، ۶۶، ۷۳
۲۱۵، ۲۱۳، ۲۰۹، ۱۹۸	سنائی، ۳۱، ۱۸۰
شاهنامه، ۲۱، ۲۲، ۳۷، ۳۸، ۴۱، ۹۹، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۶۱، ۱۷۵	سنایی، ۵۱، ۶۶، ۶۷، ۷۷، ۷۸، ۹۰
شاهینوویچ، ۵۴، ۵۵، ۷۹	۱۲۰، ۱۲۱، ۱۶۰
شاهینوویچ، ۲۲۵	سنبلستان، ۸۱
شرح تحفه، ۶۲	سَنجاک، ۴۶، ۵۳، ۵۶، ۱۲۸، ۲۰۰
شرح دیوان حافظ، ۶۷	۲۰۲
شرح سبهاات‌الایران، ۶۷	سنگاپور، ۱۱
شرح گلستان، ۶۵، ۶۶	سوئد، ۳۶
شریف‌ویچ، ۸۲	سوئیس، ۳۶، ۴۲
شریف‌ویچ، ۱۹۸	سوددی، ۵۵، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۹۲، ۹۹، ۱۶۵، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱
شریف‌ویچ، ۲۲۵	۲۲۳
شهبانوویچ، ۸۰، ۸۶، ۹۱، ۱۰۹	
۲۲۶، ۲۲۵	
شهبانوویچ، ۷۴، ۷۵، ۷۸، ۸۱، ۸۳	
۲۲۵، ۲۲۴، ۸۶	

- شمسی، ۶۱، ۶۶
 شوتریقی، ۴۸
 شوکت، ۶۶
 شهیدمولوی، ۶۲
 شهیدی، ۶۲
 شیخ ابراهیم، ۷۸
 شیخ جامیل شهو، ۸۹
 شیخ سجده، ۸۱
 شیخ مالیا، ۷۲
 شیخ محرم میتروویتسا، ۸۹
 شیخ میتروویتسا، ۸۹، ۹۱
 شیخ یویو، ۵۶
 شیراز، ۴۰، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۷۴، ۸۹، ۱۱۴، ۱۳۸، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۶۰، ۲۲۳، ۲۲۶
 شیمل، ۳۱
 صائب، ۱۵۵، ۱۶۲
 صاحبی، ۲۱۹
 صافت بیگ باشاگیج، ۸
 صافوت بیگ، ۲۱۸
 صالح تراکو، ۶۱
 صرب، ۵۷، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۱۱، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۹۶، ۲۰۰
 صربستان، ۳۲، ۵۳، ۵۵، ۶۸، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۷۶، ۱۹۴، ۱۹۶، ۲۰۸، ۲۰۹
 صربها، ۹، ۵۷، ۱۷۲، ۲۰۱
 صربی، ۲۲، ۲۴، ۳۲، ۳۹، ۶۹، ۷۶، ۸۳، ۸۵، ۸۶، ۹۶، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۸، ۱۵۴، ۱۶۱، ۱۷۳، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۹، ۱۹۳، ۲۰۰، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۰۸
 صربها، ۱۲۷
 صفادبیح الله، ۲۲۳
 صفوت بیگ، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۳
 صفوت بیگ، ۲۱۰، ۲۱۱
 صومعه، ۶۸
 صومعه اسوتی، ۱۸۳
 طباطبایی، ۲۲۶
 طریقت درویشان شیعه در ایران، ۴۵
 طوس، ۱۶۱
 طومار، ۶۹، ۲۰۰
 عاجیزه بابا، ۱۹۸
 عاجیزه بابو، ۲۰۱
 عارفانه، ۷۹
 عبدالقادر عیسی، ۲۰۷
 عبدالکاظم، ۱۴۳
 عبری، ۵۴
 عثمانی، ۳، ۱۶، ۳۴، ۴۶، ۴۷، ۵۶، ۶۹، ۷۲، ۷۸، ۸۱، ۸۶، ۸۷، ۱۷۴، ۱۹۹، ۲۲۲
 عجیزه، ۷۸
 عجیزه بابا، ۷۸
 عراق، ۷۶، ۱۸۰
 عرب، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۷، ۳۳، ۳۹، ۶۶، ۸۵، ۱۰۵، ۱۲۲، ۱۳۷، ۱۶۱، ۱۷۸، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۴، ۱۹۶، ۲۰۲، ۲۱۱
 عرفی، ۶۶، ۱۵۵
 عزیمی زاده، ۶۶
 عطار، ۸، ۳۹، ۵۱، ۶۰، ۶۴، ۹۱، ۹۵، ۱۲۷، ۱۸۰، ۱۹۲، ۲۰۴
 علوی، ۴۳، ۴۴، ۶۶
 علی، ۲۳، ۲۵، ۴۰، ۶۵، ۶۶، ۷۸، ۸۰، ۸۷، ۹۱، ۹۶، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۶۱، ۱۶۲، ۲۲۷
 علیا تاسیم، ۲۰۷

- فرقه نقشبندیه، ۶۴
فرهنگ اسلامی، ۷۰
فصول، ۲۸
فضلیچ، ۲۱۵
فکته، ۱۷۴، ۱۷۵
فلسطین، ۱۸۰
فوجه، ۱۱۹
فوزیا بلگایاتس، ۱۸۴
فونیتسه، ۵۸، ۶۴
فونینچانین، ۶۳
فهم بیراکتارویچ، ۸
فهم سپاهو، ۶۰
فیجرالد، ۱۷۸، ۱۸۷، ۲۰۹
فیژرالد، ۱۴۵
فیلیپویچ، ۲۱۵
قآنی، ۱۵۵
قادر بگوویچ، ۲۱۸
قادسیه، ۱۹۰
قاضی خسرویگ، ۵۷
قانون، ۲۳، ۲۶، ۶۸، ۲۰۰
قاهره، ۱۸۱
قرطبه، ۳۹
قصه‌های خاور، ۹۶
قصه‌های شرق، ۹۷
قصه‌های کودکان، ۱۰۲
کاپتانوویچ، ۵۵، ۸۴، ۸۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۱۹، ۲۱۸
کاپتانویچ، ۸، ۱۲۳
کاپوسینسکی، ۳۷
کاپیتانویچ، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴
کاپیجیچ، ۱۲۰
کاتب، ۵۸، ۶۳، ۶۵، ۶۶
علی اصفهانی، ۶۰
علی بن ابی طالب، ۲۰۷
علی دد، ۱۹۸
علی سینا، ۶۸، ۱۱۲، ۲۰۰
علی کورچا، ۵۰
عمراسپاهیچ، ۲۱۳
عنصری، ۲۱
عیسا کوویچ، ۷۸، ۸۰، ۱۱۴
عیسا کوویچ، ۱۱۴
غزالی، ۲۷، ۲۸، ۸۵، ۱۶۲، ۲۱۴
غزنه، ۳۱
فانض، ۶۶
فانودی، ۶۶
فارس، ۶۶، ۱۰۸، ۱۲۲، ۱۳۷، ۱۴۹
فتاحاگیچ، ۸۹
فخرالدین رازی، ۲۶
فخری، ۲۶
فراشری، ۴۸، ۴۹، ۵۰
فرانسوی، ۱۵، ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۹، ۴۱، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۷۳، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۹۷، ۲۰۴
فرانسه، ۲۵، ۲۷، ۳۸، ۴۰، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۴۵، ۱۸۵، ۱۹۱، ۱۹۴، ۲۰۱
فرانگر، ۴۲، ۴۳، ۲۱۵
فرای ریچارد، ۲۱۵
فردوسی، ۴، ۲۱، ۲۲، ۲۸، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۵۰، ۵۱، ۸۵، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۴۸، ۱۵۲، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۴، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۲۱
فرقه خلوتیه، ۲۰۰

- کادیچ، ۵۶
 کاراجیچ، ۱۸۴، ۲۲۰
 کاریچ، ۲۱۴
 کازان، ۱۵۵
 کاستراتی، ۴۸
 کاستیلی، ۱۰۱
 کافی، ۲۳، ۴۹، ۶۶
 کانتارجیچ، ۲۹، ۲۱۸
 کپتانویچ، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶
 ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۶
 کتابخانه رچ و میساو، ۱۸۵
 کتابخانه قاضی خسرو، ۸۷
 کتابخانه قاضی خسرو بیگ، ۶۸، ۲۰۷
 ۲۱۳
 کتابخانه مدرسه علاءالدین، ۵۷، ۶۸
 کتابخانه مدرسه محمد، ۵۷، ۶۸
 کتابخانه موقوفه، ۶۸
 کراکوف، ۳۷
 کرامبلیش، ۴۵
 کرخیچ، ۱۱۹
 کردی، ۲۰
 کرشلیا کوویچ، ۱۰۵
 کرشولیا کوویچ، ۲۱۸
 کروات، ۵۷، ۱۰۱، ۱۳۵، ۲۰۰
 کرواتها، ۹، ۹۱، ۲۱۱، ۲۲۵
 کرواتسی، ۱۶، ۱۷، ۲۴، ۶۰، ۷۶، ۸۶
 ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۶۱
 ۱۷۳، ۲۰۰، ۲۰۸، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶
 کرواتسی، ۱۱، ۱۶، ۵۷، ۶۸، ۹۱
 ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶
 ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۷۲، ۲۰۱
 ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۱۶
 کرواتسیها، ۱۲۷
 کروشیواتس، ۹۹
 کرلیما، ۱۴۷
 کلکته، ۱۵۵
 کمال آتاتورک، ۹۱
 کوآلسکی، ۳۷
 کورتسا، ۱۶۱، ۱۸۶، ۱۸۷
 کورینا، ۳۶
 کوزوو، ۳۶، ۴۶، ۵۳، ۵۶، ۶۹، ۷۲
 ۷۳، ۸۶، ۸۸، ۹۰، ۱۲۸، ۱۷۶، ۱۷۷
 ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۶
 کوستیچ، ۱۸۴
 کوسوسکامیتروویتسا، ۷۰، ۸۹
 کوکولیا، ۱۸۴
 کونیتسا، ۴۸
 کوویچ علیا، ۲۱۷
 گائورونسکی، ۳۷
 گارودی، ۳۱
 گالات، ۶۵، ۸۱
 گایرت، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۵۳، ۱۵۴
 ۱۶۲، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۷
 ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۵
 گته، ۱۴۶، ۱۵۵، ۱۷۷، ۱۸۲، ۱۸۳
 ۲۰۹
 گجراتی، ۳۴
 گرلیچ، ۲۳
 گرویفند، ۴۳
 گلاسیر، ۱۰۷، ۱۰۸، ۲۰۱
 گلستان، ۳۷، ۶۵، ۶۶، ۷۳، ۸۱، ۸۶
 ۹۷، ۱۶۱
 گلستان، ۵۰، ۶۰، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۶۸
 ۷۰، ۷۵، ۷۹، ۸۸، ۹۲، ۹۵، ۹۷، ۱۰۰
 ۱۱۴، ۱۲۶، ۱۶۰، ۲۰۰، ۲۲۳، ۲۲۶
 گلستان و پستان، ۱۹۹

- گلستان و بوستان، ۵۰
گل عمامی جنوبی، ۱۴۷
گنج مردمی، ۱۲۱
گنجه، ۶۴، ۳۱
گنجه شرق، ۸۴
گنجه ملی، ۸۴
گنیلان، ۹۱
گوته، ۱۴۸
گوتینگن، ۴۴، ۴۳، ۴۲
گورنی واکوف، ۸۳
گیلام، ۳۲
لاتینی، ۱۰، ۲۶، ۳۱، ۳۹، ۱۲۱
لاری، ۷۳
لامی، ۶۶، ۶۳، ۶۲
لطفی، ۶۶، ۷۲، ۲۱۶
لطفی بیک، ۱۳۲
لقمان حکیم، ۹۸
لندن، ۳۶، ۱۷۱
لندنی، ۱۹۰
لهستان، ۳۷، ۴۰، ۲۰۱، ۲۲۰
لهستانی، ۳۷، ۳۸
لیتس، ۴۴
لیوبلیانا، ۹، ۵۳، ۵۴، ۲۱۷
لیوبوشاک، ۸، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷
لیوشکی، ۱۰۵، ۲۱۹، ۲۱۸، ۱۹۸
لیونا، ۱۱۹
مادرید، ۳۶
ماراش، ۸۹
ماربورگ، ۴۳، ۴۶
مارینکوویچ، ۱۱۲
مالزی، ۳۴
- مالیج، ۷۹، ۸۰، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۷۶، ۱۸۴، ۲۰۱، ۲۰۸، ۲۲۵
متراکچی، ۷۶
مثنوی، ۲۴، ۶۵، ۷۳، ۷۵، ۸۱، ۸۲، ۸۶، ۸۸، ۹۵، ۱۱۳، ۱۲۶، ۱۳۲، ۱۶۳، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۲۲
مجارستان، ۱۱، ۳۶، ۱۲۴
مجاری، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۴۵، ۱۷۳
محمد، ۱۸، ۲۷، ۲۹، ۳۲، ۳۶، ۵۶، ۵۷، ۶۴، ۶۶، ۶۸، ۷۳، ۷۷، ۷۸، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۷، ۱۰۰، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۸، ۱۴۶، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۶۲، ۲۰۷، ۲۲۰
محمدافندی، ۶۲
محمدبیک کاپتانویچ، ۸
محمدجلالدین گرد، ۱۲۵
محمدی، ۱۲۳
مرادنامه، ۷۶
مرحیج، ۱۲۶
مرسل سلیمان، ۲۲۰
مزدایی، ۲۴، ۲۵
مسکو، ۱۵، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۱۸
مسلمان، ۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۵۵، ۱۰۲، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۴۴، ۱۵۲، ۱۶۰، ۲۱۸
مسلمانان، ۲۰، ۳۵، ۳۶، ۴۲، ۵۳، ۷۱، ۷۴، ۷۵، ۷۸، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۸۶، ۹۱، ۹۴، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۷۲، ۱۸۳

مونخ، ۳۸	۲۰۰، ۲۰۲، ۲۱۶، ۲۲۵
مونيف، ۶۶	مشهد، ۱۶۱
موياشويج، ۱۹۲	مشيچ، ۲۰۷
مهرداد، ۴۵	مصر، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۳۲، ۳۳، ۱۱۹،
ميترويتسا، ۷۰، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۲۰۱	۱۵۰، ۱۵۶، ۱۶۱، ۱۸۰، ۱۹۴، ۲۱۹
ميترويج، ۱۰۵، ۱۷۸، ۱۷۹، ۲۱۹	مصری، ۱۰۹
ميترويتسا، ۵۰	مصطفی بوشنيک، ۸۳
ميتسکويج، ۳۷	مطهری، ۲۲۰
ميدريزي، ۴۸	مطهری مرتضی، ۲۲۰
ميرزا، ۷۹، ۸۵، ۱۰۰، ۱۳۳، ۱۳۶،	مُعيدويج، ۸۳
۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۴۶،	مقدونيه، ۱۱، ۴۶، ۵۳، ۵۵، ۵۶،
۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴،	۶۸، ۹۱، ۱۰۷، ۱۷۲، ۲۰۲
۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴،	مقدونيه‌ها، ۹
۱۶۷، ۱۷۷، ۱۸۴، ۱۸۵، ۲۰۱، ۲۱۰،	مکه، ۱۸۰، ۲۰۷
۲۲۵	ملاعثمانويج دورميشويج، ۲۲۰
ميرزاتروفاند، ۱۴۷	ملاميہ، ۵۶، ۲۰۵
ميرزاصفوت، ۲۱۶، ۲۲۵	ملانصرالدين، ۱۸۲
ميرزاصفوت، ۱۳۵، ۱۴۱، ۱۴۲،	منارزاده، ۵۶، ۷۳
۲۱۰، ۲۱۱	منطق عطار، ۶۴
ميرزاصفوت بيگ، ۲۱۰	منوچهری، ۲۱
ميرياناعبدلی، ۲۲۶	مورنس، ۴۳
ميليچويج، ۲۱۹	موزه زمایلسکی کوستوس، ۱۳۵
ميليچويج، ۱۰۹	موسستار، ۱۰، ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۶۲، ۶۵،
مؤذنويج، ۸۷	۶۸، ۶۹، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۷۹، ۸۰، ۸۱،
ناپل، ۴۱	۸۷، ۹۹، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۶،
ناجی، ۷۴	۱۳۳، ۱۳۵، ۱۶۵، ۱۷۲، ۱۷۶، ۱۸۴،
ناصرخسرو، ۲۱، ۱۶۵، ۱۸۰، ۱۸۱،	۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۱۴، ۲۲۵
ناکيجويج، ۲۲۰	موشيچ، ۹۳، ۹۴
نامتاک عبدالرحمن، ۲۲۰	موفاک، ۱۴۳
نامتاک عليا، ۲۲۰	موگوچنوست، ۱۷۲، ۱۸۲
نبی، ۱۵۵	مولانامصطفی شامي، ۶۴
نجاتی، ۴۵، ۱۷۱	مسولويه، ۴۹، ۵۶، ۶۵، ۷۶، ۸۱، ۸۲،
نخجواني، ۶۰	۱۱۳، ۲۰۵

- ندیم، ۶۶، ۱۵۵
 نیکسی، ۷۷، ۱۶۶
 نصیرالدین طوسی، ۲۷
 نظامی، ۱۸، ۲۱، ۳۱، ۳۹، ۴۱، ۶۰، ۶۴، ۱۳۸، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۶۳، ۱۸۰، ۱۹۲
 نظمی، ۶۶
 نظیری، ۶۶
 نعمت‌الله، ۶۳، ۷۲، ۲۱۶
 نعمت‌الله احمد مبارک، ۶۳
 نعمت‌اللهی، ۳۶
 نفی، ۶۷
 نقشبندی، ۳۶
 نگارستان، ۸۱
 نوردین ویچ، ۲۲۰، ۲۲۱
 نویسنیا، ۸۵
 نویسنیه، ۱۹۸
 نولی، ۴۸، ۵۰، ۱۸۶، ۱۸۷
 نووی بازار، ۵۶، ۷۳، ۷۷، ۸۰، ۸۴، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۲۰۷، ۲۱۹، ۲۲۲
 نووی ساد، ۱۰۶
 نیازشو کریچ، ۲۲۶
 نیش، ۱۷۲
 نیشابور، ۱۴۲، ۱۴۳
 نیشابوری، ۶۴، ۱۴۴، ۱۸۴
 نیشوویچ، ۲۲۰
 نیکلسون، ۳۲
 نیمایوشیچ، ۳۳
 وارنا، ۱۷۲
 واژه‌نامه، ۱۷، ۲۴، ۳۸، ۴۳، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۲، ۶۳، ۱۱۰
 وجهی بخارایی، ۵۰
 وحدتی، ۲۱۰
 ورشو، ۳۷
 وسلین ماسلشا، ۲۲۳
 وطواط، ۱۶۲
 ولتر، ۳۲
 ولف، ۳۸
 ولودر، ۲۲۷
 ووچیترن، ۷۰، ۷۳
 ویتینا، ۱۱۹
 ویل دورانت، ۳۳
 ویسن، ۲۸، ۴۳، ۴۵، ۶۹، ۷۸، ۱۰۷، ۱۱۴، ۱۳۳، ۱۷۱، ۱۸۶، ۱۸۷
 هامبورگ، ۴۳
 هامر، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۵
 هانری کورین، ۳۳
 هانری ماسه، ۳۱، ۱۰۱
 هانس والتر، ۱۷۸
 هانوزینسکی، ۳۷
 هاینه، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۴۸
 هجونا مه، ۱۷۷، ۲۰۹
 هرات، ۲۶، ۳۱، ۱۶۲
 هرتسگووین، ۱۶۶
 هرتسگووینی، ۱۶۰
 هرتسگووین، ۲۱۱
 هرتسگوینها، ۲۱۰
 هرتسگوینها، ۲۱۱
 هرزگووینی، ۱۶۰
 هرزگووین، ۱۱، ۱۷، ۳۶، ۳۸، ۷۴، ۷۵، ۷۸، ۸۱، ۸۳، ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۹۱، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۵۹، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۲، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۱۰

یونکرد، ۴۳	۲۲۵، ۲۲۴، ۲۲۰، ۲۱۶
یوانوویچ، ۵۷، ۱۸۴، ۲۰۱، ۲۱۷	هرزگوینی، ۸۸، ۹۹، ۱۱۵
یهودی، ۱۰۹، ۱۵۲، ۲۱۹	هرسکیلی، ۸۸
تسـرکها، ۳، ۹، ۱۶، ۱۷، ۲۴، ۲۹، ۸۴	هرومیچ، ۸۷
۸۶، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۵	هلند، ۳۶
۱۳۶، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۸۳، ۱۹۹، ۲۰۰	هـنـد، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۲۰، ۲۴
۲۱۲	۲۶، ۲۸، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۴۳
رومسی، ۷، ۲۴، ۳۹، ۵۱، ۶۰، ۶۳	۴۸، ۵۷، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۱۰۷، ۱۶۸
۶۵، ۷۶، ۸۲، ۸۶، ۹۱، ۱۱۳، ۱۲۶	۲۰۱، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۷
۱۲۷، ۱۳۲، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۸۰	هندی، ۱۰۹
۱۹۲، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۲۲، ۲۲۳	هتری ماسه، ۱۹۱، ۲۰۸
۲۲۵	هتری ماسه، ۱۹۷
میرزا صفوت، ۱۳۲، ۱۳۴	هوفمن، ۲۲۰
نوسینا، ۱۳۲	هوکوویچ، ۲۱۷
هاینریخ شیدر، ۴۴	هومو حمزه، ۲۱۷
	هیتی فلیپ، ۲۱۶
	هیتس، ۴۴
	یاخیج، ۱۲۶، ۲۱۶
	یامکوویچ، ۲۱۶
	یحیی، ۶۶، ۷۳، ۱۶۳، ۲۰۱
	یدرنه، ۶۴
	یعقوب سیدعلی، ۶۵
	ینسین، ۹۵
	یوانوویچ ازما، ۱۰۲
	یوانوویچ، ۱۲۳
	یوروک، ۱۷۲
	یوژنا صربیا، ۲۱۴
	یوگسلاو، ۱۱، ۳۲، ۵۳، ۵۵، ۹۳
	۱۱۰، ۱۳۴، ۱۷۹
	یوگسلاوی، ۸، ۷۰، ۱۸۳
	یونان، ۱۱، ۲۳
	یونانی، ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۴۸، ۵۹، ۶۱
	۲۰۵

